

۴۳۷

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۱۹ تا ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۰۳

ظلم و ستم کافیه

لزوم پیوستن اصناف
به اعتراضات مردمی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۹۰۳ (۴۳۷)

جمعه ۱۹ تا ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۲

۱۰ تا ۱۶ نوامبر ۲۰۲۳



مژده به هم میمانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودید
می توانید چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایید
نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پیلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی



اندرو اسکات کوپر
ترجمه رضا قتی زاده

آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیان)

برای نخستین بار ایجاد گسترده «صور نظامی و تاکتیک های «حالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از نظر این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. خلاصه‌ای می توانست این کتاب را مستقیماً از طریق ناس با کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ilex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

درگذشت

با کمال تأسف و تأثر با خبر شدیم

آقای محمد خاکی پور

دوست گرامی و ارجمندمان، چشم از جهان فرو بسته است.

کیهان لندن، فقدان این دوست مهربان و صمیمی را به همسر نازنین و فرزندان برومندش صمیمانه تسلیت می گوید.

نازنین انصاری، لعبت والا، امیر طاهری، منوچهر دستوری، منصوره پیرنیا، دکتر ناصر رحیمی و خانواده، فربرز شاهرخی، محمد رضاحمیدی، بهمن چهاردهی، توفیق ممتاز، محمد ابراهیم شیرازی، احمد وحدت خواه، محمد رضا رزاقی، کیلدا وزیر دفتری.

کیمهان

فهرست مطالب**

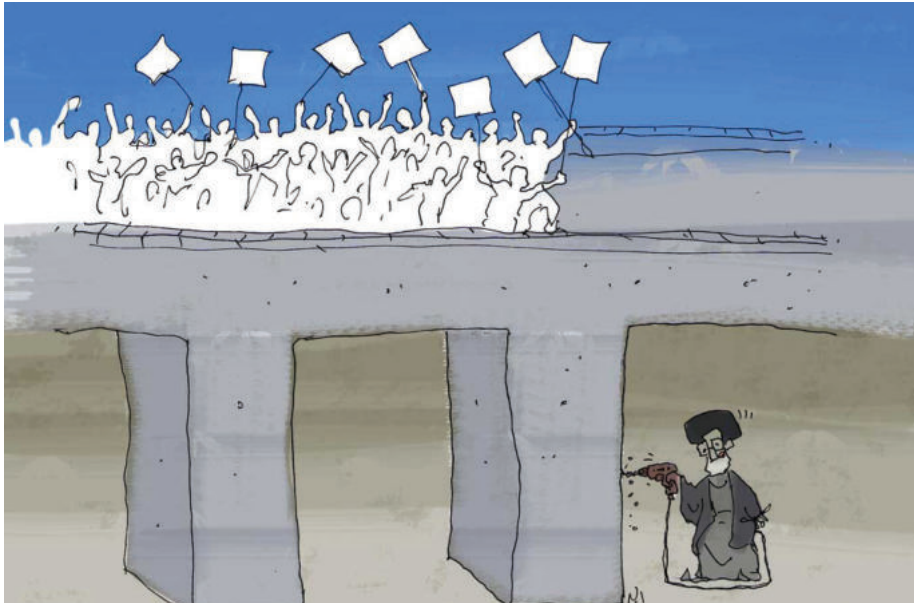
۴ مقاله- ملی گرایی و دموکراسی علیه اسلامگرایی / الاهی بقرات
۴-۵ لزوم پیوستن اصناف به اعتراضات مردمی... / روشنک آسترکی
۶-۷ شاهزاده رضا پهلوی: منشاء اسلامگرایی افراطی رژیم ایران است... /
۷ معاون سیاسی سپاه پاسداران: بازداشتی‌ها می‌گفتند دوست داریم جمهوری... /
۸ نشست وزرای خارجه آمریکا با دولت‌های عربی در امان درباره غزه... /
۹ کارشناسان درباره «جنگ اسلامگرایان» علیه غرب هشدار می‌دهند... /
۱۰-۱۱ تگرانی از ارتباط گروه‌های مرتبط با ایران از ایجاد تنش بر سر اسرائیل... /
۱۱ ماله مالی!... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۳۸)... / دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۴-۱۵ سرقت از هنرمندان؛ پروژه امنیتی یا افزایش سرعت و... / فیروزه نوردستروم
۱۶ گزارش ویژه: هکرها و جنگ اسرائیل و حماس در فضای مجازی... / احمدرافت
۱۷ روایت «زن، زندگی، آزادی» به زبان تصویر... / احمدرافت
۱۸ پرونده دادخواهی خانواده آذینه‌زاده «مختومه» اعلام شد... /
۱۹ تشدید آزار و سرکوب خانواده‌های دادخواه در آستانه سالگرد اعتراضات آبان ۹۸... /
۲۰-۲۱ زمینه‌های یک تسلیم؛ در جدال باژدهای دوسر ناسیونالیسم افراطی و... / الاهی بقرات
۲۲ سامانه «رصد سبک زندگی مردم»؛ فضولی و کنترل بیش از پیش شهروندان!... /
۲۳ تحمیل «روز امر به معروف» به تقویم ایران... /
۲۴-۲۵ دموکراسی‌های دنیا متحد شوید؟!... / بهرام فرخی
۲۵ شهریار آهی: جنگ در غزه منطقه را بر سر دوراهی قرار داده است... /
۲۵ رضا علامه‌زاده «داستان دومرد» را به روی صحنه می‌برد... /
۲۶ حسن نصرالله جا زد؟!... /
۲۷ حسن نصرالله: آمریکای پیام داد اگر عملیات علیه اسرائیل ادامه یابد، ایران را... /
۲۸-۲۹ پرونده‌سازی خبرگزاری «فارس» و سپاه پاسداران با «دستگاه ارتباطی و... /
۲۹ تشدید فضای امنیتی در زاهدان و خاش... /
۳۰ شورای امنیت بر سر قطعنامه «آتش بس» در جنگ غزه به توافق نرسید... /
۳۱ دیدار نخست‌وزیر عراق با علی خامنه‌ای در تهران پس از جلسه با آنتونی بلینکن... /
۳۲ تصویب طرح مقابله با صادرات نفت ایران در مجلس نمایندگان آمریکا... /
۳۲-۳۳ هشدار جیمز کلورلی به حسین امیرعبداللهیان: «ایران مسئول اقدامات... /
۳۳ درخواست مشترک وزرای خارجه «گروه هفت» برای «وقفه بشر دوستانه»... /
۳۴ وزیر آموزش و پرورش: ۲۰هزار مدیر مدرسه یا بازنشست شده‌اند یا... /
۳۵ ریاست حکومت ضد اجتماعی و ناقص حقوق بشر بر «هم‌اندیشی اجتماعی»... /
۳۶-۳۷ «موسم جهاد»؛ کارزار حزب الهی‌ها در مشهد برای جذب داوطلبان عملیات... /
۳۷ حمایت رجب طیب اردوغان از حماس بحران‌های اقتصادی ترکیه را... /
۳۸-۳۹ افشاکری برادر روح‌الله عجمیان؛ اعدام محمد حسینی و محمد مهدی کریمی... /
۳۹ لویی آرنوگروگان فرانسوی در ایران به پنج سال زندان محکوم شد... /
۴۰-۴۱ جدی شدن کمبود شیر خشک و دارو؛ زمزمه‌های شکست طرح «دارویار»... /
۴۱ روزنامه «بیلد»: همکاری دانشگاه‌های آلمان با حامیان تروریسم در ایران؟!... /
۴۲ اما و اگرهای قیمت ارز در ماه‌های آینده... /
۴۳ تورم بازار مسکن بخشی از خانوارهای کاری را «چادر نشین» کرد... /
۴۴ تشدید خشم و نارضایتی اصناف؛ افزایش تجمعات اعتراضی در ایران... /
۴۵ ایست قلبی یک متهم امنیتی در دادگاه انقلاب اسلامی... /
۴۶ در کنار اعدام‌های دیگر، حکم اعدام قاسم آبهسته نیز پس از نزدیک به ۱۴ سال... /
۴۶-۴۷ آمارهای تکان‌دهنده از وضعیت منابع آب کشور... /
۴۸ نابودی فرش ایرانی در جمهوری اسلامی!... /
۴۸-۴۹ بحران در صنعت فرش ایران و مهاجرت تولیدکنندگان فرش ایرانی... /
۴۹ طالبان سه ایرانی را به اتهام «همکاری با موساد» تحویل جمهوری اسلامی... /
۵۰-۵۱ هشدار درباره آینده شاخص توسعه انسانی در ایران... /
۵۱ «طالبان گردن کلفتی می‌کند» نظام باج می‌دهد... /
۵۲ ۱۳ استان ایران دچار سیل و آبگرفتگی... /
۵۳ افزایش ۲۰ برابری حملات سایبری به وبسایت‌ها و زیرساخت‌های... /
۵۴-۵۵ اردوی «محررم‌سازی شده»؟! اقدام آیدنولوژیک جدید آموزش و پرورش... /
۵۵ درگذشت اکبر گلبایگانی «گلبا» از خوانندگان محبوب و پرطرفدار ایران... /
۵۶-۵۷ عکاسان و خبرنگاران آسوشیتدپرس، نیویورک تا بزم، سی‌ان‌ان و رویترز... /
۵۷ حملات جداگانه آمریکا و اسرائیل به تأسیسات گروه‌های وابسته به سپاه پاسداران... /
۵۸-۵۹ توصیه‌هایی برای ایالات متحده آمریکا در واکنش به ارتکاب ترور کانتیری... /
۶۰ پشت جلد - عکس هفته / زندگی بی‌گناهان در دست بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی

بازنشر
بازنشر

بازنشر



لزوم پیوستن اصناف به اعتراضات مردمی



● **اتاق‌های فکر حکومت تلاش می‌کنند اتحاد اصناف را در هم شکسته و هرگونه اعتراض هماهنگ و سازمانیافته میان اصناف، یا میان اصناف و شهروندان معترض را که نیروی اعتراضات سراسری خیابانی به شمار می‌روند، خنثی کنند.**

خارک نیز در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌هایشان دست به تجمع زدند. خواست‌های این کارکنان مشابه کارکنان رسمی صنعت نفت در اهواز، «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و عودت کسورات مازاد مالیات» است.

از اوایل آبان نیز تجمعاتی از سوی کارکنان قراردادی صنعت نفت از جمله در منطقه نفتی جفیر و منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس و در اعتراض به حقوق‌های معوقه و دستمزدهای ناچیز و عدم برخورداری از مزایای شغلی برگزار شده است.

صنعت نفت به عنوان شاه‌رگ اصلی درآمد جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اعتصابات سراسری از سوی کارکنان این صنعت به معنی فلج کردن یکی از بازوهای اقتصادی حکومت است. در سال‌های گذشته و در چند دوره کارگران پیمانی و کارکنان رسمی صنعت نفت تجمعاتی برگزار کردند و اعتراضات روزهای گذشته نیز نشان از التهاب در میان نیروی انسانی این وزارتخانه دارد.

اگرچه هنوز نشانه‌ای از سازماندهی یکپارچه برای برگزاری اعتراضات سراسری از سوی کارکنان این وزارتخانه به چشم نمی‌خورد اما پتانسیل اعتراضی در میان کارکنان پیمانی و رسمی صنعت نفت به وضوح دیده می‌شود.

کارگران شهرداری نیز پی در پی به حقوق معوقه و دستمزدهای ناچیز اعتراض می‌کنند. خواسته‌های همه اصناف اما از سوی جمهوری اسلامی بی‌پاسخ می‌ماند.

افزایش ظرفیت اعتراضات صنفی در نیمه دوم سال

خواسته‌هایی که سبب بروز تجمعات صنفی می‌شود غالباً متمرکز بر شرایط معیشتی و تأمین نیازهای مالی معترضان است، و با وجود حساسیت بالای جمهوری اسلامی درباره گسترده شدن اعتراضات صنفی، اما ابزارها و اراده کافی از سوی مقامات برای پاسخگویی به خواست‌های

در هفته‌ای که گذشت موجی جدید از تجمعات صنفی در ایران شکل گرفت. از بازنشستگان و کارگران تا پرستاران و کارکنان رسمی صنعت نفت در شهرهای مختلف ده‌ها تجمع اعتراضی برای حقوق و خواست‌های خود برگزار کردند. در حالی که تشدید آثار تورمی و ناتوانی دولت در افزایش دستمزدها و مدیریت بازارها بطور مستقیم معیشت حقوق‌بگیران را هدف قرارداد، در آئسو جمهوری اسلامی از هر ابزاری برای سرکوب فعالان صنفی و جلوگیری از گسترده شدن اعتراضات بهره می‌گیرد.

برگزاری ده‌ها تجمع صنفی در استان‌های مختلف ایران در نیمه آبان ۱۴۰۲ از جمله خبرهای مهم بود که به دلیل حساسیت حکومت روی این اعتراضات در رسانه‌های داخلی بازتاب چندانی نیافت. بازنشستگان به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی که از قربانیان اصلی حقوق‌های حداقلی و بحران معیشتی در کشور هستند، در شهرهای مختلف تجمع برگزار کردند. بازنشستگان تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، مخابرات، صنعت نفت اهواز، و بازنشستگان آموزش و پرورش در تجمعات جداگانه اما سراسری به درآمد ناچیز و عدم اجرای قوانینی چون همسان‌سازی دستمزدها و دیگر مشکلات صنفی مانند بیمه‌های کم‌خاصیت درمانی اعتراض کردند.

اصناف دیگر از پرستاران تا کارگران شهرداری نیز تجمعاتی را در نقاط مختلف کشور برگزار کردند. یکی از اصنافی که اعتراض آنها چند روز ادامه داشته و از اهمیت ویژه برخوردار است، کارکنان رسمی صنعت نفت هستند.

ده‌ها تن از کارکنان رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در استان خوزستان برای روزهای متوالی تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در روزهای گذشته همچنین شماری از کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت مناطق نفت خیز جنوب در اهواز، با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به حقوق خود شدند. جمعی از کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در منطقه عملیاتی جزیره سیری و جزیره

ملی‌گرایی و دموکراسی علیه اسلامگرایی

برقراری دموکراسی بدون اتکا بر ملی‌گرایی و منافع ملی ممکن نیست. ملی‌گرایی و تشخیص منافع ملی در چارچوب سرزمینی، مرحله‌ای پیش از رسیدن به دموکراسی است. روندی که ایران پس از انقلاب مشروطه نیز در حال طی کردن آن بود. از این نظر، راهکار دموکراسی‌ها در برخورد با اسلامگرایی با غیردموکراسی‌ها متفاوت است؛ در حالی که دولت‌های ملی در جوامع باز برای محافظت از دموکراسی باید در قوانین و سیاست‌های خود بازنگری کنند و حفره‌های نفوذ نیروهای ضددموکراسی را مسدود سازند، جوامعی مانند ایران تازه می‌بایست به دولت ملی دست پیدا کنند تا بعد دموکراسی را بر اساس آن بنا سازند. بنابراین برای دفع اسلامگرایی در جوامع باز و بسته نمی‌توان یک نسخه تجویز کرد.

ملی‌گرایی برای ایران لازم است چون حکومتی اسلامگرایست مانع حاکمیت ملی شده و تا زمانی که منافع ملی و خیر همگانی در صدر اهداف یک حکومت قرار نگیرد، برقراری دموکراسی امکان ندارد.

ملی‌گرایی اما برای دموکراسی‌ها که آن را در قوانین اساسی و نظام حقوقی خود تأمین و تضمین کرده و چندین دهه نیز اجرا و عملی کرده‌اند، کارساز نیست و به تقویت راست افراطی می‌انجامد که دانسته یا نادانسته روند جوامع باز به سوی آینده را، عین آلمان هیتلری، به سوی گذشته و مرحله‌ای منحرف می‌کند که پشت سر گذشته شده. این تفاوت برای تشخیص راهکارهای مناسب در برخورد با ویروس اسلامگرایی بسیار اهمیت دارد. برخی ایرانیان خارج کشور «ملی‌گرایی» را برای کشورهای غربی نیز تجویز می‌کنند، متوجه نیستند که نخستین ترکش آن به خود آنها به عنوان مهاجر یا پناهنده، اصابت خواهد کرد، حتی اگر تابعیت این کشورها را داشته باشند! چرا که «تابعیت» یک چیز است و «هویت» چیزی دیگر!

ایران اما می‌بایست نخست مرحله ملی‌گرایی را، عین دوران مشروطه و پهلوی، پیش برد؛ دورانی که کشور در حال گشودن راه‌ها به مرحله دموکراسی بود که به اسلام‌مسم مبتلا شد. همه دموکراسی‌ها بر اساس ملی‌گرایی بنا شده‌اند. بیهوده نیست که در زمان خمینی شعار داده می‌شد: دموکراتیک و ملی هر دو فریب خلق‌اند! جمهوری اسلامی می‌دانست که ضدملی و در نتیجه ضددموکراسی است!

راهکار اسلامگرایی نیز برای نابودی دموکراسی در جوامع باز متفاوت و دشوارتر از غلبه بر جوامعی است که در مرحله پیش از دموکراسی قرار دارند! آنها در دموکراسی‌ها برای پیروزی در انتخاباتی نقشه می‌کشند که حق هر انتخابی را پس از آن پیروزی از بین ببرند! به همین دلیل دموکراسی‌ها می‌بایست از رشد نیروهای ضددموکراسی جلوگیری کنند چرا که تخریب اسلامگرایان به صندوق رأی محدود نمی‌شود و قدرت آنها به معنی ویرانی فراگیر در اقتصاد و محیط زیست و رفاه و امنیت است.

در ایران تحت استبداد مذهبی اما نخست باید آنچه را در پهن ۵۷ از دست رفت بر اساس اندیشه‌های ملی به دست آورد تا بتوان دموکراسی را بر آن بنا نهاد و بعد در میهن بدون جمهوری اسلامی، از حاکمیت ملی و دولت ملی به عنوان بنیانگذار دموکراسی دفاع کرد. کاری که در ۵۷ می‌بایست انجام می‌شد چون نظام و دولت ملی وجود داشت ولی فرصت حرکت به سوی دموکراسی توسط اسلامگرایان از آن گرفته شد آنهم با حمایت مستقیم و نامستقیم دموکراسی‌ها! حالا خود دموکراسی‌ها با ویروس اسلامگرایی روبرو هستند و طبیعتاً انتظار می‌رود بر اساس بنیان‌های ذهنی و عینی که دارند به مراتب آسانتر و زودتر از ایرانیان آن را دفع کنند پیش از آنکه ارزش‌های جوامع باز و شهروندانش در منگنه‌ی افراطیون چپ و راست و مذهبی آسیب‌های جدی ببینند.

اصناف وجود ندارد.

برای نمونه افزایش دستمزدها بر اساس قوانینی چون همسان‌سازی که سال‌ها پیش تدوین و حتی ابلاغ شد، یا

و به مرور آثار خود را بر سرعت تورم نشان خواهند داد. همچنین در نیمه دوم سال آثار کسری بودجه بیش از نیمه اول ظاهر شده و نه تنها گرانی و فلاکت بیشتر می‌شود بلکه



پرداخت دستمزدهای معوقه، همگی نیازمند داشتن منابع مالی کافی در دست دولت است. در سال‌های گذشته نه تنها درآمدهای دولت به شدت کاهش یافته بلکه ساختار فاسد و مافیایی نیز بخش زیادی از منابع موجود را در چرخه‌ای تباهاکارانه می‌بلعد و در نتیجه پرداخت دستمزدها و اجرای قوانینی که سبب افزایش حقوق و مزایای شغلی می‌شود همچنان معلق می‌ماند.

در آنسو نیز دولت‌های جمهوری اسلامی توان مدیریت اقتصاد کشور را ندارند و حتی از حمایت از اقشار حقوق‌بگیر نیز عاجز می‌مانند. دولت ابراهیم رئیسی در حالی با وعده کاهش تورم و افزایش رفاه بر سر کار آمد که طی دو سال گذشته تورم مسیر فزاینده پیشین خود را ادامه داده و گرانی بیداد می‌کند. تیم اقتصادی دولت سیزدهم مسیر باطل دولت‌های پیشین را ادامه داده، با این تفاوت که انباشته شدن مشکلات اقتصادی، شرایط را بحرانی‌تر از پیش کرده است. دولت حتی طرح‌هایی چون توزیع کوپن برای جبران تورم مواد غذایی را هم نتوانسته اجرا کند. افزایش سالانه رقم دستمزدها هم چون همواره از سرعت افزایش تورم کمتر بوده، ارزش واقعی دستمزد را کاهش داده و در نتیجه خانوارهای حقوق‌بگیر هر ماه بیش از پیش به زیر خط فقر رانده می‌شوند. آخرین گزارش‌ها نشان می‌دهد دستمزد حداقل‌بگیران، مانند کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی، تنها هزینه‌های ضروری یک هفته زندگی را پوشش می‌دهد و این خانوارها برای سه هفته در ماه بدون عایدی و درآمد هستند. وضعیت درآمدی کارمندان دولت هرچند کمی بهتر از حداقل‌بگیران است اما بخش گسترده‌ای از آنها نیز درآمدهایی زیر خط فقر داشته و نمی‌توانند هزینه‌های ضروری زندگی در طول یک ماه را تأمین کنند.

در چنین شرایطی، چشم‌انداز اقتصادی ماه‌های آینده نیز امیدوارکننده نیست؛ دولت امید داشت که بتواند با آزاد شدن پول‌های بلوکه شده در پی توافق جمهوری اسلامی با ایالات متحده برای مدتی منابعی برای پرداخت هزینه‌های جاری را تأمین کند اما تا کنون ناکام مانده است. دولت سیزدهم در حالی با کسری شدید بودجه روبروست که اقدامات صورت گرفته برای جبران آن نیز تورم‌زا هستند

پرداخت دستمزدها نیز با تأخیر طولانی‌تر روبرو خواهد شد. در نتیجه ظرفیت و انگیزه برای برگزاری اعتراضات و تجمعات در میان اصناف مختلف افزایش می‌یابد.

سرکوب بجای انجام تعهدات!

جمهوری اسلامی بجای پاسخگویی به نیاز اصناف و به بیان دیگر انجام تعهدات خود به عنوان حکومت در ایجاد رفاه و آسایش عمومی و ثبات اقتصادی، «سرکوب» را برای پاسخ به اعتراضات اصناف انتخاب کرده است. انتخاب چنین تاکتیکی برآمده از هراس حکومت از پیوستن معترضان به یکدیگر است. این در حالیست که عملکرد حکومت در گسترش نارضایتی‌ها و کاهش شدید پایگاه اجتماعی جریانات درون حکومتی در میان مردم، بطور مشخص احتمال پیوستن اصناف معترض به یکدیگر و همچنین پیوستن این پتانسیل مهم و اثرگذار به اعتراضات مردم در کف خیابان را افزایش داده است.

پیوند میان معترضان را می‌توان در سخنانی یکی از بازنشستگان در تجمع آموزگاران بازنشسته در اهواز دید. سیامک چهارازی که ساعتی پس از این تجمع بازداشت شد، سخنان خود را با این جملات آغاز کرد: «به نام خداوند رنگین‌کمان، به نام خداوند کیان، به نام خداوند خدانور لجه‌ای، به نام خداوند سیاوش محمودی، به نام خداوند آرمیتا گراوند، به نام خداوند مهسا امینی، و به نام خداوند تک تک جوانان...»

همچنین مضمون «اتحاد» در شعارهایی که در تجمعات صنفی سر داده می‌شود پررنگ‌تر شده از جمله شعارهایی چون «کارگر، معلم، اتحاد، اتحاد». اصناف مختلف دریافته‌اند که جمهوری اسلامی به تجمعات کوچک و بزرگ و حتی سراسری آنها عادت کرده و چه بسا این تجمعات را سوپاپ تخلیه پتانسیل اعتراضی شرکت‌کنندگان ارزیابی می‌کند و از سوی دیگر، هرچند وقت یکبار با یورش به تجمعات و بازداشت شماری از شرکت‌کنندگان، زهرچشم نشان داده و یادآور می‌شود که خوی سرکوبگر این حکومت، پیر و جوان و معترض سیاسی و صنفی نمی‌شناسد و هر کانون اعتراضی را در هم خواهد کوبید.

همین تاکتیک حکومت است که اصناف را به سمت حمایت از یکدیگر و توجه به لزوم اتحاد و همبستگی هدایت کرده است. به همین دلیل است که در سال‌های گذشته اصنافی که خواسته‌ها یا منافع صنفی مشترکی ندارند، در حمایت از اعتراضات یکدیگر بیانیه‌های حمایتی صادر کرده و به حکومت این پیام را می‌دهند که اصناف به همسویی با یکدیگر نزدیک شده‌اند.

چنین درکی از سوی اصناف این امیدواری را ایجاد می‌کند که به مرور ظرفیت‌های اعتراضی جامعه، از هر قشر و صنفی، در استان‌ها و شهرهای مختلف به سوی همبستگی حرکت کند تا برآیند آنها بتواند ماشین سرکوب جمهوری اسلامی را که به عنوان سپر دفاعی ساختار پوسیده و در حال فروپاشی حکومت عمل می‌کند عقب رانده و ضربه آخر را بر جمهوری اسلامی وارد آورد.

تلاش اتاق‌های فکر حکومت برای جدایی اصناف و معترضان

در آنسو اما اتاق‌های فکر حکومت در تلاش هستند تا چنین اتحادی را در هم شکسته و با ترفندهای مختلف، از نفوذ در حلقه‌های تصمیم‌گیرنده فعالیت‌های صنفی تا تهدید و بازداشت و... هرگونه اعتراض هماهنگ و سازمان‌یافته میان اصناف، یا میان اصناف و شهروندان معترض را که نیروی اعتراضات سراسری خیابانی به شمار می‌روند، خنثی کنند.

جمهوری اسلامی و به ویژه بازوی اصلاح‌طلب آن که نزدیک به سه دهه تلاش می‌کرد در فعالیت‌های صنفی نفوذ کند و بر آنها مسلط شود، تشکلهای صنفی را ابزاری برای مدیریت اعتراضات و تخلیه ظرفیت‌های اعتراضی ارزیابی می‌کند بدون آنکه به این فکر کند که بالاخره باید به خواست‌های این معترضان صنفی پاسخ مناسب داد!

در این میان، حضور نیروهایی با اندیشه چپ که همچنان دیدگاه‌های پنجاه و هفتی آمیخته به پهلوی‌هراسی و ضدیت با ملی‌گرایی را دنبال می‌کنند در میان فعالان صنفی درون کشور به مدد نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی آمده و بطور موازی یک هدف مشترک را پیش می‌برند: جلوگیری از پیوستن اصناف به اعتراضات کف خیابان، درست همانطور که در چند دوره اعتراضات سراسری سال‌های گذشته از ۹۶ تا ۱۴۰۱ پیش رفت.

برخی فعالان صنفی درون کشور پی‌برده‌اند که جامعه‌ی معترض که حاضر به پرداخت هزینه در کف خیابان است، آرمان‌های ملی و ایرانخواهانه دارد. شعارهایی چون «رضاشاه روحش شاد» که بارها از سوی معترضان در خیابان و طی سال‌های گذشته سر داده شده، برافراشتن پرچم شیروخورشید و درفش کاویانی، سرودها و شعارهای ملی که بر یکپارچگی ملی تأکید دارند، همگی در تضاد با اندیشه‌های اسلامگرا و چپ‌گرای پنجاه و هفتی است که خود را پدرخوانده فعالیت‌های صنفی در ایران می‌دانند. به همین دلیل نیز با وجود فرصت‌های طلایی در اعتراضات سال‌های گذشته، پیوند میان اصناف و معترضان کف خیابان، به سود جمهوری اسلامی و به زیان مردم، صورت نگرفت.

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی نه تنها توان پاسخگویی به خواسته‌های صنفی را ندارد بلکه شرایط اقتصادی نیز روز به روز نامساعدتر خواهد شد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد پیوستن همه ظرفیت‌های اعتراضی جامعه برای برانداختن و دفع جمهوری اسلامی، روند و رویدادی ناگزیر باشد که بطور طبیعی در مسیر تحولات کشور رخ خواهد داد.

روشنگ آسترکی

شاهزاده رضا پهلوی: منشاء اسلامگرایی افراطی رژیم ایران است؛ مسئله فقط بر سر امروز و منطقه نیست!



شاهزاده رضا پهلوی و پیرز مورگان

وادار کردن جهان به پذیرفتن آن است استفاده می‌کند و این مسئله‌ی امروز و فقط منطقه نیست.

ما امروز صدای شوم اسلامگرایان افراطی را می‌شنویم که سعی می‌کنند آینده‌ی متفاوت برای کشورها حتا در اروپا رقم بزنند. آنها به این امید هستند که روزی اکثریت را به دست آورند و قوانین این کشورها را به گونه‌ای تغییر دهند که جهان را تحت یک نوع خلافت اداره کنند. این واقعاً چالشی است که همه ما با آن روبرو هستیم. این مسئله فقط به اسرائیل محدود نمی‌شود که باید با این مشکل برخورد کند یا مورد حمله یک گروه تروریستی قرار گرفته. این طبیعت این هیولاست. همانطور که گفتیم اسلامگرایی افراطی یک بیماری است که باید درمان شود. شما می‌توانید با علائم آن مقابله کنید؛ ولی به نظر من، درمان این است که به آنچه منشاء این افراط‌گرایی است پایان داده شود وگرنه مشکل هرگز از بین نخواهد رفت. باید اقداماتی را که لازم است انجام داد. ممکن است گاهی اشتباه شود. گاهی اوقات نیز همانطور که شما اشاره کردید مسئله اخلاقی وجود دارد. اما همه اینها مشکل نهایی را حل نمی‌کند. من معتقدم که هر چه زودتر علت اصلی مشکل را باید رفع کرد. همه این مسائل در نهایت مسیری را برای یافتن راه حل مناسب با تمام منافع بشردوستانه و آزادی همه مردم اسرائیل، فلسطین، اعراب، ایرانیان و کل جهان پیدا می‌کند. ما باید برای رفع مشکل با همدیگر کار کنیم و نه اینکه آن را نادیده بگیریم و بعد امیدوار باشیم که با معجزه برطرف شود. این ممکن نیست.

● با توجه به وسعت و میزان عملیات حماس در حمله «هفتم اکتبر» آیا شما شک دارید که از سوی جمهوری اسلامی پشتیبانی شده؟ آیا به نظر شما شبیه عملیات تحت حمایت رژیم ایران بوده؟

-خب، فکر می‌کنم ساعاتی پس از حمله، چند بنر در حمایت از فلسطین روی برخی از ساختمان‌های دولتی تهران آویزان شد و پس از آن مقامات رژیم ایران دیداری کوتاه با نمایندگان حماس [اسماعیل هنیه] داشتند. اینها ساده و تصادفی نیست. باید به نحوی برنامه‌ریزی شده یا پیش‌بینی شده باشند. درواقع، رژیم این حقیقت را که خود حماس بطور رسمی از آن تشریح کرده، انکار نکرده است. ویدیویی دیدیم که یکی

در مورد «ایران» صحبت می‌کنند یا رژیم ایران، و نه مردم ایران. بنابراین وقتی می‌گوییم «ایران»، می‌خواهم روشن بگویم که این مردم ایران نیستند که شما در موردش صحبت می‌کنید؛ بلکه رژیم ایران است. تفکیک این دو بسیار مهم است.

من هم فکر می‌کنم که مشکل از تهران سرچشمه می‌گیرد. در تمام این سال‌ها این را گفته‌ام که چشم اختاپوس درواقع در تهران است اما ما بدون از میان برداشتن خود هیولا مشغول جنگیدن با شاخ‌های آن هستیم. دیدگاه پرزیدنت هرتزوغ در اساس درست است اما پرسش اینجاست که این وضعیت را چگونه می‌شود تغییر داد؟ بحث‌های زیادی در مورد این موضوع وجود دارد.

● جنگ علیه حماس، یک گروه تروریستی که ۱۷ سال یا بیشتر در غزه مسئولیت داشته، در حال حاضر در مرکز رویدادها قرار دارد. حماس یک رژیم سرکوبگر است که غزه را علیه مردم آن اداره می‌کند؛ از غیرنظامیان فلسطینی به عنوان ابزار نظامی و «سپراسانی» استفاده می‌کند که می‌تواند آنها را هزینه‌ی اهداف خود کند. هرکسی که اتفاقات «هفتم اکتبر» را ببیند اگر ذره‌ای انسانیت داشته باشد، کاملاً درک خواهد کرد که چرا اسرائیل علیه حماس دست به این عملیات سنگین زده است. اما مشکل برای جهان و مسلمانان برای جهان عرب گسترده‌تر از تلاش برای ریشه‌کن کردن حماس و تروریست‌هایش است که در میان غیرنظامیان زندگی می‌کنند. هزاران و هزاران بی‌گناه و اغلب کودکان کشته می‌شوند. آیا در میانه‌ی این رویدادهای مرگبار هیچ معادله اخلاقی وجود دارد؟ آیا مرزی وجود دارد که اسرائیل نباید از آن عبور کند یا اینکه وقتی شما در حال جنگ هستید و می‌خواهید یک گروه تروریستی را از بین ببرید، راه دیگری جز این نیست؟

-باز هم تکرار می‌کنم؛ منشاء اصلی و تأمین‌کننده اصلی پول برای این گروه‌هاست که باعث می‌شود آنها به فعالیت خود ادامه دهند. بر کسی پوشیده نیست که رژیم تهران پشت اکثر این گروه‌ها بوده، آنها را تأمین مالی کرده، آنها را مسلح کرده و از آنها به عنوان بازوی نیابتی برای پیشبرد برنامه‌های خود در منطقه با هدف نهایی‌اش که صدور یک ایدئولوژی و

● «منشاء اصلی و تأمین‌کننده اصلی پول برای این گروه‌هاست که باعث می‌شود آنها به فعالیت خود ادامه دهند. بر کسی پوشیده نیست که رژیم تهران پشت اکثر این گروه‌ها بوده، آنها را تأمین مالی کرده، آنها را مسلح کرده و از آنها به عنوان بازوی نیابتی برای پیشبرد برنامه‌های خود در منطقه با هدف نهایی‌اش که صدور یک ایدئولوژی و وادار کردن جهان به پذیرفتن آن است استفاده می‌کند و این مسئله‌ی امروز و فقط منطقه نیست.»

● «ما امروز صدای شوم اسلامگرایان افراطی را می‌شنویم که سعی می‌کنند آینده‌ی متفاوت برای کشورها حتا در اروپا رقم بزنند. آنها به این امید هستند که روزی اکثریت را به دست آورند و قوانین این کشورها را به گونه‌ای تغییر دهند که جهان را تحت یک نوع خلافت اداره کنند.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با پیرز مورگان مجری مشهور شبکه بریتانیایی «تاک‌تی‌وی» در برنامه «بدون سانسور» که سه‌شنبه شب ۱۶ آبان ماه ۱۴۰۲ پخش شد، با اشاره به حملات اخیر گروه تروریستی حماس و رشد رو به افزایش اسلامگرایی افراطی در خاورمیانه و همچنین اروپا به رهبران غرب هشدار داد که اگر منشاء اسلام افراطی که رژیم ایران است از میان برداشته نشود، با بحران‌های بیشتری روبرو خواهند شد.

● پیرز مورگان: خیلی خوب است که بعد از حدود ۱۲ سال دوباره با شما صحبت می‌کنم. اجازه دهید قبل از هر چیز نظر شما را در باره جنگ حماس علیه اسرائیل بپرسم که یک ماه از آن می‌گذرد. واکنش شما به آنچه در حال رخ دادن است چیست؟

-شاهزاده رضا پهلوی: فکر می‌کنم جهان دیگر نمی‌تواند فیل در اتاق را نادیده بگیرد و این از وقتی اوج گرفت که اسلام افراطی در نتیجه‌ی انقلاب در ایران، کشور مرا به گروگان گرفت. از آن زمان به بعد به تضاد و بی‌ثباتی و جنگ افروزی در منطقه با حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های تروریستی دامن زده شد. واقعاً نباید تعجب کنیم که با این سطح از افزایش تنش روبرو هستیم. به نظرم این وضعیت گویای این است که باید در نهایت «بیماری» را درمان کنیم، و تا زمانی که به منشاء این ایدئولوژی پایان ندهیم، فکر نمی‌کنم بتوانیم امیدوار باشیم که این بیماری را درمان کنیم. امیدوارم که صلح مشروع برای حفاظت از منافع مردم ساکن منطقه برقرار شود. و البته این فراتر از تحولات منطقه ما، بر بقیه جهان نیز تأثیر می‌گذارد.

● دیروز با رئیس جمهور اسرائیل، اسحاق هرتزوغ مصاحبه کردم. شما در سفر تاریخی خود به اسرائیل با او و همچنین نخست‌وزیر نتانیاهو ملاقات کردید. او در مورد ایران گفت که «یک امپراتوری شر در تهران وجود دارد که کاملاً از فرهنگ نفرت سرچشمه می‌گیرد و می‌خواهد همه ما را نابود کند.» آیا شما با این نظر موافقت می‌کنید؟

-ببینید، من فکر می‌کنم رئیس جمهور هرتزوغ، نخست‌وزیر نتانیاهو و بسیاری از رهبران کشورها و فراتر از این رهبران، مردم جهان که تا کنون در کشورهای خود در غرب و جاهای دیگر میزبان ایرانی‌هایی بودند که مجبور به ترک کشورشان شده‌اند، تفاوت میان رژیم ایران و مردم ایران را می‌فهمند. آنها می‌فهمند مردم ایران چطور هستند و چه می‌خواهند و نظرشان با آنچه رژیم به دنبال آن است کاملاً متفاوت است. من همیشه از جامعه جهانی و همچنین رسانه‌ها، خواسته‌ام وقتی در مورد ایران صحبت می‌کنند، دقیق مشخص کنند که



سخنرانی یدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی / عکس: ایرنا

معاون سیاسی سپاه پاسداران: بازداشتی‌ها می‌گفتند دوست داریم جمهوری اسلامی نباشد و رضا پهلوی برگردد؛ هشتگ «نه به جمهوری اسلامی» هم درست کردند!

در ذهن عوض می‌کند. حال آنکه معیار شهروندان هر جامعه از جمله در ایران، واقعیت‌هایی است که در زندگی روزانه به چشم خود می‌بینند و تجربه می‌کنند و نه خواب خیالات و تبلیغاتی که جمهوری اسلامی ۴۴ سال است با صرف هزینه‌های میلیاردری و امکانات گسترده‌ی حکومتی در حال فرو کردن آنها به گوش مردم است و جز نتیجه‌ی برعکس نگرفته است!

یدالله جوانی در بخش دیگری از صحبت‌های خود عنوان کرد «دشمن علناً رفتن جمهوری اسلامی را در فضای مجازی طراحی و ترسیم کرده بود، اما با قدرت واقعی جمهوری اسلامی ایران در واقعیت آشنا شدند.»

بخشی از صحبت‌های معاون سیاسی سپاه پاسداران مربوط به قتل حکومتی مهسا امینی و آرمیتا گراوند بود. او با تکرار دروغ‌های مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی گفت: «مثلاً دشمنان فوت یک خانم آنهم به دلیل بیماری را دال بر ظلم بودن حاکمیت نشان می‌دادند و حتا بعد از آنهم می‌خواستند دوباره کشته‌سازی کنند، ولی چهره اصلی آنها رو شد.» یدالله جوانی البته فراموش نکرد که درباره جنگ غزه نیز سخنانی بگوید و با تمجید از کشتار فجیع شهروندان توسط گروه تروریستی حماس و به گروگان گرفتن افراد غیرنظامی از جمله کودکان و سالمندان گفت: «ایجاد موانع و دیوهای خاکی، سیم‌های خاردار سنسوردار، دیوارهای بتنی، چاه‌های تشخیص تونل با سنسور حساس و هواپیمای گشت شناسایی چیزهایی هستند که دورتا دور رژیم صهیونیستی بنا شده است ولی طوفان الاقصی از همه آنها عبور کرد و بالای سر یکی از فرماندهان ارتش آنها در خواب رفت و بیش از ۲۰۰ اسیر گرفت.»

برای نخستین بار است که یک فرمانده سپاه پاسداران در سخنرانی عمومی اعتراف می‌کند که «بازداشتی‌ها» از پهلوی حمایت می‌کنند و خواستار بازگشت رضا پهلوی به ایران هستند.

بعضی از خبرگزاری‌ها از جمله ایرنا صحبت‌های یدالله جوانی را با سانسور منتشر کرده‌اند. در حالی که آنچه این مقام ارشد سپاه پاسداران می‌گوید فقط زوایایی از دگرگونی‌های اساسی در ایران و این واقعیت است که مردم از اقشار مختلف به ویژه جوانان جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و به دنبال آزادی و امنیت و شرایطی هستند که جامعه در دوران پهلوی از آن برخوردار بود و حکومت اسلامی آن را نه تنها از حقوق مسلم خود محروم کرده بلکه زندگی و امنیت شهروندان مرتب در خطر تهدیدهای مختلف از جمله پیگرد و دستگیری و کشتار از سوی خود رژیم قرار دارد.

● یدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران در یک نشست سازمانی که دوشنبه شب ۱۵ آبان در استان آذربایجان شرقی برگزار شد گفته در سال‌های گذشته «واژه‌های فتح خیابان، انقلاب جدید و هزاران واژه‌های دیگر» از سوی دشمن مطرح شد.

● وی گفت سال گذشته در «سپاه رسول اکرم» از بازداشتی‌ها پرسیدند «حالا جمهوری اسلامی ایران نباشد، تو می‌خواهی چه کسی باشد؟ کمی فکر کرد و گفت که همین رضا پهلوی بیاید خوب است. باز سؤال کردند از کجا میدانی آن فرد بیاید خوب است؟ جواب داد که می‌گویند در زمان شاه همه چیز خوب بود و گرانی کم بود.»

● یدالله جوانی همچنین گفت: «خیلی جای تأسف است که برخی جوانان ما انقلاب را که همه دنیا برای داشتن آن و رهبرش غبطه می‌خورند نمی‌بینند!»

معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک نشست سازمانی که دوشنبه شب ۱۵ آبان در استان آذربایجان شرقی برگزار شد، با اشاره به اعتراضات ضدحکومتی در سال ۱۴۰۱ به بیان جزئیاتی تازه از وقایع آن روزها پرداخته از جمله اینکه در جریان صحبت با بازداشت‌شدگان، آنها در مورد علاقه خود به «زمان شاه» و «بازگشت رضا پهلوی به ایران» گفته‌اند.

یدالله جوانی در این جلسه همچنین گفت «واژه‌های فتح خیابان، انقلاب جدید و هزاران واژه‌های دیگر در سال‌های گذشته از سوی دشمن مطرح شدند؛ بطوری که بایدن رئیس جمهور آمریکا علناً گفت ما ایران را آزاد می‌کنیم و اپوزیسیون‌ها هم چنین چیزهایی را مطرح کرده و می‌کنند.» این مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه «دشمن با جنگ شناختی به تصرف دل و ذهن مردم می‌پردازد» گفت: «مهرماه سال گذشته سپاه حضرت رسول اکرم تعدادی از تخریب‌کنندگان را دستگیر کرد؛ از یکی از اینها سؤال شد که چرا اینکارها را کردید، گفت می‌خواهیم جمهوری اسلامی نباشد؛ اصلاً یک هشتگ نه به جمهوری اسلامی را هم ایجاد کرده بودند. دوباره از او سؤال شد که حالا جمهوری اسلامی ایران نباشد، تو می‌خواهی چه کسی باشد؟ کمی فکر کرد و گفت که همین رضا پهلوی بیاید خوب است. باز سؤال کردند از کجا می‌دانی آن فرد بیاید خوب است؟ جواب داد که می‌گویند در زمان شاه همه چیز خوب بود و گرانی کم بود.»

وی در ادامه طی سخنانی که بیشتر به هذیان شباهت دارد افزود: «خیلی جای تأسف است که برخی جوانان ما انقلاب را که همه دنیا برای داشتن آن و رهبرش غبطه می‌خورند نمی‌بینند! این کار فضای مجازی است که جای خادم و خائن

از غایبندگان آنها حمایت جمهوری اسلامی از حماس را تأیید می‌کند؛ آنها منکر این حمایت نیستند. و فکر می‌کنم کمتر کسی که به اندازه کافی از باتلاقی که خاورمیانه در آن فرو رفته اطلاع داشته باشد، این موضوع را که در تمام این سال‌ها رژیم ایران پدرخوانده تروریسم بوده، به پرسش بکشد. ● ما داعش را از بین برده‌ایم. ما شاهد کاهش شدید توانایی القاعده در عملیات بوده‌ایم. اگر اسرائیل موفق شود حماس را ریشه‌کن کند و رژیم غزه را تغییر دهد، آیا می‌توانید تصور کنید که شاهد رسیدن این روند برای تغییر رژیم در ایران باشید؟ و اگر اینطور شود، آیا مایلید برگردید و قدرتی را که در سال ۱۹۷۹ از شما سلب شد به دست بگیرید؟

-خب، فرمول من برای تغییر در ایران همیشه مبتنی بر حاکمیت مردم و اراده آزاد مردم ایران بوده که تنها زمانی می‌توانند آینده خود را انتخاب کنند که از دست این رژیم رهایی پیدا کنند تا از حق انتخاب آزادانه یا انتخاب هر کسی که می‌خواهند، برخوردار شوند. روند من برای تغییر در ایران این است که مطمئن شویم که پس از فروپاشی رژیم، یک دوره گذار دموکراتیک خواهیم داشت، که می‌توانیم مجلس مؤسسانی داشته باشیم که غایبندگان مردم در آن بر سر اینکه بهترین مسیر برای کشور در آینده چیست به گفتگو بپردازند تا آن را به مردم ایران پیشنهاد دهیم. با فراندوم فرصتی به وجود بیاوریم که قانون اساسی پیشنهادی به تصویب برسد. قانونی که امیدواریم بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و جدایی دین و دولت [سکولاریسم] باشد؛ و اینهمه بر عهده مردم ایران است که در نهایت انتخاب کنند.

من برای هیچ مقامی کاندیدا نمی‌شوم و هیچ انگیزه دیگری هم ندارم، جز اینکه در خدمت این روند و تسهیل‌کننده‌اش باشم و از طرف همه مردم ایران برای داشتن «حق انتخاب» و امکان تعیین کامل آینده خودشان صحبت کنم. من معتقدم راه حل در ایران، تغییر رژیم است؛ این رژیم هرگز رفتارش را تغییر نخواهد داد و برای همین هم من در این ۴۰ سال تلاش کرده‌ام. بزرگترین اشتباه و نقص سیاست خارجی کشورهای غربی در همین انتظار آنها از رژیم ایران بود که رفتارش را تغییر دهد! دی‌ان‌ای این رژیم با ارزش‌هایی که ایرانیان قدرشان را می‌دانند و در کشورهای آزاد نیز گرامی داشته می‌شود، مطابقت ندارد؛ حقوق بشر، برابری، پایان دادن به هر نوع تبعیض. بنابراین در نهایت ما باید مطمئن شویم که مردم جهان، اگر واقعاً می‌خواهند به روند ثبات و دموکراسی و آزادی کمک کنند، در کنار مردم ایران باشند و ادامه مذاکره با این رژیم را فراموش کنند. با رژیمی که هرگز قصد اصلاح خود را نداشته است.

زمان تغییر بر اساس خواست مردم ایران فرا رسیده و بنابراین فکر می‌کنم جهان یک فرصت طلایی دارد تا از بهترین متحدانی که در این فرآیند دارد، به عنوان ابزار تغییر، یعنی خود مردم ایران استفاده کند. اما این مردم نمی‌توانند به تنهایی بجنگند. ما نیازمند حمایت ائتلاف مشتاقان و جوامع آزاد و مردمی هستیم که مدافع دموکراسی و حقوق بشرند.

● پاسخ یک کلمه‌ای از شما می‌خواهم: اگر به صورت دموکراتیک فرصت بازگشت پیدا می‌کردید، آیا برای رهبری برمی‌گشتید؟ -من تا جایی که بتوانم بدون هیچ انگیزه شخصی به هم‌میهن‌انم کمک خواهم کرد. فکر نمی‌کنم موضوع برای من چیزی فراتر از کمک به ایجاد نهادهایی برای برقراری حکومت قانون باشد زیرا جامعه مدنی ناظر نهایی است و می‌بایست نهاد جامعه مدنی را تقویت کرد تا دموکراسی را به یک سیستم پایدار در ایران تبدیل کند.

● بسیار خوب، من پاسخ شما را به عنوان «بله» در نظر می‌گیرم. نه ۷۶ کلمه!
-نه، من این کار را خواهم کرد؛ من به هر نحوی که بتوانم کمک خواهم کرد؛ البته اگر فرصت‌اش پیش بیاید.

نشست اردن درباره «اداره غزه بدون حماس»؛ آنتونی بلینکن خواستار همکاری دولت‌های عربی شد



نشست وزرای خارجه آمریکا با دولت‌های عربی در امان درباره غزه

بین‌المللی و نیروهای حافظ صلح سپرده شود. در این میان، رفیق عبدالسلام وزیر خارجه پیشین تونس که سابقه طولانی در اسرائیل‌ستیزی دارد به محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین حمله کرده و گفته وی بی‌صبرانه به دنبال گرفتن کلیدهای غزه از سوی اسرائیلی‌هاست. او تأکید «محمود عباس به اندازه‌ی نفسی که می‌کشد، دروغ می‌گوید!»

روزنامه اسرائیلی «هآرتص» (از رسانه‌های منتقد نتانیاهو و حزب لیکود) در گزارشی با عنوان «بعد از حماس، مداخله بین‌المللی تنها گزینه غزه است» می‌نویسد «اسرائیل در تلاش است تا استراتژی روشن برای خروج از غزه ارائه دهد [اما] تصمیم نگرفته که آیا می‌خواهد رهبران حماس را از بین ببرد یا توافق برای تبعید اعضای آن را بپذیرد.»

با اینهمه در همین گزارش به نقل از یک «منبع سیاسی» آمده، اسرائیل بر کنترل امنیتی غزه پس از پایان جنگ پافشاری خواهد کرد. وی تأکید کرده «من وضعیتی را تصور نمی‌کنم که در آن، اسرائیل مسئولیت نهایی امنیتی در غزه را در دست نداشته باشد.»

در سی و یکمین روز جنگ اسرائیل با گروه تروریستی حماس در غزه، دانیل هاگاری سخنگوی ارتش اسرائیل با اشاره به محاصره کامل شهر غزه گزارش داد که این باریکه به نیمه شمالی و جنوبی تقسیم شده و به غیرنظامی‌ها اجازه داده می‌شود از بخش شمالی به مناطق جنوبی بروند. با توجه به این شرایط، منابع حکومتی در ایران به شدت علیه محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و طرح «دو کشور» موضع گرفته‌اند. اما بر اساس شواهد چنین به نظر می‌رسد که غرب و مهم‌تر از همه آمریکا در حمایت از اسرائیل برای تعیین تکلیف با گروه حماس و اداره‌ی باریکه‌ی غزه تصمیم خود را گرفته و موافقت کشورهای مهم عربی منطقه را نیز جلب کرده است.

سوء استفاده از درگیری در غزه برای تهدید نیروهای ما در اینجا یا هر جای دیگر در منطقه باشد، بسیار مهم است: این کار را نکنید!»

در شرایطی که رهبران کشورهای عرب منطقه توقع داشتند بلینکن در تل‌آویو به نتانیاهو در مورد پذیرش آتش‌بس فشار بیاورد اما وی تأکید کرد آتش‌بس در شرایط فعلی به نفع حماس خواهد بود اما با یک «وقفه» در این جنگ برای کمک‌رسانی به غیرنظامیان مخالفتی ندارد. به نظر می‌رسد این مسئله یکی از موارد اصلی اختلاف میان آمریکا و رهبران دولت‌های عرب منطقه باشد. در چنین شرایطی بلینکن به امان نیز سفر کرد تا در جلسه‌ای مشترک با وزرای خارجه مصر، عربستان، امارات، قطر، اردن و نخست وزیر لبنان دیدار و تبادل نظر کند. محور این جلسه درباره «آینده غزه پس از جنگ» و بدون گروه تروریستی حماس بود.

هرچند در این جلسه وزرای خارجه دولت‌های عربی بار دیگر بر ضرورت آتش‌بس در غزه تأکید کردند اما بلینکن با تکرار مواضع دولت آمریکا تأکید کرد «اعلام آتش‌بس بدون رسیدن به نتیجه اصلی می‌تواند پیامد معکوس داشته باشد.»

وزرای عرب بارها خواستار توقف تاکتیک‌های جنگی اسرائیل شدند و آن را محکوم کردند ولی بلینکن نپذیرفت. آسوشیتدپرس با اشاره به مواضع سختگیرانه بلینکن و درخواست وزرای خارجه کشورهای عربی درباره این جلسه می‌نویسد: «ناهمسویی و اختلاف در پیام طرفین مشهود بود.»

برخی تحلیلگران معتقدند تصمیم آمریکا برای حمایت از عملیات نظامی اسرائیل تا نابودی حماس جدی است و این موضع ایالات متحده در جلسه با وزرای خارجه کشورهای عربی منطقه به آنان منتقل شد. گفته می‌شود بلینکن برای آنها روشن کرد که اداره غزه پس از جنگ باید به تشکیلات خودگردان فلسطین در هماهنگی و همکاری با نهادهای

● وزیر خارجه آمریکا بعد از دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در سفر به اردن در دیدار با وزرای خارجه وزرای خارجه مصر، عربستان، امارات، قطر، اردن و نخست وزیر لبنان درباره آینده غزه پس از جنگ با آنها گفتگو کرد.

● هرچند در این جلسه وزرای خارجه دولت‌های عربی بار دیگر بر ضرورت آتش‌بس در غزه تأکید کردند اما بلینکن با تکرار مواضع دولت آمریکا تأکید کرد «اعلام آتش‌بس بدون رسیدن به نتیجه اصلی می‌تواند پیامد معکوس داشته باشد.»

● روزنامه اسرائیلی «هآرتص» در گزارشی با عنوان «بعد از حماس، مداخله بین‌المللی تنها گزینه غزه است» می‌نویسد «اسرائیل در تلاش است تا استراتژی روشن برای خروج از غزه ارائه دهد [اما] تصمیم نگرفته که آیا می‌خواهد رهبران حماس را از بین ببرد یا توافق برای تبعید اعضای آن را بپذیرد.»

در چهارمین هفته از آغاز جنگ میان اسرائیل و شبه‌نظامیان گروه تروریستی حماس که به ورود ارتش اسرائیل به غزه و تقسیم این منطقه به شمالی و جنوبی انجامیده، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در سفری اضطراری با مضمون فوق‌العاده مهم مربوط به آینده غزه بعد از جنگ به منطقه سفر کرد.

وزیر خارجه آمریکا علاوه بر دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در تل‌آویو پشت درهای بسته، در رام‌الله با محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز گفتگو کرد. وی در همین سفر به آنکارا رفت و با هاکان فیدان وزیر خارجه ترکیه و چند مقام دیگر این کشور به گفتگو و تبادل نظر پرداخت. رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه به بهانه سفر کاری ترجیح داد با بلینکن روبرو نشود.

همزمان با سفر بلینکن به ترکیه شماری از اسلامگرایان طرفدار حماس با پرچم‌های فلسطین و ترکیه به پایگاه «اینجیرلیک» محل استقرار نیروهای آمریکایی حوالی شهر آدنا در جنوب ترکیه یورش بردند. نیروهای امنیتی ترکیه با استفاده از گاز اشک‌آور و ماشین‌های آبیاش آنها را متفرق کردند.

وزیر خارجه آمریکا در سفری غیرمنتظره تحت تدابیر شدید امنیتی به بغداد نیز رفت. آنهم در شرایطی که حملات راکتی و پهبادی شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی علیه پایگاه‌های آمریکایی در عراق و مرز سوریه به عملیات مداوم و روزانه تبدیل شده است. وضعیت اضطراری در عراق بلینکن را مجبور کرد جلیقه ضدگلوله به تن کند به ویژه آنکه حزب‌الله عراق وابسته به جمهوری اسلامی پیش از سفر بلینکن به عراق هشدار داده بود که در صورتی که وی پایش به عراق برسد با «واکنش‌های بی‌سابقه» روبرو خواهد شد!

بلینکن در دیدار با محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق بدون نام بردن از رژیم ایران غیرمستقیم به مقامات تهران عبارت جو بایدن را تکرار کرد و هشدار داد «ارسال یک پیام بسیار واضح به هر کسی که ممکن است به دنبال

کارشناسان درباره «جنگ اسلامگرایان» علیه غرب هشدار می‌دهند؛ فلسطین بهانه و اسرائیل نخستین خاکریز به سوی غرب است



تظاهرات اسلامیت‌ها در شهر اسن آلمان / آبان ۱۴۰۲

حمله شکل دیگری خواهد داشت و در اینجا نمی‌توان همزمان به چندین منطقه هجوم برد و صدها انسان را ربود. اما «تلاش خواهد شد تا از نوع عملیاتی که تا کنون انجام می‌شده نباشد؛ مثلاً با یک چاقو به مردم حمله برد و یا با ماشین به میان عابران رفت، بلکه عملیاتی از نوعی دیگر». یک عملیات که هدفش به لرزه درآوردن جامعه است.

به عقیده‌ی لهاو، برای اسلامیت‌ها روشن شده که یک عملیات به تنهایی کافی نیست تا رویای آنها را برای تشکیل یک خلافت اسلامی به واقعیت تبدیل کند. تروریست‌ها بلندمدت فکر می‌کنند: «آنها مانند ما فکر نمی‌کنند. آنها یک منطق دیگر دارند. همه چیز نمادین است. وقتی شما دست به یک حمله می‌زنید، مثلاً در برلین، این یک نماد است برای اینکه نشان داده شود که پایتخت مهم‌ترین اقتصاد اروپا مورد حمله قرار گرفته است.» وی در ادامه توضیح می‌دهد: «در زبان عربی کلمه «صبر» یک مفهوم است. آنها یک عملیات انجام می‌دهند و بعد یکی دیگر. آنها می‌دانند که آلمان بعد از یک عملیات فرو نمی‌باشد. به همین دلیل آنها صبر دارند و البته خیلی زیاد!»

رویدادهای هفته‌های گذشته نشان می‌دهد که گروه‌های اسلامگرا از جنگ اسرائیل و حماس استفاده می‌کنند تا فراخوان مبارزه‌ی خودشان را علیه غرب آزاد بدهند. برای آنها دیگر مسئله بر سر فقط اسرائیل نیست: «وقتی حماس و دیگر گروه‌های تروریستی اعلام جهاد می‌کنند، دیگر تنها علیه یهودیان نیست بلکه علیه کل جهان غرب است.»

*منبع: روزنامه «بیلد» آلمان
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

«جنگجویان صلیبی» شناخته می‌شوند موضع می‌گیرند.

«نه یک جنگ برای فلسطین بلکه جنگ اسلامگرای است»

این کارشناس اسرائیلی همچنین هشدار می‌دهد که تجمعات زیر پوشش همبستگی با فلسطین را نباید دست‌کم گرفت: «گوش کنید که در خیابان‌های آلمان در این تجمعات چه شعار داده می‌شود. بله، شعار می‌دهند «فلسطین آزاد». اما فقط این نیست. آنها «تکبیر» و «الله اکبر» می‌گویند و با این شعارها روشن می‌کنند که برای آنها موضوع نه بر سر فلسطین بلکه جنگ بر سر اسلام است. اسرائیل برای آنها فقط نخستین قدم در این جنگ است. اسرائیل خاکریز اول این جنگ است و بعد نوبت بقیه مناطق می‌رسد.»

اران لهاو همچنین انتشارات و رسانه‌های گروه‌های تروریستی مختلف را رصد می‌کند و نتیجه می‌گیرد که فراخوان آنها برای تحركات خشونت‌آمیز به شدت گسترش یافته است. داعش و شراکایش در نشریات خود یک فهرست کامل منتشر می‌کنند که چطور می‌توان به یهودیان و همچنین مسیحیان زیان رساند. آنها مخاطبان را فرا می‌خوانند که به «سفارتخانه‌های یهودی و مسیحی» حمله کنند، کنیسه‌ها را آتش بزنند و به فروشگاه‌ها حمله کنند. یک لیست از تکالیفی که می‌بایست انجام شود تهیه کرده‌اند.

این کارشناس اسلامگرای و تروریسم درباره وقوع عملیاتی در اروپا هشدار می‌دهد که حمله تروریستی حماس در هفتم اکتبر را الگو قرار می‌دهند: «اسلامگرایان افراطی می‌بینند که این حمله حماس علیه اسرائیل چه بازتابی داشته. به همین دلیل احتمال دارد تلاش‌هایی برای تکرار عملیات مشابه در اروپا نیز بشود. البته این

● روزنامه آلمانی «بیلد» با ایران لهاو (۳۸ ساله) که از سال‌ها پیش درباره گروه‌های اسلامگرا به پژوهش مشغول است و به عربی سلیس صحبت می‌کند گفتگو کرده است. به نظر وی، نقطه‌ی حرکت موج جدید اسلامگرایی، حمله فجیع حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر است که ۱۴۰۰ کشته برجای گذاشت.

● «حماس برای این حمله به اسرائیل از داعش الهام گرفت. حالا داعش از حمله حماس استفاده می‌کند تا هواداران تازه به دست آورد و اعضای خود را به تحرک درآورد.»

● «آنها مانند ما فکر نمی‌کنند. آنها یک منطق دیگر دارند... در زبان عربی کلمه «صبر» یک مفهوم است. آنها یک عملیات انجام می‌دهند و بعد یکی دیگر. آنها می‌دانند که آلمان بعد از یک عملیات فرو نمی‌باشد. به همین دلیل آنها صبر دارند و البته خیلی زیاد! وقتی حماس و دیگر گروه‌های تروریستی اعلام جهاد می‌کنند، دیگر تنها علیه یهودیان نیست بلکه علیه کل جهان غرب است.»

روزنامه «بیلد» در گفتگو با یک کارشناس اسلامگرایی و تروریسم نخست این پرسش را مطرح می‌کند که چه چیز در آلمان در حال جوشش است؟ و سپس با اشاره به تظاهرات و پرچم‌ها و شعارهای باورنکردنی که در شهر «اسن» در غرب این کشور سر داده شده می‌نویسد، از چندین روز پیش راهپیمایی‌های اسلامگرایان ضدیهودی کشور را به لرزه درآورد؛ به ویژه تظاهرات در شهر اسن به شدت هراس‌آور است. در آنجا اسلامیت‌های رادیکال به بهانه همبستگی با غزه جمع شده و خواهان برقراری خلافت اسلامی در آلمان شدند. پرچم‌هایی را به اهتزاز درآوردند که یادآور داعش و طالبان هستند و فریاد «الله اکبر» هزاران تن در مرکز شهر طنین انداخت.

دست‌کم تا الان روشن شده که برای بسیاری از به اصطلاح دوستان فلسطینی‌ها مسئله بر سر غزه نیست بلکه جنگ عقیده است. افراطی‌ترین اسلامگرایان از جنگ در خاورمیانه به عنوان بهانه استفاده می‌کنند تا قدرت خودشان را برپا کنند.

روزنامه آلمانی «بیلد» با ایران لهاو (۳۸ ساله) که از سال‌ها پیش درباره گروه‌های اسلامگرا به پژوهش مشغول است و به عربی سلیس صحبت می‌کند گفتگو کرده است. به نظر وی اسلامیت‌ها دوباره به حرکت درآمده‌اند اما اینبار در اروپا و آلمان. نقطه‌ی حرکت موج جدید اسلامگرایی، حمله فجیع حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر است که ۱۴۰۰ کشته برجای گذاشت.

لهاو توضیح می‌دهد که «تروریست‌ها بطور متقابل همدیگر را بارور می‌کنند. حماس برای این حمله به اسرائیل از داعش الهام گرفت. حالا داعش از حمله حماس استفاده می‌کند تا هواداران تازه به دست آورد و اعضای خود را به تحرک درآورد.»

او هشدار می‌دهد: «داعش و القاعده و دیگر گروه‌های مشابه در شبکه‌های اجتماعی مخاطبان را علیه یهودیان و مسیحیان به شورش فرا می‌خوانند.» آنها همزمان بطور مشخص علیه مسیحیان نیز که از نظر آنان به عنوان

نگرانی از ارتباط گروه‌های مرتبط با ایران از ایجاد تنش بر سر اسرائیل



تظاهرات طرفداران حماس در لندن / ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳ / رویترز

حذف و ریشه‌کن نمودن صهیونیست‌ها» دفاع کرده‌اند. بر اساس فهرستی که از سوی Companies House (سازمان ثبت موسسات) منتشر شده، تا ماه دسامبر گذشته، مدیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی، سعیدرضا عاملی بود. این سازمان که در شمال لندن مستقر است، وکالت و مشاوره حقوقی و همچنین اقداماتی در مورد طیف وسیعی از موضوعات ارائه می‌دهد.

سال گذشته روزنامه تایمز گزارش داد که عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در ایران بود که دستورالعمل‌های سنگینی در مورد اجباری بودن حجاب ارائه کرد. او گفته بود که قوانین سختگیرانه‌تری برای «سلامت اجتماعی و حفاظت از خانواده» لازم است!

مسعود شجره یکی از بنیانگذاران و رئیس کمیسیون حقوق بشر اسلامی از «ایران» به عنوان «تنها کشوری که بدون تردید در راستای اسلام، در برابر ظلم، استبداد و استقلال خود ایستاده» ستایش کرده است!

مسیح علینژاد یکی از فعالان حقوق زنان قیداً این «نهاد حقوق بشر ایران» را «ابزار تبلیغاتی» برای جمهوری اسلامی دانسته بود.

«مرکز اسلامی انگلستان» سازمان دیگریست که گفته می‌شود با تهران ارتباط مستقیم دارد. کمیسیون خیریه پس از دو رویداد در سال ۲۰۲۰ که در آن قاسم سلیمانی فرمانده نظامی سپاه قدس که در حمله پهنای آمریکا در عراق در همان سال کشته شد، تجلیل نمود.

از آن زمان این کمیسیون تحقیقاتی را در مورد مدیریت و اداره این خیریه آغاز کرده است. «امام» این تشکیلات سیدهاشم موسوی که در ماه دسامبر به نقل از «سازمان ثبت موسسات» از سمت خود به عنوان منشی استعفا کرد، از قاسم سلیمانی به عنوان «سرباز فداکار اسلام» که به دست «شرورترین افراد نسل بشر» جان باخت، تمجید کرد.

جیمز کلورلی وزیر امور خارجه بریتانیا در سال ۲۰۲۱ گفته بود موسوی «نماینده رسمی مذهبی خامنه‌ای در انگلیس است» در حالی که «آلیشیا کرنز» نماینده پارلمان بریتانیا که ریاست کمیته منتخب امور خارجه را نیز

چند کشور اروپایی دیگر دارد، کلیبی از سخنرانی خامنه‌ای را با تصویری از تظاهرات لندن در روز چهارشنبه در تلگرام به اشتراک گذاشت. در ماه اوت بود که مشخص شد این گروه که از حمایت آشکار رهبر حکومت اسلامی برخوردار است، میزبان چند تن از شخصیت‌های ارشد سپاه پاسداران در گفتگوهای مجازی بود که برای دانشجویان انگلیسی برگزار شده و آنها را تشویق به جنگیدن در «جنگ آخرالزمانی» علیه دشمنان «ایران» و یهودیان می‌کرد.

این گروه که در میان آنها نامی از مسئولان نیامده، پیشتر ارتباط با تهران از جمله وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را انکار کرده بود.

همزمان حساب‌های رسمی جمهوری اسلامی در شبکه «ایکس» تبلیغات طرفداران حماس را به اشتراک می‌گذارند

ارتباط طرفداران حماس و «مقاومت» در بریتانیا با تهران

حداقل یک گروه که به اعتقاد مقامات بریتانیایی ارتباط مستقیم با تهران دارد، «کمیسیون حقوق بشر اسلامی» در تظاهرات اخیر حضور داشته است. روز شنبه تظاهرکنندگان پلاکاردهایی را حمل می‌کردند که روی آنها نوشته شده بود «پیروزی مقاومت! ایستادگی در برابر اشغالگری اسرائیل یک حق و یک تکلیف است!» بر این بتر آدرس وبسایت نوشته شده و نشان کمیسیون حقوق بشر اسلامی بر آن نقش بسته بود.

البته شواهدی وجود ندارد که راهپیمایی‌کنندگان در این تظاهرات دیدگاه‌های کمیسیون حقوق بشر اسلامی را که در یک بررسی مستقل جهت جلوگیری از فعالیت آن توسط ویلیام شوکراس مورد انتقاد قرار گرفته، تأیید کنند. او این گروه را یک گروه اسلامی توصیف کرده که از نظر ایدئولوژیک با رژیم ایران همسو است و دارای سابقه «ارتباطات افراطی و همسویی‌های تروریستی» است. شوکراس همچنین با استناد به یک بیانیه مطبوعاتی در سال ۲۰۱۷ که یک ستیزه‌جوی اسلام‌گرا را «اصولگرایی بی‌همتا» توصیف می‌کرد، گفت که شخصیت‌های ارشد این تشکیلات از «جهاد» و اقدامات خشونت‌آمیز حمایت کرده و «از

● مقامات انگلیسی بیش از نیمی از گروه‌های مستقر در بریتانیا را شناسایی کرده‌اند که مستقیم با تهران در ارتباط‌اند، زیرا نگرانند دولت متخاصم تنش‌هایی را بر سر درگیری در اسرائیل ایجاد کند.

حامیان رژیم ایران در راهپیمایی‌های حامی فلسطین در لندن شرکت کرده و اعلامیه‌هایی نیز با استناد به درخواست علی خامنه‌ای برای ریشه‌کن کردن اسرائیل پخش کرده‌اند. رسانه‌های اجتماعی رسمی در کنترل خامنه‌ای از جنبش اعتراضی گسترده در بریتانیا تمجید کرده‌اند. رژیم ولایت فقیه از محکوم کردن جنایات حماس نه تنها خودداری کرده بلکه آنها را «دفاع مشروع از خود» توصیف نموده است. جلسات توجیهی کاخ سفید که از سوی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در جریان قرار گرفته، نشان می‌دهد که تهران با یک گروه اصلی از مؤسسات برای اعمال قدرت نرم، ایجاد نفوذ و ایجاد تنش ارتباط دارد. همچنین تصور می‌شود که شبکه گسترده‌تری متشکل از مساجد، مؤسسات خیریه و سایر تشکیلات دارای پیوندهایی با رژیم هستند. مقامات بریتانیا بطور خاص در مورد گروه‌هایی که به نظر می‌رسد از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به نرحمی شهرت دارد، ابراز نگرانی کرده‌اند.

موسساتی که مستقیم با تهران ارتباط دارند شامل مرکز اسلامی انگلیس که در مرکز تحقیقات کمیسیون خیریه قرار دارد و کمیسیون حقوق بشر اسلامی، یک گروه مدافع و مرتبط با جمهوری اسلامی هستند که بخشی از تصویر وسیع‌تری از کارزار نفوذ جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارند و به انتشار اطلاعات نادرست و افراط‌گرایی در بریتانیا متهم شده‌اند.

اعتراضات

اعلامیه‌های تحریک‌آمیزی که در تظاهرات روز شنبه هفته گذشته توسط طرفداران حماس در مرکز لندن پخش شد، از توصیف خامنه‌ای از اسرائیل - «رژیم غاصب صهیونیستی» - به عنوان غده سرطانی که باید ریشه‌کن شود، استفاده کرده است. این اعلامیه‌های نفرت‌پراکن حاوی این ادعا بودند که «جنبش مقاومت» در فلسطین «پرانرژی‌تر، زنده‌تر و آماده‌تر از همیشه» است. این افراد همچنین عکس‌هایی از خامنه‌ای در دست داشتند که حمایت رژیم از ستیزه‌جویان «مقاومت» و گروه حماس را در پی جنایات هفتم اکتبر (۱۵ مهر) اعلام کرده و در پلاکاردهایشان نوشته شده بود «رژیم صهیونیستی در حال نابودی است.»

مشخص نیست که آیا این مطالب از سوی فعالانی در ارتباطات مستقیم با تهران توزیع شده یا توسط دیگرانی که امور را به دست خود گرفته‌اند. با این حال، یک هفته پس از هشدارهای خصوصی افسران ضد تروریست، مبنی بر افزایش فعالیت خصمانه در تظاهراتی که ارتباط مستقیمی با رژیم جمهوری اسلامی داشتند، رخ داده است.

مخالفان بریتانیایی- ایرانی رژیم جمهوری اسلامی نیز بر این باورند که هواداران جمهوری اسلامی برای دامن زدن به ناآرامی‌ها در بریتانیا، تظاهرات طرفداران حماس را سازماندهی کرده و در آنها حضور فعال دارند.

همچنین گروه‌های حامی و پشتیبان رژیم جمهوری اسلامی در روزهای اخیر تبلیغات خامنه‌ای را در رسانه‌های اجتماعی خود به اشتراک گذاشته‌اند. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا که شعبات فعالی در بریتانیا و

ماله مالی!

(کیهان لندن شماره ۱۰۴۰) بهمن ماه ۱۳۸۳

بازنشر

خیراندیش (احمد احرار)



در آخرین ماههای خدمت مرجوعه این بود که فرمود مقام معظم رهبری از نحوه انتخابات مجلس هفتم رضایت نداشتند. برای لکه زدایی از دامان قباي «رهبر» که مجلس هفتم مخلوق اراده و دخالت مستقیم او در انتخابات گذشته است هیچکس جرأت نداشت چنین ادعایی بکند. حجت الاسلام خاخی نشان داد که با هنر ماله کشی حتی می توان همه گزارشهای مربوط به انتخابات را از صفحات روزنامه ها و حافظه مردم زدود. مثلاً منکر آن شد که دو تن به اسامی محمد خاخی و مهدی کروی در بهمن ماه سال گذشته عریضه ای به حضور «رهبر معظم انقلاب» نوشتند و از جریان انتخابات گله کردند و امیدوار بودند اوامر مبارک ایشان دایره بر رعایت حد اقل خواسته هایشان که شورای نگهبان بر آن فاتحه خوانده بود شرف صدور پیدا کند اما جواب مایوس کننده «رهبری» دماغ هر دو را سوزاند و به عنوان «حکم حکومتی» مجوز انجام انتخاباتی شد که حالا می فرمایند مورد رضایت «رهبر» نبود.

هنر ماله کشی از این هم فراتر می رود وقتی پرزیدنت خاخی در پیام مطنطن خود به «مراسم گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس دانشگاه تهران» بعد از اظهار تأسف بسیار که با وجود اشتیاق فراوان به حضور در مراسم «به علت گرفتار شدن در امور آبی و جاری کشور» از این توفیق محروم شده اند، می فرمایند «دانشگاه تهران چکیده تواناییهای علمی این زادبوم در دوران معاصر است».

تو گویی سنگ بنای دانشگاه تهران در دوران فرخنده انقلاب اسلامی و به دست مبارک حضرت امام خمینی گذارده شد و این رضاشاه بود که گفت «ما هرچه می کشیم از این دانشگاهها و دانشگاه دیده هاست» چنان که همو نیز دستور داد قفل بر در دانشگاه بزنند و مدعی شد مملکت به این دانشگاهها و این جور دانشگاهیان و دانشگاه رفته ها احتیاج ندارد. ما خودمان هر قدر متخصص لازم داشته باشیم در حوزه ها تربیت می کنیم!

چشم بدش به دور، آیتی است این حجت الاسلام خاخی اردکانی. «مقام معظم رهبری» از حالا باید به فکر جایگاه شایسته ای برای استفاده از وجود واجب السجود حضرتشان در دوره بعد از ریاست جمهوری باشد. همانطور که حجت الاسلام رفسنجانی پس از خاتمه دوران هشت ساله ریاست جمهوری از نظر علمی و فقهی و اداری و سیاسی ارتقاء درجه یافت و با عنوان آیت الهی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام شد، حق این است که سنت درباره حجت الاسلام خاخی نیز رعایت شود. اولاً رتبه آیت الهی به او بدهند، ثانیاً شغلی مناسب شان و شخصیت وی برایش بترانند. ریاست شورای عالی ماله مالی به نظر این ناچیز، قبائی است دوخته شده به قامت آیت الله دکتر سید محمد خاخی اردکانی. یادمان نرود که این سید نجیب محترم (به لفظ مبارک مقام معظم رهبری) قبل از آن که در سال ۱۳۷۶ کاندیدی ریاست جمهوری شود عنوان دکتری داشت. در تمام دوران وزارتش او را دکتر خاخی می گفتند و می نوشتند و کسی هم اعتراضی نداشت. وقتی پای در میدان مبارزه گذاشت، اولین ضربه ای که از حریفان دغا دریافت کرد این بود که بقیه اش را گرفتند و گفتند بگو درجه دکترا را چه وقت و از کدام دانشگاه گرفته ای. این بزرگوار هم با آنکه مثل آنهای دیگر می توانست فوراً چند مدرک دکتری در علوم قدیمه و جدیده چاپ بزند و به تصدیق مراجع داخلی و خارجی برساند، آقایی به خرج داد و گفت فرصت نداشته است تز دکترای خود را بنویسد و مدرک بگیرد.

باری، صحبت از شورای عالی ماله مالی بود که عرض کردم آیت الله دکتر سید محمد خاخی در مقام ریاست آن می تواند خدمات بایسته خود را به «نظام» ادامه دهد. چون جناب ایشان در دوران هشت ساله ریاست جمهوری، يك ماله در دست داشت و با مهارت تمام روی زشتیها و ناهمواریها ماله می کشید. از صافکاریها و ماله کشیدنهای بیاد ماندنی آقای خاخی

بر عهده دارد، ICE را «دفتر لندن» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توصیف کرده است آنهم در حالی که علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی کشور اسرائیل را «غده سرطانی» توصیف کرده که باید «ریشه کن» شود.

مقامات کاخ سفید همچنین به شبکه ای از سازمان های دیگر از جمله مساجد و مراکز آموزشی اشاره کرده اند که برخی از آنها با سفارت جمهوری اسلامی ارتباط دارند.

در این میان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روزنامه تایمز را متهم کرد که تمامی گروه های طرفدار فلسطین را به عنوان افراط گرا معرفی کرده یا جاسوسان حکومت ایران می داند و «فضای مک کارتی» برای محافظت از اسرائیل در برابر انتقادات برقرار کرده است! این نهاد نظامی موازی و نامتعارف شوکراس را نیز به خصومت آشکار با مسلمانان متهم نموده و گفته که منابع اطلاعاتی تایمز «کسانی بودند که در عالم مستی درباره افراط گرایان جنجال کرده اند».

سپاه افزوده: «هیچ مقام جدی که از کار ما و تیم مدیریتی ما اطلاع داشته باشد، نمی تواند به چنین نتایجی دست یابد». مسئولان ICE در بیانیه ای گفتند که موسوی دیگر مدیر نیست و نقش او اکنون «معنوی است و نه سیاسی». آنها گفتند که با تحقیقات کمیسیون همکاری کرده و ICE را «در چارچوب قانونی مربوطه» اداره نموده اند.

آنها همچنین گفتند این مرکز حافظ منافع ایران و هیچ کشور دیگری نیست و محل عبادت و تعلیمات اسلامی است و مدعی شدند که اتهامات مربوط به ارتباط با سپاه پاسداران و رژیم تهران «بی اساس» بود.

تیم های رسانه ای خامنه ای نیز از تظاهرات در انگلیس به عنوان بخشی از ماشین تبلیغاتی خود استفاده کرده اند. او در سخنانی روز چهارشنبه به کنایه گفت که حتما «نیروی بسیج لندن» این تظاهرات را راه انداخته است.

وی همچنین به «بی شعوری که آمده و گفته که جمع شدن مردم در انگلیس کار ایران است» اشاره کرد.

و حید بهشتی ۴۶ ساله فعال ضد رژیم جمهوری اسلامی که در این تظاهرات مورد حمله قرار گرفت، معتقد است که از سوی خامنه ای مورد غضب قرار گرفته است. وی بارها تأکید کرده که عوامل سپاه طی چند هفته گذشته در این تظاهرات نفوذ کرده و خودش در ۲۳ مهرماه توسط فعالانی که تصاویر خامنه ای و سلیمانی را حمل می کردند مورد حمله قرار گرفت. یک مرد به دلیل در دست داشتن چاقو در ملاء عام و پس از تهدید به بریدن سر و حید بهشتی دستگیر شد.

کلیپ هایی در حساب کاربری رسمی خامنه ای در توئیتر، از تظاهرکنندگان بریتانیایی که «بدون ترس حمایت خود را از فلسطینی ها می دادند» تمجید می کنند. یکی از این کلیپ ها یک بریتانیایی را نشان می دهد که از تالار شهر شفیلد بالا می رود تا پرچم اسرائیل را بردارد و پرچم فلسطین را جایگزین آن کند و عبارت «پیروزی از آن مستضعفان و صالحان است» در ویدئو ظاهر می شود.

ویدئویی مشابه که توسط حساب کاربری خامنه ای به اشتراک گذاشته شده به همه مخاطبان در سراسر جهان «صرف نظر از مسلمان بودن یا نبودن آنها» می گوید که «با رژیم غاصب صهیونیستی مقابله کنند».

این کلمات تقریباً بلافاصله با مونتاژی از کلیپ های تظاهرات در لندن همراه می شوند که ساعت «پیگ بن» و دیگر مکان های معروف لندن در پس زمینه آن قابل مشاهده است آنهم در حالی که تظاهرکنندگان با لهجه انگلیسی شعار می دهند: «از رودخانه تا دریا، فلسطین آزاد خواهد شد». منظور آنها از کرانه باختری رود اردن تا دریای مدیترانه و نابودی اسرائیل است.

اندیشه‌های شاه در واپسین روزهای زندگی

شاه گفت: این رژیم خونخوار و پوچ با استفاده از تروریسم و با استفاده از

ضعف غرب، می‌تواند مدتی دوام بیاورد

او از ترك ایران و پیام «صدای انقلاب شما را شنیدم» پشیمان بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۳۸)

دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تاس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

می‌خواهد شما را بهتر بشناسد و شما هم با بلندپایگان آمریکایی دیگر آشنا خواهید شد. در واقع آنها می‌خواستند آن گونه که اصطلاح خودشان است، شما را ارزیابی کنند. شما مؤدبانه عذر خواستید. کمتر سیاستمداری، چه ایرانی و چه خارجی، این کار شما را می‌کرد. من رفتار شما را بسیار ستایش کردم و پی بردم که شما هرگز در پشت سر من کاری انجام نخواهید داد. ولی از چند نفر دیگر می‌توانم این گونه سخن بگویم؟»

از تحسین دیرننگام او متأثر و شگفت‌زده شدم. ستایشی دیر و بیهوده، ولی صادقانه بود. آن شخص، یکی از بزرگترین صاحبان صنایع آمریکا، عضو هیأت امنای و یاری‌رسان چند دانشگاه و از نزدیکان «سی.آی.ای» بود و شهرت داشت که نفوذ سیاسی‌اش بسیار است.

– از خیلی‌ها، اعلیحضرت. دست کم من این گونه می‌اندیشم.

– به راستی چنین می‌پندارید؟

– شاید اشتباه می‌کنم، ولی به‌راستی این گونه گمان می‌کنم.

– از همه آنهایی که دور و بر آمریکاییها پلکیدند، شاید از همه پست‌تر گروه صندوق بین‌المللی پول بود که شما خوب می‌شناسیدشان. افرادی گاهی بسیار باهوش و موفق بودند، ولی دوست داشتند حالت خدمتکار داشته باشند. من همیشه مخالف بودم که... سرکرده آنها وزیر شود.

– ولی مقامات دیگر مهمی هم به او داده شد.

– بله، ولی نه وزیر!

لحن تک‌گویی او دیگرگون شد و رو به طنز و مسائل شخصی گذارد. خودش این را دریافت، مطالبی کلی گفت و باز به سیاستهای آمریکا پرداخت.

«بینید، برای من دلایل اصلی و زیربنایی دولت آمریکا هنوز درک‌کردنی نیست. ایران کار می‌کرد، تولید می‌کرد، می‌ساخت، مشتری خوبی بود و در همان حال، عامل صلح و ثبات در منطقه‌ای مهم و حیاتی. شاید هم همین جنبه‌های مثبت، ناگهان در چشم آنان تبدیل به نقاط ضعف شد و به دلیل نیرومندی که ما را براندازند. این واقعیتی ←

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

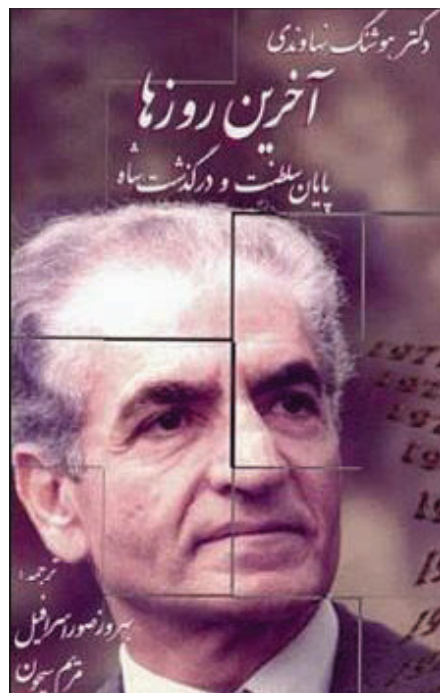
پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاست‌ش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

سکوتی دراز... دیگر چیزی نگفت، و ظاهراً می‌خواست پاسخی بشنود. فقط می‌خواست سخن بگوید. در باغ پهناور قبه قدم می‌زدیم. هیچ نشانه‌ای از خستگی می‌نمود. ناگهان خنده بلندی کرد:

«آیا می‌دانید که سه-چهار سال پیش، یادم نیست «پارسونز» سفیر انگلیس بود یا کس دیگر، با کتابی و با شگفتی‌ای که پنهان می‌کرد گفت: دانشجویان آمریکایی برای تحصیل پزشکی به شیراز می‌آیند، به دانشگاه عزیز شما (من از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ رئیس دانشگاه پهلوی بودم)، شاهزادگان عرب برای درمان به بیمارستان «فمازی» و «خلیلی» همین دانشگاه می‌آیند. احساس می‌کردم از این موضوع ناراحت است که خارجیا به دلایلی جز دیدن تخت جمشید و مسجدها به کشور ما بیایند. از هر دیدگاه، ایران داشت به گوهر رخشان این منطقه بدل می‌شد، و این را هر روز کمتر و کمتر تحمل می‌کردند. می‌دانستند که ایران، سرمشقی خواهد شد. می‌دانستند که ایرانیان توانایی کوششهای استثنایی دارند. این، ناراحتشان می‌کرد. یک روزنامه غربی بسیار مهم، به من ایراد گرفت که چرا مصرف گوشت را در ایران به سوی افزایش سوق می‌دهم. گفتم چرا یک فرانسوی سالی ۸۷ کیلو گوشت و یک آمریکایی ۱۳۰ کیلو در سال مصرف کند، و نه یک ایرانی؟ به‌نظر آنها من جنون خودبزرگ‌بینی داشتم.

در سال ۱۹۷۳ توانستیم یکسره به ۶۰ سال استعمار خارجی نفت ایران پایان دهیم. چیزی که آن پیر مرد لجوج (محمد مصدق) را همیشه این گونه می‌نامید) یک ربع قرن پیش از آن، با آنچه امتیاز که در دست داشت، اگر کمتر خودخواهی به خرج می‌داد و بیشتر روشن‌بین می‌بود، می‌توانست انجام دهد. ایران، بالاخره مدیریت همه فعالیتهای نفتی، از جمله پالایشگاه آبادان و جاهای دیگر را در دست گرفت. قانون جدید نفت در سال ۱۹۷۴ به‌گونه نهایی تصویب شد، و من در این مورد اطمینان دارم که از آن زمان منافع بین‌المللی نیرومندی، در درون کشور، همداستانانی یافتند که با آنها، سرنگونی مرا سازمان دهند. و متأسفانه، شماری جاه‌طلب و بدبخت، از سر نفرت یا



تلخکامی، خود را بازبچه آنها قرار دادند. ما می‌بایست بیشتر دقت می‌کردیم.»

باز هم سکوت دراز... سپس اشاره‌ای شگفت به رویدادی که برای من آشنا بود، اما به‌کل فراموشش کرده بودم، کرد:

«می‌دانم که سه یا چهار سال پیش، در یکی از سفرهای حرفه‌ای‌تان به آمریکا... (شاه نام یکی از بلندپایگان و سیاستگذاران «سی.آی.ای.» را برد که، مرتباً او را در ایران به‌حضور می‌پذیرفت) به «سالت لیک سیتی» آمد و جت شخصی‌اش را در اختیار شما قرار داد که یک آخر هفته به ملک او در کالیفرنیا بروید و به‌اتفاق همسران، تعطیلات را با او و همسرش بگذرانید. در زمانی بود که از شما به‌عنوان نخست‌وزیر آینده گفتگو بود. او گفته بود

کشور، گفتگو کردیم. شاه می‌دانست که من عضو هیچ يك از آن گروهها نیستم، ولی همه را می‌شناسم. می‌خواست بداند هر يك چه می‌خواهند و چه می‌توانند بکنند. هم به‌دلیل وضع جسمانی‌اش و هم از آن رو که نمی‌خواست مشکلات سیاسی برای دوستش «سادات» ایجاد کند، با دخالت رسمی خود مخالف بود. شاه هم از این سو و آن سو مورد فشارها و درخواستهای بسیاری بود و می‌دانست که اینها، تا آخرین نفسش ادامه خواهد داشت. موضع شخصی او روشن بود:

از تاج و تخت استعفا خواهد داد. نه به سود پسر و وارث قانونی خود، و نه به‌طور کلی. گویا آمریکاییها برای روشن کردن وضع به این توصیه ادامه می‌دادند. او پادشاه قانونی کشورش بود. پس از مرگ او، پسرش باید وظیفه خود را انجام دهد. شبه‌فراندمی که روزهای ۳۰ و ۳۱ مارس در ایران انجام شد، «باطل و بی‌بوده» بود.

او هر فرزندمی دیگری را هم برای تعیین آینده سیاسی کشور، حتی اگر درست صورت گیرد نخواهد پذیرفت. قانون اساسی وجود داشت و روشهایی که باید در پیش گرفته می‌شد و در آن معین شده بود، و باید به آن احترام گذاشته شود. رژیممی که در ایران برپا شده بود، غیر قانونی بود. از زور نشأت گرفته بود و فقط يك حکومت سر کار بود. حق حاکمیت از آن مردم ایران بود و باید در زمان مناسب خواست خود را در چارچوب قانون اساسی بیان می‌کردند. او با تلخکامی از ترك ایران پشیمان بود، همین‌طور از آن

سرهنگ نویسی که از يك ساعت و نیم پیش چند گام دورتر به دنبال ما بود، نزدیک شد و پس از ادای احترام اطلاع داد که ناهار چند لحظه دیگر آماده خواهد شد. شاه گفت: «این گفتگو را ادامه خواهیم داد.»

پس از صرف ناهار و استراحتی طولانی، شاه يك ساعت ورق‌بازی کرد و با شوخی به من گفت: «شما را دعوت نمی‌کنم، چون می‌دانم بازی نمی‌کنید و حتی از خودم می‌پرسم چرا؟ ولی اگر حوصله‌تان سر نمی‌رود، می‌توانید به‌عنوان تماشاچی بیایید.» کاری که من کردم. او سپس آنجا را ترك کرد تا برود و (به‌گفته خودش) اندکی کتاب بخواند. ولی در واقع، دیگر من او را از دست‌رفته می‌دیدم. کاری نداشت که انجام دهد. هیچ تصور باطلی در مورد سلامت خود نداشت، دیگر بیمی هم از امنیت خود نداشت. دور خود می‌چرخید، و انتظار می‌کشید...

پس از خوردن شام، نمایش فیلم بود که از آن نمی‌شد گذشت. گروه کوچکی در جلسه فیلم شرکت می‌کرد: زوج سلطنتی، خانم پیرنیا، فرخ پناه ایزدی مهندس مشاور مشهور و تبعیدی در پاریس که برای دیدن شاه به قاهره آمد ولی در کاخ اقامت نداشت، و من. يك فیلم پلیسی با شرکت «عمرشريف» نمایش می‌دادند که در آن می‌گذشت. شاه گفت: «هزار بار این را دیده‌ایم، ولی کار دیگری که نداریم.» روز بعد، پس از بدرقه علیاحضرت، صبح زود که از فرودگاه بازمی‌گشتم، بسیار شگفت‌زده شدم که دیدم شاه در يك گروهی است. به من گفتند که با چند آمریکایی

است که مقامات حزب دموکرات هرگز مرا دوست نداشتند، و بر آن شدند که مرا تضعیف کنند. این حزب، که رهبرش ابتدا «همفری» بود و بعد دیگران، به چشم بدی به‌توانایی نظامی ایران و بلندپروازیها در سطح منطقه و دنیا، که من پنهان نمی‌کردم، می‌نگریستند. مثل همیشه و با حرکتی ناگهانی، به ساعتش نگاه کرد. دیدار دونفره ما پایان یافت.

– قربان، اجازه بدهید بار دیگر به شما عرض کنم... علیحضرت با ترك ایران اشتباه بزرگی کردند و در زندگی از هیچ چیز این قدر افسوس نخوردند که نتوانستم شما را از این کار بازدارم.

– من هم افسوس می‌خورم، بیش از آن که بتوانید تصورش را بکنید.

مسئولیت آن را هم بر عهده می‌گیرم. فشارهایی که بر من وارد می‌آمد، هر روز بیشتر و شدیدتر می‌شد و در پایان کار، مقاومت‌ناپذیر شده بود. فشارها از خارج وارد می‌شد، ولی شما می‌دانید که از سوی پیرامونیانم هم بود. این درست است که سادات و ملک‌حسین پادشاه اردن بسیار به من توصیه کردند که مانم و به آن هرج و مرج پایان دهم. چینی‌ها هم به‌شیوه خود و شاید به‌دلیلی دیگر همین توصیه را می‌کردند. و این هم حقیقت دارد که در داخل هم شما، بسیار بودید که می‌خواستید مانع رفتنم شوید. تمام افسران که آنقدر برایم عزیز بودند، نیز همین را می‌خواستند. اما من نمی‌خواستم خون ریخته شود و دستور شلیک بدهم. از



شاهنشاه در واپسین روز زندگی

پيامی که روز ۶ نوامبر ۱۹۷۸ به‌اجبار فرستاده بود، و از این که جلو نیروهای نظامی را برای برقراری نظم و قانون گرفته بود.

نسبت به همه آنهايي که به او خیانت کرده بودند، تلخکام بود، و همچنین از پستی‌ای که بزرگان دنیا در مورد او نشان داده بودند، اما او از همان وقت از همه این احساسها فاصله گرفته بود. پایان کار خود را نزدیک می‌دید، و چاره‌ای جز پذیرفتن سرنوشت نداشت. شادمان بود که می‌توانست این جهان را در کمال وقار، و در اندیشه تاریخ و داوری ایرانیان و نسلهای آینده، ترك گوید:

«طبیعی است که حرمت زیادی برای پادشاهی در تبعید، نخواهند داشت. به يك دلیل ساده، و آن این که ←



شاهنشاه در بستر بیماری در مصر

هستند. اندکی پس از ساعت ۱۱، دیدارکنندگان رفتند، شاه تالاری را که در آن بودند ترك کرد و به‌سوی باغ رفتیم. به من گفت: «برویم و گفتگویمان را ادامه دهیم.» و افزود: «امیدوارم چیزهایی را که در کوثرناوآکا و اینجا به شما گفتم فراموش نکرده باشید. خودتان طبیعتاً، در زمان موعود، میان آنچه که باید به‌چاپ برسد یا نه، گلچین خواهید کرد. من روی شما حساب می‌کنم.» صادقانه به او گفتم که کاملاً نگرانی او را درك می‌کنم. شاه، برای آن که کنجکاو مرا فرو نشاند افزود: «کسانی که شما دیدید و رفتند، وکیل و بانکدار بودند، با شرایطی که وجود دارد، ما بایست مسائل خصوصی آینده را حل کنیم.»

سپس در مورد فعالیت‌های مخالفین ایرانی در خارج از

این که جنگی برادرکشانه به راه افتد بیم داشتم. متأسفانه، با این چیزها که دارد روی می‌دهد و می‌بینم، پی می‌برم که قربانیان برقراری نظم، که ما بر اساس سنت خود، سرپرستی خانواده‌هایشان را برعهده می‌گرفتیم، در مقایسه با کشت و کشتاری که صورت گرفت و هنوز هم ادامه دارد، شمار اندکی می‌بود. چگونه می‌شود این هزاران بیگانه‌ی که کشته شدند، چپاولها و تجاوزها، اینهمه جنایت را به‌نام خدا انجام داد؟ چگونه و از چه راهی می‌شود این صدها هزار نفری را که از کشور گریخته‌اند، روزی به آنجا بازگرداند؟

ناگهان با خمشی که نمی‌توانست مهارش کند گفت: «پس کجا هستند مدافعان حقوق بشر و دموکراسی؟ فقط ویرانی و شوربختی به چشم می‌خورد.»

سرت از هنرمندان؛ پروژه امنیتی یا افزایش سرت و گسترش به آنهایی که خرسازند؟!

● یک کارمند بانک ساکن ارومیه در مورد روند رو به رشد میزان سرت از هنرمندان معتقد است: «به نظر می‌رسد این یک پروژه طراحی شده است که گوشی افراد معروف دزدیده می‌شود شاید برای به دست آوردن اطلاعات داخل گوشی آنها.»

● اما یک دانش‌آموخته علوم سیاسی ساکن منطقه‌ای که مهرجویی و همسرش به قتل رسیدند می‌گوید: «امنیتی‌ها نیاز به خفت‌گیری و قمه‌کشی ندارند، احضار می‌کنند یا می‌ریزند داخل خانه‌ات و موبایل و لپ‌تاپ‌ات را به راحتی می‌برند؛ مگر اینکه پروژه‌ای عامدانه برای ترساندن هنرمندان در جریان باشد.»

● هرچه تعداد افراد معروف که مورد حمله و سرت قرار می‌گیرند، بیشتر شود، یعنی شمار سرت از شهروندان بی‌نام و نشان به مراتب بیشتر شده است!

فیروزه نوردستروم - تقریباً روزی نیست که در کوچه و خیابان، صدای داد و فریاد شهروندی را که برای سرت مورد حمله‌ی شهروندی دیگر قرار گرفته، نشنوم که هراسان در حال نجات دادن خود از چنگ سارق یا سارقان خفت‌گیر است در حالی که کیف یا تلفن همراه او قاپیده شده است. اگرچه برخی هنرمندان و چهره‌های معروف همچون سایر شهروندان تا کنون دست‌کم یکبار طعم تلخ زورگیری را چشیده‌اند اما پس از وقوع جنایت هولناک قتل داریوش مهرجویی و همسرش حمیده محمدی‌فر در ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲، در چند هفته اخیر خبر سرت، قاپیدن موبایل، کیف‌قاپی و خفت‌گیری از هنرمندان و افراد شناخته‌شده با استفاده از انواع سلاح‌های گرم و سرد افزایش یافته است. ۹ آبان زهره سلطان‌آبادی همسر کیهان کلهر نوازنده مشهور ایرانی، ساکن مهرشهر کرج با انتشار پستی در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام، از سرت برخی لوازم منزل‌شان خبر داد.

کاربران فضای مجازی با ابراز نگرانی، این اتفاق را یادآور آخرین پست اینستاگرامی وحیده محمدی‌فر، همسر داریوش مهرجویی قبل از وقوع تراژدی قتل هولناک وی و همسرش دانسته‌اند.

همسر داریوش مهرجویی چند روز قبل از آنکه خودش و همسرش به قتل برسند در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس با چاقو و سرت از خانه‌شان خبر داده بود. اما همزمان در ۹ آبان خبر رسید که سارقان به خانه امیرنوری بازیگر سینما در تهران نیز دستبرد زدند و مقدار قابل توجهی از اموال، مدارک مالی و گاوصندوق او را به سرت بردند. سارقان بخش‌هایی از خانه او را نیز تخریب کرده بودند. به تازگی مونا فرجاد بازیگر سینما و تئاتر نیز روز یک‌شنبه

۱۵ آبان در حساب اینستاگرام خود نوشت که شامگاه

شدم. پیرامونیان از حضور ما در قاهره بی‌خبر بودند، ولی شهبانو فوراً پذیرفت که اوایل بعداز ظهرها ما را بپذیرد. او به ما گفت: ناگهان وضع سلامت اعلیحضرت بد شده و در موقعیتی نیست که ما را بپذیرد. با این وصف، و با وجود نگرانی که طبیعتاً داشت، به‌نظر مطمئن به نفس و استوار آمد. يك ساعتی با ما به گفتگو نشست و از وضع ایران و این و آن پرسید. حدود ساعت شش و نیم، شهبانو به ما تلفن کرد که بگویید شاه، برای چند دقیقه هم شده می‌خواهد ما را ببیند.

فوراً با شتاب به کاخ قبه رفتیم و ما را مستقیماً به بخشی که شاه در آن بستری بود بردند. با سینه‌پهلوی و تب چهل درجه در رختخواب افتاده بود. چهره‌اش مرا شگفت‌زده کرد. آرام بود، ولی آشکارا به‌کلی از همه چیز بریده بود. همان لحظه پی بردم که در آستانه مرگ است و دیگر با دردهایی که می‌توانستم حدس بزنم فراوان است، مبارزه نمی‌کند و امیدی به زندگی ندارد.

شاه گفت سادات مرا آگاه کرده بود که شما به قاهره می‌آیید. آریانا و من کنار تخت او ایستاده بودیم و شهبانو کمی دورتر بود. تیمسار، که چند سالی بود شاه را ندیده بود، با اندوه به او توضیح داد که شمار ایرانیانی که به باورهای میهن‌پرستانه خود وفادار مانده‌اند، چقدر زیاد است. شاه چنین آغاز کرد: «می‌خواستم به شما بگویم.» سپس مکث کرد: «بسیار خسته‌ام و برابم دشوار است سخن بگویم.»

تیمسار آریانا گفت: «اعلیحضرت، مایلید به‌جای این که ساعت ۴ صبح پرواز کنیم، هواپیمای بعدی را بگیریم و بامداد فردا شما را ببینیم؟»

— نه، می‌دانم شما برای ایران کار می‌کنید. به خود اجازه نمی‌دهم که حتی چند ساعت آن را به‌خاطر من از دست بدهید. ایران دارد از بین می‌رود. اندک اندک دارد نابود می‌شود. برای کشور ما، هر ساعت اهمیت دارد. بروید، خدا پشت و پناهتان. امیدوارم خداوند ایران را نگهدارد.»

دیگر هرگز شاه را ندیدم.



شهبانو، دوباره به دکتر «فلاندرن» خبر داد. او گمان می‌کرد جراحی دیگری در نقطه‌ای از لوزالمعده لازم است. پروفوسور «دوباک» آزاد نبود، شاید هم خود را کنار کشیده بود. پزشک فرانسوی، البته با موافقت پروفوسور صفویان، از دکتر «پیر لویی فانیه» خواهش کرد که گروهی را به همراه خود بیاورد. شاهدخت اشرف، ظاهراً فقط به پزشکان آمریکایی اطمینان داشت. او هم دکتر «کلمن» و گروهش را آورد. فرانسویها و مصریها در يك سو، و آمریکاییها در سوی دیگر، با هم بر سر کاری که باید انجام می‌شد، اختلاف داشتند. به نزاع پزشکان گاهی برخوردهای شدید خانوادگی هم افزوده می‌شد. بالاخره، شهبانو و سادات، که از او هم خواسته شده بود نظرش را بگوید، به دکتر فلاندرن اطمینان کردند. دو گروه فرانسوی و مصری، روز ۳۰ ژوئن جراحی را انجام دادند و تکه پاره‌های لوزالمعده را بیرون آوردند. با وجود چند مشکل، عمل با موفقیت انجام شد. به گفته برخی این عمل، باید ماهها پیش صورت می‌گرفت.

پس از وقفه‌ای کوتاه، دردهای بیمار از سر گرفته شد و اوج گرفت. حال شاه هر روز بدتر می‌شد، با این حال او به نوشتن نکته‌های دقیقی در روایت آمریکایی «پاسخ به تاریخ» ادامه می‌داد. صدای او کم و کمتر شنیده می‌شد. او را به بخش مراقبت‌های ویژه انتقال دادند. دکتر فلاندرن و پزشکان مصری از او دیدار می‌کردند. دکتر «کین» و پروفوسور دوباک دیگر به تلفن‌ها پاسخ نمی‌دادند...

(ادامه دارد)

→ نمی‌تواند کاری انجام دهد. هنگامی که من نیرومند بودم، ایرانیان خوشبخت بودند، ولی اکنون بدبخت‌اند و من کاری نمی‌توانم برایشان انجام دهم.»

با این حال، این باورمند به آینده، که تاریخ را خوب می‌شناخت، با دیدی بسیار مثبت به آینده دور ایران می‌نگریست:

«این رژیم خونخوار و پوچ، آلت دست خیمه‌شب بازی منافع خارجی، می‌تواند حتی چندین و چند سال با استفاده از ترور و تروریسم، و به‌دلیل سستی و ناتوانی غرب، دوام آورد. ایرانی ضعیف، بسیار با منافع برخی، می‌خواند. ولی بی هیچ تردی، همچون بارها و درازای سده‌ها، ایران از نو زاده خواهد شد، نیرومند خواهد شد، مورد احترام قرار خواهد گرفت، و این سرو بلند، راه همیشگی و تاریخی خود، یعنی بزرگی و سترگی را خواهد یافت. این رژیم نفرت‌انگیز، پیوندی است که نخواهد گرفت و ایران جاودان، آن را پس خواهد زد. این رژیم، نه با گذشته ما انطباق دارد، نه با فرهنگ و سنن ما همخوان است، و فقط روح و روان ملت ایران را مورد تجاوز قرار می‌دهد. تاریخ پر فراز و نشیب ما، از این پدیده‌ها زیاد به خود دیده. جهش و گردن‌افراشتن، ناگزیر خواهد بود. ایران، دیگر بار دنیا را به شگفتی خواهد انداخت. بازگشت به سرچشمه‌های ژرف فرهنگ‌مان و به ارزشهای تمدن‌مان، این کار را خواهد کرد. و در لحظه موعود، مردی پدیدار خواهد شد و پرچمدار و نماد این نوزایی خواهد بود.»

سکوتی دراز به‌دنبال این گفته‌ها آمد. سپس با صدای بلند آنچه را که در سر داشت بیان کرد:

«آیا آن مرد، رضا (ولیعهد) خواهد بود؟» باز هم سکوت: «این مرد باید نیرومند باشد و گردهم آورنده همگان. ایران، نیازی به يك Puppet ندارد.» (ایشان کلمه را به انگلیسی به‌کار بردند.)

مدتی دراز به من نگریست، شاید هم مرا نمی‌دید، به‌نظر غایب می‌آمد. گفت: «وقت ناهار است، ولی به ما خبر ندادند.» به هر حال دیدارمان پایان یافته بود. فردای آن روز به پاریس بازمی‌گشتم.

روزهای واپسین

محمدرضا شاه چند روز آرام دیگر را گذراند. ولی حالش بدتر شد. خانواده و پزشکانش می‌دانستند که روزهای او رو به پایان است. از روز ۲ تا ۴ ژوئن، با ارتشید بهرام آریانا، رئیس ستاد کل ارتش تا اواخر سالهای ۱۹۶۰، به قاهره رفت. این میهن‌پرست بزرگ و وفادار را همه دوست می‌داشتند و به او احترام می‌گذاشتند. سالها بود که در پاریس زندگی می‌کرد. آن شهر را دوست می‌داشت، چون بخشی از تحصیلاتش را در آنجا انجام داده، و ضمناً زمانی در آن وابسته نظامی سفارت ایران بود. زندگی ساده و محقری داشت، کتاب زیاد می‌خواند، به موزه‌ها می‌رفت و اندکی هم درباره تاریخ ایران می‌نوشت.

از آنجا که فعالیتهای گروههای مخالف رژیم، دچار نزاعها و کم‌کشهای بی‌هوده، از جمله میان بختیار و اویسی شده بود، ایرانیان بسیاری از آریانا خواسته بودند مداخله کند، به این نزاعها پایان دهد و آنان را یگانه سازد. افسران فرانسوی، آمریکایی، مصری و ترک هم، همگی او را به این کار تشویق کرده بودند. دولت مصر او را برای گفتگو به قاهره دعوت کرده بود. او از من خواست که در این سفر همراهی کنم. بدون تردید، به ویژه به‌دلیل درستکاری و از خودگذشتگی او پذیرفتم. ستاد کل ارتش مصر با دقت برنامه رفت و آمد ما را ترتیب داده بود.

روز ۴ ژوئن، به کاخ قبه تلفن کردیم و خواستار دیدار شاه

شنبه همراه با خواهرش مارال فرجاد و جمعی از دوستان جلوی یکی از رستوران های تهران مورد حمله یک مرد با قمه و با کلاه مشکی و ماسک قرار گرفت بطوری که راهی درمانگاه شد.

این بازیگر سینما و تلویزیون در ادامه پست خود در اینستاگرام نوشت: «امروز معنای حقیقی نداشتن امنیت را حس کردم».

اما مرکز اطلاع رسانی پلیس تهران در واکنش به انتشار این خبر، در اطلاعیه ای سرقت موبایل از این بازیگر سینما را تکذیب کرد.

همچنین در ۱۳ آبان خبر رسید که محمدحسین میثاقی مجری برنامه «فوتبال برتر» برای دومین بار در سه ماه گذشته موبایلش به سرقت رفته است.

در ۱۵ خرداد ۱۴۰۰ نیز سارقان در غیاب آریتا ترکاشوند بازیگر سینما و تلویزیون به خانه اش وارد شدند و به گفته خودش به راحتی کارشان را انجام داده و رفتند. آن زمان رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ در واکنش به خبر سرقت از خانه این بازیگر از هنرمندان و چهره های شناخته شده خواست تا در ارتقاء ایمنی منازل مسکونی مشارکت کنند.

با این حال، سارقان از هر فرصتی برای انجام سرقت استفاده می کنند حتی در مراسم تشییع جنازه افراد نیز در فروردین ۱۳۹۸ پلیس پیشگیری تهران ۲ موبایل قاپ را در خاکسپاری جمشید مشایخی بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون دستگیر کرد که به ۵۰ فقره سرقت در این مراسم اعتراف کردند.

آنها به این شکل کار می کردند که یکی از سارقان به پنهان عکس گرفتن به هنرمندان نزدیک می شد و در فرصت مناسب با همکاری همدستش تلفن همراه حاضران را به سرقت می بردند.

در خرداد ۱۳۹۷ نیز چند روز پس از درگذشت ناصر ملک مطیعی برخی از هنرمندان از سرقت جایزه جشن سپاس این هنرمند از منزل دختر او خبر دادند.

در مهرماه ۱۳۹۶ نیز رئیس مجموعه تئاتر شهر با اشاره به شکایت برخی بازیگران و تماشاگران از فضای بیرونی تئاتر شهر اعلام کرده بود که «شکایت های بسیاری در خصوص آزار بازیگران و تماشاگران و همچنین سرقت از اتومبیل آنها داشته ایم و بطور یقین به محیط نامناسب بیرونی واقف هستیم اما حل این مشکل عزمی جدی را می طلبد زیرا ما در طول شبانه روز نمی توانیم حراست محوطه را در دست داشته باشیم».

در تابستانی که گذشت نیز چندین خبر از حمله سارقان و خفت گیران به چهره های سرشناس فوتبال ایران منتشر شد از حمله سارقان قمه به دست به حمید استیلی بازیکن سابق تیم ملی و دزدیدن تلفن همراه وی تا دزدیدن تلفن همراه بهنام ابوالقاسم پور بازیکن سابق فوتبالیست و محمد حسین میثاقی مجری برنامه «فوتبال برتر».

در این میان علی دایی چهره سرشناس فوتبال کشور تا کنون ۴ بار مورد سرقت قرار گرفته است.

برخی از کاربران فضای مجازی سرقت از هنرمندان و چهره های سرشناس را یک سناریوی امنیتی عنوان می کنند و در مقابل برخی دیگر معتقدند که مواجهه هنرمندان با پدیده سریالی خفت گیری و سرقت غیرقابل اجتناب است و آنها تافته جدابافته از بقیه شهروندان نیستند ولی چون شناخته شده هستند، خبرهای سرقت از آنها منتشر شده و



بلا رفته.»

در ادامه یک کارمند بانک ساکن ارومیه توضیح می دهد: «چند وقت پیش، تلفن یکی از اقوامم را از دستش قاپیدند و رفتند، او کلی شکایت کرد و پول داد که ردیابی کنند بعد از سه هفته گوشی را ردیابی کردند فهمیدند چه کسی دزدیده و کجاست به او خبر دادند؛ با چه ذوق و شوقی رفت، بعد به او گفتند برید بهتون خبر میدیم، الان سه هفته است هرچه منتظر نشسته خبری نیست، گوشی هم رفت؛ کلی هم پول شکایت و ردیابی داد برای هیچی! در مقابل وقتی تلفن وزیر ورزش را می دزدند سریع سارق را شناسایی و بازداشت می کنند.»

او در مورد روند رو به رشد میزان سرقت از هنرمندان معتقد است: «به نظر می رسد این یک پروژه طراحی شده است که گوشی افراد معروف دزدیده می شود شاید برای به دست آوردن اطلاعات داخل گوشی آنها.»

یک فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی ساکن منطقه محل قتل داریوش مهرجویی و همسرش هم می گوید: «کلاً سرقت در ایران به ویژه موبایل زیاد شده، در همین کوچه ای که ما زندگی می کنیم وسط روز با چاقو از یک زن به زور موبایلش را گرفتند.»

وی معتقد است «امنیتی ها نیاز به خفت گیری و قمه کشی ندارند، احضار می کنند یا می ریزند داخل خانه ات و موبایل و لپ تاپات را به راحتی می برند؛ مگر اینکه پروژه ای عاقدانه برای ترساندن هنرمندان در جریان باشد.»

این کارمند جوان می گوید که روند رو به افزایش سرقت ها به علت وضعیت اقتصادی و اجتماعی است که در هفته های اخیر بسیار زیادتر از قبل شده. ولی از روزی صدها سرقت و زورگیری حالا دو سه تا هنرمند و روزنامه نگار هم ممکن است بین آنها سرقت شوندگان باشند: «به نظرم اگر به نسبت آمار بستیم، آن چند صد یا چند هزار قربانی سرقت و زورگیری، آدم های معمولی هستند و خبرهایشان منتشر نمی شود اما وقتی این اتفاق برای یک هنرمند رخ می دهد تبدیل به خبر می شود و به چشم می آید.»

به این ترتیب، هرچه تعداد افراد معروف که مورد حمله و سرقت قرار می گیرند، بیشتر شود، یعنی شمار سرقت از شهروندان بی نام و نشان به مراتب بیشتر شده است!



بازتاب بیشتری پیدا می کند.

خامی که در یک قنادی نزدیک بازار تهران مشغول به کار است به کیهان لندن می گوید: «تا به حال دو بار گوشی مرا دزدیدند؛ یکبار در ایستگاه اتوبوس بازار از پشت سر، تلفنم را کشیدند و بردند و یکبار در کنار اتوبان ایستاده بودم موتوری ناگهان گوشیم را از دستم کشید و فرار کرد.» او اضافه می کند: «هر موقع صدای موتور می شنوم حالم بد می شود و استرس عجیبی می گیرم؛ تعداد دزدها و خفت گیرها آنقدر زیاد شده که به سراغ خانه و زندگی هنرمندان هم می روند. در کوچه و خیابان وسط روز جولان می دهند. بازداشت شان می کنند بعد با یک حبس کوتاه مدت بدر از قبل به خیابانها برمی گردند.»

یک مرد میانسال ساکن شیراز که شغل خود را آزاد عنوان می کند به این گفتگو می پیوندد: «من تا به حال چند بار به عراق سفر کرده ام، در آنجا میزان سرقت در مقایسه با ایران بسیار پایین است، بعد از ساعت ۹ شب بیشتر دستفروشها پارچه ای روی وسایل خود می کشند و می روند، هیچکس هم به اموال آنها دست درازی نمی کند اما از آنجا که قوانین ما اصلاً بازدارنده نیست آمار سرقت و کلاهبرداری اینقدر

گزارش ویژه؛ هکرها و جنگ اسرائیل و حماس در فضای مجازی



می‌کند، تلاش کرد با پخش پیام‌هایی در شبکه تلگرام در رابطه با «حوادث هسته‌ای قریب‌الوقوع» تنش ایجاد کند. حماس که از حضور در فیس‌بوک، اینستاگرام و گوگل منع شده، در تلگرام فعال است. شمار دنبال‌کنندگان حماس در دو حساب کاربری این سازمان تروریستی در تلگرام در ۱۰ روز اول جنگ از ۳۰۰ هزار به بیش از یک میلیون افزایش پیدا کرد. پییر گوئیدو یززی Pier Guido Izzi مدیرعامل Swascan به کیهان لندن می‌گوید «آنچه با RedAlert دیدیم واقعا نگران‌کننده است. خطرات جنگ سایبری مشارکتی بیش از تصور ما بود. دیدیم که گروه کوچکی با شناخت و امکانات فنی بالا می‌تواند سطح آسیب‌پذیری را بالا برد و چنان نقش مخربی ایفا کند که می‌تواند خسارات جانی نیز وارد نماید. تجربه این گروه‌ها با مهارت بالا بلافاصله در اختیار گروه‌های کوچک‌تر و با امکانات محدودتر نیز قرار می‌گیرد و جبهه جنگ سایبری در مدتی کوتاه یعنی در عرض چند ساعت گسترش پیدا می‌کند.»

در روزهای گذشته چندین وزارتخانه فلسطینی و وسایط چندین بیمارستان در غزه نیز برای مدتی از کار افتادند. البته طرف مقابل نیز سامانه‌های وزارت خارجه و آژانس فضائی اسرائیل را برای مدتی از دسترس خارج ساخت.

پییر گوئیدو یززی در مقایسه جنگ سایبری کنونی با آنچه در ابتدای جنگ اوکراین اتفاق افتاد به کیهان لندن می‌گوید «استراتژی گروه‌های هوادار حماس در مقایسه با درگیری سایبری روسیه و اوکراین نشان داده که از مشارکت گسترده‌تر و مهارت‌های بیشتری برخوردارند. مشکلی که نمی‌توان نادیده گرفت و برای مقابله با آن باید در فکر تدابیر جدیدی بود.»

در روزهای گذشته یک ارتش سایبری دیگر که خود را AnonGhost (شیخ ناشناس) معرفی می‌کند شماره‌های تلفن ۴۰۰ هزار اسرائیلی را که در واتساپ حضور دارند منتشر کرد. چهارصد هزار نفری که برای ساعت‌ها پیام‌های اضطراب‌آفرین دریافت کردند که بسیاری را وادار ساخت موقتا از این پیام‌رسان خارج شوند.

این نبرد سایبری هنوز هم ادامه دارد و احتمالا تا زمانی که جنگ در غزه پایان نیابد متوقف نخواهد شد. جنگی که می‌تواند علاوه بر تنش آفرینی و ایجاد اضطراب‌های روحی و روانی هزینه‌های جبران‌ناپذیر جانی نیز در بر داشته باشد.

همین هکرها بلافاصله پس از اولین بمباران باریکه غزه توسط ارتش اسرائیل، به وسایط روزنامه «اورشلیم پست» حمله بردند و به مدت ۱۲ ساعت آن را از کار انداختند. هر دو حمله و به ویژه از کار انداختن سیستم‌های هشداردهنده را بدون شک می‌توان اقدام جنگی تلقی کرد. همزمان با از کار انداختن وسایط روزنامه «اورشلیم پست»، گروه هکری دیگری که خود را Cyber Avengers (انتقامجویان سایبری) معرفی می‌کند سامانه شرکت برق اسرائیل را از کار انداخت.

این اقدامات و البته واکنش هکرهای اسرائیلی و یا طرفدار اسرائیل نیز پس از گذشت بیش از ۳ هفته از آغاز جنگ همچنان ادامه دارند. شرکت امنیت سایبری Swascan (سواسکن) توانسته است تا کنون بیش از ۱۵۰ گروه از هکرهای طرفدار حماس و فلسطینی‌ها را که در این مدت دست به حملات سایبری زده‌اند شناسایی کند. این گروه‌ها بنا بر اطلاعاتی که در دست است از کشورهای چون مراکش، یمن، ایران، سودان، مالزی، اندونزی، روسیه، بنگلادش، امارات متحده عربی عمل می‌کنند. Swascan تا کنون ۲۰ گروه سایبری که سامانه‌های حماس و حکومت خودگردان فلسطین را مورد حمله قرار داده‌اند نیز شناسایی کرده که در دو کشور هند و اسرائیل فعالیت دارند.

Cyber Avengers (انتقامجویان سایبری) یک گروه ایرانی است که در روزهای گذشته علاوه بر شرکت برق اسرائیلی، به زیرساخت‌های حیاتی دیگری مانند اپراتور سیستم مستقل اسرائیل (نوگا) و مدیریت شبکه برق اسرائیل نیز حمله کرده است. هکرهای روسیه نیز در این جنگ سایبری در کنار حماس ایستاده‌اند. Killnet (شبکه کشتار) که یکی از گروه‌های شناخته‌شده روسیه است در روزهای گذشته در همکاری با سودانی‌های Anonymous Sudan قدم به این جنگ گذاشته است. در این اقدام مشترک بار دیگر RedAlert (هشدار قرمز) در اسرائیل مورد حمله قرار گرفت. شهروندان اسرائیلی روی تلفن‌های همراه خود بجای دریافت هشدار در آستانه حملات موشکی جمله «لعنت بر اسرائیل» را دریافت می‌کردند. ساعت‌ها طول کشید تا بخش فنی RedAlert توانست این حمله را دفع کند و بار دیگر کنترل پیام‌های هشداردهنده را به دست بگیرد. یک گروه هکری دیگر که از حماس در این جنگ حمایت

● در عصر حاکمیت فضای مجازی، جنگ‌ها تنها روی زمین، در آسمان و یا دریاها با تانک، توپ و تفنگ، اتفاق نمی‌افتد. در فضای مجازی نیز ما شاهد جنگ و درگیری سنگینی هستیم.

● چند دقیقه پس از حمله حماس به خاک اسرائیل، هکرهای Anonymous Sudan دو وسایط اسرائیلی Tzeva Adom و RedAlert را که با هدف ارسال پیام‌های هشداردهنده به شهروندان در صورت بروز خطر ایجاد شده‌اند، از کار انداختند.

● تا کنون بیش از ۱۵۰ گروه از هکرهای طرفدار حماس و فلسطینی‌ها که در این مدت دست به حملات سایبری زده‌اند شناسایی شده‌اند که برخی از آنها چون Cyber Avengers از ایران فعالیت می‌کنند.

احمد رأفت - در عصر اینترنت و حاکمیت فضای مجازی، جنگ‌ها تنها روی زمین، در آسمان و یا دریاها با استفاده از تانک، توپ، تفنگ، کشتی و مپ‌افکن و یا پهپاد و موشک اتفاق نمی‌افتد. در فضای مجازی نیز ما شاهد جنگ و درگیری هستیم که قطع اینترنت و سیستم‌های ارتباطی تنها یک جنبه از آن است که بسیاری در مورد آن نوشته‌اند و خبرسانی کرده‌اند. ولی جنگ دیگری نیز از همان ساعات اولیه حمله تروریست‌های حماس به خاک اسرائیل آغاز شد که بازتاب رسانه‌ای آن بسیار اندک بود و هستند کسانی که از این جنگ اصلا با خبر نشدند.

حدود ساعت ۶:۳۰ صبح روز شنبه ۷ اکتبر (۱۵ مهر) حماس شیخون تروریستی خود را آغاز کرد. ۳۵ دقیقه بعد آژیرها در اسرائیل به صدا درآمدند. تقریبا دو دقیقه بعد از حمله در ساعت ۶:۳۳ اولین حمله سایبری به اسرائیل صورت گرفت. هکرهای Anonymous Sudan (ناشناس‌های سودان) دو وسایط اسرائیلی Tzeva Adom و RedAlert را که با هدف ارسال پیام‌های هشداردهنده در صورت حملات نظامی و یا تروریستی ایجاد شده‌اند از کار انداختند تا در واکنش نیروهای نظامی اسرائیل اختلال و تأخیر به وجود آورند. بعید به نظر می‌رسد که این هکرها از قبل در جریان حمله حماس قرار نداشتند و طی فقط این مدت بسیار کوتاه پس از شنیدن خبر شروع حمله توانسته باشند حملات سایبری را سازماندهی کنند.

روایت «زن، زندگی، آزادی» به زبان تصویر



تصویری از کتاب «زن زندگی آزادی» برگرفته از اعتراضات مردم ایران و سوزاندن روسری‌ها

از اشاره به انقلاب‌ها در گذشته، مراسمی چون نوروز، و یا حکومت‌های دوران معاصر و به ویژه پدیده‌ای به نام سانسور. «زن، زندگی، آزادی» در فصل سوم به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری نظام حاکم و مردم و رابطه متقابل آنها می‌پردازد. فصل بعدی در حقیقت میزگردی تصویری با عنوان «بعدش چی» است که مرجان ساتراپی، فرید وحید، ژان پیر پرن و عباس میلانی در آن حضور دارند.

انتشار این کتاب بازتابی گسترده در فرانسه داشته است. روزنامه لوموند در مقاله‌ای طولانی به کتاب مصور مرجان ساتراپی و همکارانش پرداخته که در آن به نقل از هماهنگ‌کننده «زن، زندگی، آزادی» آمده است که هدف از انتشار این کتاب «تلاش برای تغییر تصورات رایج در غرب درباره ایران و پایان دادن به بی‌تفاوتی جامعه جهانی نسبت به آدمکشی‌های رژیم است.» مرجان ساتراپی در ادامه همین گفتگو افزوده است «در نتیجه این بی‌تفاوتی جمهوری اسلامی توانست در فاصله سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۱ بین بیست تا سی هزار زندانی سیاسی را به قتل برساند و امروز نیز قادر است همین تعداد را باز به قتل برساند، اگر بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی به قوت خود باقی بماند.» این هنرمند ایرانی در پایان گفتگو با روزنامه لوموند می‌افزاید: «اگرچه در کوتاه‌مدت در مورد خیزش جاری در ایران نگران هستم ولی نسبت به آینده آن بسیار امیدوارم زیرا این رژیم یک جنازه است و چیزی جز یک جنازه نیست.»

بیشترند که می‌توانند بخشی از اطلاعات را به شیوه مصور و راحت‌خوان از این کتاب دریافت کنند. ده پانزده سال که بگذرد ثبت این اطلاعات، برای نسل جدید ایرانی‌ها هم ارزشمند خواهد بود.»

مبتکر و هماهنگ‌کننده این کتاب در مقدمه‌ای که بر «زن، زندگی، آزادی» نوشته است به دو هدف از انتشار این کتاب اشاره می‌کند: «این کتاب تلاش دارد آنچه را که در ایران می‌گذرد به تصویر کشد و اتفاقات ریز و درشت و پیچیده پیش آمده را برای مخاطب غیرایرانی به بهترین شکل ممکن تشریح کند؛ روایت جنبشی مداوم که همچنان زنده و پویاست. رسالت دوم کتاب این است که به ایرانیان بگوید شما تنها نیستید. هرچند سیاستمداران جهان فقط اندیشه‌ی سیاسی دارند و صرفاً برای منفعت مردم ایران قدمی برمی‌دارند اما جامعه‌ی مدنی غرب در کنار آنهاست. گواه آن، همکاری بزرگ هنرمندان غربی‌ست که در این کار عظیم ما را یاری کردند.»

فصل اول این کتاب با عنوان «رخدادهای مهم»، به اعتراض‌هایی می‌پردازد که پس از قتل مهسا ژینا امینی با شعار «زن، زندگی، آزادی» آغاز شد و همچنین خواست‌های معترضان که می‌توان رد پای آنها را در «برای» شروین حاجی‌پور یافت. البته در این فصل به بازداشت‌های گسترده، اعدام معترضین و مسمومیت‌های زنجیره‌ای دانش‌آموزان مدرسه نیز پرداخته شده است. فصل دوم درباره تاریخ و فرهنگ و سیاست ایران است.

● کتاب مصور «زن، زندگی، آزادی» با هماهنگی مرجان ساتراپی توسط انتشارات «ایکونوکلاست» منتشر شده به زبان فارسی نیز در فضای مجازی به صورت رایگان قرار گرفته است.

● ۱۷ تصویرگر ایرانی و خارجی بر اساس بر متن‌ها و سناریوهای کارشناسان در این کتاب مصور با مرجان ساتراپی همکاری کرده‌اند.

● این کتاب مصور با دو هدف انتشار یافته است: به تصویر کشیدن رویدادهای اخیر در ایران، و شناساندن آنها به افکار عمومی بین‌المللی در همکاری با هنرمندان غیرایرانی.

احمد رأفت - کتاب مصور «زن، زندگی، آزادی» که با هماهنگی مرجان ساتراپی توسط انتشارات «ایکونوکلاست» ابتدا به زبان فرانسه و سپس زبان‌های دیگر منتشر شده است، به زبان فارسی نیز در فضای مجازی به صورت رایگان عرضه شده است.

۱۷ تصویرگر ایرانی و غیرایرانی در انتشار این کتاب با مرجان ساتراپی همکاری کرده‌اند که از جمله می‌توان به مانا و توکا نیستانی اشاره کرد. مرجان ساتراپی که با انتشار رمان تصویری «پرسپولیس» شهرت جهانی یافت با فیلمی به همین عنوان قدم به جهان سینما گذاشت. فیلمی که در سال ۲۰۰۷ میلادی توانست جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره کن را نیز از آن خود سازد. این هنرمند ایرانی با فیلم «خورش آلو با مرغ» با بازیگری گلشیفته فراهانی به جشنواره سینمایی ونیز رفت.

مرجان ساتراپی طرح این کتاب را در ابتدا با چند کارشناس و پژوهشگر چون عباس میلانی (مورخ و مدیر بخش مطالعات ایرانی دانشگاه استنفورد) و فرید وحید (دانش‌آموخته الکترونیک، علوم سیاسی و کارشناس مطالعات ایران) در میان گذشت و سپس به دنبال دیگر نویسندگان و تصویرگرانی رفت که در «زن، زندگی، آزادی» با او همکاری کردند. مرجان ساتراپی در مقدمه این کتاب، درباره این همکاری‌ها می‌نویسد: «آنها پذیرفتند تا با تکیه بر متن‌ها و سناریوهای کارشناسان، برایمان تصویرگری و طراحی کنند. ما چهار تصویرگر ایرانی و ۱۳ تصویرگر از اروپا و آمریکا انتخاب کردیم و من که از سال ۱۳۸۲ با کار تصویرگری خداحافظی کرده بودم، چندین طرح تازه کشیدم، چند متن نوشتم و جلد را طراحی کردم.»

مخاطب قرار دادن همزمان ایرانیان و خارجی‌ها کار ساده‌ای نیست. ایرانیان که آگاهی لحظه به لحظه از آنچه در این یک سال گذشته در ایران شاهدش بودیم دارند، برخوردی متفاوت با خارجیانی دارند که نه چندان با تاریخ و گذشته ایران آشنائی دارند و نه به صورت پیگیر و روزانه اخبار یک سال گذشته را دنبال کردند. مانا نیستانی که یکی از تصویرگران این کتاب است در این رابطه می‌گوید: «در کشیدن تصویر هیچ زمان بین مخاطب داخل و خارج مرز نمی‌گذارم، اما در اطلاع‌رسانی اولویت را مخاطب غیرایرانی قرار می‌دهم که خیلی از جزئیات، پس‌زمینه‌ها و افراد درگیر ماجرا را نمی‌شناسد و باید بیشتر برایش توضیح داد. اساساً مخاطب امروز کتاب «زن، زندگی، آزادی» کسانی هستند که از دور چیزی درباره وقایع سال ۲۰۲۲ ایران شنیده‌اند و تشنه اطلاعات

جمعه نیز مأموران امنیتی به روستایی که خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده در آن ساکن بودند حمله کرده و گلدسته حسینی مادر ابوالفضل را به همراه خاله‌ها، عموها، دایی‌ها، عمه‌ها، دخترخاله‌ها و همه اعضای فامیل ابوالفضل بازداشت کردند. یک روز بعد در حالی که شماری از اعضای فامیل ابوالفضل آزاد شدند، مأموران امنیتی به مزار ابوالفضل پورش برده و چند تن از شهروندانی که در زادروز ابوالفضل بر مزار او حاضر شده بودند را بازداشت کردند.

چند روز پیش از تولید ابوالفضل نیز گلدسته (کلی) حسینی مادر ابوالفضل با انتشار یک ویدئو در استوری اینستاگرامش توضیح داده بود که شیشه و بخشی از سنگ مزار فرزندش شکسته شده. وی گفت که «درست ۹ روز مانده به تولد پسرم جاویدنام ابوالفضل آدینه‌زاده، شیشه مزار پسرم و گوی سنگ مزار پسرم رو شکستند. با این هتک حرمت‌ها فقط ما رو مصمم‌تر خواهید کرد.»

مادر ابوالفضل آدینه‌زاده افزوده بود «درست در هفته

جاویدنام شدن ابوالفضل را در اختیارمان قرار دهند اما به ما که می‌رسد دوربین‌ها یا خراب‌اند یا صحنه را نگرفته‌اند!» خانواده آدینه‌زاده با اعلام اینکه «این رأی که با بی عدالتی صادر شد روزی گریبان‌گیر آنان می‌شود» نوشته‌اند که «اما مطمئن باشید خون ابوالفضل و ابوالفضل‌ها پایمال نخواهد شد.»

ابوالفضل آدینه‌زاده متولد ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ روز ۱۶ مهرماه ۱۴۰۱ همزمان با اعتراضات جنبش ملی در مقابل دانشگاه فردوسی مشهد با ضربات باتوم و شلیک ده‌ها گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به قتل رسید. خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده پس از دادخواهی خون ابوالفضل و طرح شکایت برای محاکمه آمران و عاملان جانباختن فرزند برومندشان، مانند صدها خانواده‌های دادخواه دیگر با فشارهای سنگین امنیتی و قضایی روبرو شدند؛ فشارهایی که تا امروز ادامه داشته است.

در یکی از آخرین موارد سرکوب و آزار این خانواده، علی

پرونده دادخواهی خانواده آدینه‌زاده «مختومه» اعلام شد؛ رأی دادگاه به نفع سرکوبگران قاتل!

● استدلال دادگاه برای مختومه اعلام کردن پرونده این بوده که «دلیلی متقن و محکم بر استفاده نیروهای نظامی و انتظامی از سلاح ساچمه‌زنی، تحصیل نگردیده است.»

● علی و مرضیه آدینه‌زاده، پدر و خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده برای روز یکشنبه چهاردهم آبان ۱۴۰۲ به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به جلسه بازپرسی در مشهد احضار شدند.

● خانواده آدینه‌زاده با اعلام اینکه «این رأی که با بی عدالتی صادر شد روزی گریبان‌گیر آنان می‌شود» نوشته‌اند «اما مطمئن باشید خون ابوالفضل و ابوالفضل‌ها پایمال نخواهد شد.»

وکیل خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده از جانباختگان اعتراضات جنبش ملی با انتشار تصویر رأی نهایی دادگاه رسیدگی به پرونده دادخواهی مادر و پدر ابوالفضل، از رأی به نفع نیروهای سرکوبگر و مختومه شدن این پرونده خبر داد.

خسرو علی‌کردی وکیل مدافع خانواده آدینه‌زاده روز دوشنبه ۱۵ آبان با انتشار تصویری از رأی نهایی دادرسی این پرونده در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت که «شعبه اول بازپرسی دادرسی نظامی استان خراسان رضوی، پرونده دادخواهی پدر و مادر جاویدنام ابوالفضل آدینه‌زاده، از جانباختگان اعتراضات سال گذشته» را «مختومه» اعلام کرد. این وکیل دادگستری تأکید کرده که استدلال شعبه اول بازپرسی دادرسی نظامی استان خراسان رضوی برای مختومه اعلام کردن پرونده این بوده که «دلیلی متقن و محکم بر استفاده نیروهای نظامی و انتظامی از سلاح ساچمه زنی، تحصیل نگردیده است.»

بر اساس این حکم که تاریخ ۱۳ آبان ۱۴۰۱ در آن ثبت شده، فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی به دادگاه گفته «در روز حادثه برخی از پرسنل این نیرو به سلاح ساچمه‌زنی مسلح بودند، اما هیچ‌گاه از سلاح خود استفاده نکرده‌اند.» در پی صدور این حکم از سوی دادگاه، خانواده آدینه‌زاده در بیانیه‌ای اعلام کردند که مطمئن هستند فرزندشان با شلیک مأموران یگان نیروی انتظامی کشته شده و تأکید کردند «از ابتدا می‌دانستیم در این بیدادگاه جوابی حاصل نمی‌گردد.»

در این بیانیه که یک نسخه از آن در صفحه اینستاگرام مرضیه آدینه‌زاده، خواهر ابوالفضل، منتشر شده آمده که «ما صریحاً بارها و بارها اعلام کردیم حنایان دیگر نزد ما رنگی ندارد و ما از ابتدا می‌دانستیم در این بیدادگاه جوابی حاصل نمی‌گردد.»

این بیانیه افزوده که «ما خانواده آدینه زاده کاملاً مطمئن و آگاه هستیم قاتل ابوالفضل، نیروی یگان ویژه مشهد میباشد. همچنین بارها تقاضا کردیم دوربین‌های محل



مزار ابوالفضل آدینه‌زاده

گذشته در بیدادگاه جمهوری اسلامی حضور پیدا کرده بودیم و یکی از مواردی که بازگو کردند این بود که چرا شعار «زن، زندگی آزادی، مرد، میهن، آبادی» را روی مزار نوشته‌اید، ما هم گفتیم هیچ‌گونه عنوان مجرمانه‌ای ندارد و قانونی نمی‌توانید برای سنگ مزارش به ما فشار بیاورید. حالا می‌بینیم که شکستند چون می‌دانند حقیرند.»

گلی حسینی تأکید کرده بود که «بشکنید ما دوباره می‌سازیم، نه یک بار بلکه هزاران بار.»

در هفته دوم خردادماه امسال مرضیه خواهر ابوالفضل با انتشار تصویر احضاریه نوشته که به همراه پدرش از سوی دادرسی با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام» احضار شده‌اند. به گفته مرضیه پدرش در حالی که پیگیر رسیدگی به «روند پرونده قتل فرزند بی‌گناه خود در دادرسی نظامی بود» با این احضاریه در کارتابل سامانه ثنا مواجه شد. او نوشته که این احضاریه در حالی برای حضور در «دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان فاروج» صادر شده که به گفته او، پیش از آن هیچ اطلاعیه یا حتی پیامکی درباره این آن برای آنها ارسال نشده بود.

مرضیه آدینه‌زاده اتهاماتی را که برای آنها به دادرسی احضار شده، «سراسر واهی و تمسخرآمیز» و شامل «تبلیغ علیه نظام و انتشار عکس مبتذل» خوانده است.

و مرضیه آدینه‌زاده، پدر و خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده برای روز یکشنبه چهاردهم آبان ۱۴۰۲ به جلسه بازپرسی در مشهد احضار شدند.

خرگزاری «هرانا» ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده که جلسه بازپرسی علی و مرضیه آدینه‌زاده روز یکشنبه چهاردهم آبان ۱۴۰۲ در مشهد برگزار شد. بر اساس این گزارش، خسرو علی کردی وکیل خانواده آدینه‌زاده روز گذشته اعلام کرده که «امروز به همراه موکلیم جهت ارائه آخرین دفاع در خصوص اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام در شعبه ۹۰۳ دادرسی مشهد حاضر شدیم.»

همچنین علی آدینه زاده، مرضیه آدینه زاده پدر و خواهر ابوالفضل آدینه زاده به همراه مادر و عموی این نوجوان جانباخته، پیشتر در ۲۶ خردادماه امسال و یک روز پیش از تولد ابوالفضل توسط نیروهای امنیتی در مشهد بازداشت و به زندان‌های شهرستان‌های شیروان و بجنورد منتقل شدند. همچنین نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روز جمعه ۲۶ خردادماه امسال و یک روز پیش از سالروز تولد ابوالفضل، مرضیه آدینه‌زاده خواهر ابوالفضل را در شهر مشهد ربودند و در حالی که پدر و عموی مرضیه پیگیر وضعیت این دختر جوان بودند، آنها نیز بازداشت شدند. ساعاتی بعد در شامگاه

تشدید آزار و سرکوب خانواده‌های دادخواه در آستانه سالگرد اعتراضات آبان ۹۸



علی و مرضیه آدینه‌زاده

به فرارسیدن آبان‌ماه گفته که بیست و پنجم این ماه سالگرد جان باختن فرزندش است و او مانند سه چهار سال گذشته باز هم سالگرد فرزندش در زندان است.

منوچهر بختیاری همچنین با انتقاد از اینکه جمهوری اسلامی برای روح‌الله عجمیان، بسیجی سرکوبگری که در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ کشته شد، مراسم می‌گیرد و این مراسم را از تلویزیون هم پخش می‌کند، از مردم خواسته با راه‌اندازی «پویش گل» مزار پویا و دیگر جانب‌باختگان راه میهن را گلباران کنند. آزار و سرکوب خانواده‌های دادخواه به اشکال مختلف ادامه دارد بطوری که هفته گذشته خبری درباره ترک خانه از سوی مادر و برادر معلول محمد مهدی کرمی به دلیل آزار و اذیت مأموران امنیتی و رفتن آنها به مکانی نامعلوم منتشر شد. ماشالله کرمی پدر محمد مهدی کرمی نیز بیش از ۴۰ روز است که در بازداشت نهادهای امنیتی است و خبری از او در دست نیست. کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان روز جمعه ۱۲ آبان اعلام کرد در حالی که بیش از هفتاد روز از دستگیری ماشالله کرمی، پدر محمد مهدی کرمی می‌گذرد، همسر و دیگر پسر ماشالله کرمی در پی هجوم‌های چندباره مأموران به منزلشان، به ناچار خانه را ترک کرده و به مکان نامعلومی رفته‌اند.

براساس این گزارش، ماشالله کرمی از تاریخ دو مهر ۱۴۰۲ تاکنون هیچ تماسی با خانواده‌اش نداشته و مطلقاً اطلاعی در مورد شرایط او و پرونده‌اش وجود ندارد. گفته می‌شود مأموران حکومتی هنگام دستگیری او در تاریخ ۳۱ مرداد، همه وسایل الکترونیکی را ضبط و کارت‌های بانکی این خانواده را نیز مسدود کرده‌اند.

به گزارش کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان: «طی این مدت خانواده کرمی به شدت تحت فشار قرار داشته‌اند تا به هیچ عنوان در مورد شرایط او اطلاع‌رسانی نکنند و حق تماس و رفت‌وآمد نیز از آنان سلب شده است. با وجود همه این کنترل‌ها، یک مامور نیز بطور دائم آنها را زیر نظر داشته و دو بار پس از بازداشت آقای کرمی نیز خانه آنها مورد یورش مأموران قرار گرفته است.»

پیشتر هم اعلام شد که مأموران حکومتی تمام یادگاری‌ها، مدال‌ها و وسایل محمد مهدی کرمی را تخریب کرده و لباس‌های او را آتش زده و چمن‌کاری‌های اطراف سنگ مزار او را نیز تخریب کرده‌اند.

از یک ماه در بازداشت بود و چهارم مهرماه با سپردن وثیقه یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی بطور موقت و تا زمان صدور حکم از زندان آزاد شد.

محمدجواد زاهدی جوان ۲۰ ساله اهل ساری شامگاه ۳۰ شهریور با شلیک مأموران زخمی شد و به دلیل عدم همکاری اورژانس، بر اثر خونریزی جانش را از دست داد.

در اصفهان نیز جلسه محاکمه محمد (کوروش) وزیری، همسر دادخواه شیرین علیزاده از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی، برگزار شد.

پیام درفشان یکی از وکلای خانواده شیرین علیزاده اعلام کرده که امروز دوشنبه ۱۵ آبان جلسه دادگاه و محاکمه محمد وزیری در شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان برگزار می‌شود.

وی با اشاره به اینکه شیرین علیزاده با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی مقابل چشم همسر و فرزند خردسالش جان باخته است گفت: «خانواده شیرین علیزاده بلافاصله اقدام به طرح شکایت در مراجع محلی می‌کنند، اما هر کدام از این مراجع ادعا کردند که صلاحیت رسیدگی نداشته و قبول مسئولیت نکردند که شنونده دادخواهی اولیای دم و شکات باشند.»

محمد (کوروش) وزیری همسر شیرین علیزاده ۲۶ امرداد و همزمان با زادروز همسرش در اصفهان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان دستگرد اصفهان منتقل شد. این بازداشت در پی فشار نهادهای امنیتی برای جلوگیری از برگزاری هر گونه مراسمی به مناسبت تولد شیرین علیزاده صورت گرفته بود اما حالا همسر دادخواه این زن جوان با پرونده‌سازی نهادهای امنیتی محاکمه می‌شوند!

شیرین علیزاده، شهروند اهل اصفهان، در جریان سفر خانوادگی به مازندران، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱، در حال فیلمبرداری از تظاهرات مردم در «متل قو از درون اتومبیل، با شلیک مستقیم نیروهای حکومتی و در حضور همسر و فرزند خردسالش جان باخت.

منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری از جانب‌باختگان اعتراضات آبان ۹۸ که در حال حاضر در زندان است با پرونده‌سازی جدید نهادهای امنیتی و به اتهام «توهین به رهبری» به شش ماه زندان محکوم شده است.

همزمان با اعلام خبر محکومیت منوچهر بختیاری به شش ماه حبس، این زندانی دادخواه در پیام صوتی از زندان با اشاره

● علی و مرضیه آدینه‌زاده، پدر و خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی، در شهر مشهد به جلسه بازپرسی احضار شدند.

● مهسا یزدانی، مادر محمد جواد زاهدی از جانب‌باختگان اعتراضات سال ۱۴۰۱ در حکمی عجیب و ضدانسانی از سوی دادگاه انقلاب ساری به ۱۳ سال زندان محکوم شده است!

● امروز دوشنبه ۱۵ آبان جلسه دادگاه و محاکمه محمد (کوروش) وزیری همسرش شیرین وزیری از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی در شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان برگزار می‌شود.

با نزدیک شدن به سالگرد اعتراضات آبان ۹۸، جمهوری اسلامی موج تازه‌ای از فشارهای قضایی بر خانواده‌های دادخواه را با برگزاری جلسه بازپرسی، دادگاه و صدور حکم آغاز کرده است.

در روزهای گذشته شماری از خانواده‌های دادخواه با موج تازه‌ای از سرکوب و فشار قضایی روبرو شده‌اند. احضار به جلسه بازپرسی، برگزاری جلسات دادگاه و صدور حکم زندان برای شهروندانی که عزیزان‌شان توسط جمهوری اسلامی کشته شدند بخشی از فشارها علیه خانواده‌های دادخواه است.

بر اساس گزارش‌ها، علی و مرضیه آدینه‌زاده، پدر و خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی، در شهر مشهد به جلسه بازپرسی احضار شدند.

خبرگزاری «هرانا» ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده که جلسه بازپرسی علی و مرضیه آدینه‌زاده روز یکشنبه چهاردهم آبان ۱۴۰۲ در مشهد برگزار شد. بر اساس این گزارش، خسرو علی کردی وکیل خانواده آدینه‌زاده روز گذشته اعلام کرده که «امروز به همراه موکلیم جهت ارائه آخرین دفاع در خصوص اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام در شعبه ۹۰۳ دادرسی مشهد حاضر شدیم.»

علی آدینه زاده، مرضیه آدینه زاده پدر و خواهر ابوالفضل آدینه زاده به همراه مادر و عموی این نوجوان جانب‌باخته، پیشتر در ۲۶ خردادماه امسال و یک روز پیش از تولد ابوالفضل توسط نیروهای امنیتی در مشهد بازداشت و به زندان‌های شهرستان‌های شیروان و بجنورد منتقل شدند.

علی آدینه زاده، مرضیه آدینه زاده و گلدسته حسینی جهان‌آباد مادر ابوالفضل، ۳۰ خردادماه با تودیع وثیقه از زندان‌های بجنورد و شیروان آزاد شدند. مدتی بعد وکیل این خانواده از گشایش پرونده‌ای با اتهام «تبلیغ علیه نظام» علیه علی و مرضیه آدینه‌وند خبر داد.

ابوالفضل آدینه زاده، نوجوان جانب‌باخته در جریان اعتراضات سراسری اخیر در مشهد است که بر اساس گزارش‌ها در پی اصابت ۲۵ گلوله ساچمه‌ای به شکم و سینه جان خود را از دست داد. همچنین دادگاه انقلاب شهر ساری مرکز استان مازندران در حکمی عجیب و ضدانسانی مهسا یزدانی، مادر محمد جواد زاهدی از جانب‌باختگان اعتراضات سال ۱۴۰۱ را به ۱۳ سال زندان محکوم کرده است.

بر اساس این حکم که توسط شعبه اول دادگاه انقلاب ساری صادر شده مهسا یزدانی به اتهام «توهین به مقدسات» به ۵ سال زندان، به اتهام «تحریک مردم علیه امنیت ملی» به ۵ سال زندان، به اتهام «توهین به رهبری» به دو سال زندان و به اتهام «فعالیت علیه جمهوری اسلامی» به یک سال زندان و در مجموع به سیزده سال زندان تعزیری محکوم شده است.

مهسا یزدانی ۳۱ امرداد امسال توسط نیروهای امنیتی در ساری بازداشت و به زندان مرکزی این شهر منتقل شد. او پیش

زمینه‌های یک تسلیم؛ در جدال با اژدهای دو سر ناسیونالیسم افراطی و اسلام سیاسی

باز نشر



روی جلد کتاب «تسلیم» از میشل وولیک به آلمانی

در اینهم که راوی رمان «تسلیم» که استاد ادبیات دانشگاه و یک مرد میانسال و عرفخور و ناتوان از برقراری یک رابطه با ثبات با زنان است، پس از به قدرت رسیدن «اخوان المسلمین»، حالا مجبور است با دانشجویان محجبه لاس بزند و رویهم بریزد، هیچ عنصر تخیلی وجود ندارد. تنها و مهم‌ترین نکته تخیلی در رمان این است که این اتفاق ممکن است در فرانسه روی دهد، آنهم به همین زودی‌ها، در سال ۲۰۲۲. ولی یک لحظه صبر کنید! آیا این واقعا تخیلی است!؟

اسلامگرایان خزنده پشت جبهه‌ی تروریست‌ها
به دوستم می‌گویم: می‌دانی، اینکه ما اینها را تجربه کردیم و کسی در دمکراسی‌های قدرتمند دنیا به روی خودش نیاورد، و حالا که به عنوان رمان در فرانسه خیال‌پردازی شده، ناگهان همه به جنب و جوش می‌افتند، خیلی غم‌انگیز و دردناک است. البته من آرزو می‌کنم هرگز این داستان در فرانسه تحقق پیدا نکند ولی جای کار در این دموکراسی‌ها و ادعاهای حقوق بشرشان می‌لنگد، به همین دلیل تصور حوادث این رمان برای فرانسه چندان تخیلی و ناممکن به نظر نمی‌رسد.

دوستم که پژوهشگر تاریخ و ادبیات است با تأسف سر تکان می‌دهد. ولی اطمینان ندارم که منظوم را فهمیده باشد.

امروز که «برکسیت Brexit» پیروز شده و اکثریت شکننده‌ای از بریتانیایی‌ها به خروج کشور خود از اتحادیه اروپا رأی داده‌اند، و ملی‌گرایان افراطی فرانسه و آلمان و اتریش و هلند و دانمارک در کنار دونالد ترامپ و برخی مقامات جمهوری اسلامی، نخستین کسانی بودند که کنفرانس‌های مطبوعاتی برگزار کرده و از آن استقبال کردند، ششم لرزید.

سخنان مارین لوپن رهبر «جبهه ملی» فرانسه درباره «برکسیت» مرا به یاد کتاب «تسلیم» انداخت. نه ←

قوه‌ی تخیل به پای واقعیت نمی‌رسد!
چگونه؟ ماجرا از این قرار است که بر زمینه‌ی مشکلاتی چون خارجی‌ستیزی و بی‌کاری و ترور و... ناسیونالیست‌های افراطی در فرانسه به حدی قوی می‌شوند که امکان دارد قدرت دولتی را در انتخابات سال ۲۰۲۲ تصاحب کنند. برای اجتناب از این فاجعه، لیبرال‌ها و چپ‌ها و ملیون فرانسه یک راه حل به فکرشان می‌رسد: آنها از آنجا که هیچ‌کدام به تهایی و حتی با هم شانس به دست آوردن آرای لازم را ندارند، برای جلوگیری از به قدرت رسیدن راست‌های «جبهه ملی فرانسه» به رهبری مارین لوپن، با اسلامگرایان آن کشور که در رمان نامشان «اخوان المسلمین» است متحد می‌شوند و با پشتیبانی از آنها، مانع به قدرت رسیدن ناسیونالیست‌های افراطی شده و بجایش اسلامگرایان را به قدرت می‌رسانند. غافل از آنکه اسلامگرایانی که «میان‌ه‌رو» به نظر می‌رسیدند پس از کسب قدرت، اسلام سیاسی و شریعت خود را بر تمام ظرفیت‌های غیردموکراتیک «راست افراطی» می‌افزایند و دمکراسی را گردن می‌زنند!

این تغییر و رجعت به گذشته بر عهده «محمدبن عباس» یک اسلامگرای میانه‌رو از «اخوان المسلمین» فرانسه است که پس از به قدرت رسیدن شروع می‌کند به دور زدن قانون اساسی دموکراتیک و نظام حقوقی فرانسه و پیاده کردن قوانین شریعت از جمله حجاب و چندهمسری و...
خاکریز اول، طبق معمول، زنان هستند.

بسیاری از شخصیت‌ها و شاغلان در رشته‌های گوناگون از جمله استادان دانشگاه برای اینکه شغل خود را از دست ندهند، اسلام می‌آورند. راوی داستان نیز که استاد دانشگاه است ابتدا شغل خود را از دست می‌دهد و پس از مدتی دوباره به کار فرا خوانده می‌شود و...

می‌بینید! نه تنها هیچ عنصر تخیلی در این رمان نیست بلکه فکر می‌کنم واقعیت ایران و همچنین ابعاد اسلامگرایی گروه‌هایی مانند داعش و بوکوحرام، از قوه‌ی تخیل میشل وولیک خارج است!

● رمان «تسلیم»، برگرفته از کلمه‌ی «اسلام»، نوشته میشل وولیک نویسنده فرانسوی درست همزمان با فاجعه تروریستی ۷ ژانویه ۲۰۱۵ در پاریس و ترور روزنامه‌نگاران و کاریکاتوریست‌های مجله طنز «شارلی ابدو» منتشر شد.
● در رمانش پیش‌بینی وحشتناکی درباره آینده‌ی نه چندان دور فرانسه کرده است: برقراری یک جمهوری اسلامی و حاکمیت شریعت در قلب اروپا!

● لیبرال‌ها و چپ‌ها و ملیون فرانسه با اسلامگرایان «میان‌ه‌رو» علیه راست افراطی متحد می‌شوند و پس از کسب قدرتی که اسلامگرایان در آن دست بالا را دارند، آنها شریعت خود را بر تمام ظرفیت‌های غیردموکراتیک «راست افراطی» می‌افزایند و دمکراسی را گردن می‌زنند! خاکریز اول، طبق معمول، زنان هستند.

● برای ما ایرانیان، هیچ عنصر تخیلی در این رمان نیست و قوه تخیل نویسنده به پای واقعیتی که ما با اسلامگرایان تجربه کرده‌ایم، نمی‌رسد! مهم‌ترین نکته تخیلی در این رمان اینست که این اتفاق ممکن است در فرانسه روی دهد. ولی آیا این واقعا تخیلی است!؟

الاهه بقراط - آنچه در ادامه می‌خوانید، تابستان ۱۳۹۵ منتشر شد. یک سال و نیم پس از فاجعه‌ی حمله تروریستی به دفتر مجله شارلی ابدو و کشتار روزنامه‌نگاران و تروریست‌های آن و همچنین انتشار کتاب «تسلیم» که اتفاقاً همان موقع منتشر شده بود. باز نشر کتابگراری رمانی که در ارتباط با وضعیت سیاسی فرانسه و نقش و وزن نیروهای سیاسی آن کشور نوشته شده، در شرایطی که امروز تنها یک سال از تاریخ مورد نظر نویسنده (۲۰۲۲) گذشته و اسلامگرایان و طرفداران گروه تروریستی حماس در پاریس و لندن و برلین و بروکسل و دیگر پایتخت‌های جهان رژه می‌روند و «الله اکبر» فریاد می‌زنند و پرچم‌های داعش و طالبان را به اهتزاز در می‌آورند، خالی از فایده نیست.

رمان «تسلیم» از میشل وولیک را به دوست آلمانیم که از او قرض گرفته بودم پس می‌دهم.

با هیجان می‌پرسد: جالب نبود؟
می‌گویم: چرا! از این نظر که آنچه ما ایرانیان سی و هفت سال پیش تجربه کردیم، قرار است در سال ۲۰۲۲ در فرانسه اتفاق بیفتد خیلی جالبه.

با تعجب می‌پرسد: چطور مگه!؟
پاسخ می‌دهم: این اصلا یک داستان و رمان تخیلی نیست. ممکن است برای شما و فرانسوی‌ها تخیلی باشد ولی برای ما ایرانیان انگار سال ۱۹۷۹ به بعد را تعریف می‌کند.

رمان «تسلیم»، برگرفته از کلمه‌ی «اسلام»، نوشته میشل وولیک نویسنده فرانسوی درست همزمان با فاجعه تروریستی ۷ ژانویه ۲۰۱۵ در پاریس و ترور روزنامه‌نگاران و کاریکاتوریست‌های مجله طنز «شارلی ابدو» منتشر شد. این همزمانی و آنچه وی در رمانش مطرح کرده سبب شد که تا مدت‌ها رسانه‌ها درباره‌اش می‌نوشتند و با نویسندگانش گفتگو می‌کردند. میشل وولیک در رمانش پیش‌بینی وحشتناکی درباره آینده‌ی نه چندان دور فرانسه کرده است: برقراری یک جمهوری اسلامی و حاکمیت شریعت در قلب اروپا!

می‌کنند، هویتی انسانی بخشند. بلکه برعکس: اسلامگرایان با حمله به ارزش‌های جوامع غربی، اهالی این کشورها را به دفاع از فرهنگ و هویت اروپایی وا داشته و به سوی افراطیون راست و ناسیونالیست می‌رانند.

نکته‌ی مهم این است که می‌بایست به سیاستمداران، رسانه‌ها و افکار عمومی جوامع دموکرات حالی کرد که باید بین «اسلام» و «مسلمان»، بین «اسلام‌هراسی» و «مسلمان‌هراسی» تفاوت قائل شد. اسلام همان مسلمان نیست. اسلام می‌تواند مانند هر دین دیگری که مجموعه‌ای از احکام تغییرناپذیر است، دموکرات و لیبرال و مدافع حقوق بشر باشد، مگر اینکه آن را مانند ادیان دیگر (یهودیت و مسیحیت) در چهارچوب قوانین عرفی و دموکراتیک محدود و مهار کرد. مسلمانان اما می‌توانند هر چیزی باشند: از دموکرات و آزادیخواه تا فاشیست و سرکوبگر. این موضع را مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی و روانی تعیین می‌کند و نه صرفاً عقیده!

در یک جامعه دموکرات، در کنار صداها شخصیت برجسته‌ی فلسفی و سیاسی و هنری، می‌توان مسیحی بود و هیتلر شد و حزب نازی را به جان مردم از جمله خود

«تسلیم» را به واقعیت تبدیل می‌کند: جنگ و ناسامانی پایدار در آفریقا و آسیا، بحران اقتصادی در اروپای شرقی، موج گسترده‌ی پناهجویی در کشورهای غربی، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و رشد راست‌گرایی و ناسیونالیسم افراطی در این قاره‌ی کوچک سبز.

اسلامگرایان یا ناسیونالیست‌های افراطی؟!

برای خیل عظیمی که ممکن است قربانی هر یک از اینها، و یا هر دو شوند، تفاوتی ندارد. اما برای کسانی که تعیین‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی هستند، باید بسیار اهمیت داشته باشد. آنها مسئولیت تاریخی دارند. از همین رو می‌بایست بار سنگین مسئولیت خود را در بحران‌های مختلف از جمله «معضل پناهندگان»، با ترفندهایی مانند فراندوم، به مردمی منتقل کنند که نه مسئول به وجود آمدن شرایط موجود هستند، نه آگاهی کافی درباره منافع خود دارند و نه نهایتاً نقش تعیین‌کننده در پیشبرد سیاست‌ها بازی می‌کنند!

میشل وولیک را البته به این هم متهم کردند که در کتابش به «اسلام‌هراسی» دامن می‌زند. درست همانطور که سال‌ها

خیزش راست‌ها و ناسیونالیست‌های افراطی در اروپا تخیلی است، نه کاهش آرای نیروهای لیبرال و سوسیالیست و چپ، تخیلی است و نه اتحاد آنها در برابر افراطیون برای به پیروزی رساندن امثال «اخوان‌المسلمین» در کتاب میشل وولیک، خیالی و ناممکن به نظر می‌رسد.

اروپا اساساً و به دلیل تجربه خونین و سیاه با فاشیسم و نازیسم، از راست افراطی که حتی در چهارچوب قوانین دموکراتیک فعالیت می‌کند، بیشتر هراس دارد تا از اسلام سیاسی و اسلامگرایان که گمان می‌رود ریشه‌ی تاریخی و فرهنگی در اروپا ندارند و بنابراین نمی‌توانند پشتیبانی توده‌ای و آرای مردم را جلب کنند!

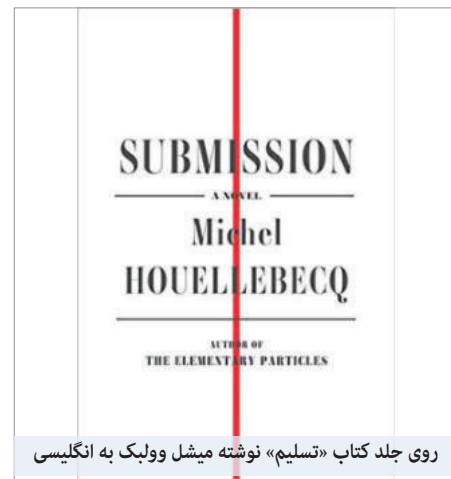
کور باید بود تا رشد ناسیونالیست‌های افراطی و اسلامگرایان را که متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند، در جوامع باز و اروپا ندید. اما کورتر باید بود تا خطر یکی را به سود دیگری نادیده گرفت! در جایی که این دو قطب افراطی به قویترین و سازمانیافته‌ترین نیروهای اجتماعی تبدیل می‌شوند، ظاهراً چاره‌ای برای نیروهای دیگر باقی نمی‌ماند جز اینکه در عمل پشت یکی از این دو قرار بگیرند: ناسیونالیست‌های افراطی یا اسلامگرایان!



میشل وولیک نویسنده کتاب «تسلیم»



رمان «تسلیم» نوشته میشل وولیک



روی جلد کتاب «تسلیم» نوشته میشل وولیک به انگلیسی

مسیحیان انداخت. در یک جامعه بسته با تاریخی پر از نشانه‌های فرهنگی و مدنی می‌توان مسلمان بود و خمینی شد و جمهوری اسلامی را برای جان جامعه از جمله خود مسلمانان کرد.

در جامعه‌ای پر از تبعیض و نژادپرستی می‌توان ماندلا شد و در جامعه‌ای استعمارزده و پر از فرقه‌های مذهبی می‌توان گاندی شد.

فردی مانند رجب طیب اردوغان نیز ناسیونالیسم ترک و اسلام سیاسی را در هم می‌آمیزد تا کشوری زیبا و پُر توان با مردمانی متنوع و کوشا را با تقویت تبعیض و تفرقه به ناکجاآباد هدایت کند.

این است که در شرایط کنونی، در جدال بین دموکراسی و مدافعان آن در برابر دشمنان خود، فقط باید امیدوار بود تا جوامعی که پیشرفت و ترقی و فرهنگ مدنی در تار و پود آنها تنیده شده چنان ظرفیتی را در شهروندان خود پروراندند باشند که بتوانند در برابر اژدهایی دو سر که مغزهایش از یک پیکر تغذیه می‌شود، بایستند. این جدالیست عظیم برای تسلیم نشدن در برابر افراطیون سیاسی و مذهبی اعم از ناسیونالیست‌ها و اسلام‌بست‌ها. وای به حال مردمان کشورهای اسلامی که در آنها، این دو در هم بیامیزند.

* این مطلب نخستین بار یکم مرداد ۱۳۹۵ در کیهان لندن منتشر شد.

پیش اوریانا فالاجی را به خاطر کتابش «خشم و غرور» به این برچسب آراستند.

ولی واقعا خودمانیم، آیا هر کسی از آنچه داعش و بوکوحرام و حزب‌الله و حماس و القاعده و طالبان و همین جمهوری اسلامی در ایران به نام اسلام مرتکب می‌شوند، هراس ندارد؟!

یا اینکه اینها هیچکدام مسلمان نیستند و از اسلام چیزی نمی‌دانند؟!

اردوغان چطور؟!

عربستان سعودی چی؟!

اخوان‌المسلمین واقعی و تخیلی چطور؟!

اسلام اینها هم «اسلام راستین» نیست؟!

پس آن را در کجا می‌توان یافت؟!

در ذهنیتی «رحمانی» که وقتی با سیاست در می‌آمیزد، جنایت و جهنم می‌آفریند؟!

مگر نه اینکه از این «اسلام» باید به راستی هراس داشت؟!

اتفاقاً خود مسلمانان بیشتر باید از این «اسلام» هراس داشته باشند. آنهم در حالی که اگر بحث بر سر «فرهنگ» و «هویت» مسلمانان در جوامع باز و دموکرات است، باید این واقعیت را هم دید که این اسلامگرایان هستند که فرهنگ و هویت جوامع اروپایی و غربی را زیر سوال برده و خدشه‌دار می‌کنند، بدون آنکه به مسلمانانی که در این کشورها زندگی

اما این ظاهر قضیه است. دست کم یک راه دیگر هم وجود دارد و نخستین راهنمای آن این است که مردم این جوامع را با چشم بستن به روی اسلامگرایان و کاهش آن به «تروریسم»، به پشت راست‌گرایان نرانند! اسلامگرایان تروریست خودشان در عملیاتشان کشته می‌شوند! به این ترتیب مقابله با تروریسم موجود، یک امر امنیتی، پلیسی و متکی بر ابزار و امکانات اطلاعاتی و فنی است. مبارزه با اسلام سیاسی و اسلامگرایی خرنده اما یک امر حقوقی و متکی بر ابزار سیاسی و فرهنگی است. مباحثات با اسلامگرایان خرنده که با وقاحت خواهان اجرای احکام شریعت در کشورهای دموکراتیک می‌شوند، و آزادانه در مراسم و راهپیمایی‌های خود شعارهای ضد دموکراسی، ضد حقوق بشر و ضد قوانین اساسی این کشورها سر می‌دهند، نه تنها با هیچ استدلالی در چهارچوب «تولرانس» و بردباری و تنوع فرهنگی نمی‌گنجد، بلکه تحمل آنها یعنی کمک به پشت جبهه‌ی تروریست‌ها!

راهش، اتحاد بیشتر است و نه جدایی!

همیشه وقتی اتفاقی می‌افتد و آدم به گذشته بر می‌گردد، با کمی دقت می‌توان زمینه‌های فراهم آمدن آن اتفاق را از لایلای رویدادهای مختلف تشخیص داد. به نظر می‌رسد ما هم اکنون در آن زمانی هستیم که در آینده به گذشته تبدیل شده است. ما تماشاگر برخی از آن زمینه‌هایی هستیم که



انجمن کسب و کارهای آنلاین به عصر آنلاین گفت که ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم توسعه می‌تواند به منزله تیر خلاص بر پیکره استارت‌آپ‌ها و مشاغل آنلاین باشد.

پیشتر نیز حامد بیدی مدیر عامل پلتفرم «کارزار» درباره ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم گفته بود که «همان تبعاتی که طرح صیانت داشت، تصویب ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم توسعه هم خواهد داشت. در زمینه پیام‌رسان‌ها پروژه‌ها موفق نبود، چون مردم نسبت به رصد اطلاعات خود بی‌اعتماد بودند.»

حامد بیدی افزوده بود که «همین حالا مردم از بسیاری از پلتفرم‌های داهلی بدون نگرانی استفاده می‌کنند، به محض آنکه بفهمند همان اتفاقی که در پیام‌رسان‌ها افتاد برای سایر پلتفرم‌ها هم تکرار می‌شود، طبیعی است که بی‌اعتماد می‌شوند. نتیجه این بی‌اعتمادی در کوتاه‌مدت افزایش نارضایتی و رنجش مردم و مهاجرت می‌شود.»

بخشی از آنچه در برنامه هفتم توسعه گنجانده شده جنبه‌های امنیتی و اطلاعاتی برای رصد و کنترل بیشتر شهروندان و سپردن اختیارات بیشتر به نهادهای امنیتی و اطلاعاتی است. جدا از مصوبه امروز، در اوایل آبان نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در بررسی گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات را مکلف کردند که با وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و همچنین سازمان پدافند غیرعامل «همکاری کامل» داشته باشند. بر این اساس اعلام شده است که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است با هماهنگی و همکاری وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و دیگر سازمان‌ها نسبت به ارائه «خدمات امن‌سازی و ارزیابی و رتبه‌بندی سالانه امنیت سایبری» دستگاه‌های اجرایی اقدام کند.

در بخشی مربوط به این مصوبه در لایحه برنامه هفتم توسعه آمده که «دلیل لزوم همکاری این وزارتخانه با نهادهای امنیتی، ارائه خدمات امن‌سازی و ارزیابی و رتبه‌بندی سالانه امنیت سایبری دستگاه‌های اجرایی مطابق استانداردها و ضوابط مصوب کمیته دائمی پدافند غیرعامل کشور که توسط شورای عالی فضای مجازی ابلاغ می‌شود» اعلام شده است.

در پی این مصوبه و واکنش شهروندان که چنین اقداماتی را نقض حریم خصوصی و امنیتی کردن بیش از پیش فضای کشور عنوان می‌کردند، عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که همکاری این وزارتخانه با نهادهای امنیتی «چیز جدیدی» نیست.

عیسی زارع‌پور گفته که در تقسیم کار برای امنیت، نهادهای مختلفی در حوزه تأمین امنیت مسئول هستند که به گفته او «یکی از آنها وزارت ارتباطات است و بقیه دستگاه‌ها هم هستند.»

داریم فرهنگ عمومی را ارتقاء دهیم اما به نتیجه نمی‌رسیم.» این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که «نهادهایی که میلیاردها تومان در حوزه فرهنگی اعتبار دریافت می‌کنند باید اکنون پاسخگو باشند. مسئولان صداوسیما و نهادهای فرهنگی اکنون به جای آنکه مطالبه‌گر باشند باید پاسخگو باشند.» محمد باقر قالیباف رئیس مجلس در جواب به ابراز نگرانی‌ها مدعی شده دسترسی به اطلاعات شخصی افراد بدون حکم قاضی امکان‌پذیر نیست! رئیس مجلس شورای اسلامی گفته که «ما به این دلیل این بند را در ابتدا به کمیسیون تلفیق ارجاع دادیم تا راه‌اندازی سامانه پیش و رصد سبک زندگی افراد با رعایت اصل ۲۵ قانون اساسی باشد. قطعاً اگر قرار باشد به احوالات شخصی افراد ورود شود، حکم قاضی لازم است و بدون حکم قاضی این اتفاق نمی‌افتد. چنین برداشتی از این حکم صورت نخواهد گرفت و کسی نمی‌تواند از اطلاعات شخصی افراد بدون حکم قبلی برداشت داشته باشد.»

وبسایت «تجارت نیوز» پیش از این در گزارشی این ماده از برنامه هفتم توسعه را مورد نقد قرار داده و نوشته بود که «در صورت تصویب این ماده، همه پلت‌فرم‌های داخلی مورد استفاده مردم موظف می‌شوند جزئی‌ترین مسائل شخصی تک‌تک کاربران خود را، اعم از رفت‌وآمدهای درون و بیرون شهری، هر وسیله‌ای که خرید و فروش می‌کنند و حتی غذا و محصولات را که از سوپرمارکت سفارش می‌دهند، به صورت مستمر به این سامانه گزارش کنند.»

«تجارت نیوز» اضافه کرد که اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این سامانه باید از داده‌های مرکز آمار ایران و اطلاعات کاربران در سکوهای داخلی تأمین شود. این گزارش افزوده بود ورود به حریم خصوصی کاربران، بی‌اعتمادی کاربران به سایت‌ها، اپلیکیشن‌ها و بطور کل پایگاه‌های دارای داده از جمله آسیب‌هایی است که تصویب این ماده و راه‌اندازی سامانه رصد سبک زندگی مردم به دنبال خواهد داشت.

گزارش «تجارت نیوز» همچنین افزوده بود که این بخش از برنامه هفتم توسعه در تضاد با قانون اساسی جمهوری اسلامی است. بر اساس اصل ۲۵ قانون اساسی، بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

«تجارت نیوز» تأکید کرده بود که با توجه به این اصل قانون اساسی، تجسس در زندگی مردم و سرک کشیدن به حریم خصوصی آنها ممنوع است.

با اینهمه فعالان استارت‌آپی نیز معتقدند این مصوبه تیر خلاص بر پیکر استارت‌آپ‌ها در ایران است. رضا الفت‌نسب دبیر

سامانه «رصد سبک زندگی مردم»؛ فضولی و کنترل بیش از پیش شهروندان!

● بر اساس این مصوبه، وزارت ارشاد مکلف شده با همکاری صداوسیما دولتی و مرکز آمار ایران نسبت به راه‌اندازی این سامانه اقدام کنند. هدف این مصوبه «ایجاد بستر مناسب برای آینده‌پژوهی» اعلام شده است.

● غلامرضا نوری قزلبچه از جمله نمایندگان مخالف این طرح می‌گوید: اگر اکنون ما اینجا قانونگذاری کنیم ممکن است امکان تجسس در اطلاعات شخصی افراد فراهم شود.

● تجارت نیوز: ورود به حریم خصوصی کاربران، بی‌اعتمادی به سایت‌ها، اپلیکیشن‌ها و پایگاه‌های دارای داده از جمله آسیب‌هایی است که تصویب این ماده و راه‌اندازی سامانه رصد سبک زندگی مردم به دنبال خواهد داشت.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی راه‌اندازی سامانه‌ای را برای «رصد، پیش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای و وضعیت ارتباطات کشور» تصویب کردند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه روز سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲ راه‌اندازی سامانه‌ای را برای «رصد، پیش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی، سبک زندگی مردم، مرجعیت رسانه‌ای و وضعیت ارتباطات کشور» تصویب کردند.

بر اساس این مصوبه، وزارت ارشاد مکلف شده با همکاری صداوسیما دولتی و مرکز آمار ایران نسبت به راه‌اندازی این سامانه اقدام کنند. هدف این مصوبه «ایجاد بستر مناسب برای آینده‌پژوهی» اعلام شده است. این مصوبه در جریان بررسی جزئیات لایحه برنامه هفتم توسعه مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با ۱۶۲ رأی موافق، ۱۰ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۰ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند. هرچند اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی به این لایحه رأی مثبت دادند اما برخی نمایندگان نیز در مخالفت با آن سخن گفتند.

غلامرضا نوری قزلبچه از جمله نمایندگان مخالف این طرح بود که اخطار داد: «در این بند ذکر شده که به صورت برخط [آنلاین] سبک زندگی مردم و داده‌ها و اطلاعات افراد در یکجا رصد و پیش شود. اما در اصل ۲۵ قانون اساسی گفته شده [فقط] با حکم قانون این امکان وجود دارد.»

این نماینده مجلس افزوده بود که «اگر اکنون ما اینجا قانونگذاری کنیم ممکن است امکان تجسس در اطلاعات شخصی افراد فراهم شود. اگر هدف آینده‌پژوهی باشد باید اطلاعات جمعی افراد مورد بررسی قرار گیرد و نباید بررسی لحظه به لحظه اطلاعات هر فرد صورت گیرد. با تکیه بر اطلاعات جمعی نیز می‌توان آینده‌پژوهی انجام داد.»

معین‌الدین سعیدی نماینده سیستان و بلوچستان نیز در مخالفت با این بند گفت که «سال‌هاست که با این روش‌ها قصد



تحمیل «روز» امر به معروف به تقویم ایران؛ تداوم نبرد میان جامعه و جمهوری اسلامی

ایرادهایی به لایحه وارد و آن را برای اصلاح به مجلس شورای اسلامی بازگرداند. مهم‌ترین ایرادهای شورای نگهبان به این لایحه، روشن نبودن مرزهای ضوابط مصوبه در برخی موارد، عدم تعریف برخی تعابیر و اصطلاحات تفسیربردار، ابهام در نسبت برخی از احکام مصوبه با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مغایرت برخی مواد با اصل ۷۵ قانون اساسی به جهت افزایش هزینه‌های عمومی یا کاهش درآمدهای عمومی بدون پیش‌بینی طریق تامین یا جبران آن، اعلام شده است.

هرچند این لایحه هنوز در شورای نگهبان تصویب و به قانون تبدیل نشده است، اما محورهای آن در سطح جامعه و از سوی نهادها و سازمان‌های حکومتی در حال اجرا است. اواخر شهریور امسال نمایندگان مجلس شورای اسلامی پیشتر به اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال رأی مثبت دادند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه نیز هفته گذشته به دادستان‌ها تأکید کرده که برای «برخورد با هنجارشکنان» منتظر لایحه «حجاب و عفاف» نمانند!

رئیس قوه قضاییه گفته که «دادستان‌ها و مقامات ذیصلاح قضایی مقوله اجرای قانون در بحث مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی را از فراجا مطالبه کنند و فراجا و وزارت کشور نیز در این عرصه به میدان بیایند؛ نباید منتظر تصویب لایحه مرتبط با عفاف و حجاب ماند.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین خواستار برخورد قانونی با کسانی شد که «ناهنجاری‌ها را ترویج می‌دهند» و افزود این افراد «در زمین دشمن بازی می‌کنند.»

مجتبی ذوالنوری نماینده مجلس شورای اسلامی هم هفته گذشته درباره برخورد با زنانی با پوشش اختیاری هم گفته که هرکس خریزه می‌خورد پای لرزش هم بنشیند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که «قانون عفاف و حجاب قانون سختی نیست که جامعه نتواند آن را بپذیرد. قانون روان و راحتی است و به آن سفت و سختی که برخی دوستان گفتند نیست و قابل اجرا است.»

یکی از انتقادهایی که به لایحه «حجاب و عفاف» می‌شود مربوط به جریمه‌های نقدی گسترده در این لایحه و به بهانه «بی‌حجابی» است. جریمه‌هایی که یک عده معتقدند هدف آن درآمدزایی برای دولت بوده و برخی دیگر از موافقان مبارزه با بی‌حجابی نیز معتقدند که اساساً نمی‌تواند اثری بر رعایت حجاب اجباری از سوی زنانی باشد که پوشش اختیاری دارند. شماری دیگر نیز ارقام جریمه‌ها را غیرعقلانی و بالا ارزیابی می‌کنند و به آن انتقاد دارند. مجتبی ذوالنوری اما گفته «هرکسی خریزه می‌خورد باید پای لرزش هم بنشیند. کسی که تخلف می‌کند جریمه آن را نیز می‌دهد.»

جمهوری اسلامی این خانواده را مجبور کردند پیکر دخترشان را در «بهشت زهرا»ی تهران به خاک بسپارند. گزارش‌ها حاکی از آنست که خانواده آرمیتا تصمیم داشتند پیکر دخترشان به کرمانشاه منتقل کنند.

یک سال پیش نیز مهسا امینی دختر جوان ۲۱ ساله که از شهر سقز به تهران سفر کرده بود توسط مأموران گشت ارشاد بازداشت و مورد ضرب و جرح قرار گرفت. مهسا امینی ساعتی بعد در ساختمان پلیس امنیت تهران به کما رفت و چند روز بعد در بیمارستان جان باخت. قتل حکومتی مهسا امینی آغازگر اعتراضات جنبش ملی بود که از شهریور ۱۴۰۱ آغاز و تا دی‌ماه گذشته به صورت اعتراضات خیابانی ادامه داشت. موج انقلابی اعتراضات پس از جانباختن مهسا امینی همچنان زنده است و به اشکال مختلف ادامه دارد.

اعتراضات به حجاب اجباری بخشی از جنبش بود که در اعتراضات سال گذشته با آتش زدن روسری‌ها از سوی زنان و دختران در تظاهرات و تجمعات به یکی از نمادهای اعتراضات تبدیل شد. پس از آن و تاکنون زنان و دختران ایرانی یکی از بزرگترین اعتراضات مدنی نیم قرن اخیر را با استفاده از پوشش اختیاری و عدم رعایت حجاب تحمیلی جمهوری اسلامی پیش برده‌اند. انتخاب روز «امر به معروف» و تحمیل آن از سوی جمهوری اسلامی، بخشی از مبارزه میان مردم ایران با حکومت به شمار می‌رود؛ مبارزه‌ای که فاصله عمیق میان جمهوری اسلامی و ملت ایران را عمیق‌تر کرده و مسیری جدید در تحولات سیاسی کشور ایجاد کرده است.

جمهوری اسلامی اما تلاش می‌کند حجاب تحمیلی که بیش از چهاردهه ابزار تبلیغات ایدئولوژیک حکومت و ویرتین حکومت اسلامی در ایران بود را به هر قیمتی شده در جامعه حفظ کند. پس از اعتراضات جنبش ملی، قوه قضاییه طرح «حجاب و عفاف» را که طرحی مجازات‌محور و سرکوبگرانه علیه شهروندانی است که پوشش اختیاری دارند را تدوین کرده بود. این طرح بهار امسال در هیئت دولت تصویب و برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارسال شد.

در مجلس شورای اسلامی نیز کمیسیون قضایی و حقوقی مسئول رسیدگی به این لایحه شد اما اعضای این کمیسیون پیشنهاد رفتن لایحه زیر اصل ۸۵ قانون اساسی را دادند.

بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود. ایحه حجاب و عفاف در نهایت اواخر خردادماه امسال به شورای نگهبان رفت اما این شورا پس از تقریباً دو ماه

● با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، روز دوم محرم هر سال، به عنوان «روز امر به معروف و نهی از منکر» وارد تقویم جمهوری اسلامی می‌شود!

● هفته نخست ماه محرم از سال ۱۳۷۱ به عنوان هفته «امر به معروف» نامگذاری شده و هرساله جمهوری اسلامی در این هفته برنامه‌های تبلیغاتی و ایدئولوژیک مختلفی را برگزار می‌کند.

روز «امر به معروف و نهی از منکر» با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست ابراهیم رئیسی وارد تقویم رسمی کشور شد.

ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی روز سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲ ماده واحده «تعیین مناسبت‌های جدید برای درج در تقویم ایران» را ابلاغ کرد که بر اساس آن، روز دوم محرم هر سال، به عنوان «روز امر به معروف و نهی از منکر» وارد تقویم جمهوری اسلامی می‌شود.

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی این مصوبه از ابتدای سال ۱۴۰۳ به اجرا گذاشته خواهد شد.

هفته نخست ماه محرم از سال ۱۳۷۱ به عنوان هفته «امر به معروف» نامگذاری شده و هرساله جمهوری اسلامی در این هفته برنامه‌های تبلیغاتی و ایدئولوژیک مختلفی را برگزار می‌کند. نامگذاری روزی در ایران به عنوان «روز امر به معروف» ۱۰ روز پس از جان باختن آرمیتا گراوند دختر نوجوانی که با حمله مأمور «امر به معروف» در مترو دچار ضربه مغزی شد و به کما رفت، قابل توجه است.

این اقدام شورای عالی انقلاب فرهنگی در حالی صورت گرفته که همچنان مردم خواستار محاکمه قاتلان مهسا امینی و آرمیتا گراوند هستند و مردم بیش از یک سال است با شجاعت در برابر حجاب تحمیلی و اجباری جمهوری اسلامی به مبارزه مدنی مشغول هستند.

آرمیتا گراوند متولد ۱۳ فروردین ۱۳۸۵، صبح روز نهم مهر ۱۴۰۲، هنگام حرکت به سمت مدرسه، در ایستگاه مترو میدان «شهدا»ی تهران، به دلیل نبوشیدن مقنعه و رعایت نکردن حجاب اجباری حکومتی، در داخل واگن، مورد حمله یک نیروی «امر به معروف» قرار گرفت و با هل دادن او، سرش به لبه در خروجی قطار برخورد کرد و پس از بیهوشی به کما رفت. این دختر نوجوان صبح روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲ پس از ۲۸ روز بستری بودن در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان نظامی «فجر» تهران درگذشت. خانواده آرمیتا گراوند که از زمان به کما رفتن دختر نوجوانشان زیر فشارهای شدید امنیتی قرار داشتند، از روز گذشته و همزمان با جان باختن آرمیتا با فشارهای بیشتری روبرو هستند. نهادهای امنیتی

دموکراسی‌های دنیا متحد شوید!؟



● پس از تکه تکه شدن امپراتوری عثمانی، مناطق عرب‌نشین به سه تکه تقسیم شده و عراق و شرق و غرب رود اردن به قیمومیت انگلیس و سوریه و منطقه لبنان تحت اختیار فرانسه و شبه‌جزیره عربستان در اختیار کلیددار کعبه قرار گرفت.

● منطقه‌ای در غرب رود اردن تا کرانه مدیترانه که تحت قیمومیت انگلیس بود پس از برخورد‌های فراوان که منجر به کشته شدن بسیاری از مردم آن منطقه چه عرب مسلمان و چه یهودی شده بود، توسط سازمان ملل در اواخر سال ۱۹۴۷ به دو بخش عرب و یهودی تقسیم شد.

● کشور اسرائیل پس از مدت کوتاهی در سال ۱۹۴۸ اعلام استقلال کرد و توسط اکثریت کشورهای موجود در سازمان ملل به رسمیت شناخته شد. جالب توجه اینکه اتحاد جماهیر شوروی اولین کشوری بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و رای کشور بریتانیای کبیر ممتنع بود.

بهرام فرخی - قصد دارم در این مقاله پس از سیری کوتاه در گذشته و حال نزاع اسرائیل و اعراب، نگاهم را به آینده روابط اسرائیل و فلسطین معطوف کنم.

آیا با پایان نزاع اسرائیل و فلسطین راه حل دو دولت و دو ملت تحقق خواهد یافت؟

آیا با تشکیل دولت مستقل فلسطین، روابط این دولت با اسرائیل عادی خواهد شد؟

آیا با وجود ریشه دواندن ویروس اسلام سیاسی در ایدئولوژی احزاب و گروه‌های این منطقه، کشور نوظهور فلسطین دموکرات خواهد بود؟

آیا دیکتاتوری‌های عرب وجود یک کشور دموکرات را در همسایگی خود تحمل می‌کنند؟

نقش سازمان ملل که در محاصره کشورهای غیردموکرات و تمامیت‌خواه قرار گرفته، چه خواهد بود؟ آیا می‌تواند در این نزاع نقشی منصفانه داشته باشد؟

و در پایان آیا نقش سازمان ملل در بحران‌های بین‌المللی به پایان رسیده؟

این روزها که درگیری بین اسرائیل و گروه تروریستی حماس در باریکه غزه بالا گرفته و در تمامی پایتخت‌های جهان از جمله کشورهای غربی، تظاهراتی برای دفاع از فلسطینی‌ها برگزار می‌شود، کمتر کسی از تظاهرکنندگان از خودش سوال می‌کند که آیا فلسطینی‌ها ملی‌گرا هستند و برای نوعی ملی‌گرایی فلسطینی با کشور اسرائیل مبارزه می‌کنند یا نه!

آیا رهبران عرب مناطق فلسطین از بدو تقسیم این منطقه توسط سازمان ملل به ایده ملی‌گرایی معتقد بودند و یا در طول هفت دهه، بازیچه دست دیگر کشورها و دیکتاتورهای منطقه شده‌اند؟

همه به خوبی اطلاع دارند که این سرزمین به دلیل مقدس بودنش از دیرباز محل اسکان و برخورد قدرت‌های جهانی بوده و در طول تاریخ کمتر امپراتوری آسیایی و اروپایی وجود داشته که قصد حاکمیت این منطقه را نداشته و به نوعی در آنجا حکومت و پایگاهی برای خود دست و پا نکرده باشد.

به عنوان یک نمونه، همین بس که در کتب تاریخ نقل می‌شود در نقطه‌ای که امروز به نام کلیسای تولد مسیح نامیده می‌شود و مساحتی برابر با چند مترمربع دارد، سه امپراتور اروپایی هر کدام در این مکان بر تختی نشسته

و ادعای مالکیت بر تکه‌ای از آن را داشتند که این وضع تا امروز ادامه دارد و تنوع مذاهب موجود، ناشی از همین واقعیت است.

آخرین سلسله‌ای که بر این «شهر مقدس» حکومت راند خانواده ملک فاروق در مصر بود که اصلیتی آلبانی‌تبار دارد. پس از تکه تکه شدن امپراتوری عثمانی، مناطق عرب‌نشین به سه تکه تقسیم شده و عراق و شرق و غرب رود اردن به قیمومیت انگلیس و سوریه و منطقه لبنان تحت اختیار فرانسه و شبه‌جزیره عربستان در اختیار کلیددار کعبه قرار گرفت.

منطقه‌ای در غرب رود اردن تا کرانه مدیترانه که تحت قیمومیت انگلیس بود پس از برخورد‌های فراوان که منجر به کشته شدن بسیاری از مردم آن منطقه چه عرب مسلمان و چه یهودی شده بود، توسط سازمان ملل در اواخر سال ۱۹۴۷ به دو بخش عرب و یهودی تقسیم شد.

کشور اسرائیل پس از مدت کوتاهی در سال ۱۹۴۸ اعلام استقلال کرد و توسط اکثریت کشورهای موجود در سازمان ملل به رسمیت شناخته شد. جالب توجه اینکه اتحاد جماهیر شوروی اولین کشوری بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و رای کشور بریتانیای کبیر ممتنع بود.

از فردای آن روز، نیروهای نظامی لیگ عرب متشکل از کشورهای لبنان، اردن، سوریه، عراق، مصر که این تقسیم‌بندی را قبول نداشتند، در صدد حمله به کشور نوتاسیس اسرائیل برآمدند که در آن شکست خوردند و قسمت‌های جدیدی از این سرزمین به دست اسرائیل افتاد و در نتیجه تعدادی زیادی آواره فلسطینی مجبور به ترک خانه‌های خود شده و رهسپار باقی کشورهای عرب‌نشین در منطقه شدند.

در آن جنگ مردم اسرائیل با اتکا به خود و سلاح‌های کشور چکسلواکی از خود دفاع کردند.

پس از چندی در سال ۱۹۵۶ به دنبال بسته شدن کانال سوئز توسط مصر، جنگ دیگری در گرفت که باعث وسعت بیشتر کشور اسرائیل گردید. لازم به یادآوری است که در این زمان جمعیت اسرائیل به دلیل مهاجرت بازماندگان هولوکاست از اروپا و اخراج یهودیان از کشورهای مسلمان

منطقه افزایش بسیار یافت.

در سال ۱۹۶۷ اینبار با ایدئولوژی پان‌عربیسم جمال عبدالناصر و اتحاد کشور سوریه و مصر با هم و حمایت کشور اردن که بخش شرقی «بیت‌المقدس» را در اختیار داشت، در صدد حملاتی برای محو کشور اسرائیل برآمدند. اینبار نه تنها شکست خورده بلکه اردن حاکمیت در غرب رود اردن و شرق «بیت‌المقدس» و سوریه ارتفاعات جولان و مصر تمامی صحرای سینا را از دست دادند.

پس از جنگ «یوم کبیر» در سال ۱۹۷۳ و به دنبال آن، صلح بین مصر و سپس اردن و سفر انور سادات به اسرائیل و قرارداد کمپ داوید، روابط بین کشورهای نامبرده عادی شد. پس از کناره‌گیری اردن و مصر، عملیات اختیارات در غرب رود اردن و غزه در اختیار سازمان آزادیبخش فلسطین قرار گرفت که پس از چندی به عنوان نماینده مردم فلسطین در سازمان ملل شناخته شد.

این وضعیت با نزاع‌های کوتاه‌مدت تا امروز ادامه داشته‌است. درباره نزاع مردم عرب فلسطین و کشور اسرائیل همین بس که رهبران فلسطین همه نوع ایدئولوژی را امتحان کرده‌اند؛ از سوسیالیسم و کمونیسم و بعث صدام حسین و حافظ اسد و «کتاب سبز» معمر قزافی و ایده‌های اخوان المسلمین تا اسلام سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در ایران! آنها بطور کلی در تمام این مدت بازیچه و دستاویز تمامی دولت‌های منطقه از عربستان، اردن، سوریه، مصر و لبنان و عراق و لیبی بوده‌اند تا آن حکومت‌ها به فساد بی‌پایان خود ادامه دهند. امروز مشوق جنگ در غزه، دولت‌های قطر و ایران و ترکیه هستند.

مردم عرب فلسطین اما هرگز بر روی ملی‌گرایی و رهبران ملی خود شرط نبسته‌اند. و غزه که از آن با نام بزرگترین زندان بدون سقف جهان نام می‌برند، در زمان تحویل به دولت خودگردان فلسطین، منطقه سبز کشاورزی اسرائیل نامیده می‌شد و بیشتر مناطق آن باغ‌های سرپوشیده کشاورزی بودند که می‌توانست بدون اغراق با کار و زحمت اهالی عرب و کمک‌های بی‌وقفه بین‌المللی تبدیل به سنگاپور و دوبی دیگری در شرق مدیترانه تبدیل شود. ←

شهریار آهی: جنگ در غزه منطقه را بر سر دوراهی قرار داده است



ویدئو

حاضر نیستند در شرایط کنونی و بدون تغییرات جدی در سیاست‌های اسرائیل در رابطه با آینده سرزمین‌های فلسطینی مسئولیتی به عهده بگیرند. احمد رأفت با شهریار آهی که از نزدیک با مسائل خاورمیانه و سیاست‌های پادشاهی سعودی آشنائی دارد، گفتگو کرده است.

یک ماه از حمله تروریستی حماس به اسرائیل گذشت. جنگ در غزه بین ارتش اسرائیل و تروریست‌های حماس همچنان ادامه دارد. بعید به نظر می‌رسد که این جنگ در عرض چند هفته به پایان برسد. کارشناسان نظامی اسرائیلی صحبت از جنگی می‌کنند که چندین ماه به طول خواهد انجامید. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در گفتگوهای رسانه‌ای خود اعلام کرده است «اسرائیل تا مدت نامحدودی مسئولیت کلی امنیت غزه را بر عهده خواهد داشت زیرا دیدیم زمانی که اسرائیل امنیت را بر عهده ندارد، چه می‌شود.»

آنچه امروز سیاست‌گذاران و رهبران غرب و منطقه درگیر آن هستند، سرنوشت غزه در پایان این جنگ است. دیدارهای دیپلماتیک دولت‌مردان غربی و به ویژه آمریکا با رهبران کشورهای عربی، اسرائیل و رئیس حکومت خودگردان فلسطین حول همین محور انجام می‌گیرند. پرسش بر سر آینده غزه و حکومتی است که اداره این باریکه را به عهده خواهد گرفت. کشورهای عربی و به ویژه مصر و اردن بارها در این روزها تکرار کرده‌اند که حاضر به پذیرفتن سیلی از پناهجویان فلسطینی نیستند.

محمود عباس رئیس حکومت خودگردان فلسطین نیز در دیدار با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا شرایطی را برای در دست گرفتن حکومت در غزه مطرح کرده است. دولت‌های عربی و به ویژه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز

افسوس که فلسطینی‌ها در ابتدا با فساد بی حد و حصر مسئولین تشکیلات خودگردان و سپس با روی کار آمدن حماس که بسان حامیان مرتجع خود در ایران، تمامی انرژی و منابع خود را بجای پیشرفت و ترقی کشور و مردم، صرف تونل‌سازی و مسلح کردن گروه‌های تروریستی کرد، همانطور که رژیم اسلامی در ایران در طول ۴۴ سال یک کشور مرفه و در حال پیشرفت را به ویرانه‌ای تبدیل کرده که بیش از ۶۵ درصد مردمش در زیر خط فقر بسر می‌برند و دیر نیست که بسان غزه احتیاج به کمک‌های بین‌المللی داشته باشند و تمامی منابع مالی کشور را در راه هسته‌ای شدن و برنامه‌های موشکی و دخالت در کشورهای همسایه هزینه کرده و بسان ویروسی در هر کشوری نفوذ کرده سرنوشت مردم آن منطقه را بسان مردم خودش رقم زده است.

از شواهد چنین بر می‌آید که با پایان این درگیری که کوتاه‌مدت نخواهد بود و برچیدن حاکمیت حماس در غزه و پایان جنگ و محبوبیت پائین دولت و شخص نتانیاهو در بین مردم اسرائیل، در انتخابات بعدی احزابی بر سر کار خواهند آمد که راه حل دو دولت و دو سر زمین را در برنامه خود خواهند داشت.

ولی: آیا کشور نوظهور فلسطین، دموکرات خواهد بود یا بسان سلف خود تشکیلات خودگردان در فساد غرق خواهد شد؟ آیا مردم فلسطین واقعا اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت و حاضر به مراودات سیاسی و اقتصادی با آن خواهند بود؟ آیا کشورهای تمامیت‌خواه منطقه آن را به رسمیت خواهند شناخت؟

قدر مسلم این است که در طول هفتاد سال، دیکتاتورهای منطقه از مردم فلسطین به عنوان کارت بازی سیاسی در معاملات کثیف خود در مقابل غرب استفاده کرده‌اند و به حال این مردم کمترین دلسوزی عملی نداشته‌اند. از سوی دیگر، وضعیت فعلی سازمان مللی که اگر وتوی سه کشور دموکرات در آن نمی‌بود عملا در خدمت دیکتاتورهای رنگارنگ به سرکردگی چین و روسیه در می‌آمد اسفناک است و ارگان‌های متعدد و بی‌خاصیت آن مدت‌هاست جولانگاه نمایندگان همین دیکتاتورها شده است.

سازمانی که با هزینه ایالات متحده و همکاری کشورهای پیروز جنگ در مقابل نازیسم و فاشیسم تشکیل شده بود، وضعیت‌اش به جایی رسیده که شاخه آموزشی- فرهنگی آن با کمک‌های بی‌وقفه به تشکیلات خودگردان فلسطین به چاپ کتاب‌های درسی برای کودکان می‌پرداخته که در آن نفرت نژادی تبلیغ می‌شود و شاخه بهداشتی آن در بحران کرونا در صدد انحراف افکار عمومی جهان از نقش جمهوری خلق چین در به وجود آمدن این مصیبت قرن بود. هفته گذشته نیز بر مسند ریاست نشست دو روزه‌ی هم‌اندیشی (فوروم) اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل، نماینده رژیم آدم‌خوار و کودک‌کش اسلامی نشسته بود! آیا واقعا نقش سازمان ملل در بحران‌های بین‌المللی به پایان رسیده؟ پاسخ این پرسش را از ۵۲ جنگ و درگیری که هم‌اکنون در گوشه و کنار جهان جریان دارد می‌توان یافت! آیا وقت آن رسیده که کشورهای دموکرات در کنار سازمان ملل کنونی، دست به تشکیل سازمانی متشکل از فقط دموکراسی‌ها بزنند درست همانطور که از شعار کنگره این روزهای حزب رادیکال ایتالیا شنیده می‌شود؟ باید منتظر ماند و دید.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

رضا علامه‌زاده «داستان دو مرد» را به روی صحنه می‌برد



ویدئو

در آلمان بدون محدودیت‌های ۵۰ سال قبل ملاقات می‌کنند. اردلان سرفراز ترانه‌سرا و شاعر سرشناس ایرانی در رابطه با این نمایشنامه شعری را با این مضمون سروده است: «وقت عبور از خط ممنوعه رسیده است». ایفای نقش‌های این نمایشنامه را رضا علامه‌زاده به عهده هوتن آذرکلاه، حمیدرضا جاودان و سپیده شکری گذاشته است. احمد رأفت بارضاعلامه‌زاده در همین زمینه گفتگو کرده است.

۱۲ نوامبر تازه‌ترین کار نمایشی رضا علامه‌زاده کارگردان تئاتر و سینما برای اولین بار در سالن «بورگرهاوس» منطقه «کالک» در کلن به روی صحنه خواهد رفت. «داستان دو مرد» رضا علامه‌زاده مانند برخی دیگر از کارهایش نوعی تابوشکنی است و داستان «هادی» و «فیروز» است که در نوجوانی به یکدیگر علاقمند شدند، ولی به خاطر جو حاکم بر جامعه از هم دور می‌شوند و ۵۰ سال بعد یکدیگر را اینبار

حسن نصرالله جا زد؟!



بسیجی‌ها در میدان «امام حسین» تهران جمع شدند تا سخنرانی نصرالله را ببینند

حال تنظیم واکنش خود به عملیات نظامی اسرائیل در غزه هستند از درگیری مستقیم با اسرائیل یا ایالات متحده اجتناب می‌کنند و در عین حال قصد دارند هزینه‌هایی را به آنها از طریق حملات راکتی و پهپادی تحمیل کنند.

پیشتر جاناتان پانیکوف تحلیلگر ارشد سابق اطلاعاتی و کارشناس خاورمیانه گفت: «مشکل این است که گروه‌های نیابتی به یک اندازه از جمهوری اسلامی حرف‌شوی ندارد و در یک صف قرار دادن آنها اشتباه است. پرسش این است که آیا حزب‌الله و [رژیم] ایران اگر ببینند حماس در آستانه نابودی است آیا برای نجات آن توافق خواهند کرد یا نه؟»

یک مقام آمریکایی نیز در همین زمینه توضیح داد «تهران می‌داند که اگر حزب‌الله درگیری با اسرائیل یا ایالات متحده را تشدید کند، احتمالاً ضدحملات مستقیم علیه ایران را تحریک خواهد کرد که می‌تواند برای آن ویرانگر باشد. نوع حملات سطح پایین‌تری که گروه‌های نیابتی مختلف از هفتم اکتبر علیه اسرائیل و ایالات متحده انجام داده‌اند، باعث شده که ایالات متحده تجهیزات نظامی قابل توجهی را در منطقه مستقر کند و در عمل دست اسرائیل را برای هر اقدامی باز گذاشته است.»

اما چندین مقام آمریکایی هشدار می‌دهند که این استراتژی می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد به گونه‌ای که باعث گسترش درگیری شود حتا اگر هیچیک از طرفین آن را نخواهند.

کریستی ابی‌زید مدیر مرکز ملی مبارزه با تروریسم در سخنرانی در یکی از کمیته‌های سنا هشدار داد، اقداماتی که در منطقه صورت گرفته پتانسیل وقوع یک اشتباه محاسباتی را دارد. برخی تحلیلگران معتقدند تاکتیک جمهوری اسلامی و حزب‌الله همین است و جایی که لازم باشد به ظاهر عقب‌نشینی می‌کنند حتا اگر از سوی مخالفان و حتا هواداران خود متهم به ضعف شوند.

کرد که مواضع وی «راه پایان جنگ را نشان داد!» توتونچی افزود: «سیاست حزب‌الله، گسترش حساب شده و هدفمند دامنه نزاع بر مبنای تحولات پیش رو است نه بر اساس احساسات حماسی افرادی که انتظار رجزخوانی داشتند.»

اما محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عنوان کرد: «سخنان شجاعانه حسن نصرالله آغاز یک راهبرد جدید از سوی جبهه مقاومت در سراسر منطقه در برابر اسرائیل و آمریکا است.» وی تهدید کرد: «از این پس هیچکدام از گروه‌های مقاومت نظاره‌گر نخواهند بود. جبهه واحد تا رسیدن به نتیجه واحد که همان پیروزی مقاومت فلسطین است ادامه خواهد داشت.»

برخی منابع گزارش دادند مواضع حسن نصرالله مورد انتقاد مقامات حماس قرار گرفت. آنها توقع حمایت بیشتری از حزب‌الله داشتند. برخی از آنها از جمله اسامه حمدان گفتند که حزب‌الله باید تعهد خود را به پیروزی حماس در غزه اثبات کند. وی در مصاحبه با المیادین گفت «اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس، چند روز قبل به تهران سفری داشته و با علی خامنه‌ای دیدار کرده است.»

روزنامه اسرائیلی «هآرتس» در گزارشی نوشت که نصرالله نشان داد لبنان را فدای غزه نخواهد کرد و حماس را تنها گذاشت. وبسایت «راديو فرانسه» به نقل از روزنامه لبنانی «لوریان لوژور» با اشاره به سخنرانی نصرالله نوشت: «عاقبت کوه موش زائید.»

هفته‌نامه فرانسوی «اکسپرس» در همین ارتباط نوشت نصرالله و پدرخوانده‌اش یعنی حکومت ایران، از ترس هشدارهای آمریکا و تقویت حضور نظامی آن در منطقه عقب نشستند.

سی‌ان‌ان پیش از سخنرانی حسن نصرالله به نقل از سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا گزارش داد که در حال حاضر جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به آن که در

محمد توتونچی سفیر جمهوری اسلامی در کویت سخنرانی حسن نصرالله را «هوشمندانه و مسئولانه» دانست و عنوان کرد که مواضع وی «راه پایان جنگ را نشان داد و بر اساس احساسات حماسی افراد تصمیم نگرفت.»

محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: «سخنان شجاعانه حسن نصرالله آغاز یک راهبرد جدید از سوی جبهه مقاومت در سراسر منطقه در برابر اسرائیل و آمریکا است.»

برخی منابع گزارش دادند مواضع حسن نصرالله مورد انتقاد مقامات حماس قرار گرفت. آنها توقع حمایت بیشتری از حزب‌الله داشتند. برخی از آنها از جمله اسامه حمدان گفتند که حزب‌الله باید تعهد خود را به پیروزی حماس در غزه اثبات کند. وی در مصاحبه با المیادین گفت «اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس، چند روز قبل به تهران سفری داشته و با علی خامنه‌ای دیدار کرده است.»

حسن نصرالله رهبر حزب‌الله بعد از سخنرانی خود در روز جمعه ۱۲ آبان ماه بسیاری از فلسطینی‌ها و حامیان آنها را که منتظر یک واکنش ویژه از طرف حزب‌الله و حمایت آن از حماس در یک «جنگ تمام‌عیار علیه اسرائیل» و نابودی این کشور عضو سازمان ملل بودند ناامید کرد.

اگرچه گزارش شده که اسرائیل در اقدامی احتیاطی همزمان با سخنرانی نصرالله به نیروهای خود «آماده‌باش» داد اما آنچه رهبر حزب‌الله لبنان گفت بیشتر جا زد و عقب‌نشینی بود تا اقدامی که نیاز به «آماده‌باش» داشته باشد.

در این میان، اختلاف نظر میان مقامات و عوامل جمهوری اسلامی نیز در توجیه عقب‌نشینی حسن نصرالله واضح است.

«راه پایان جنگ» یا تحركات بیشتر «مقاومت»؟

محمد توتونچی سفیر جمهوری اسلامی در کویت سخنرانی حسن نصرالله را «هوشمندانه و مسئولانه» دانست و عنوان

حسن نصرالله: آمریکا پیام داد اگر عملیات علیه اسرائیل ادامه یابد، ایران را بمباران می‌کند!



بخش ویدیویی سخنرانی حسن نصرالله در لبنان

«واشنگتن مصمم است جبهه دوم یا سوم در این درگیری باز نشود.»

برخلاف انتظار طرفداران نظام و همچنین شبه‌نظامیان منطقه صحبت‌های نصرالله تکلیف آنها را برای ورود به جنگ با اسرائیل روشن نکرد. آنچه دبیرکل حزب الله لبنان گفت بیشتر تیره جمهوری اسلامی از دخالت در حمله حماس علیه اسرائیل بود که با وجود سخنان صریح رهبران حماس و همچنین پشتیبانی آشکار رژیم از عملیات وحشیانه‌ی هفتم اکتبر توسط حماس سعی می‌شود تا هر نوع نقش تهران در به راه افتادن این جنگ انکار شود.

مصطفی علوش نماینده سابق پارلمان لبنان به «اسکای نیوز عربی» درباره مواضع نصرالله و نقش جمهوری اسلامی گفت که «لبنانی‌ها منتظر سخنان حسن نصرالله هستند، اما مهم نیست نصرالله چه می‌گوید، تصمیم نهایی را ایران و ولی فقیه در تهران خواهد گرفت.»

او توضیح داد که «وضعیت امروز لبنان با سال ۲۰۰۶ متفاوت است. خطوط راهبردی حزب‌الله مانند سال ۲۰۰۶ تضمین نشده و توانایی آن در جنگ متقارن کافی نیست. مشکل اصلی آنها این است که ایالات متحده و سایر کشورها، تقریباً مستقیم از طریق اعزام نیرو و ناو به مدیترانه وارد نبرد شده‌اند.»

علوش افزود: «محاسبات نصرالله در صورت سقوط غزه، حفظ ارتش خود (حزب‌الله) در لبنان خواهد بود. آنها ممکن است بعداً نه تنها در مورد کنترل لبنان، بلکه در مورد پروژه هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌ها، به سمت چانه‌زنی و توافق با آمریکا بروند.»

علوش حضور حزب‌الله در جنگ را رد کرد و گفت: «اما اگر این اتفاق بیفتد ویرانی بزرگی برجای خواهد گذاشت.»

نصرالله در ادامه همین بخش از سخنرانی خود تأکید کرد، «پیام‌هایی دریافت کردیم که اگر به عملیات‌های خود در جنوب ادامه دهیم، آمریکا ایران را بمباران خواهد کرد.» اما بعضی خبرگزاری‌های داخلی ایران از جمله تسنیم این بخش را سانسور و برخی دیگر از جمله تابناک منتشر کردند.

برخی منابع و تحلیلگران بن‌بست در مذاکرات اتمی را از عواملی دانسته‌اند که باعث شد انگیزه‌های جمهوری اسلامی در تحریک حماس برای اقدام علیه اسرائیل و تشدید حملات ایدئایی به نیروهای آمریکایی در منطقه تقویت شود اما نصرالله تأکید کرد که «این عملیات هیچ ارتباطی با دیگر پرونده‌های منطقه‌ای نداشت و دوست و دشمن باید این واقعیت‌ها را بشناسند.»

وی در بخش دیگری از این سخنرانی با اشاره به اینکه «هر سناریویی در جبهه لبنان مطرح است» تهدید کرد: «برای ناوهای آمریکا هم ابزارهای مناسب در اختیار داریم.»

در تهران در اقدامی عجیب، سخنرانی نصرالله از سوی حکومت به صورت آنلاین در «پارک دانشجو» و میدان «امام حسین» تهران پخش شد و یک نفر آن را برای حاضران ترجمه می‌کرد. شماری از بسیجی‌ها نیز در آن محل به خط شدند تا حمایت خود را از گروه‌های تروریستی حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین اعلام کنند.

دبیرکل حزب‌الله لبنان گفت «تنها راه جلوگیری از گسترش نبرد، توقف جنگ غزه است» آنها در حالی که جنگ را حماس از غزه شروع کرده و اکنون عملیات دفاعی ارتش اسرائیل در بالاترین سطح در این باریکه ادامه دارد. آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که به تل‌آویو سفر کرده است درباره احتمال گشوده شدن جبهه‌های جدید و درگیری با جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان گفت که

● دبیرکل حزب‌الله لبنان روز جمعه ۱۲ آبان‌ماه در یک سخنرانی از طریق ویدئوکنفرانس ضمن حمایت از عملیات تروریستی حماس علیه اسرائیل با تکرار اظهارات علی خامنه‌ای از دولت‌های عربی خواست ارسال نفت و غذا به اسرائیل را تحریم کنند.

● وی در بخشی از این سخنرانی گفت: «شاید برخی تصور می‌کنند که حزب‌الله باید وارد جنگ تمام‌عیار شود و کاری که ما در مرزها انجام دادیم کم بوده است، البته ما به این مقدار بسنده نخواهیم کرد، اما چیزی که در جبهه ما اتفاق می‌افتد، اتفاقاتی است که سابقه نداشته است.»

● در تهران در اقدامی عجیب، سخنرانی نصرالله از سوی حکومت به صورت آنلاین در «پارک دانشجو» و میدان «امام حسین» تهران پخش شد و یک نفر آن را برای حاضران ترجمه می‌کرد. شماری از بسیجی‌ها نیز در آن محل به خط شدند تا حمایت خود را از گروه‌های تروریستی حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین اعلام کنند.

● مصطفی علوش نماینده سابق پارلمان لبنان به «اسکای نیوز عربی» درباره مواضع نصرالله و نقش جمهوری اسلامی گفت که «لبنانی‌ها منتظر سخنان حسن نصرالله هستند، اما مهم نیست نصرالله چه می‌گوید، تصمیم نهایی را ایران و ولی فقیه در تهران خواهد گرفت.»

دبیرکل حزب‌الله لبنان روز جمعه ۱۲ آبان‌ماه در یک سخنرانی از طریق ویدئوکنفرانس ضمن حمایت از عملیات تروریستی حماس علیه اسرائیل با تکرار اظهارات علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از دولت‌های عربی خواست ارسال نفت و غذا به اسرائیل را تحریم کنند.

حسن نصرالله در بیست و هشتمین روز جنگ اسرائیل و حماس که با حمله تروریستی و وحشیانه‌ی گروه حماس به شهروندان غیرنظامی اسرائیل آغاز شد، از حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان عراق برای ورود به جنگ علیه اسرائیل تقدیر کرد و مدعی شد «عملیات توفان الاقصی صد درصد تصمیم فلسطینی و اجرای آنها کاملاً فلسطینی بود.» وی تأکید کرد جمهوری اسلامی چه در زمان خمینی و چه در زمان خامنه‌ای «آشکارا از گروه‌های مقاومت حمایت می‌کند، اما هرگز هیچ فشار و توصیه‌ای به آنها وارد نکرده و هیچ چیز از رهبران آنها نمی‌خواهد.»

به این مقدار جنگ بسنده نخواهیم کرد

نصرالله در مورد ورود به جنگ با اسرائیل در سخنانی دوپهلوی گفت، «ما سال‌های طولانی است که وارد این جنگ شده‌ایم، ما از هشت اکتبر وارد این جنگ شده‌ایم. مقاومت اسلامی لبنان عملیات خود را از روز دوم توفان الاقصی آغاز کرد و به تمامی مرزهای لبنان و فلسطین اشغالی امتداد پیدا کرد و حتما اخبار آن را پیگیری کرده‌اید. آنچه که اتفاق می‌افتد خیلی مهم است، شاید برخی تصور می‌کنند که حزب‌الله باید وارد جنگ تمام‌عیار شود و کاری که ما در مرزها انجام دادیم کم بوده است، البته ما به این مقدار بسنده نخواهیم کرد، اما چیزی که در جبهه ما اتفاق می‌افتد، اتفاقاتی است که سابقه نداشته است.»

پرونده سازی خبرگزاری «فارس» و سپاه پاسداران با «دستگاه ارتباطی و تجهیزات استارلینک» علیه مولوی عبدالحمید



مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان

«تعداد معدودی از کارکنان و برخی از معاونین مجموعه مسجد مکی تلاش دارند این توطئه را به عنوان بازداشت و شناسایی شدن یک جاسوس معمولی تعدیل بدهند [کنند] و از این رو حال و شش تصمیم گرفته است جزئیات بیشتری به نقل از منابع خود در اینباره منتشر کند.»

سازمان اطلاعات سپاه پاسداران هیچ واکنشی به انتشار رسمی خبر سوء قصد علیه مولوی عبدالحمید با سازماندهی این نهاد امنیتی نداشت اما پس از سه هفته از خنثی شدن طرح ترور مولوی عبدالحمید خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شد که ۱۳۲ نفر از اساتید و طلاب مدرسه دارالعلوم دارای «هویت جعلی» هستند. این خبرگزاری در گزارشی «اختصاصی» مدعی شد که تعداد قابل توجهی از اساتید و بعضاً مدیران مدرسه مکی دارای اسناد سجلی غیرقانونی و هویت‌های جعلی هستند که طی سالیان متمادی داخل کشور حضور یافته و از مزایای گوناگون بهره‌مند بوده‌اند.

این گزارش افزوده بود که بر اساس تحقیقات به عمل آمده بیش از ۵۰ درصد طلاب و برخی از اساتید مدرسه مکی اتباع سایر کشورها هستند که به صورت غیرقانونی در استان سیستان و بلوچستان حضور دارند.

خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده بود که طی چند ماه گذشته ۱۳۲ نفر از طلاب خارجی که به صورت غیرقانونی در مسجد مکی حضور داشتند شناسایی و در چهارچوب مقررات پس از نگهداری مقدماتی از کشور طرد و تحویل مقامات کشور ثالث شده‌اند. برخی از این طلاب نیز دارای اسناد هویتی جعلی و غصبی بوده و با این اسناد پارانه دولتی نیز دریافت می‌کرده‌اند.

خبرگزاری تسنیم همچنین ویدئویی از اعترافات اجباری شماری از طلاب و کارکنان مسجد مکی زاهدان را که طی سه هفته گذشته به دلیل افشای خبر طرح ترور

نیستند و صرفاً مطالبات برحق مردم را مطرح می‌کنند.» پرونده سازی جدید خبرگزاری «فارس» علیه مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان در حالی صورت گرفته که او پیشتر نیز با ادعاهای تخریبی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی روبرو شده بود.

در خردادماه امسال نیز دفتر مولوی عبدالحمید خنثی شدن یک سوء قصد علیه او را که توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) برنامه ریزی شده بود تأیید کرده بود. بر اساس گزارش‌های منتشر شده فردی توسط انتظامات مسجد مکی بازداشت شده که با دریافت هفته‌ای ۱۵ میلیون تومان از سوی سازمان اطلاعات سپاه مأموریت داشته با نفوذ به مسجد مکی به عنوان طلبه، مولوی عبدالحمید را ترور بیولوژیک کند.

وبسایت خبری «حال و ش» که برای نخستین بار خبر خنثی شدن برنامه ترور مولوی عبدالحمید را منتشر کرد، در یک گزارش تکمیلی از زیر فشار قرار گرفتن کارکنان و مسئولان حوزه علمیه مکی (دارالعلوم زاهدان) از سوی نهادهای امنیتی برای تکذیب موضوع ترور مولوی عبدالحمید خبر داد. وبسایت «حال و ش» به نقل از منابع آگاه نوشت که «این فرد بلوچ و از ساکنین منطقه دلگان بلوچستان است که در لباس طالب علوم دینی به مسجد راه پیدا کرده بود و مدت‌هاست به صورت فردی زاهد در مسجد می‌خوابیده و عبادت می‌کرده، و قصد ترور بیولوژیک مولوی عبدالحمید را داشته که دستگیر شده است.»

به گزارش این منبع مطلع، فرد دستگیر شده توسط انتظامات مسجد مکی در اعترافاتش گفته مأموریت داشته با سومی که اطلاعات سپاه پاسداران در اختیارش گذاشته بود مولوی عبدالحمید را ترور کند. او همچنین اعتراف کرده که هفته‌ای ۱۵ میلیون تومان از آغاز شروع عملیاتش حقوق دریافت کرده است. «حال و ش» همچنین اعلام کرد که

● خبرگزاری «فارس» مدعی شده که آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا (N.S.A) ۲۲ دستگاه ارتباطی و تجهیزات استارلینک برای مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان ارسال کرده است.

● «فارس» ادعا کرده هدف ارسال این تجهیزات «بازتولید آشوب در زاهدان»، «زمینه سازی برای ایجاد یک ارتباط امن میان عوامل داخلی با خارج از ایران» و «تسهیل کردن فعالیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای آنها در فضای مجازی» بوده است.

● پرونده سازی جدید خبرگزاری «فارس» علیه مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان در حالی صورت گرفته که او پیشتر نیز با ادعاهای تخریبی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی روبرو شده بود.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده آژانس امنیت ملی ایالات متحده ۲۲ دستگاه ارتباطی و تجهیزات استارلینک برای مولوی عبدالحمید ارسال کرده اما این محموله توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ضبط شده است.

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران در خبری مدعی شده که آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا (N.S.A) ۲۲ دستگاه ارتباطی و استارلینک برای مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان ارسال کرده است.

در ادامه‌ی ادعای خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمده که مقصد اصلی دو محموله از ۲۲ دستگاه تجهیزات ارتباطی و استارلینک ارسال از سوی آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا بطور «اختصاصی» دفتر مولوی عبدالحمید در خیابان «خیام» زاهدان بوده است. این خبر افزوده در این رابطه ۵ نفر از عوامل مؤثر دریافت کننده و بهره‌بردار این تجهیزات نیز در زاهدان بازداشت شدند. خبرگزاری «فارس» به نقل از یک منبع آگاه نوشته که ارسال این تجهیزات با هدف «بازتولید آشوب در زاهدان»، «زمینه سازی برای ایجاد یک ارتباط امن میان عوامل داخلی با خارج از ایران» و «تسهیل کردن فعالیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای آنها در فضای مجازی» بوده است.

این خبرگزاری همچنین درباره آژانس ملی ایالات متحده نوشته که «سازمان امنیتی «N.S.A» بزرگترین و سرریزترین عضو جامعه اطلاعاتی آمریکا به شمار می‌آید و حفاظت از ارتباطات دولتی این کشور را بر عهده دارد.»

دفتر مولوی عبدالحمید ساعتی پس از انتشار این خبر، در بیانیه‌ای ادعای خبرگزاری «فارس» را «تهمت و افترا و دروغ‌پردازی» خواند و نوشت: «برخی از نهادها و رسانه‌ها به هیچ اصلی از اصول اخلاقی پایبند نیستند و برای خاموش کردن صدای مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی به انواع حیل‌ها و ترفندهای نامشروع متوسل می‌شوند.»

این بیانیه تأکید کرده خبر منتشر شده از سوی خبرگزاری «فارس» «نشان از یک سناریوسازی مذبوم دارد که هدف از آن تخریب وجهه مولانا عبدالحمید، اعمال فشار بیشتر بر ایشان، عقده‌گشایی، پرونده سازی علیه اساتید و کارکنان دارالعلوم زاهدان، خاموش کردن صدای عدالت‌خواهی و انتقادهای خیرخواهانه شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید است. افراد واقع‌بین و منصف به خوبی می‌دانند که مولانا عبدالحمید و دیگر علمای دلسوز و مردمی وابسته به هیچ دولت خارجی

تشدید فضای امنیتی در زاهدان و خاش؛ هراس حکومت از سالگرد «جمعه خونین خاش»



برگزار شد و به خواست مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان، بار دیگر نمازگزاران با پیاده روی سکوت مسجد را ترک و در خیابان‌های اطراف راهپیمایی کردند.

مولوی عبدالحمید در خطبه‌های نماز جمعه امروز با اشاره به سالگرد «جمعه خونین خاش» گفت که خواسته‌ی مردم ایران، «اجرای عدالت» و «مجازات» عاملان و آمران این واقعه است. مولوی عبدالحمید همچنین با بیان اینکه عدالت و آزادی در ایران «بسیار حیاتی» است گفت: «تبعیض و نابرابری‌های موجود باید برطرف شود و با تحمل انتقادات، زندانیان سیاسی از جمله نویسندگان، روزنامه‌نگاران و اهل قلم زندانی باید آزاد شوند.»

امام جمعه اهل سنت زاهدان، ناتوانی مسئولان «ضعیف» در حل مشکلات مردم را نیز عامل گرفتاری‌ها در ایران دانست و از نبود چشم‌انداز برای حل مشکلات انتقاد کرد. او همچنین «کثرت دین‌گریزی» در ایران را ناشی از عملکرد سیاستمداران حکومت دانست.

سالگرد «جمعه خونین خاش» بهانه‌ای برای جمهوری اسلامی شد تا در این شهر نیز جو امنیتی را سنگین‌تر کند. بر اساس گزارش‌ها در آستانه جمعه خونین ۱۳ آبان خاش با حضور در خیابان‌ها و اطراف مسجد «جامع الخلیل» شهروندان را تفتیش و بازرسی بدنی می‌کنند.

روز سیزدهم آبان ۱۴۰۱ در چهلمین روز جان باخت قربانیان جمعه خونین زاهدان، مردم شهرستان خاش به دادخواهی قربانیان به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض گسترده علیه حکومت زدند، اما جمهوری اسلامی در پاسخ به اعتراض شهروندان یک جمعه خونین دیگر، اینبار در خاش رقم زد.

در سرکوب خونین مردم خاش، دست‌کم ۱۸ شهروند کشته و بیش از ۷۰ نفر مجروح شدند. دو تن از کشته‌شدگان به نام‌های مبین میرکازمی و یاسر بهادرزهی، کودکان زیر ۱۸ سال بودند. مبین ۱۴ سال داشت و در اثر اصابت گلوله جان باخت. یاسر هم ۱۷ ساله و دارای معلولیت بود و بدون اینکه نقشی در اعتراضات داشته باشد، در جریان درگیری‌ها هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی اعلام کرده بود که در «جمعه خونین خاش» نیروهای جمهوری اسلامی با شلیک گلوله جنگی به سوی مردم معترض، نمازگزاران و رهگذران، دست‌کم ۱۸ نفر از جمله دو کودک را کشتند و ده‌ها نفر را زخمی کردند.

● شهر زاهدان امروز جمعه ۱۲ آبان ۱۴۰۲ مانند هفته گذشته با جو امنیتی سنگین روبرو بود. مأموران امنیتی و انتظامی در نقاط مختلف شهر به ویژه در اطراف مسجد مکی مستقر شده بودند.

● نیروهای امنیتی و نظامی با حضور در معابر و خیابان‌های اطراف مصلای و مسجد مکی زاهدان شهروندان را تفتیش و بازرسی بدنی می‌کردند.

استان سیستان و بلوچستان امروز جمعه ۱۱ آبان بار دیگر با جو شدید امنیتی و حضور گسترده مأموران سرکوبگر و انتظامی برای جلوگیری از اعتراضات هفتگی شهروندان در زاهدان روبرو بود. در شهر خاش نیز در آستانه سالگرد «جمعه خونین خاش» فضای امنیتی سنگینی برقرار شده بود تا مردم نتوانند اعتراض یا تجمعی را شکل دهند.

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری شهر زاهدان امروز جمعه ۱۲ آبان ۱۴۰۲ مانند هفته گذشته با جو امنیتی سنگینی روبرو بود. مأموران امنیتی و انتظامی در نقاط مختلف شهر به ویژه در اطراف مسجد مکی مستقر شده بودند. گزارش‌ها از زاهدان و خاش حاکی از تشدید فضای امنیتی و حضور نیروهای حکومتی جمهوری اسلامی در خیابان‌های این دو شهر در استان سیستان و بلوچستان در روز جمعه ۱۲ آبان است.

بر اساس گزارش‌ها نیروهای امنیتی و نظامی با حضور در معابر و خیابان‌های اطراف مصلای و مسجد مکی زاهدان شهروندان را تفتیش و بازرسی بدنی می‌کردند.

مأموران رفت و آمد در خیابان‌های زاهدان را کنترل می‌کنند و حضور آنها در خیابان‌های منتهی به مسجد مکی مانند هفته گذشته چشمگیر بوده است.

وبسایت حقوق بشری «حال و ش» که اخبار سیستان و بلوچستان را منعکس می‌کند گزارش داده که مأموران سرکوب با هدف ایجاد وحشت بین شهروندان، شامگاه پنجشنبه در مناطقی از زاهدان مانند کشاورز و شیرآباد، به تیراندازی هوایی و بدون هدف اقدام کردند.

«کمپین فعالین بلوچ» با انتشار ویدیوها و تصاویری از شهرهای خاش و زاهدان خبر داد که مأموران سرکوب جمهوری اسلامی در این شهرها جو شدید امنیتی برقرار کرده‌اند و با برپایی چادر و ایستگاه‌های بازرسی، شهروندان را آزار و اذیت می‌کنند.

نماز جمعه اهل سنت زاهدان در مصلای مسجد ملی

بیولوژیک مولوی عبدالحمید از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شدند منتشر کرده بود. این گزارش بطور سازمانیافته در چندین رسانه حکومتی دیگر نیز به سرعت بازنشر یافت. در واکنش به ادعاهای مطرح شده، مدرسه دارالعلوم زاهدان معروف به «مدرسه مکی» که حوزه علمیه اهل سنت در این استان است، با صدور بیانیه‌ای ادعاهای مطرح شده را «در راستای فشار و تسویه حساب سیاسی» خوانده و تکذیب کرد.

در این بیانیه توضیح داده شده بود که «ادعای رسانه‌های حکومتی مبنی بر جعل هویت توسط برخی اساتید و طلاب دارالعلوم زاهدان خلاف واقع و کذب محض است. حضور برخی طلاب افغان در دارالعلوم زاهدان امری طبیعی است زیرا میلیون‌ها مهاجر افغان با مدارک قانونی در ایران اقامت دارند و فرزندان همین مهاجرین در مدارس دولتی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مختلف تحصیل می‌کنند، و اکثر طلاب مهاجری که در دارالعلوم زاهدان تحصیل می‌کنند، خانواده‌هایشان در ایران اقامت دارند.»

دفتر مدیریت دارالعلوم زاهدان با اشاره به فعالیت‌های «جامعه المصطفی» در قم نوشته بود که «این ادعا در حالی مطرح شده که طلابی از حدود ۱۳۰ کشور من جمله افغانستان و شیعیان دیگر کشورها در حوزه علمیه جامعه المصطفی جذب و ثبت نام می‌شوند» و «به گفته برخی از مسئولان این حوزه، «معارف شیعه» به آنها آموزش داده می‌شود. امثال این حوزه علمیه که سالانه صدها میلیارد تومان بودجه از بیت‌المال به آن اختصاص داده می‌شود، و عملکردشان برخلاف وحدت بین مسلمانان است»

این بیانیه همچنین با اشاره به بخش اعتراضات تلویزیونی طلاب و کارکنان بازداشت شده‌ی مسجد مکی نوشته بود این افراد پیشتر هم از زیر فشار قرار داشتن خود برای اعتراضات اجباری خبر داده و مجبور به گفتن حرف‌هایی خلاف واقع شدند و «وضعیت زندانیان در بازداشت‌گاه‌ها و نوع اعتراف‌گیری از آنها در کشور ما برای هم‌وطنان پوشیده نیست». این بیانیه در پایان تأکید کرده بود که «اتهامات مطرح‌شده در رسانه‌های وابسته به حکومت در این زمینه بی‌اساس است. این اتهام در حالی علیه اساتید و طلاب دارالعلوم زاهدان مطرح می‌شود که از بدو انقلاب تا کنون برخی از افراد مشغول در نهادهای مختلف اصالت غیرایرانی دارند؛ این افراد که بعضاً سمت‌هایی مهم داشته‌اند، هویت‌شان برای مردم مشخص است، اما برخوردهایی که با مجموعه مسجد مکی صورت می‌گیرد در راستای فشار و تسویه حساب سیاسی است.»

مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی امام جمعه اهل سنت زاهدان پرنفوذترین چهره سنی‌مذهب ایران است و از آغاز انقلاب ملی مواضع تند و شفاف‌ی علیه جمهوری اسلامی به ویژه در شیوه تباه حکومتداری و سرکوب شهروندان داشته است.

مولوی عبدالحمید روز جمعه ۲۶ خرداد در سخنرانی هفتگی خود در مراسم نماز جمعه زاهدان خواستار آزادی زنان بازداشت شده و زندانیان سیاسی شد. او گفت که «ناله امروز زنان به خاطر جایگاه و حرمت و کرامتی است که از دست داده‌اند. تا زمانی که به جایگاهشان نرسند، نمی‌توانید فریاد آنها را خاموش کنید. مشغول شدن به معلول، تا زمانی که علت برطرف نشود فایده‌ای ندارد.»

او همچنین در خطبه‌های نماز جمعه اهل سنت زاهدان گفت از سرکوب بهاییان توسط جمهوری اسلامی انتقاد کرد و گفت «بهایی‌ها اگرچه غیرمسلمان هستند، اما شهروند و بشر هستند و نباید قبرستان آنها تخریب شود یا جنازه‌هایشان را دولت تحویل خانواده‌هایشان نهد و مخفیانه در جای دیگری دفن کند.»

شورای امنیت بر سر قطعنامه «آتش‌بس» در جنگ غزه به توافق نرسید



شورای امنیت سازمان ملل متحد

کوهن در ادامه نوشت: «مشکل غزه حماس است، نه اقدامات اسرائیل که قصد دارد این گروه تروریستی را نابود کند».

در این میان، گوترش روز دوشنبه در مقر سازمان ملل خبر داد که کمپین ۲/۱ میلیارد دلاری برای کمک به غیرنظامیان محاصره شده در غزه به راه انداخته است.

جمهوری خلق چین که در ماه جاری ریاست شورای امنیت را بر عهده دارد و امارات متحده عربی نماینده عرب در این شورا، خواهان برگزاری نشست شورای امنیت در روز دوشنبه ۶ نوامبر شده بودند.

لانا نصیبه سفیر امارات متحده عربی در سازمان ملل گفت که همه ۱۵ عضو شورا کاملاً درگیر هستند و تلاش‌ها برای کاهش شکاف‌ها و دستیابی به توافق بر سر یک قطعنامه ادامه خواهد یافت.

یکی از موارد مهم و به شدت ضدبشری در تاکتیک‌های گروه‌های تروریستی از جمله حماس، و همچنین اکنون در جریان جنگ غزه، استفاده از امکانات غیرنظامی برای انجام عملیات نظامی است. تا کنون شواهد متعددی از حماس منتشر شده که علاوه بر جاسازی تسلیحات در بیمارستان و مدارس و موشک‌پرانی از مناطق غیرنظامی، از آمبولانس نیز برای انتقال سلاح و افراد مسلح استفاده می‌کند. آنها در پوشش امدادگر عملیات نظامی انجام می‌دهند. سوء استفاده نیروهای شبه‌نظامی از غیرنظامیان به عنوان «سپر انسانی» همواره تلفات را در درگیری‌ها بالا برده و حماس نیز مانند دیگر گروه‌های مشابه از افزایش شمار کشته‌شدگان و «شهیدسازی» به عنوان ابزار تبلیغاتی استقبال می‌کند.

غزه و توقف تشدید رو به افزایش تنش‌ها است که از کرانه باختری، لبنان و سوریه تا عراق و یمن در جریان است.

گوترش در جلسه شورای امنیت نیز گفت که قوانین بین‌المللی بشردوستانه که خواستار حفاظت از غیرنظامیان و زیرساخت‌های ضروری برای زندگی آنهاست، به وضوح در حال نقض شدن است. وی تأکید کرد که «هیچیک از طرفین در درگیری مسلحانه بالاتر از این قوانین نیست». او همچنین خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط گروگان‌هایی شد که گروه تروریستی حماس در حمله «هفتم اکتبر» آنها را از اسرائیل به غزه منتقل کرده و در بین آنها ده‌ها کودک و افراد سالمند وجود دارد.

دبیرکل سازمان ملل هشدار داد «غزه به قبرستان کودکان تبدیل شده» و حماس را به دلیل استفاده از غیرنظامیان به عنوان «سپر انسانی» محکوم کرد و خواستار «آتش‌بس فوری» شد. رویترز نیز در ارتباط با این سخنان گوترش و اشاره‌ی وی در ارتباط با رسیدن تلفات در غزه به ۱۰ هزار نفر به نقل از وی نوشت که این منطقه در حال تبدیل شدن به «قبرستان کودکان» است.

مواضع گوترش هم در مورد جنگ و «آتش‌بس فوری» و هم در مورد آنچه از سوی منتقدان نگاه یکجانبه به سود حماس تفسیر می‌شود مورد انتقاد شدید مقامات اسرائیل قرار گرفته است. الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل در واکنش به سخنان گوترش در شبکه ایکس خطاب به وی نوشت: «شرم بر تو». او به بیش از ۳۰ کودک از جمله یک نوزاد اسرائیلی اشاره کرد که «شاهد کشته شدن والدین» خود توسط نیروهای حماس بودند و در نوار غزه به گروگان گرفته شده‌اند.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل می‌گوید با «وقفه کوتاه تاکتیکی» موافقت می‌کند. در این طرح دلانی برای انتقال غیرنظامیان به جنوب غزه باز می‌شود و تیم‌های امدادی کمک‌های بشردوستانه را از مرز رفح به این باریکه منتقل می‌کنند.

پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی در شورای امنیت را ۱۰ عضو غیردائم این شورا ارائه دادند اما آمریکا و بریتانیا که از حق وتو برخوردارند با آن مخالفت کردند.

دبیرکل سازمان ملل در حالی که هشدار داد «غزه به قبرستان کودکان تبدیل شده» حماس را به دلیل استفاده از غیرنظامیان به عنوان «سپر انسانی» محکوم کرد و خواستار «آتش‌بس فوری» شد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست که روز دوشنبه ششم نوامبر (۱۵ آبان ماه) درباره جنگ اسرائیل و حماس برگزار شد به توافق «آتش‌بس» و توقف جنگ غزه نرسید.

پیش‌نویس این قطعنامه را ۱۰ عضو غیردائم شورای امنیت ارائه دادند اما آمریکا و بریتانیا که از حق وتو برخوردارند با آن مخالفت کردند.

این در حالیست که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل می‌گوید با «وقفه کوتاه تاکتیکی» در جنگ موافقت می‌کند. در این طرح، دلانی برای انتقال غیرنظامیان به جنوب غزه باز می‌شود و تیم‌های امدادی کمک‌های بشردوستانه را از مرز رفح به این باریکه منتقل می‌کنند.

خبرگزاری «آسوشیتدپرس» گزارش داد با وجود بیش از دو ساعت گفتگو پشت درهای بسته، اختلافات اما باقی ماند. ایالات متحده خواستار «وقفه بشردوستانه» است در حالی که بسیاری از اعضای شورا خواستار «آتش‌بس بشردوستانه» برای ارائه کمک‌های ضروری و جلوگیری از مرگ و میر بیشتر غیرنظامیان در غزه هستند.

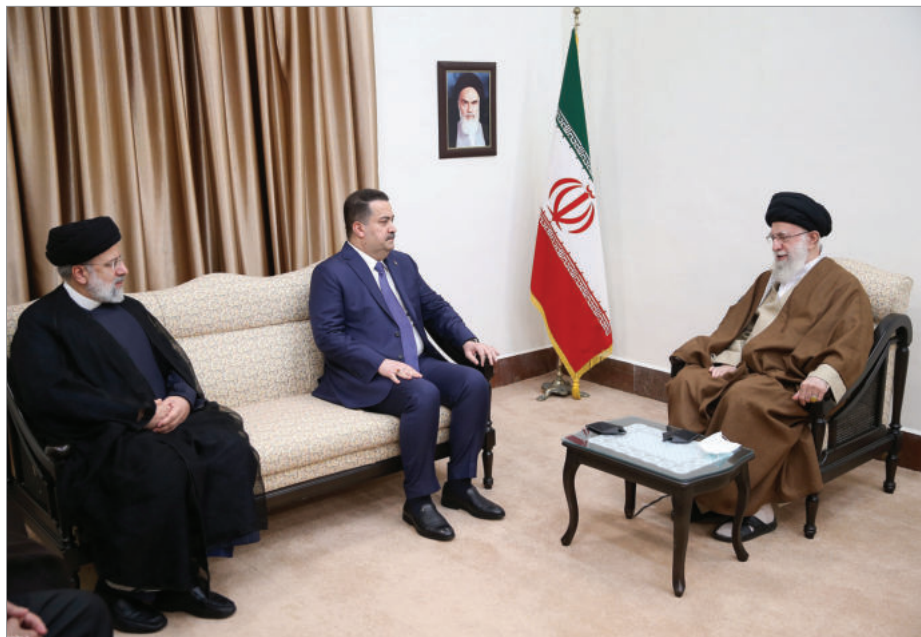
«آتش‌بس» در عرف «جنگ و صلح» و طبق حقوق بین‌الملل به معنی پایان جنگ و الزام طرفین به رعایت آن و مقررات «آتش‌بس» است در حالی که «وقفه» فقط برای کمک‌رسانی به غیرنظامیان در حین جنگی است که ادامه خواهد داشت. رابرت وود معاون سفیر آمریکا در سازمان ملل پس از نشست شورای امنیت به خبرنگاران گفت: «ما در مورد وقفه‌های بشردوستانه صحبت کردیم و علاقمندیم که در این زمینه متنی را تهیه کنیم اما در شورا در مورد اینکه آیا این قابل قبول است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد».

نیکولاس دی رویر سفیر فرانسه در سازمان ملل، خواستار آتش‌بس انساندوستانه در غزه شد. روشن است که این موضع سفیر فرانسه در همسویی با آمریکا و بریتانیا نیست.

جان کربی سخنگوی کمیته امنیت ملی کاخ سفید یکبار دیگر گفته که آمریکا معتقد است «آتش‌بس کامل در شرایط فعلی مناسب نیست».

مارتین گریفیتس رئیس امداد سازمان ملل متحد که خواستار آتش‌بس در غزه است تأکید کرده حماس باید ۲۴۰ گروگان را آزاد کند. آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد اوایل روز دوشنبه به خبرنگاران گفت که خواستار آتش‌بس فوری بشردوستانه در

دیدار نخست‌وزیر عراق با علی خامنه‌ای در تهران پس از جلسه با آنتونی بلینکن در بغداد



دیدار السودانی با خامنه‌ای در تهران / ششم اکتبر ۲۰۲۳

نظامی آمریکا از اسرائیل متفاوت فکر می‌کنند و حتا برخی از آنان، آنطور که کیهان تهران تلویحی اشاره می‌کند، به دنبال اتکا بر «تأمین امنیت» از سوی آمریکا هستند! تأثیر این تفاوت برای تصمیم گرفتن درباره اقدامات جمهوری اسلامی در ارتباط با جنگ کنونی نقش سرنوشت‌ساز دارد.

در نمونه‌های دیگر، در شرایطی که اغلب فرماندهان و مقامات سیاسی رژیم ایران می‌گویند عملیات حماس به معنی شکست بزرگ اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل و آمریکاست اما سردار حسین علایی فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۳ مهرماه در مصاحبه با «خبرآنلاین» در پاسخ به این پرسش که «آیا قابل باور است اسرائیل با اینهمه ادعایی که در مسائل اطلاعاتی و امنیتی دارد از چنین تحرک و تدارک بزرگی برای حمله ابتدایی بی‌اطلاع بوده است؟» می‌گوید: «شاید برای شخص بنده این موضوع حل نشده باشد خصوصاً اینکه ما می‌دانیم تمرکز سازمان جاسوسی اسرائیل و موساد در ابتدا بر روی فلسطینیان است و بعد سایر کشورها. اما به هر حال همه تحلیلگران بر این باور بوده‌اند که این یک فاجعه اطلاعاتی و یک رسوایی برای اسرائیل است.»

خودی‌های حکومت در ایران از مدت‌ها پیش به مقامات ارشد نظام هشدار می‌داده‌اند که روسیه از یکسو و غرب و متحدانش از سوی دیگر برای کشاندن جمهوری اسلامی به یک جنگ تله گذاشته‌اند. تردید سردار علایی در مورد «ضعف اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل» این سناریو را تقویت می‌کند.

در شرایطی که ارتش اسرائیل نوار غزه را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم و شهر غزه را بطور کامل محاصره کرده و به نظر می‌رسد آمریکا به پشتوانه اعزام یگان‌های رزمی خود در منطقه دیپلماسی فعالی برای سپردن اداره امور این باریکه به تشکیلات خودگردان به رهبری محمود عباس را آغاز کرده، پرسش مهم این است که حالا تصمیم رژیم ایران برای واکنش به این تحولات چه خواهد بود؟!

این سفر مطرح کرده‌اند: مذاکرات اتمی و مسئله فلسطین. اگرچه اسماعیل هنیه با یک پرواز اختصاصی از دوحه به تهران رفت و با علی خامنه‌ای دیدار کرد اما دست‌کم برخی مقامات حماس و خیلی از مفسران دنیای عرب نزدیک به جریان «اخوان المسلمین» معتقدند که رژیم ایران حماس را به بازی گرفته و حتا به آنها «خیانت» کرده است. به ویژه آنکه حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز که مورد حمایت رژیم ایران است پشت حماس را خالی کرده است. در همین ارتباط یاسر ابوهلاله از سردبیران شبکه «الجزیره» مستقر در قطر، سخنرانی اخیر نصرالله را که واپستگان جمهوری اسلامی تلاش کردند آن را توجیه و «راهبردی» توصیف کنند، «نامیدکننده» خواند و نوشت کل حرف او این بود احتمال دارد جنگ غزه به یک جنگ همه‌جانبه تبدیل شود... و اگر این احتمال رخ ندهد، نتیجه این می‌شود که اسرائیل مأموریت خود را در غزه به پایان می‌رساند و بلافاصله پس از غزه سراغ لبنان و [رژیم] ایران می‌رود.» وی پیش‌بینی کرده «من انتظار داشتم که منافع حزب‌الله و [رژیم] ایران ورود به جنگ باشد، معلوم است که حزب‌الله نمی‌خواهد وارد جنگ شود. حدس می‌زنم که استراتژی قطع‌دست‌گرفته، اول در غزه و دوم در لبنان تا تهران پیش خواهد رفت.» در این میان به نظر می‌رسد که جریان‌های مختلف فکری و میدانی در جمهوری اسلامی هنوز در مورد آنچه در غزه می‌گذرد به جمع‌بندی مشترک نرسیده‌اند. به عنوان مثال در شرایطی که خامنه‌ای به السودانی گفته اگر کمک‌های آمریکا نبود اسرائیل دوام نمی‌آورد، روزنامه کیهان چاپ تهران در یک مقاله نوشته «بعد از عملیات طوفان الاقصی دنیا به خوبی فهمید آمریکا حتی نمی‌تواند امنیت سگ دست‌پرورده خود در منطقه را تأمین کند تا چه برسد به گاو شیرده و بره‌های برده‌وار! و لذا اتکا بر آمریکا برای تأمین امنیت سرایی بیش نیست!» این سخنان به معنی آنست که جریان‌های مختلف بانفوذ در جمهوری اسلامی در مورد میزان اثر حمایت‌های سیاسی و

● خامنه‌ای به السودانی گفته از همان روزهای اول حملات اسرائیل تمام قرائن و شواهد نشان‌دهنده «دخالت مستقیم آمریکایی‌ها در اداره جنگ» است.

● پیش از سفر السودانی به عراق، روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد دولت بایدن از طریق شرکای منطقه‌ای خود به رژیم ایران و حزب‌الله پیام داده که ایالات متحده آماده است در صورت حمله به اسرائیل، علیه آنها اقدام نظامی کند.

در سی و یکمین روز جنگ در غزه میان ارتش اسرائیل و شبه‌نظامیان گروه تروریستی حماس، محمد شیاع السودانی نخست‌وزیر عراق در حالی با هیأتی به تهران سفر کرد تا با علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی گفتگو کند که روز قبل با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا دیدار کرده بود.

السودانی یک روز پیش از ملاقات با خامنه‌ای، در بغداد با آنتونی بلینکن وزیر خارجه عراق درباره وضعیت و آینده غزه و همچنین حملات ایذایی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی علیه پایگاه‌های آمریکا جلسه داشته و گفتگو کردند. منابع غیررسمی گزارش دادند که نخست‌وزیر عراق حامل پیام قاطع آمریکا برای رهبر جمهوری اسلامی است. به ویژه آنکه بلینکن از نخست‌وزیر عراق خواسته تا مسئولین حملات به کارکنان آمریکایی در عراق را مورد بازخواست قرار دهد و به تعهدات عراق برای حفاظت از تمامی تأسیسات آمریکا در این کشور عمل کند.

البته مشخص نیست السودانی به خامنه‌ای چه گفته اما رهبر جمهوری اسلامی بر اساس گزارش خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی به وی توصیه کرده، «کشور عراق به عنوان یک کشور مهم در منطقه، می‌تواند نقش ویژه‌ای داشته باشد و یک خط جدید را در دنیای عرب و جهان اسلام به وجود بیاورد.» وی همچنین به نخست‌وزیر عراق گفت، از همان روزهای اول حملات اسرائیل تمام قرائن و شواهد نشان‌دهنده «دخالت مستقیم آمریکایی‌ها در اداره جنگ» است. این در حالیست که گروه تروریستی حماس که از جمهوری اسلامی انواع حمایت‌ها از جمله مالی و تسلیحاتی دریافت می‌کند، هفتم اکتبر با شیخون به خاک اسرائیل و کشتار فجیع شهروندان در آن کشور، این جنگ را آغاز کرد.

با اینهمه خامنه‌ای در ادامه افزود، «اگر کمک‌های تسلیحاتی و سیاسی آمریکا نباشد، کار برای رژیم صهیونیستی قابل ادامه دادن نخواهد بود... آمریکایی‌ها حتماً و انصافاً شریک جرم صهیونیست‌ها در جنایات غزه هستند.»

نخست‌وزیر عراق در کنفرانس خبری مشترک با رئیسی گفت که دولت عراق و جمهوری اسلامی به دنبال «هماهنگ‌سازی» مواضع خود در ارتباط با غزه هستند.

پیش از سفر السودانی به عراق، روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد دولت بایدن از طریق شرکای منطقه‌ای خود به رژیم ایران و حزب‌الله لبنان پیام داده که ایالات متحده آماده است در صورت حمله به اسرائیل، علیه آنها اقدام نظامی کند. هرچند که در آمریکا جمهوریخواهان می‌گویند دولت بایدن حتا اراده ندارد که به حملات شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی علیه نیروهای آمریکایی واکنش مناسب نشان بدهد. همزمان با این تحولات گزارش شد علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی به ژنو رفته است. رسانه‌های داخلی ایران دو هدف اصلی را برای

تصویب طرح مقابله با صادرات نفت ایران در مجلس نمایندگان آمریکا



نفتکش «آرمان ۱۱۴» در حال انتقال محموله نفت به نفتکش «تینوس» / عکس: رویترز

هشدار
جیمز کلورلی
به حسین
امیرعبداللهیان:
«ایران مسئول
اقدامات
گروه‌های
شبه‌نظامی
است»

● وزیر خارجه بریتانیا به امیرعبداللهیان گفته رژیم «ایران مسئولیت اقدامات گروه‌هایی را که طی سالیان متمادی از آنها حمایت کرده، بر عهده دارد».

● جیمز کلورلی طی درخواستی عجیب از جمهوری اسلامی به عنوان منشاء و تأمین کننده تسلیحات و پول برای گروه‌های شبه‌نظامی خواسته از نفوذ خود برای مقابله با آنها استفاده کند!

● امیرعبداللهیان نیز به کلورلی گفته «نیروهای مقاومت در منطقه از ایران دستور نمی‌گیرند».

● روزنامه «تایمز» چاپ لندن روز شنبه ششم آبان به نقل از افسران ارشد پلیس بریتانیا گزارش داد عوامل جمهوری اسلامی با دامن زدن به این اعتراضات در بریتانیا به دنبال گسترش آشوب هستند.

کمتر از یک هفته پس از گزارش پلیس بریتانیا در مورد دخالت عوامل جمهوری اسلامی در تحریک آشوب‌ها و اعتراضات طرفداران حماس در لندن و سایر شهرهای انگلیس، جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا، از رژیم ایران خواسته است تا از نفوذ خود بر گروه‌های منطقه برای جلوگیری از تشدید درگیری اسرائیل با حماس استفاده کند!

وبسایت وزارت خارجه بریتانیا چهارم نوامبر (۱۳ آبان) گزارش داد کلورلی به امیرعبداللهیان گفت: «ایران مسئولیت اقدامات گروه‌هایی را که طی سالیان متمادی از آنها حمایت کرده، بر عهده دارد».

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی، حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز به کلورلی گفته «نیروهای مقاومت در منطقه از ایران دستور نمی‌گیرند بلکه آنها بر اساس ملاحظات و شرایط و نیز در راستای امنیت ملی کشورشان و امنیت منطقه تصمیم‌گیری می‌کنند».

وی با تأکید بر «اهمیت دیپلماسی» به عنوان گزینه‌ای مناسب در مسیر همکاری‌های تهران و لندن از دولت انگلیس خواست از طرح اتهامات بی‌اساس پرهیز کند.

روزنامه «تایمز» چاپ لندن روز شنبه ششم آبان به نقل از افسران ارشد پلیس بریتانیا گزارش داد عوامل

که در حال حاضر علیه [رژیم] ایران و به ویژه بخش انرژی آن اعمال می‌شود، بسیار گسترده است... من دقیقاً مطمئن نیستم این روند چطور پیش می‌رود یا اینکه واقعاً چه تأثیر معناداری بر ظرفیت فروش نفت ایران خواهد گذاشت».

او همچنین گفت که اعمال تحریم‌ها علیه بنادر می‌تواند تأثیر بیشتری برای مقابله با فروش نفت ایران داشته باشد. با اینهمه دونووان توضیح می‌دهد اعمال تحریم‌ها و سپس نادیده گرفته شدن آنها شبیه آنچه در در مورد توافق اتمی صورت گرفت، کار را دشوارتر خواهد کرد.

تصویب این طرح همزمان با جنگ دفاعی اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس در غزه صورت گرفته است. رژیم ایران دهه‌هاست که از سازمان حماس حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کند. اما مقامات آمریکایی تأیید نکرده‌اند که آیا جمهوری اسلامی بطور مستقیم در حمله «هفت اکتبر» علیه اسرائیل و کشتار فجیع شهروندان غیرنظامی و به گروگان‌گرفتن بیش از ۲۰۰ تن از جمله ده‌ها کودک خردسال و انتقال آنها به غزه دخالت داشته یا نه.

مایک لاولر قانونگذار جمهوریخواه و چرد موسکویوتس قانونگذار دموکرات، با انتشار بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند این طرح «پیام روشن و نیرومندی به بازیگرانی همچون چین، روسیه، و دیگران می‌فرستد که به [رژیم] ایران برای دور زدن تحریم‌ها و تأمین مالی تروریسم از سوی آنها [مقامات جمهوری اسلامی] کمک نکنید وگرنه با عواقب آن روبرو خواهید شد».

طبق آمار مؤسسه کپلر صادرات نفت ایران به جمهوری خلق چین به بیش از ۱/۱ میلیون بشکه در روز رسیده است. برخی کارشناسان معتقدند بخشی از این صادرات مربوط به ذخایر نفت ایران است که در نفتکش‌ها روی دریا انبار شده است.

پیش از این جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی گفته بود «تولید روزانه نفت از دو میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به حدود سه میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه افزایش یافته است».

علاوه بر جمهوریخواهان، مخالفان جمهوری اسلامی نیز دولت بایدن را متهم می‌کنند که با نادیده گرفتن تحریم‌ها راه را برای فروش نفت ایران باز گذاشته که نتیجه آن تقویت شبه‌نظامیان در منطقه و تأمین مالی تروریسم شده است.

● طرح «توقف پناه‌دادن به نفت ایران» تحریم‌هایی را علیه بنادر و پالایشگاه‌های خارجی که نفت صادر شده از ایران را برخلاف تحریم‌های ایالات متحده پردازش کنند، اعمال می‌کند.

● مایک لاولر قانونگذار جمهوریخواه و چرد موسکویوتس قانونگذار دموکرات با انتشار بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند این طرح «پیام روشن و نیرومندی به بازیگرانی همچون چین، روسیه، و دیگران می‌فرستد که به [رژیم] ایران برای دور زدن تحریم‌ها و تأمین مالی تروریسم از سوی آنها [مقامات جمهوری اسلامی] کمک نکنید وگرنه با عواقب آن روبرو خواهید شد».

● کیمبرلی دونووان مدیر ابتکار عمل اقتصادی شورای آتلانتیک می‌گوید این طرح اگر تصویب شود تفاوت چندانی با تحریم‌های موجود ندارد. وی توضیح داد: «تحریم‌هایی که در حال حاضر علیه [رژیم] ایران و به ویژه بخش انرژی آن اعمال می‌شود، بسیار گسترده است... من دقیقاً مطمئن نیستم این روند چطور پیش می‌رود یا اینکه واقعاً چه تأثیر معناداری بر ظرفیت فروش نفت ایران خواهد گذاشت».

همزمان با جنگ دفاعی اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس، مجلس نمایندگان آمریکا طرحی را تصویب کرد که طی آن مجازات شرکت‌ها و نهادهایی که با نقض تحریم‌ها فروش و انتقال نفت ایران از جمله در پالایشگاه‌ها و بنادر را تسهیل می‌کنند تشدید می‌شود.

پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا روز سوم نوامبر (۱۲ آبان ماه) گزارش داد این طرح دو حزبی با ۳۴۲ رأی موافق در مقابل ۶۹ رأی مخالف به تصویب رسید. تقریباً همه جمهوریخواهان مجلس با این طرح موافق هستند. همچنین ۱۳۳ نماینده دموکرات نیز به این طرح رأی مثبت داده‌اند.

طرح «توقف پناه‌دادن به نفت ایران» تحریم‌هایی را علیه بنادر و پالایشگاه‌های خارجی که نفت صادر شده از ایران را برخلاف تحریم‌های ایالات متحده پردازش کنند، اعمال می‌کند. کیمبرلی دونووان مدیر ابتکار عمل اقتصادی شورای آتلانتیک می‌گوید این طرح اگر تصویب شود تفاوت چندانی با تحریم‌های موجود ندارد. وی توضیح داد «تحریم‌هایی

درخواست مشترک وزرای خارجه «گروه هفت» برای «وقفه بشردوستانه» در جنگ غزه



نشست «G7» در توکیو / نوامبر ۲۰۲۳



جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا / عکس: رویترز

«وقفه‌های کوتاه تاکتیکی» برای تسهیل امدادسانی و تخلیه غیرنظامیان از مناطق شمالی به جنوب غزه را در نظر خواهد گرفت، اما «آتش‌بس» و توقف عملیات را نمی‌پذیرد. در بین اعضای «گروه هفت» در مورد ادامه عملیات اسرائیل در غزه اختلاف وجود دارد. اختلاف میان آنها در نشست شورای امنیت درباره غزه نیز کاملاً مشهود بود. روز پنجشنبه ۲۶ اکتبر (چهارم آبان‌ماه) فرانسه به قطعنامه‌ای که خواستار «آتش‌بس» بشردوستانه بود رأی مثبت داد، ایالات متحده با آن مخالفت کرد و سایر اعضای «گروه هفت» در آن جلسه به قطعنامه رأی ممتنع دادند.

در آغاز دومین ماه جنگ در غزه این منطقه توسط ارتش اسرائیل به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شده است. یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل گزارش داد که زیرساخت‌ها، مقر فرماندهی، پناهگاه‌های حماس و مراکز ارتباطات آنها هدف قرار گرفته و پاکسازی می‌شود.

الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل به روزنامه «وال استریت ژورنال» گفته که اسرائیل می‌خواهد غزه تحت یک ائتلاف بین‌المللی از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای دارای اکثریت مسلمان باشد یا توسط رهبران سیاسی از بین مردم غزه اداره شود.

مقامات تل‌آویو تأکید کردند پس از پایان جنگ نه اسرائیل در غزه حکومت می‌کند نه حماس.

کمتر از یک هفته پیش آنتونی بلیکن وزیر خارجه آمریکا در جریان سفر به منطقه بعد از دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در سفر به اردن در دیدار با وزرای خارجه مصر، عربستان، امارات، قطر، اردن و نخست‌وزیر لبنان درباره آینده غزه پس از جنگ با آنها گفتگو کرد.

هرچند در این جلسه وزرای خارجه دولت‌های عربی بار دیگر بر ضرورت آتش‌بس در غزه تأکید کردند اما بلیکن با تکرار مواضع دولت آمریکا تأکید کرد «اعلام آتش‌بس بدون رسیدن به نتیجه اصلی می‌تواند پیامد معکوس داشته باشد.» بر اساس شواهد، به نظر می‌رسد گزینه اصلی غرب نیز از بین بردن حماس و کمک به تشکیل یک دولت تازه در غزه است.

● **وزرای خارجه «گروه هفت» در توکیو از «وقفه بشردوستانه» در غزه حمایت کردند اما خواستار آتش‌بس نشدند.**

● **الی کوهن وزیر خارجه اسرائیل به روزنامه «وال استریت ژورنال» گفته که اسرائیل می‌خواهد غزه تحت یک ائتلاف بین‌المللی از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای دارای اکثریت مسلمان باشد یا توسط رهبران سیاسی از بین مردم غزه اداره شود.**

در شرایطی که ارتش اسرائیل به پیشروی خود در غزه علیه گروه تروریستی حماس ادامه می‌دهد، وزرای خارجه کشورهای عضو «گروه هفت» چهارشنبه ۸ اکتبر (۱۷ آبان‌ماه) در بیانیه‌ای مشترک خواستار «وقفه بشر دوستانه» در جنگی شده‌اند که حماس از هفتم اکتبر علیه اسرائیل به راه انداخته است.

به گزارش رویترز، در پایان نشست دو روزه «G7» در توکیو، رهبران هفت قدرت اقتصادی دنیا در بیانیه‌ای مشترک با تأکید بر حق اسرائیل برای دفاع از خود در برابر تهدیدات، بر لزوم حمایت از غیرنظامیان و رعایت قوانین بشردوستانه بین‌المللی تأکید کردند.

یوگو کامیکاوا وزیر خارجه ژاپن که ریاست این نشست را به عهده داشت گفته «من معتقدم مهم است که گروه هفت توانست اولین پیام مشترک خود را در قالب یک بیانیه در رابطه با توقف بشردوستانه جنگ و روند دستیابی به صلح منتشر کند.»

در این بیانیه مشخص نشده است که منظور از «روند صلح» همان راه‌حل «دو دولت» است یا نه.

اعضای گروه هفت همچنین ضمن محکوم کردن کره شمالی به دلیل آزمایش‌های موشکی و انتقال تسلیحات بر حمایت مجدد از اوکراین در جنگ با روسیه و بر لزوم «تعامل با چین» به دلیل وجود نگرانی‌های مشترک تأکید کردند.

در این نشست علاوه بر وزرای خارجه بریتانیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و ایالات متحده، جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز شرکت داشت.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل گفته است ارتش

→ **جمهوری اسلامی با دامن زدن به این اعتراضات در بریتانیا به دنبال گسترش آشوب هستند.** در این گزارش تأکید شده بود این کارزار مستقیم با رژیم ایران مرتبط است و شامل یک کمپین نشر اطلاعات نادرست آنلاین و حضور فیزیکی عوامل جمهوری اسلامی در اعتراضات می‌شود.

با اینکه بریتانیا ده‌ها فرد شامل مقامات ارشد سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی، نهاد و شرکت ایرانی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به علت تأمین مالی گروه‌های تروریستی و همچنین ارسال سلاح به روسیه در جنگ علیه اوکراین در فهرست تحریم‌ها قرار داده اما از قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی خودداری می‌کند.

در بریتانیا در بالاترین سطوح در مورد قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اختلاف وجود دارد. یکی از مقاماتی که موافق این تصمیم نیست وزیر خارجه بریتانیا است. اکنون او طی درخواستی عجیب از جمهوری اسلامی به عنوان منشاء و تأمین‌کننده تسلیحات و پول برای گروه‌های شبه‌نظامی خواسته از نفوذ خود برای مقابله با آنها استفاده کند!

در گزارش روزنامه «تایمز» با طرح این پرسش که «بریتانیا تا کجا چشم بر روی اقدامات ضدامنیتی عوامل رژیم ایران می‌بندد؟» از جمله آمده است که یکی از دلایل اینکه دولت بریتانیا سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نمی‌دهد «نگرانی از اقداماتی است که ممکن است به اخراج سفیر بریتانیا از تهران و از دست رفتن ظرفیت جمع‌آوری اطلاعات [از ایران] منجر شود.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دهم آبان‌ماه در یک سخنرانی گزارش پلیس بریتانیا مبنی بر دخالت عوامل جمهوری اسلامی در تظاهرات حامیان فلسطین در لندن و سایر شهرهای انگلیس را رد کرد و به کنایه گفت «لابد بسیج لندن و بسیج پاریس این کار را کرده‌اند!»

مخالفان جمهوری اسلامی مدام به دولت‌های غربی هشدار می‌دهند در صورت انفعال آنها در مقابل جمهوری اسلامی، مقامات تهران در افزایش تهدیدات و اقدامات خرابکارانه علیه منافع آنها در منطقه و همچنین در داخل مرزهای اروپا گستاخ‌تر عمل خواهند کرد.

وزیر آموزش و پرورش: ۲۰ هزار مدیر مدرسه یا بازنشست شده‌اند یا در مدارس دیگری کار می‌کنند!



است. این سیاست خالص‌سازی کتب ادبیات فارسی را از سرمایه‌گرانه‌های ادبیات کهن ما خالی کرده است و عمده متون ادبیات کلاسیک جهان نیز حذف شده است. کتاب علوم اجتماعی بیشتر به شعارپردازی پیرامون سکولاریزم و فرهنگ غرب می‌پردازد. کتب دینی رابطه‌ای با سؤالات و مسائل نسل جدید ندارد. همه اینها در حالست که ما با نسلی پویا و مرتبط با فرهنگ جهانی روبرو هستیم که آگاهی فراوانی دارد و محتوای موجود فاقد توانایی جلب نظر آنها است. «وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اول مهرماه از تغییر ۲۰ هزار مدیر مدرسه در سراسر کشور خبر داد و گفت در پنج هزار مدرسه کشور نیز «تحول بنیادین» یا همان تشدید اسلامی کردن مدارس در دستور کار قرار گرفته است.» تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی» است که ادعا می‌شود «در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است!»

روزنامه «هم‌میهن» بیشتر در گزارشی به سرکوب آموزگاران که فعالیت صنفی دارند پرداخته و نوشته بود که حدود ۸۰ نفر از معلمان در یک سال گذشته و بعد از آغاز اعتراض‌های شهریورماه ۱۴۰۱ از رتبه‌بندی محروم شدند. براساس گزارش فعالان صنفی، آموزگاران زیادی در شهریورماه امسال احضار، تهدید و حتی اخراج شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با اعلام خبر اخراج و یا بازنشستگی اجباری آموزگاران گزارش داده که شیوا عاملی راد نماینده پیشین انجمن صنفی معلمان مریوان، و فریبا انامی از معلمان استان گیلان به تازگی احکام اخراج خود را دریافت کردند. اینهمه در حالست که برنامه سرکوب و محدود ساختن آموزگاران و دانش‌آموزان و تغییر محتوای کتاب‌ها در مدارس از همان سال گذشته در دستور کار آموزش و پرورش قرار داشت. یوسف نوری، وزیر وقت آموزش و پرورش، سال گذشته، گفته بود که طبق دستور علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، محتوای ۲۰۰ کتاب درسی تغییر می‌کند. همچنین برنامه گسترده‌ای برای استخدام طلاب و بسیجی‌ها در آموزش و پرورش و احتمال در راستای طرح «تحول بنیادین آموزش و پرورش» در حال اجراست.

دولت همسو نیست فوراً او را عزل می‌کنند.» در همین ارتباط نماینده سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی یکم آبان‌ماه با اشاره به نحوه چینش معلم در آزمون استخدامی توضیح داده بود که ۶۰ درصد آن را به مصاحبه دادند و با نگاه سلیقه‌ای بسیاری از واجدین شرایط را که بالاترین امتیازات علمی را دارند حذف کردند. معین‌الدین سعیدی گفت، «به نظر من پروژه خالص‌سازی در این حوزه هم در حال رخ دادن است، مخصوصاً در حوزه سیستان و بلوچستان این نحوه پذیرش فاجعه بوده است و از یک شهرستان که قرار بود ۵۷ نیرو بگیرند، فقط ۷ نفر از نیروهای توانمند همان شهرستان بودند و ۵۰ نفر از شهرستان‌های دیگر بودند که آنها مسلماً بعد از مدتی با استفاده از مشوق‌های قانون جوانی جمعیت، کارهای انتقالی خود را انجام می‌دهند و عملاً این پست‌ها باز هم خالی می‌ماند؛ لذا آموزش و پرورش نه تنها اولویت اول بلکه اولویت آخر مسئولین کشور هم نیست.» در همین ارتباط ۲۷ شهریورماه با هدف پاکسازی و اخراج کارمندان غیرهمسو با جمهوری اسلامی و یکدست کردن هرچه بیشتر فضاهای آموزشی، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی اعلام کرد که «از این پس معلمانی که وارد مدارس غیردولتی آموزش و پرورش می‌شوند باید حتماً گزینش شده و صلاحیت عمومی آنها مورد بررسی قرار گیرد.» به گفته احمد محمودزاده آموزش و پرورش اجازه نخواهد داد کسی که این صلاحیت را نداشته باشد، وارد مدرسه شود. در ۹ شهریورماه نیز حسین داودالموسوی رئیس هیسته گزینش وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه تمامی افراد مشغول به کار در این وزارتخانه حتی مدارس غیردولتی باید از مرحله گزینش عبور کنند، گفت: «به دلیل حساسیت بالای شغل معلمی، گزینش در محورهای اخلاقی، اعتقادی و سیاسی اعلام نظر می‌کند و گزینش علمی این افراد قبل از این مرحله اتفاق می‌افتد.»

در همین ارتباط انجمن اسلامی معلمان شهرستان‌های تهران در بیانیه‌ای که به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید صادر کرد به موضوع پاکسازی و اخراج اشاره و اعلام کرد: «سیاست خالص‌سازی در آموزش و پرورش با سخت‌تر کردن گزینش و افزایش سهم گزینش در پذیرش معلمان مشمول ماده ۲۸، استخدام روحانیان در مدارس بدون آزمون سراسری در پی ایدئولوژیک‌تر کردن برنامه‌ها و محتوای آموزشی

● رضامرد صحرانی وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم با این ادعا که تغییر ۲۰ هزار مدیر مدرسه اصلاً در راستای «خالص‌سازی» نیست به خبرگزاری ایلنا گفت: «این حرف‌ها هم یکجور توطئه است. جایجایی‌ها همیشه فرایندی طبیعی در دستگاه اداری و آموزشی بوده است.»

● در همین ارتباط نماینده سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی یکم آبان‌ماه با اشاره به نحوه چینش معلم در آزمون استخدامی توضیح داده بود که ۶۰ درصد آن را به مصاحبه دادند و با نگاه سلیقه‌ای بسیاری از واجدین شرایط را که بالاترین امتیازات علمی را دارند حذف کردند. وزیر آموزش و پرورش تغییر ۲۰ هزار مدیر مدرسه در راستای «خالص‌سازی» یا همان پاکسازی فرهنگی و اخراج ندانست و ادعا کرد که این «مدیران یا بازنشست شده‌اند یا در مدارس دیگری کار می‌کنند.»

روز گذشته یکشنبه ۱۴ آبان رضامرد صحرانی وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم با این ادعا که تغییر ۲۰ هزار مدیر مدرسه اصلاً در راستای «خالص‌سازی» نیست به خبرگزاری ایلنا گفت: «این حرف‌ها هم یکجور توطئه است. جایجایی‌ها همیشه فرایندی طبیعی در دستگاه اداری و آموزشی بوده است.» این در حالست که معاون تربیت بدنی و سلامت ورزش وزارت آموزش و پرورش در ۲ آبان‌ماه اعلام کرده بود: «با وجود صراحت‌های قانونی، گزینش معلمان هنگام استخدام تا قبل از دولت سیزدهم جدی گرفته نمی‌شد اما در این دولت برای نخستین بار، ۵۷ هزار نیروی آموزشی بر اساس گزینش و ارزیابی واقعی جذب شدند.»

محمود زاده نماینده مجلس یازدهم در هفتم آبان از اخراج، تعلیق و برکناری گسترده مدیران مدارس خبر داده و به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته بود: «بر اساس آماري که به دست‌مان رسیده است از زمان روی کار آمدن آقای صحرایی، وزیر آموزش و پرورش حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از مدیران مدارس را تغییر داده‌اند.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی، «در این دوره دیدیم که از دانشگاه‌ها گرفته تا آموزش و پرورش و دستگاه‌های اجرایی، به شدت خالص‌سازی دارد انجام می‌شود. از آنطرف هم دستگاه‌های اجرایی اصلاً از جناح‌های مقابل استفاده نمی‌کنند تا حدی که اگر بو بپرند مدیری به لحاظ اعتقادی و یا سیاسی با جریان حاکم یا

ریاست حکومت ضداجتماعی و ناقض حقوق بشر بر «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر سازمان ملل



● «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر سازمان ملل با ریاست جمهوری اسلامی به عنوان یکی از بزرگترین حکومت‌های ناقض حقوق بشر که همواره به ارتکاب اقدامات «ضداجتماعی» علیه شهروندان مشغول است برگزار شد.

● ریاست جمهوری اسلامی بر «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر سازمان ملل سبب تحریم آن از سوی نمایندگان برخی کشورها و افراد حقیقی و حقوقی از جمله آمریکا شد.

● بسیاری از منتقدان درباره اینکه آیا سازمان ملل کارکرد و اهداف اصلی خود را دنبال می‌کند و در حوزه حقوق بشر و حقوق ملل در جهان کارآمد است ابراز تردید می‌کنند.

نشست دو روزه «هم‌اندیشی اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل» امسال در کمال ناباوری با ریاست جمهوری اسلامی که یکی از بزرگترین حکومت‌های ناقض حقوق بشر است و همواره در حال ارتکاب اقدامات «ضداجتماعی» علیه شهروندان است برگزار شد. اعلام ریاست رژیم ایران بر این اجلاس از همان آغاز با موجی از انتقادات روبرو شد و در روز برگزاری نیز شماری از نمایندگان کشورها و افراد حقیقی و حقوقی آن را تحریم کردند.

نوزدهمین «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر سازمان ملل پنجشنبه و جمعه، دوم و سوم نوامبر ۲۰۲۳ برابر با ۱۱ و ۱۲ آبان‌ماه، در شهر ژنو برگزار شد. این دور از «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر اما در کمال ناباوری با ریاست جمهوری اسلامی به عنوان یکی از بزرگترین حکومت‌های ناقض حقوق بشر برگزار شد.

این نشست دو روزه با ریاست علی بحرینی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در ژنو، و با موضوع «مشارکت علمی، فناوری و نوآوری در ارتقای حقوق بشر» برگزار گشت. هدف این اجلاس همسویی و نزدیکی و همکاری دولت‌ها با سازمان‌ها و نهادهای مدنی در جهت ارتقای حقوق بشر و توسعه پایدار در جهان اعلام شده است. ریاست جمهوری اسلامی بر این دور از «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر سازمان ملل سبب تحریم آن از سوی نمایندگان برخی کشورها و افراد حقیقی و حقوقی شد. منتقدان معتقدند ریاست جمهوری اسلامی بر این مجمع با اصول سازمان ملل متحد در تضاد و توهین‌آمیز بوده است. ایالات متحده از جمله کشورهایی است که نماینده‌اش این اجلاس را تحریم کرد. میشل تیلور نماینده ایالات متحده آمریکا در شورای حقوق بشر سازمان ملل با انتقاد به سازمان ملل نوشت که «این غیرقابل تصور است که یک مقام از جمهوری اسلامی که بطور پیوسته و آشکار به نقض حقوق بشر اقدام می‌کند ریاست نهادی مرتبط با ترویج و حمایت از حقوق بشر را بر عهده بگیرد.»

میشل تیلور با اشاره به اینکه ایالات متحده نسبت به اینکه مجمع اجتماعی حقوق بشر سازمان ملل خروجی سودمندی داشته باشد تأکید کرد که کشورش حضور در هر اجلاسی که جمهوری اسلامی ریاست آن را بر عهده دارد تحریم می‌کند. او همچنین اعلام کرد که برگزاری نشست با ریاست حکومتی که ناقض حقوق بشر است «نه تنها بی‌نتیجه است، بلکه توهین به آرمان‌های مشترک ما» به

«ایمپکت ایران» با بیان اینکه یکپارچگی شورا و سیستم حقوق بشر سازمان ملل با گزینش علی بحرینی به عنوان ریاست این هم‌اندیشی (فوروم) زیر سوال رفته، تأکید کرده این اقدام توهین حیرت‌آوری به همه قربانیانی است که حقوق آنها از جمله حق آزادی بیان و حقوق اجتماعی آنها، توسط جمهوری اسلامی نقض شده است.

خبرگزاری رویترز نیز به نقل از سخنگوی شورای حقوق بشر سازمان ملل نوشته که علی بحرینی نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، به دلیل اینکه تنها فردی بود که پس از ارائه پیشنهادی از سوی گروه آسیا و اقیانوسیه نامزد شد، به عنوان رئیس این نشست دو روزه معرفی گشت. قابل توجه اینکه درست همزمان با ریاست جمهوری اسلامی بر اجلاس «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر سازمان ملل، گروهی از کارشناسان این سازمان در ژنو با انتشار بیانیه‌ای با اعلام اینکه از مرگ آرمنیتا گراوند شوکه شده‌اند خواستار تحقیقات مستقل و فوری در اینباره شدند. نویسندگان این بیانیه با اشاره به اینکه زنان و دختران نباید برای داشتن پوشش اختیاری مجازات یا با خطر مرگ مواجه شوند، نسبت به تحمیل حجاب اجباری از سوی حکومت با اقدامات سرکوبگرانه به زنان و دختران ایرانی ابراز نگرانی کردند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران و موریس تیدبال بینز گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقضایی از جمله امضاکندگان این بیانیه هستند.

آنتونیو گوتش دبیرکل سازمان ملل متحد نیز دو روز پیش از برگزاری این نشست از افزایش هولناک احکام اعدام، سرکوب زنان، بازداشت‌های خودسرانه و محدود کردن حق آزادی عقیده و بیان، چه در فضای مجازی یا غیرمجازی در جمهوری اسلامی انتقاد کرده بود!

کاربران در شبکه‌های اجتماعی نیز با انتقاد از ریاست جمهوری اسلامی بر اجلاس «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر سازمان ملل، چنین اقدامی را از سوی سازمان ملل با عباراتی چون «مضحکه»، «سیرک»، «طنز تلخ» و «شرم‌آور» توصیف کردند. بسیاری از منتقدان درباره اینکه آیا سازمان ملل کارکرد و اهداف اصلی خود را دنبال می‌کند و در حوزه حقوق بشر و حقوق ملل در جهان کارآمد است ابراز تردید می‌کنند.

شمار می‌رود.

میشل تیلور با اشاره به قتل حکومتی آرمنیتا گراوند دختر نوجوانی که یک هفته پیشتر به دلیل حمله یک آمر به معروف در مترو به کما رفته و جان باخت، تأکید کرد «در یک هفته گذشته، جهان تنها آخرین نمونه از خشونت را که زنان و دختران در ایران از سوی حکومت‌شان با آن روبرو می‌شوند، شاهد بود.»

هلل نیویر مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل» در ژنو نیز یکی از منتقدان جدی ریاست جمهوری اسلامی بر اجلاس دو روزه «هم‌اندیشی اجتماعی» شورای حقوق بشر بود. او با انتشار یک کاریکاتور با محتوای استقبال سازمان ملل از علی خامنه‌ای، به ریاست جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی سرکوبگر و ناقض حقوق بشر بر این اجلاس دو روزه اعتراض کرده بود.

او طی روزهای گذشته با انتشار چند مطلب در شبکه اجتماعی «ایکس» انتقادهای زیادی در ارتباط با سازمان ملل و کشورهای عضو شورای حقوق بشر این نهاد بین‌المللی مطرح کرد و از جمله در یکی از مطالبش نوشت: «شوخی نیست، این پنجشنبه رژیم اسلامی ایران رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل خواهد شد. به مشروعیت بخشیدن به رژیم‌هایی که زنان را به دلیل مطالبه حقوقشان کتک می‌زند، کور می‌کند، شکنجه می‌کند و تجاوز می‌کند، نه بگویند.»

هلل نیویر در ماه مه نیز برگزیدن رژیم ایران به عنوان ریاست «هم‌اندیشی اجتماعی» را آنهم همزمان با اعدام یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع به اتهام «سب‌النبی و اهانت به مقدسات اسلامی» شرم‌آور خوانده بود.

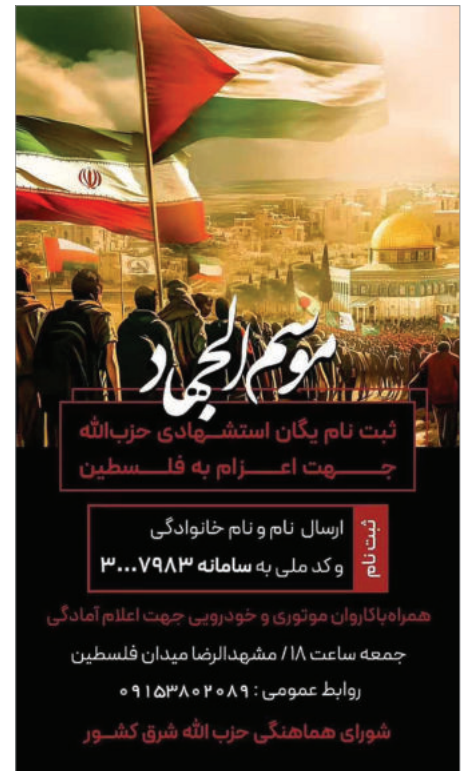
مارک روبیو سناتور جمهوریخواه کنگره ایالات متحده آمریکا در همین ارتباط در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «شرم‌آور است که مجمع اجتماعی سازمان ملل از حکومت تروریستی اسلامی ایران به عنوان رئیس مجمع سالانه در سال جاری استقبال می‌کند.»

ائتلاف «ایمپکت ایران» که متشکل از ۱۲ سازمان حقوق بشری بین‌المللی است در بیانیه‌ای نگرانی و تأسف عمیق خود را درباره گزینش علی بحرینی نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد در ژنو، به عنوان رئیس اجلاس «هم‌اندیشی اجتماعی» ۲۰۲۳ اعلام کرد.

«موسم الجهاد»؛ کارزار حزب‌اللهی‌ها در مشهد برای جذب داوطلبان عملیات انتحاری علیه اسرائیل



بنرهای فراخوان برای جذب داوطلب عملیات انتحاری



نظر می‌رسد هیچکس حاضر نیست پا به این راه خطرناک بگذارد. این پوسترها چهره شهر را ترسناک کرده‌اند. زمامداران جمهوری اسلامی در حالی که با صراحت به حمایت خود از گروه حماس اعتراف می‌کنند اما این موضوع را که رژیم در حمله حماس علیه اسرائیل دخالت داشته انکار می‌کنند.

«دیلی میل» به بیانیه ده‌ها تن از فعالان سیاسی و مدنی ایران نیز اشاره کرده که نگرانی و مخالفت خود را با اقدامات تحریک‌آمیز جمهوری اسلامی ابراز کرده‌اند. آنها علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی را متهم کردند که ایران را به ورطه‌ی جنگ می‌کشاند.

جمهوری اسلامی از آغاز روی کار آمدن همواره از سازمان‌های مختلفی در خاورمیانه مانند حماس و جهاد اسلامی که در مناقشه اسرائیل و فلسطین نقش فعالی دارند حمایت کرده است. این حمایت شامل تهیه سلاح و سایر کمک‌هاست. در حالی که برخی کشورها مانند قطر و ترکیه نیز به این گروه‌ها کمک مالی ارائه می‌کنند اما آنها تسلیحات در اختیار آنها نمی‌گذارند و اینطور که جمهوری اسلامی از عملیات آنها پشتیبانی می‌کند، به تأیید آنها نمی‌پردازند.

«دیلی میل» همچنین با نگاهی کوتاه به پیشینه فعالیت دو گروه سنی حماس و جهاد اسلامی و حمایت‌های جمهوری اسلامی از آنها می‌نویسد که حزب‌الله لبنان در مقایسه با حماس از توان نظامی بسیار قویتری برخوردار است. زرادخانه حزب‌الله شامل حدود ۱۳۰۰۰۰ راکت و موشک از جمله انواعی است که می‌توانند به تل آویو برسند. بعلاوه حزب‌الله هزاران ستیزه‌جوی باتجربه

می‌کردند که بخشی از آن نمادین با مصرف تبلیغاتی بود. اکنون اما ثبت‌نام برای «عملیات استشهدادی» (انتحاری) رویدادی جدید در جمهوری اسلامی است.

چشم‌انداز یک جنگ فراگیر و یک آزمون حیاتی برای اسرائیل

وبسایت «دیلی میل» در یک گزارش اختصاصی که چهارم نوامبر (۱۳ آبان) منتشر شد با انتشار عکس‌هایی از بزها و پوسته‌های فراخوان برای جذب داوطلبان عملیات انتحاری در شهر مشهد نوشت این تبلیغات نشان می‌دهد که حزب‌اللهی‌ها بطور فعال داوطلبانی را برای مپ‌گذاری‌های انتحاری احتمالی برای عملیات علیه اهدافی در اسرائیل به خدمت می‌گیرند. «دیلی میل» به خوانندگان خود توضیح می‌دهد که این «حزب‌الله» با آن «حزب‌الله» که در لبنان است یکی نیست. آنها پوسته‌هایی را در شهر مشهد پخش کرده و از داوطلبان «عملیات استشهدادی» می‌خواهند تا مشخصات خود را برای بررسی به «شورای هماهنگی حزب‌الله شرق کشور» ارسال کنند.

«دیلی میل» همچنین می‌نویسد، یک پوستر که توسط یک کانال تلگرامی نزدیک به این گروه به اشتراک گذاشته شده، جهادگران پیروز را نشان می‌دهد که پس از شکست دادن اسرائیل با برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی به مسجد الاقصی در اورشلیم می‌رسند. آزاد کردن این مسجد یکی از شعارهای اصلی رژیم ایران است.

«تواب» یکی از اهالی مشهد از این وضعیت ابراز نگرانی کرده و در یک گفتگوی تلفنی به «دیلی میل» می‌گوید: «من این پوسترها را در چندین نقطه‌ی شهر دیده‌ام، اما به

● «دیلی میل» در گزارشی می‌نویسد، یک پوستر که توسط یک کانال تلگرامی نزدیک به این گروه به اشتراک گذاشته شده، جهادگران پیروز را نشان می‌دهد که پس از شکست دادن اسرائیل با برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی به مسجد الاقصی در اورشلیم می‌رسند. آزاد کردن این مسجد یکی از شعارهای اصلی رژیم ایران است.

● حزب‌اللهی‌ها عنوان این کارزار را «موسم الجهاد» گذاشته و اعلام کرده‌اند که داوطلبان می‌توانند برای ثبت نام از طریق یک سامانه الکترونیک که شماره آن روی بزها درج شده اقدام نمایند.

● سازمان‌ها و نهادهای مختلف حکومتی در ایران در هفته‌های اخیر اقدام به جذب نیرو برای اعزام به غزه کرده‌اند. یکی از آنها «بسیج جامعه پزشکی و اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران» است که برای ثبت نام داوطلبان کادر درمانی فرم الکترونیک منتشر کرده است.

● حسن نوروزی نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس جمهوری اسلامی مدعی شده در صورت اعلام مسئولین، صد درصد به غزه اعزام خواهیم شد.

در شهر مشهد تشکیلاتی با عنوان «شورای هماهنگی حزب‌الله شرق کشور» برای ثبت نام نیروهای استشهدادی جهت اعزام به فلسطین فراخوان داده است.

حزب‌اللهی‌ها عنوان این کارزار را «موسم الجهاد» گذاشته‌اند. اعلام شده داوطلبان می‌توانند برای ثبت نام از طریق یک سامانه الکترونیک که شماره آن روی بزها درج شده برای ثبت نام اقدام نمایند.

در جریان جنگ سوریه بعضی پایگاه‌های بسیج در برخی مساجد و حسینیه‌ها اقدام به ثبت نام «مدافعان حرم»

حمایت رجب طیب اردوغان از حماس بحران‌های اقتصادی ترکیه را تشدید می‌کند



سخنرانی رجب طیب اردوغان علیه اسرائیل در استانبول / ششم ابان ۱۴۰۲

بیمارستان‌ها تحویل داده می‌شود. پایگاه خبری «المانیاتور» در گزارشی می‌نویسد دیپلمات‌ها و کارشناسان می‌گویند واکنش اردوغان به حمله حماس به اسرائیل و پیامدهای آن موقعیت بین‌المللی ترکیه را به شدت تضعیف کرده است. آنهم در حالی که اردوغان به دنبال راه‌هایی برای احیای روابط با اتحادیه اروپاست که سال‌ها به دلیل گام‌های غیردموکراتیک آنکارا در داخل و به دلیل وضعیت رو به وخامت حقوق بشر این کشور به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است.

همزمان تورم افسارگسیخته در ترکیه و سقوط ارزش لیر این کشور را در آستانه بحران شدید اقتصادی قرار داده است. در شرایطی که ترکیه تلاش می‌کند تا با ارتقاء روابط دیپلماتیک خود با غرب راه را برای جذب سرمایه‌های خارجی باز کند اما به نظر می‌رسد که حمایت اردوغان از سازمان تروریستی حماس و مواضع اسرائیل‌ستیزانه او کار دست ترکیه بدهد.

ترکیه همچنین تلاش می‌کند گردشگران اروپایی و اسرائیلی را به مناطق توریستی آن کشور مثل مارماریس و آنتالیا بکشاند تا بتواند با جلب اعتماد آنها سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در بخش جهانگردی جذب کند اما گویا فعلاً او هرآنچه ساخته شده بود پای حمایت از تروریست‌های حماس گذاشته است.

به اعتقاد تحلیلگران، اردوغان حتا نتوانست موضعی شبیه رهبران دولت‌های عربی داشته باشد که ترجیح دادند با حمایت مستقیم از حماس، در برابر اسرائیل قرار نگیرند. مخالفان اردوغان پیش‌بینی می‌کنند با توجه به اینکه روابط آنکارا و تل‌آویو رو به وخامت گذاشته، ترکش‌های جنگ غزه به روابط ترکیه با اعضای ناتو هم اصابت کند. این در حالیست که بر اساس پیش‌بینی کارشناسان، ارزش لیر و سهام بورس در ترکیه طی ماه‌های پیش رو بیشتر سقوط خواهد کرد و بهای سوخت نیز گران‌تر می‌شود.

● در آستانه سفر وزیر خارجه آمریکا به آنکارا، ترکیه سفیر خود در اسرائیل را به آنکارا فراخواند.

● اردوغان به خبرنگاران گفت که نتایج او را شخصاً مسئول افزایش تلفات غیرنظامیان در نوار غزه می‌داند. وی تأکید کرده «نتایج او دیگر کسی نیست که بتوانیم با او صحبت کنیم».

● پایگاه خبری «المانیاتور» در گزارشی می‌نویسد دیپلمات‌ها و کارشناسان می‌گویند واکنش اردوغان به حمله حماس به اسرائیل و پیامدهای آن موقعیت بین‌المللی ترکیه را به شدت تضعیف کرده است.

در آستانه سفر وزیر خارجه آمریکا به آنکارا، وزارت خارجه ترکیه در بیانیه‌ای که چهارم نوامبر (۱۳ آبان) منتشر شد اعلام کرد که به علت اینکه اسرائیل درخواست آتش‌بس در غزه را نپذیرفت، اوزکان تورونلار سفیر ترکیه در تل‌آویو به آنکارا فراخوانده شده و ارتباط خود را با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل قطع کرده است.

تنش در روابط میان ترکیه و اسرائیل رو به افزایش است. به ویژه پس از آنکه رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری این کشور در سخنرانی عمومی در جمع هواداران خود برای اسرائیل خط و نشان کشید و تهدید کرد که «ممکن است یک شب ناگهانی حمله کنیم!»

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل در واکنش به سخنان اردوغان گفته بود «یک مار، مار باقی می‌ماند.» اردان افزود: «او تلاش کرد وجهه‌اش را بهبود بخشد، اما یک یهودی‌ستیز باقی مانده است.»

لیور حیات سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل گفته این اقدام ترکیه گام دیگری از سوی رئیس‌جمهور ترکیه است خود را کنار سازمان تروریستی حماس قرار دارد. اما حماس با صدور بیانیه‌ای از این تصمیم استقبال کرد و از ترکیه خواست که روی جو بایدن و دولت او برای آتش‌بس و ارسال کمک‌های بشردوستانه و پزشکی به غزه فشار آورد.

اردوغان به خبرنگاران گفت که نتایج او را شخصاً مسئول افزایش تلفات غیرنظامیان در نوار غزه می‌داند. وی به نقل از رسانه‌های ترکیه گفت: «نتایج او دیگر کسی نیست که بتوانیم با او صحبت کنیم.»

علاوه بر سازمان ملل متحد، چند کشور از جمله قطر و مصر به اسرائیل پیشنهاد «وقفه بشردوستانه» در عملیات برای ارسال کمک به غزه را مطرح کردند اما مقامات اسرائیل گفته‌اند تروریست‌های حماس به دنبال وقت‌گشی و مختل کردن عملیات ارتش هستند.

دو مقام اسرائیلی به آکسیوس گفتند که اسرائیل به ایالات متحده پیشنهاد یک طرح اضطراری برای انتقال سوخت به جنوب غزه و ارسال کمک‌های بیمارستانی تحت نظارت بین‌المللی را داده است.

بر اساس طرح ارائه شده به ایالات متحده که مستلزم تأیید کابینه جنگ اسرائیل است، تانکرهای سوخت از مصر با مقدار مشخصی سوخت کافی برای بیمارستان‌ها و سایر تأسیسات بشردوستانه برای مدت معینی وارد نوار غزه خواهند شد. هر تانکر سوخت توسط یک تیم سازمان ملل همراهی خواهد شد که از نزدیک بر آن نظارت کنند تا مطمئن شوند که سوخت برای هدف مورد نظر به

با بیش از یک دهه تجربه در میدان جنگ دارد که عمدتاً از مشارکت آنها در جنگ سوریه به دست آمده است. رهبران امنیتی اسرائیل همواره حزب‌الله لبنان را که یک گروه شیعه است به عنوان سرسخت‌ترین دشمن خود پس از رژیم ایران در منطقه می‌دانند. در این میان، چشم‌انداز یک جنگ فراگیر بین حزب‌الله و اسرائیل که آخرین بار در سال ۲۰۰۶ روی داد، احتمال آسیب‌های جدی برای هر دو طرف به همراه دارد. چنین درگیری می‌تواند تشدید شود و علاوه بر ایران پای قدرت‌های بزرگ بین‌المللی از جمله ایالات متحده را به میدان جنگ بکشد.

البته چنین جنگی یک آزمون مهم و حیاتی برای توانایی‌های اسرائیل جهت مدیریت جنگ در چند جبهه به شمار می‌رود. چالشی که این کشور در بیش از نیم قرن پس از جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ با آن مواجه نشده است.

تبلیغات بی‌پشتوانه یا تدارکات خطرناک؟

از سوی دیگر، در ایران جریانی قدرتمند و با نفوذ، لایه‌هایی از طرفداران نظام را مستقیم و غیرمستقیم برای اعزام به غزه با هدف جنگ با اسرائیل تحریک می‌کنند. برخی معتقدند این قبیل اقدامات بیشتر کاربرد تبلیغاتی دارد اما شمار دیگری از مفسران بر این باورند که همین اقدامات زمینه‌ساز تشکیل یگان‌هایی به ظاهر خودجوش می‌شود که پیدا و پنهان بعضی مأموریت‌ها در داخل و بیرون کشور به آنها واگذار می‌شود یا با فراهم آوردن تدارکات، اقدامات آنها تسهیل می‌شود.

سازمان‌ها و نهادهای مختلف حکومتی در ایران در هفته‌های اخیر اقدام به جذب نیرو برای اعزام به غزه کرده‌اند. یکی از آنها «بسیج جامعه پزشکی و اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران» است که برای ثبت نام داوطلبان کادر درمانی فرم الکترونیک منتشر کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ثبت نام از دانش‌آموزان برای اعزام به غزه نیز آغاز شده است. هرچند به نظر می‌رسد این پوشش‌ها نمادین است اما ده‌ها نفر از نوجوانان و جوانانی که به اسم «مدافع حرم» به سوریه اعزام شدند از همین طریق جذب «سپاه قدس» شدند.

باور عمومی این است که مسئولان نظام و افراد و گروه‌های سیاسی وابسته به حکومت، مراجع تقلید، ملاهای حوزه، سلبریتی‌های حکومتی که برای اعزام نیرو به جنگ‌های منطقه‌ای تبلیغ می‌کنند و یا اینکه خودشان مدعی‌اند آماده اعزام به آن منطقه هستند پای عمل که برسد جرأت رفتن به چنین مأموریت‌هایی را ندارند. این واقعیت را مردم در رسانه‌های اجتماعی با نیش و کنایه به گوش مسئولان نظام رسانده‌اند.

با اینهمه حسن نوروزی نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس جمهوری اسلامی مدعی شده در صورت اعلام مسئولین، صد درصد به غزه اعزام خواهیم شد. وی توضیح داده «این کار به هر شکلی که مسئولین صلاح بدانند، قطعاً محقق خواهد شد و ما آماده جانفشانی هستیم.» همچنین ادعا شده است که بیش از ۱۵۰ نماینده مجلس شورای اسلامی داوطلب اعزام به غزه شده‌اند.

ناظران معتقدند فراخوان جذب نیرو برای داوطلب «عملیات استشهادی» در غزه را نباید دست‌کم گرفت. تجربه جنگ سوریه نشان داده است که همین اقدامات زمینه‌ساز شستشوی مغزی جوانان ساده‌مذهبی شد که در عمل به گوش دم توپ تبدیل می‌شوند و جنازه‌شان به ایران بر می‌گردد. همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اعزام نیرو به خارج از مرزهای ایران در پوشش امدادگر یا زائر نیز فعالیت می‌کند.

افشاگری برادر روح‌الله عجمیان؛ اعدام محمد حسینی و محمد مهدی کرمی ربطی به قتل برادرم نداشت! «آن فرد و همسرش» هم باید اعدام شوند!



دادگاه «اتوبان کرج» با موضوع قتل روح‌الله عجمیان

ولی عجمیان پدر روح‌الله عجمیان نیز یک هفته پیش و در سالگرد مرگ پسرش در یک برنامه صداوسیما رژیم کاهش حکم تعدادی از متهمان پرونده را زیر سوال برد و با نام بردن از علی اکبر ولایتی به عنوان کسی که در تغییر حکم متهمان نقش داشته است گفت در چندین بار حضورش در صداوسیما جمهوری اسلامی به او گفته‌اند درباره ولایتی چیزی نگویید. او همچنین گلایه کرده بود که چرا «همه» متهمان پرونده اعدام نشوند!

میرزا ولی عجمیان بعد از چند دقیقه تلاش مجری برای مدیریت مسیر گفتگو، برنامه زنده تلویزیونی را به نشانه اعتراض، ترک کرد.

اظهارات پدر روح‌الله عجمیان با واکنش‌های گسترده‌ای روبرو شد. نام بردن از علی‌اکبر ولایتی مشاور علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و از دیپلمات‌های ارشد جمهوری اسلامی به عنوان فردی که در پرونده نفوذ کرده و مسیر آن را تغییر داده با واکنش برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب داخل کشور روبرو شد.

روزنامه «سازندگی» نوشت: «به نظر می‌رسد آنچه در شبکه یک تلویزیون ایران مطرح شد بیش از آنکه درباره پرونده باشد بیشتر یک انتقام‌گیری از علی‌اکبر ولایتی، دیپلمات پیشین باشد.»

روزنامه «هم‌میهن» هم نوشت که «مشخص نیست که با وجود دو اعدام برای این پرونده، انتظار سید میرزا ولی عجمیان از دستگاه قضائی چه بوده است و از نظر او چند نفر باید در ارتباط با این پرونده اعدام شوند؟»

روزنامه «هم‌میهن» همچنین در سر مقاله‌ای با تیترو «خالص‌سازی سیری‌ناپذیر» آنچه را در برنامه صداوسیما دولتی رخ داد به عنوان «پروژه خالص‌سازی» معرفی کرد و نوشت که این ماجرا «برداشت گام‌های بزرگتری برای زدن یاران سابق خودشان است.»

از سوی دیگر شماری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی نیز خواسته «اعدام همه متهمان پرونده» را زیر سوال برده و به چنین سیری‌ناپذیری در اعدام انتقاد کرده‌اند.

● برادر روح‌الله عجمیان که مانند پدرش از طرفداران سرسخت جمهوری اسلامی است گفته که در این پرونده دو نفر آدم بی‌خانواده را اعدام کردند اما فرد اصل کاری را که دکتر بود، اعدام نکردند.

● پدر روح‌الله عجمیان نیز یک هفته پیش و در سالگرد مرگ پسرش در یک برنامه صداوسیما دولتی از علی‌اکبر ولایتی به عنوان کسی که در تغییر حکم متهمان نقش داشته است نام برد.

● محمد(کیان) حسینی و محمد مهدی کرمی دو تن از متهمان این پرونده به اتهام «افساد فی الارض» به اعدام محکوم شده و به شکلی عجولانه در دی ماه ۱۴۰۱ به دار آویخته شدند.

ده ماه پس از اعدام محمد (کیان) حسینی و محمد مهدی کرمی، حسین عجمیان برادر روح‌الله عجمیان در گفتگو با وبسایت «اعتماد» گفته حکم «محاربه» و اعدام این دو شهروند معترض ربطی به قتل برادرش نداشته است.

در آستانه‌ی سالگرد اعدام محمد حسینی و محمد مهدی کرمی (۱۷ دی ۱۴۰۱) دو شهروند معترضی که به اتهام «محاربه» به دلیل قتل روح‌الله عجمیان، برادر این بسیجی در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته پرونده قتل برادرش منحرف شده و دو جوان اعدام شده ربطی به پرونده قتل برادرش نداشتند.

حسین عجمیان برادر روح‌الله عجمیان گفته که «در این پرونده دو نفر آدم بی‌خانواده را اعدام کردند اما فرد اصل کاری را که دکتر بود، اعدام نکردند.»

او گفته «فردی که با لگد به برادرم ضربه زده و دست چپ برادر مرا شکسته، یک (ضربه) چاقو هم به پهلوی برادرم زده است، در ادامه چند سانت آن را به جگر برادرم فرو کرده و با این ضربه باعث مرگ برادر من شده، اعدام نشده است. چرا؟ در واقع این آقا برادر من را به قتل رسانده است. اما چون پولدار و دکتر است، روابط زیادی دارد و... کسی با او برخوردی نکرده است.»

به گفته حسین عجمیان «برخی افراد و جریان‌ها با نفوذ از مقام خود سوء استفاده کرده و مسیر پرونده را تغییر دادند. در صورتی که این افراد و جریان‌ها اگر به فکر نظام و کشور بودند، باید زور خود را می‌زدند تا یک نفر از معترضان هم آزاد نشود. در صورتی که برعکس عمل کرده‌اند.»

وی که مانند پدرش از مدافعان سرسخت نظام است گفته «ما از دستگاه قضایی می‌خواهیم تا مطابق قانون برخورد‌های لازم را صورت دهند. ما نمی‌خواهیم رفتار غیرقانونی صورت بگیرد؛ فقط می‌خواهیم این فرد و همسرش مطابق قانون اعدام شوند.»

برادر روح‌الله عجمیان افزوده که در روز حادثه «زن این فرد فیلم می‌گرفت و می‌فرستاد به خارج. ما نه خصومت شخصی با کسی داریم و نه کسی با داداش من خصومت شخصی داشته است. اینها آمدند نظام را بردارند، روح‌الله ما به خاطر نظام و دولت و ملتش وارد میدان شده، حقش نبود که اینطور با ما رفتار شود. ۳ نفر از قاتلان‌ش را کلا آزاد کرده‌اند. چرا مثلاً؟ مگر می‌شود یک نفر که حکمش اعدام بوده؛ ناگهان ۱۵ سال حبس بگیرد.»

حسین عجمیان در ادامه افزوده که «اگر دست برخی افراد با نفوذ در کار نبود، چرا وقتی اینهمه مصاحبه و فیلم

و گفتگو و کلیپ منتشر شد که این افراد پیگیر آزادی این دکتر بوده‌اند. چرا این افراد یکبار نقش خود را در پیگیری پرونده تکذیب نکردند. یعنی چون این فرد پول دارد نباید اعدام شود؟ بعد برخی افراد بی‌صدا و بی‌خانواده که پول نداشتند، اعدام شوند.»

برادر روح‌الله عجمیان با اشاره به اینکه مقامات امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی «کاری به کسانی که مرفه‌اند، پولدارند و دست‌شان به دهن‌شان می‌رسد، نداشتند» در ادعاهایی مطرح کرد که «کسی مثل قره‌حسنلو که حدادیان را به قتل رساند، همان روز برادر مرا هم کشت. در خرم‌دشت (کرج) هم به یک روحانی حمله کرد، بعد هم به پل حصارک (کرج) رفتند و یک کیوسک پلیس را آتش زدند و... اما این فرد را اعدام نکردند، چون پول دارد. این فرد در سه منطقه حضور داشته و سه نفر را هم زده است. دست چپ داداش مرا شکاند و یک چاقو به پهلوی او زد. مردم معترض ایستاده بودند و کسی واکنش نداشت تا زمانی که قره‌حسنلو فرمان حمله را صادر کرد و مردم ماموران را هم زدند.»

حسین عجمیان در ادامه این سخنان جنجالی افزوده که «اگر دقت کرده باشید، این فرد [دکتر] در سایر مراسم‌های مرتبط با رخدادهای اخیر حضور پیدا می‌کند، اما در مراسم‌هایی که خانواده ما هستند، حضور پیدا نمی‌کند. در مراسم شهید علی‌وردی و... شرکت می‌کند، اما هر زمان که ما جایی هستیم حضور پیدا نمی‌کند. ظاهراً خودشان می‌دانند چه کرده‌اند.»

او معتقد است در پرونده قتل برادرش «برخی افراد و جریان‌ها این روند را تغییر دادند.» وی تأکید کرده که «برخی افراد دارای نفوذ روند پرونده را منحرف کردند. افرادی که اینگونه رفتار می‌کنند، نامه‌نگاری می‌کنند تا یک خائن به مملکت را آزاد کنند.»

حسین عجمیان در حالی امروز چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۲ در گفتگو با روزنامه «اعتماد» بطور واضح محمد مهدی کرمی و محمد(کیان) حسینی را بی‌گناه اعلام کرده که میرزا

لویی آرنو گروگان فرانسوی در ایران به پنج سال زندان محکوم شد



مادر لویی آرنو از حکم قضایی علیه فرزندش به عنوان نقض حقوق بشر و آزادی‌های فردی نام برد که باعث زندانی شدن «بی‌دلیل یک فرد بی‌گناه» می‌شود

که به ناحق هدف قرار گرفت، زندانی شد و اکنون به اتهامات بی‌اساس محکوم شده، به کابوس تبدیل شد و آزادی و حقوق او را سلب کرد. خانواده وی افزوده که آرنو علیه این حکم اعتراض کرده است.

تا لحظه تنظیم این گزارش صدور این حکم قضایی توسط رسانه‌های داخل ایرا گزارش نشده و یا به صورت رسمی توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی تأیید نشده است.

آرنو یکی از ده‌ها شهروند خارجی است که به گروگان گرفته شده است. تحلیلگران معتقدند گروگانگیری به عنوان یک استراتژی برای جمهوری اسلامی با هدف باج‌خواهی از غرب صورت می‌گیرد.

چندین زندانی خارجی در ماه‌های اخیر آزاد شده‌اند، از جمله پنج آمریکایی که دولت بایدن در ازای آزادی آنها میلیاردها دلار پول ایران را آزاد کرد.

پیش از این جمهوری اسلامی زندانیان فرانسوی برنارد فیلان ۶۴ ساله و بنجامین بریر ۳۷ ساله را آزاد کرده بود. فریبا عادلخواه پژوهشگر فرانسوی-ایرانی نیز پس از چهار سال و نیم بازداشت، سرانجام در ماه اکتبر به فرانسه بازگشت.

اما بجز آرنو، سه شهروند فرانسوی دیگر نیز در ایران زندانی هستند: سسیل کوهلر و شریک زندگی‌اش ژاک پاری و مردی که تنها با نام کوچکش «اولیویه» شناخته می‌شود.

پیش از این نوامی کوهلر خواهر سسیل کوهلر گفته بود که خواهرش «خسته و ناامید است» و «می‌فهمد که چرا زندانی است».

تماس گرفتیم و ایشان نوشتن نامه و دریافت پاسخ مثبت در این زمینه را تأیید کرد.

چند روز بعد خبر لغو حکم اعدام حمید قره‌حسنلو منتشر اما مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضائیه اعلام کرده بود «تا این لحظه هنوز حکم قطعی‌ای صادر نشده است» و پرونده متهمان مرگ سیدروح‌الله عجمیان در دیوان عالی کشور در حال بررسی است و «سیر قضایی و طبیعی خود را طی می‌کند؛ به همین دلیل نامه‌نگاری در این خصوص موضوعیت ندارد.»

به گزارش خبرگزاری «فرانس ۲۴» لویی آرنو که گفته شده «مشاور بانک» است شهریور سال ۱۴۰۲ در ایران بازداشت شد و از آن زمان تا کنون در زندان اوین تهران بسر می‌برد.

بجز آرنو، سه شهروند فرانسوی دیگر در ایران زندانی هستند: سسیل کوهلر و شریک زندگی‌اش ژاک پاری و مردی که تنها با نام کوچکش «اولیویه» شناخته می‌شود.

دولت فرانسه اعلام کرد لویی آرنو که با اتهامات امنیتی در ایران بازداشت شده به پنج سال زندان محکوم شده است.

یک سخنگوی وزارت خارجه فرانسه چهارشنبه هشتم نوامبر (۱۷ آبان) این حکم را «غیرقابل قبول» خواند و تأکید کرد این شهروند فرانسه در روند دادرسی از حق داشتن وکیل محروم بوده است.

به گزارش خبرگزاری «فرانس ۲۴»، لویی آرنو که گفته شده «مشاور بانک» است شهریور سال ۱۴۰۲ در ایران بازداشت شد و از آن زمان تا کنون در زندان اوین تهران در حبس بسر می‌برد.

خانواده این زندانی فرانسوی اعلام کردند که وی به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» محاکمه شده است. آنها همچنین گفته‌اند آرنو بی‌گناه است و این حکم قضایی را به عنوان «نقض حقوق بشر و آزادی‌های فردی» محکوم کردند.

آنها یادآوری کرده‌اند که «آرنو به عنوان مسافر اشتیاق زیادی برای دیدن ایران داشت اما متأسفانه رویای او زمانی بررسی اتهامات او شده بود.

در آبان سال گذشته و پس از صدور حکم اعدام برای حمید قره‌حسنلو، روزنامه «اعتقاد» به نقل از یک چهره شاخص سیاسی از لغو این حکم در پی نامه‌نگاری یک «مسئول عالی رتبه» خبر داده بود: «دبروز خبری به دست اعتماد رسید، مبنی بر اینکه حکم اعدام حمید قره‌حسنلو لغو شده است. طبق این خبر، گفته می‌شد که یکی از شخصیت‌های سیاسی برجسته و قدیمی کشور در نامه‌ای از مقامات عالی نظام درخواست کرده حکم این فرد لغو شود. ما با نویسنده نامه

از سوی دیگر، صالح اسکندری مشاور علی اکبر ولایتی در یادداشتی با ارائه توضیحاتی درباره دخالت علی اکبر ولایتی در این پرونده نوشته که «در ماجرای وساطت دکتر ولایتی برای یک پزشک که یکی از محکومین پرونده قتل شهید عجمیان است پس از درخواست ۱۰۲ تن از رؤسای نظام پزشکی سراسر کشور و و طومار بیش از ۶ هزار پزشک مبنی بر بی‌گناهی وی و نیز پیام مکرر از محافل پزشکی بین‌المللی مبنی بر تشدید تحریم‌ها در حوزه پزشکی و تماس‌های مکرر انجمن‌های پزشکی با ایشان طی نامه‌ای به یکی از مسئولان عالی‌رتبه نظام صرفاً درخواست بررسی بیشتر کرده است و هیچ مکاتبه‌ای با قوه قضائیه در کار نبوده است.»

پرونده‌ای که به «اتوبان کرج» معروف شد یکی از چندین پرونده‌ای است که پس از اعتراضات جنبش ملی علیه شهروندان معترض بازداشت شده و با سناریوسازی نهادهای امنیتی تشکیل شد. در پرونده «اتوبان کرج» ۱۶ شهروند متهم به دست داشتن در کشته شدن یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان شدند. پس از برگزاری مراسم چهلم حدیث نجفی از جانب‌اختگان اعتراضات در «بهشت سکینه» کرج در ۱۲ آبان سال گذشته، مأموران لباس شخصی، امنیتی و نظامی مسیر جاده را بستند و به مردم یورش بردند و درگیری شدیدی میان نیروهای حکومتی و مردمی که در حال دفاع مشروع از خود بودند درگرفت.

در جریان این درگیری روح‌الله عجمیان بسیجی مسلح و از نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شد. نهادهای امنیتی اقدام به بازداشت شماری از شهروندان در رابطه با این پرونده کردند و در نهایت ۱۶ شهروند را با اتهام سنگین محاربه و قتل این بسیجی راهی دادگاه انقلاب اسلامی کردند.

در روند بررسی این پرونده محمد (کیان) حسینی و محمدمهدی کرمی دو تن از متهمان این پرونده به اتهام «افساد فی الارض» به اعدام محکوم شده و به شکلی عجولانه در دی‌ماه ۱۴۰۱ به دار آویخته شدند.

در شهریورماه ۱۴۰۲ و چند ماه پس از اعدام محمد (کیان) حسینی و محمدمهدی کرمی، حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز از تأیید و قطعی شدن احکام هشت تن از متهمان پرونده معروف به «اتوبان کرج» در رابطه با اعتراضات آبان سال گذشته خبر داد.

به گفته رئیس کل دادگستری استان البرز حمید قره‌حسنلو از متهمان این پرونده که پیش از این به اعدام محکوم شده بود، بیشترین میزان حبس را گرفته و به ۱۵ سال زندان و «نفی بلد» (حبس در تبعید) محکوم شده و باید دوره حبس خود را در شهر یزد سپری کند.

رضا آریا، حسین محمدی و مهدی محمدی نیز هر کدام به ۱۰ سال حبس در تبعید محکوم شدند. احکام رضا آریا و حسین محمدی نیز در دادگاه بدوی اعدام بود که در تجدید نظر به حبس کاهش یافت.

بر اساس این احکام همچنین محمدامین اخلاقی ساوجبلاغی، امین مهدی شکراللهی (زیر ۱۸ سال) و فرزانه قره‌حسنلو هر کدام به پنج سال «نفی بلد» و علی معظمی گودرزی به سه سال حبس و «نفی بلد» محکوم شدند.

حکم دادگاه تجدید نظر این هشت متهم که اسفندماه ۱۴۰۱ جریان داشت، اکنون «عیناً» تأیید و قطعی شده است. حمید قره‌حسنلو همان پزشکی است که برادر روح‌الله عجمیان در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» او را به عنوان قاتل اصلی برادرش معرفی کرده است. پس از بازداشت این پزشک، بسیاری از اصلاح‌طلبان به حمایت از او پرداختند و علی اکبر ولایتی نیز در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه خواستار

جدی شدن کمبود شیرخشک و دارو؛ زمزمه‌های شکست طرح «دارویار»



از ۲۰ مهر در داروخانه‌های سراسر کشور ساماندهی شده و با درج کد ملی متقاضی در سامانه مربوطه ارائه می‌شود.

این مقام سازمان غذا و دارو مدعی شده بود که «هدف از این اقدام را جلوگیری از قاچاق شیرخشک رگولاری دانست و اظهار داشت: مسئولان داروخانه‌ها موظفند کد ملی متقاضی را در سامانه سازمان غذا و دارو ثبت کنند و سپس شیرخشک به آن‌ها عرضه شود.»

محمود آل‌بویه البته توضیح نداده بود که چطور ممکن است قاچاقچیان شیرخشک با خرید قوطی-قوطی این کالا از داروخانه‌های کشور، حجم قاچاق انبوه این کالا را تأمین کنند!

کمبود شیرخشک در حالیست که قیمت آن نیز همزمان افزایش یافته بطوری که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه امسال، شیرخشک با افزایش قیمت ۸/۵ درصدی بعد از ماهی قزل‌آلا بیشترین افزایش قیمت کالایی را داشته است. بر اساس این گزارش هر قوطی ۴۵۰ گرمی شیرخشک در عرض یک ماه بطور میانگین از ۷۲ هزار و ۹۶۰ تومان به ۷۷ هزار و ۲۲۰ تومان رسیده است.

هفته گذشته یحیی ابراهیمی عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در اظهاراتی انتقادی به دولت گفت بیش از ۳۰۰ قلم دارو در داروخانه‌ها کم است، ولی دولت زیر بار نمی‌رود و مدام می‌گوید که همه چیز گل و بلبل است، اما واقعیت امر چیز دیگریست.

یحیی ابراهیمی گفته بود که «مواد اولیه دارو از خارج وارد می‌شود. وقتی مواد اولیه‌ای که بابت آن پول داده‌ایم به موقع به دست کارخانه داروسازی نرسد و در زمان خودش، دارو تولید نشود، باعث کمبود شدید دارو در سطح کشور می‌شود.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی ناپسامانی در عملکرد گمرک کشور را نیز یکی دیگر از مشکلات در زمینه کمبود دارو خوانده و گفته بود که «گمرک حتی به دارویی که تمام مراحل آن قانونی طی شده، باز هم گیر می‌دهد. یک زمانی ممکن است کسی تخلفی کند که در آن صورت، هیچ‌کس از متخلف حمایت نمی‌کند، ولی جایی که تخلفی در

منابع برای واردات مواد اولیه و دارو نیز بحرانی جدی در زمینه تولید شیرخشک و دارو ایجاد کرده است.

جلیل میرمحمدی میبیدی عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی از «تداوم کمبود جدی شیرخشک و دارو علیرغم قول مساعد مسئولان مربوطه در رفع این مشکل» خبر داده است.

او گفته که «تذاکرات شفاهی و کتبی متعدد نمایندگان و حتی طرح سوال و برگزاری جلساتی با ریاست دکتر قالیباف رئیس مجلس و حضور وزرای بهداشت و اقتصاد، روسای بانک مرکزی، گمرک و سازمان غذا و دارو راه به جایی نبرده و در حالی که همه ارکان دولت قول و تعهد دادند که همه گونه همراهی را برای رفع مشکل داشته باشند، اما متأسفانه همچنان شاهد کمبود جدی شیرخشک و دارو در کشور هستیم و مردم بطور مرتب در تماس با ما انتقاد جدی دارند که چرا کاری انجام نمی‌دهید و حق هم دارند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه ۴۵ تا ۴۶ درصد مواد اولیه شیرخشک و دارو وارداتی است گفته «چاره‌ای نداریم جز اینکه به سمت تولید مواد اولیه و موثره دارو و شیرخشک گام برداریم و این مهم نیازمند اراده قوی و منسجم و اجماع کامل در ارکان دولت است و همه باید دست به دست هم دهند و کمک کنند تا بتوان تولید مواد اولیه شیرخشک و دارو را در کشور داشته باشیم.»

سال‌هاست بحران شیر خشک هر چند ماه یکبار به تیر اصلی رسانه‌های داخلی تبدیل می‌شود. در هفته‌های گذشته نیز موج تازه‌ای از کمبود شیرخشک راه افتاده و دولت راهکار این بحران را به جای تولید بیشتر، در جیره‌بندی ارزیابی کرد!

بر اساس تصمیم وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو، از بیستم مهرماه امسال شیرخشک در داروخانه‌ها با ارائه کارت ملی به فروش می‌رسد. محمود آل‌بویه، مدیر کل نظارت بر مواد غذایی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی سازمان غذا و دارو همزمان با آغاز توزیع شیرخشک با کارت ملی گفته بود که «با هدف جلوگیری از قاچاق شیرخشک عادی (رگولاری) عرضه این محصول

● رئیس انجمن داروسازان ایران اعلام کرد عدم تسویه حساب شرکت‌های بیمه درمانی با داروخانه‌ها سبب به بن‌بست رسیدن طرح «دارویار» شده است.

● عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی از «تداوم کمبود جدی شیرخشک و دارو علیرغم قول مساعد مسئولان مربوطه در رفع این مشکل» خبر داده است.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه امسال، شیرخشک در این ماه با افزایش قیمت ۸/۵ درصدی بعد از ماهی قزل‌آلا بیشترین افزایش قیمت کالایی را داشته است.

دور تازه‌ای از کمبود دارو و شیرخشک بر دامنه‌ی این بحران افزوده است. علت اصلی این مشکل، کمبود مواد اولیه به دلیل عدم تخصیص ارز عنوان می‌شود. از سوی دیگر انجمن داروسازان ایران نیز نسبت به عدم تسویه حساب شرکت‌های بیمه درمانی با داروخانه‌ها از شکست طرح «دارویار» خبر داده است.

رئیس انجمن داروسازان ایران با اعلام اینکه عدم تسویه حساب شرکت‌های بیمه درمانی با داروخانه‌ها سبب به بن‌بست رسیدن طرح «دارویار» شده اعلام کرده با ادامه روند کنونی «۱۵ هزار داروخانه خصوصی» از اجرای این طرح معذور خواهند بود.

شهرام کلانتری خاندانی رئیس انجمن داروسازان ایران در نامه‌ای به مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی و مدیرعامل سازمان بیمه تأمین اجتماعی نیروهای مسلح نسبت به عدم تسویه حساب با داروخانه‌ها هشدار داده است.

در این نامه آمده که بی‌نظمی به وجود آمده در تسویه مطالبات داروخانه‌ها که ناشی از عدم هماهنگی بین سازمان‌های بیمه‌گر و سازمان برنامه و بودجه در تأمین منابع است، عملاً ادامه ارائه خدمات در قالب طرح «دارویار» را به بن‌بست کشانده و از آنجا که داروخانه‌ها هیچگونه قراردادی با سازمان برنامه و بودجه ندارند، در صورتی که بیمه‌ها نسبت به تکمیل پرداخت صورتحساب‌های ارسالی ماه‌های تیر، مرداد و شهریور ۱۴۰۲ مطابق با حکم بودجه ۱۴۰۲ به بهانه عدم تأمین «ما به تفاوت ارز» و تسویه حساب کامل صورت حساب‌های ارسالی مربوط به خدمات ارائه شده به بیمه‌شدگان خود اقدام ننمایند، داروخانه‌های سراسر کشور ناگزیر از ارائه سرویس نسبت به مازاد تعهدات ایجاد شده ناشی از اجرای طرح «دارویار» معذور خواهند شد.

شهرام کلانتری خاندانی در ادامه نوشته که «انجمن داروسازان ایران به نمایندگی از ۱۵ هزار داروخانه خصوصی امیدوار است که توجه ویژه مسئولین به تأمین منابع و اعتبارات مورد نیاز طرح‌های مصوب، مانع از به وجود آمدن شرایط استیصال برای مؤسسين داروخانه‌ها گردیده و هر چه سریع‌تر مطالبات و تمامی معوقات داروخانه‌ها که بیش از یک ماه از موعد پرداخت آن‌ها سپرده شده است، تسویه گردد.»

بر اساس طرح «دارویار» که از سوی وزارت بهداشت جمهوری اسلامی در تیرماه سال گذشته ارائه شد، «یارانه داروها به انتهای زنجیره منتقل می‌شود و این یارانه از طریق بیمه‌ها به مصرف‌کننده نهایی تخصیص می‌یابد.»

جداً بحران تأمین منابع برای تسویه حساب شرکت‌های بیمه با داروخانه‌ها در چارچوب طرح «دارویار»، تأمین

روزنامه «بیلد»: همکاری دانشگاه‌های آلمان با حامیان تروریسم در ایران؟!



جلسه اساتید دفتر «تقريب مذاهب» دانشگاه ادیان و علوم دینی قم / بهمن ۱۳۹۸

آمریکا قرار دارد داشته است. سازمانی که مستقیم اعتراضات مردم ایران را سرکوب می‌کند. نواب که در سال ۲۰۱۳ با رئیس پیشین دانشگاه پادربورن قرارداد همکاری امضا کرده، از رؤسای گروه عقیدتی-سیاسی سپاه پاسداران بوده است؛ یعنی گروهی که وظیفه‌اش نگه داشتن مردم در صف نظام است و فرا خواندن به کشتن یهودیان و مسیحیان یکی از تکالیف آن به شمار می‌رود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد نواب ارتباط نزدیکی با «سپاه قدس» شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران دارد که شبکه تروریستی رژیم ملاحا در منطقه از جمله حماس و حزب‌الله را می‌گرداند. در این میان، دانشگاه‌های مربوطه از جمله در برلین و پتسدام یا حاضر به اظهار نظر درباره پرسش «بیلد» نیستند و یا اینکه ابراز تعجب می‌کنند!

سخنگوی دانشگاه پادربورن به «بیلد» گفت: «از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ همکاری با این دانشگاه وجود داشت ولی دیگر تمدید نشد.» دانشگاه «گوتته» فرانکفورت تأیید می‌کند که از سال ۲۰۱۲ یک پروژه موقت با دانشگاه علوم مذاهب قم داشته، اما این همکاری فقط در حد دانشکده الهیات پروتستان بوده و نه کل دانشگاه؛ سخنگوی این دانشگاه در ادامه می‌گوید دانشگاه فرانکفورت از نقش پرسنل دانشگاه مذاهب قم در سپاه پاسداران اطلاعی نداشته است.

مستولان دانشگاه «مونستر» نیز ادعا کردند از ارتباطات بین دانشگاه قم و سپاه پاسداران اطلاعی نداشتند و هیچ‌گونه همکاری نیز بین دو دانشگاه وجود نداشته است اما توضیح دادند یکی از اساتید این دانشگاه با نام مَهْد خورشید [فلسطینی- لبنانی بزرگ‌شده عربستان با تابعیت و تحصیل‌کرده‌ی اتریش] در پروژه‌های همکاری داشته که در آن یکی از محققان دانشگاه مذاهب قم نیز در آن کار می‌کرده است.

گفتنی است که در اواسط خردادماه روزنامه «تلگراف» به نقل از چند نماینده پارلمان بریتانیا گزارش داد که متخصصان ۱۱ دانشگاه انگلیس متهم به همکاری با برنامه‌های پهنای جمهوری اسلامی هستند. دانشگاه کرنفیلد، کمبریج، امپریال کالج، گلاسکو و نورثامپتون در فهرست مراکز هستند که متهم به این همکاری شده‌اند.

● روزنامه «بیلد» گزارش داد دانشگاه‌های شهرهای پتسدام، فرانکفورت، پادربورن، مونستر و برلین با دانشگاه علوم ادیان و مذاهب قم از سال ۲۰۱۰ میلادی تا کنون همکاری‌های سازمانیافته داشته‌اند.

● این گزارش نتیجه تحقیقات مؤسسه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) است. عبدالحسن نواب رئیس فعلی این دانشگاه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سمت‌های مهم داشته است.

روزنامه «بیلد» ششم نوامبر (۱۵ آبان‌ماه) گزارش داد برخی دانشگاه‌های آلمان از جمله پتسدام، فرانکفورت، پادربورن، مونستر و برلین با «دانشگاه علوم ادیان و مذاهب قم» از سال ۲۰۱۰ میلادی تا کنون همکاری سازمانیافته داشته‌اند. دانشگاهی که رئیس فعلی آن سمت‌هایی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشته است.

این گزارش نتیجه‌ی تکان‌دهنده‌ی تحقیقات مؤسسه «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) است. در گزارش مربوطه پنج دانشگاه نام‌برده در مرکز توجه قرار گرفته‌اند که بین آنها با «دانشگاه علوم ادیان و مذاهب قم» تبادلات دانشجویی و پژوهشی و همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی وجود داشته است. یوهانس نیهوف- پاناکوتیدیس استاد دانشگاه برلین (FU) در ماه ژوئیه در «دانشگاه علوم ادیان و مذاهب قم» سخنرانی کرد. بخشی از بودجه‌ی این همکاری‌ها توسط «مرکز مبادلات دانشگاهی آلمانی» (DAAD) یعنی از پول مالیات شهروندان تأمین می‌شود که البته در فعالیت‌های دانشگاهی امری رایج و عادی است.

اما این دانشگاه از تروریست‌ها تجلیل می‌کند. بر اساس گزارش «اتحاد علیه ایران هسته‌ای، شیخ نعیم قاسم قائم‌مقام حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در دسامبر سال ۲۰۱۸ (آذر ۱۳۹۷) مهمان دانشگاه قم بوده و بی‌صراحت خواهان ناپودی اسرائیل شده است. این دانشگاه در ماه مه ۲۰۲۱ نیز با حمایت از حملات تروریستی علیه اسرائیل در وبسایت خود نوشت: «هیچ راهی جز مقاومت مسلحانه وجود ندارد»

در بخشی از این گزارش آمده عبدالحسن نواب رئیس «دانشگاه علوم ادیان و مذاهب» مناصب بالا در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در فهرست سازمان‌های تروریستی

کار نیست و ایجاد دست‌انداز برای تولید شده است، آقایان باید کار را سریع‌تر راه بیندازند.»
به عقیده عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی «کمبود شدید دارو در داروخانه‌ها، باعث سوءاستفاده بیشتر از داروهای تولیدی می‌شود و دلالت می‌تواند آن‌ها را در بازار آزاد بفروشد و با این کارشان، مشکلاتی برای جامعه ایجاد می‌کنند.»

یحیی ابراهیمی همچنین به ورشکستگی شماری از شرکت‌های داروسازی اشاره کرده و گفته بود که «خیلی از شرکت‌های تولیدکننده دارو، چه داروهای گیاهی چه مکمل‌ها و چه داروهای شیمیایی، تولید دارو برایشان به صرفه نیست و هزینه تمام‌شده برای آن‌ها خیلی بالاتر از هزینه قیمت دارو است. همین باعث شده که تولید خیلی از کارخانه‌ها کاهش یابد و باعث بیکاری جوانان شود. متأسفانه این کارخانه‌ها در حال طی کردن مسیر ورشکستگی هستند و راه جلوگیری از این پدیده نامبارک، این است که حاکمیت، هم در وارد کردن دارو و هم در ایجاد قیمت‌هایی متناسب با قیمت تمام‌شده، حمایت لازم را از خود نشان بدهد.»

این عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفته بود شاید دولت برای تأمین مواد اولیه دارو دچار کمبود منابع باشد اما «باید توجه داشت که اقتصاد را با زور و دستور نمی‌توان اداره کرد و این مسیر، کار اشتباهی است. براساس اطلاعاتی که داریم، بیش از ۳۰۰ قلم دارو در داروخانه‌ها کم است، ولی دولت زیر بار نمی‌رود و مدام می‌گوید که همه چیز گل و بلبل است، اما واقعیت امر این‌گونه نیست.»

پیشتر نیز علیرضا سالم عضو شورای عالی داروخانه‌های ایران کمبود دارو در داروخانه‌های پایتخت را ۱۲۰ تا ۱۸۰ نوع دارو عنوان کرده و گفته بود که کمبود اقلام دارویی در داروخانه‌های دولتی و خصوصی متفاوت است. او توضیح داده بود که «در تقسیم‌بندی داروخانه‌ها ۹۰ درصد داروخانه‌ها از داشتن عمده اقلام محروم هستند. داروخانه‌های غیرمنتخب ۹۰ درصد از بخش خصوصی را شامل می‌شوند و بیشتر گردش مالی دارو در داروخانه‌های دولتی است. کمبود دارویی در حد فراگیری در داروخانه‌های خصوصی وجود دارد. چون داروخانه غیرمنتخب اجازه ندارد داروهای خاص عرضه کند نتیجتاً بخش خصوصی درگیر کمبود است.»

جدا از اقلام دارویی، به گفته علیرضا سالم کمبود شیرخشک هم جدی است و خانواده‌های دارای نوزاد تنها با ارائه کارت ملی امکان دریافت شیرخشک دارند. به بیان دیگر شیرخشک نه تنها کمیاب است بلکه جیره‌بندی هم شده است!

علیرضا سالم در اینبار توضیح داده که «در حال حاضر نسبت به چند سال گذشته موضوع کمبود شیرخشک به شدت حس می‌شود. قفسه شیرخشک داروخانه‌ها را اگر بررسی کنید و به صورت تصویری به آن نگاه کنید، شیرخشک در قفسه اصلاً وجود ندارد و یا اگر هم موجود دارند، شیرخشک‌های بدون طرفدار است. ما روزانه ۳۰ مراجعه کننده داریم که دنبال شیر خشک هستند. در برخی داروخانه‌های خاص و منتخب تعدادی شیرخشک داریم. شهروندان برای یافتن شیرخشک باید ۱۰ درصد داروخانه‌ها را پیدا کنند که آن هم باید با کارت ملی شیرخشک بگیرند. این مسئله باید حل شود و اگر قرار باشد توزیع عادلانه باشد، باید به همه دارو ارائه شود. ما ایده دادیم که بهتر است به صورت چرخشی این مسئله اتفاق بیفتد.»

اما و اگرهای قیمت ارز در ماههای آینده؛ تشدید تورم و فقر و فلاکت برای حقوق‌بگیران



● پیمان مولوی کارشناس اقتصاد: در مهرماه میزان تورم به ۵/۴۵ درصد رسید و اگر متوسط ۳۶۵ روزه نرخ دلار را ۵۲ هزار تومان در نظر بگیریم سال آینده متوسط ۳۶۵ روزه نرخ دلار به ۷۴ هزار تومان خواهد رسید.

● افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی با توجه به اینکه در حال حاضر نیز ارقام درآمدی اقشار حقوق‌بگیر فاصله زیادی با هزینه زندگی دارد، به معنای گسترش فقر و فلاکت بیشتر در میان این اقشار است.

● سهراب دل‌انگیزان اقتصاددان: کارگران در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۵ تا ۵۲ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و کارکنان دولتی هم ۶۱ درصد از قدرت خرید خود را نسبت به سال ۱۳۹۵ از دست داده‌اند.

در روزهای گذشته بار دیگر قیمت ارز با نوسان صعودی روبرو شد و برخی شواهد نشان از افزایش نرخ ارز در ماههای آینده دارند. در آنسو قیمت کالاهای مختلف نیز مرتب در حال افزایش است و درآمدهای ناچیز اقشار حقوق‌بگیر سبب هشدار کارشناسان درباره گسترش فقر و فلاکت در نیمه دوم سال خورشیدی شده است.

در روزهای گذشته قیمت‌ها در بازار ارز ایران متأثر از جنگ میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس افزایش یافت و همزمان بازار سرمایه نیز ریزش‌های قابل توجه داشت. قیمت دلار در حال حاضر به ۵۳ هزار تومان رسیده اما کارشناسان معتقدند پتانسیل افزایش قیمت این ارز بیشتر بوده و دولت با انجام سیاست سرکوب نرخ ارز تلاش کرده از افزایش بیشتر قیمت‌ها جلوگیری کند. پیمان مولوی کارشناس اقتصادی و عضو انجمن اقتصاددانان ایران پیش‌بینی تکان‌دهنده‌ای درباره قیمت ارز و ارزش پول ملی انجام داده و گفته که «در مهرماه میزان تورم به ۵/۴۵ درصد رسید و اگر متوسط ۳۶۵ روزه نرخ دلار را ۵۲ هزار تومان در نظر بگیریم سال آینده متوسط ۳۶۵ روزه نرخ دلار به ۷۴ هزار تومان خواهد رسید».

پیمان مولوی افزوده «در صورتی که نرخ تورم کنترل نشود به ازای هر واحد تورم منهای میزان تورم در آمریکا که در محدوده ۴ درصد است کاهش ارزش ریال نه تنها محتمل است بلکه در حدود ۴۰ درصد هم آفت خواهد کرد».

این اقتصاددان معتقد است در صورتی که وضعیت تحریم‌ها سخت‌تر شود یا جنگی اتفاق بیفتد یا در بهمن‌ماه سال آینده و پس از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده یکی از جمهوریخواهان و یا دونالد ترامپ بر سر کار بیاید، اقتصاد ایران با شوک بدتری در زمینه نرخ ارز روبرو می‌شود.

محمدصادق مشایخ کارشناس اقتصادی نیز معتقد است که دیر یا زود فنر ارز رها می‌شود و با شوک ارزی مواجه خواهیم شد و باید در انتظار دلار ۷۵ هزار تومانی باشیم و همه کالاها باز هم گرانتر خواهند شد، اگر امروز نرخ دلار را در محدوده ۵۰ هزار تومان ثابت نگه داشته‌اند به این دلیل است که ممنوعیت کالایی برای واردات یکسری از کالاها وجود دارد.

پیش‌بینی افزایش قیمت دلار از سوی سعیدمشکات کارشناس بازار ارز نیز تأیید شده است. او در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» تأکید کرده که «دولت با درآمد نفتی بالایی که در چند ماه گذشته داشته و تزریقاتی که به بازار انجام داده، جلوی رشد نرخ دلار گرفته شده است و این فنر فشرده خواهد ماند.» این کارشناس بازار ارز گفته «مادامی که دولت درآمد نفتی دارد، این درآمد را به بازار تزریق می‌کند و جلوی آزاد شدن

واردات را می‌گیرد این فنر فشرده خواهد ماند. نخست، زمانی که قیمت نفت کاهش پیدا کند؛ دو، زمانی که فروش نفت کاهش یابد؛ سه، زمانی که دسترسی به منابع فروش نفت کاهش پیدا کند و چهار، موقعی که قاچاق به کشور زیاد شود و تقاضای دلار کف بازار رشد کند، تا عده‌ای کالای قاچاق وارد کشور کنند، اینها مصادیقی از رها شدن فنر ارزی است.»

سعید مشکات افزوده تراز تجاری متغیر مهم دیگری است که به گفته مشکات اگر نامیزان و منفی باشد خودش می‌تواند به افزایش نرخ ارز و رها شدن این فنر بیانجامد: «تراز تجاری در حال حاضر منفی است. از ابتدای سال تا امروز ماهانه این نرخ در حالی منفی شدن بوده و حالا در هشتمین ماه سال یک عددی در حدود ۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود. این کسری فعلاً با پول حاصل از صادرات نفت پر شده است. اگر ورود پول نفت به مشکل بخورد با توجه به کسری تراز تجاری، دلار شروع به رشد می‌کند.»

همانطور که کارشناسان اقتصادی اشاره می‌کنند میان افزایش نرخ ارز با افزایش نرخ تورم و گرانی کالاها ارتباط مستقیم وجود دارد. کاهش ارزش پول ملی با توجه به اینکه در حال حاضر نیز ارقام درآمدی اقشار حقوق‌بگیر فاصله زیادی با هزینه زندگی دارد، به معنای گسترش فقر و فلاکت بیشتر در میان این اقشار است. در آنسو تقاضای افزایش دستمزدها از سوی اقشار کارگری و بازنشسته نیز از سوی دولت با پاسخ منفی روبرو شده است.

سهراب دل‌انگیزان اقتصاددان در گفتگو با وبسایت «اقتصاد آنلاین» در اینباره گفته که اگر روند اقتصاد ایران از سال ۹۷ تا الان را بررسی کنیم مشاهده می‌کنیم با وجود تورم سنگین، دستمزدها ترمیم نشده است.

به گفته این اقتصاددان، در سال ۱۴۰۱ قیمت‌ها نسبت به سال ۱۳۹۵ به میزان ۶/۴ درصد افزایش یافته اما دستمزد کارگران تنها ۳ برابر شده است، حقوق کارکنان بخش دولتی هم ۲/۴ برابر شده که این به معنای شتاب گرفتن پروژه فقیرسازی کارگران و کارمندان است چرا که کارگران در سال

۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۵ تا ۵۲ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند ضمن اینکه کارکنان دولتی هم ۶۱ درصد از قدرت خرید خود را نسبت به سال ۱۳۹۵ از دست داده‌اند. سهراب دل‌انگیزان معتقد است که «عملاً خانوارهای طبقه متوسط به دره فقر سقوط کرده‌اند. تمام رفاهیات خانوار ایرانی از بین رفته است؛ عمده منابع درآمدی صرف مسکن و خوراک می‌شود و مشاهده می‌کنیم بهداشت، آموزش و مسائل معنوی از سبد هزینه خانوارها به کلی حذف شده به شکلی که امروز حتی قدرت خرید پوشاک هم از بین رفته و مردم مجبور به خرید پوشاک تاناکورا شده‌اند.» سال گذشته حداقل دستمزد کارگران چهار میلیون و ۱۷۹ هزار تومان بود که با مصوبه شورای عالی کار به پنج میلیون و ۳۰۷ هزار و ۳۳۰ تومان افزایش یافت و اگر کارگری همه مزایای شغلی را دریافت کند در نهایت دریافتی او حدود ۵/۸ میلیون تومان خواهد بود که با نرخ تورم و هزینه زندگی در ایران فاصله‌ی عمیقی داشت. با افزایش تورم از ابتدای سال تا کنون، فاصله میان دستمزد و هزینه‌ها هر ماه نسبت به ماه گذشته بیشتر شده است.

هفته گذشته پس از ماه‌ها انتظار نشست شورای عالی کار در هفته جاری برگزار شد و در حالی که اقشار کارگری امیدوار بودند در این نشست تصمیم جدیدی برای افزایش دستمزد گرفته شود، این نشست بدون نتیجه پایان یافت.

پس از این نشست، محسن باقری از اعضای شورای عالی اعلام کرد که قرار شده تا پایان آبان‌ماه بحث ترمیم دستمزد طی جلساتی با حضور نمایندگان طرفین به صورت کارشناسی بررسی شود و در نهایت در پایان آبان‌ماه جلسه‌ی ترمیم دستمزد به صورت رسمی تشکیل شود.

دو روز پس از اظهارات محسن باقری اما صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اما آب پاکی را روی دست کارگران ریخت و اعلام کرد دستمزدها افزایش نخواهد کرد. صولت مرتضوی گفته که قانونگذار تعیین کرده حقوق و دستمزد باید سالانه تعیین شود و پیشنهاد تعیین متناوب دستمزد کارگران در یک سال غیرقانونی است.

تورم بازار مسکن بخشی از خانوارهای کارگری را «چادر نشین» کرد



بیکاری، جمعیتی بیشتری را به سمت شهرهای بزرگ ناگزیر کرده و منجر به افزایش جمعیت این طیف شده است. «اکبر شوکت رئیس کانون کارگران ساختمانی نیز کارگران را «مسکن‌سازان بی مسکن» خوانده و گفته بر اساس مطالعه‌ای که کانون کارگران ساختمانی انجام داده است، حدود ۵۰ درصد از کارگران ساختمانی ایرانی در فقیرنشین‌ترین محلات شهری مستاجر هستند.

اکبر شوکت معتقد است که موضوع مسکن بسیار پیچیده است که متأسفانه همیشه در تمام محاسبات و در تمام بحث‌های مربوط به سید معیشت خانوارهای کارگری در مذاکرات مزدی، کنار گذاشته می‌شود. هیچ زمان در مذاکرات مزدی کارگران، در ارتباط با هزینه‌های واقعی مسکن بحث جدی نمی‌شود و محاسبات دقیق صورت نمی‌گیرد.

در این میان دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی پیش از دو دهه است که وعده ساخت مسکن ارزان می‌دهد و چندین طرح مختلف را هم در میان برنامه‌های چهار ساله دولت ارائه کردند اما با وجود هزینه گزاف، هیچ یک از این طرح‌ها نتوانسته به اهداف خود دست پیدا کند.

دولت ابراهیم رئیسی نیز وعده ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی و در مجموع چهار میلیون واحد مسکونی در طول چهار سال عمر دولت را داده بود اما اکنون با گذشت بیش از دو سال از عمر دولت سیزدهم، دولت باید دستکم دو میلیون واحد مسکونی می‌ساخت که این اتفاق نیافتاده است. دولت به تازگی پرداخت وام ۲ میلیارد تومانی خرید مسکن به شعب بانک مسکن ابلاغ کرده است. افزایش رقم وام مسکن در حالی با تبلیغات گسترده دولت و رسانه‌های حکومتی همراه شده که این وام نیز با اقساط ۳۷ میلیون تومانی و سود ۷/۸ میلیارد تومانی، ناکارآمد و بی‌خاصیت ارزیابی می‌شود.

در چنین شرایطی صولت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تازگی وعده داده که «تلاش می‌کنیم در موضوع تعهد دولت سیزدهم مبنی بر تأمین یک میلیون واحد مسکونی در قالب طرح نهضت ملی مسکن، بتوانیم کمک ویژه‌ای انجام دهیم تا کارگران نیز صاحب خانه شوند.»

این وعده نیز مانند دیگر وعده‌های دولت رئیسی بی‌مبنا بوده و بدون شک نخواهد توانست کارگران و دیگر حداقل‌بگیران را بحران جدی مسکن رها کند.

به گفته وی قیمت مسکن به‌صورت نجومی افزایش یافته، به عنوان نمونه یک واحد حدود ۶۰ تا ۷۰ متری در محله نیروگاه قم که سال پیش (۱۴۰۱) صد میلیون رهن کامل بود، در اردیبهشت ماه سال جاری (۱۴۰۲) به ۴۰۰ میلیون تومان رهن رسیده بود و اکنون بیشتر است.

فرامرزنوفیقی، فعال کارگری نیز گفته افزایش اجاره‌بها و افزایش هزینه‌های زندگی کارگران را حاشیه‌نشین کرده است. به گفته این فعال کارگری «اتلاف وقت در مسیرهای پرترافیک ورودی تهران، استرس‌های رسیدن به محل کار و فشارهای روحی مانند در ترافیک سلامت کارگران را بطور جدی به مخاطره می‌اندازد. آستانه تحمل چنین کارگری در مقابل فشارها و بیماری‌ها پایین می‌آید و از سوی دیگر، سهم او از بهره‌وری تولید به شدت کاهش می‌یابد. کارگر قبل از رسیدن به سر کار، در طول مسیر دچار فرسایش روحی و خستگی شده لذا در مراودات اجتماعی هم با مشکل مواجه می‌شود، چون دیگر زمانی برای ارتباطات اجتماعی و معاشرت حتی با خانواده بلافاصل خود ندارد!»

فرامرزنوفیقی افزوده که «این نگرانی که «آیا سال بعد باز هم می‌توانم در این مسکن کوچک و بی‌کیفیت حاشیه شهر زندگی کنم یا باز مجبور می‌شوم مهاجرت کنم» همه آرامش خانواده را سلب می‌کند و توان کار را از کارگر می‌گیرد.»

این فعال کارگری تأکید کرده که «یک کارگر بعد از اینکه توانست در دورترین منطقه حاشیه شهر یک خانه کوچک اجاره کند، چالش بزرگ بعدی پیش می‌آید. حالا که بیشتر حقوقم را پای اجاره خانه داده‌ام، چه باید خورد؟ آموزش فرزندان را چه کنم؟ برای درمان از کجا بیاورم هزینه کنم؟» محسن پیرهادی رئیس فراکسیون مدیریت شهری مجلس شورای اسلامی هم افزایش حاشیه‌نشینی را به عنوان «نمود رشد فقر شهری» ارزیابی کرده و گفته که «متأسفانه در دهه اخیر با کوچ بسیاری از طیف محروم روستایی و کارگر به حاشیه شهرها شاهد رشد قابل توجه آن هستیم و طبق بررسی‌های انجام شده، بیش از ۱۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در بافت‌های غیررسمی شهری ساکن شده‌اند.»

رئیس فراکسیون مدیریت شهری مجلس شورای اسلامی درباره علت رشد این مناطق در حاشیه شهرها گفت: «افزایش قیمت خرید و اجاره مسکن در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، تغییرات اقلیمی و به‌خصوص بحران آب و

● قیمت مسکن در کنار درآمدهایی که در نهایت حدود ۳۰ درصد افزایش سالانه داشته سبب شده حقوق‌بگیران نه تنها امکان خرید خانه را نداشته باشند بلکه حتی در پرداخت اجاره‌بها نیز با بحران‌های جدی روبرو باشند.

● رئیس انجمن صنفی کارگران گچکار قم اعلام کرده مسئله مسکن چنان حاد شده که برخی از کارگران به ویژه کارگران ساختمانی به دلیل ناتوان بودن در پرداخت اجاره، در چادر زندگی می‌کنند.

گرانی مسکن سهم ۷۰ درصدی در تورم ماهانه مهرماه امسال را به خود اختصاص داده و دولت هم نتوانسته وعده ساخت مسکن ارزان برای خانه‌دار شدن مستأجران را عملی کند. در آنسو فعالان کارگری می‌گویند برخی خانوارهای کارگری به دلیل ناتوانی در پرداخت اجاره در چادر زندگی می‌کنند.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه نشان می‌دهد در نخستین ماه پاییز امسال مسکن سهم ۷۰ درصدی در تورم ماهانه را به خود اختصاص داده است. بر اساس این گزارش تورم ماهانه بخش مسکن در این ماه ۵۱ درصد بوده است. بانک مرکزی نیز اعلام کرده که میانگین قیمت مسکن در ماه مهر را اعلام کرده که بر این اساس هر مترمربع مسکن در شهر تهران ۷۶ میلیون تومان بوده است.

مرکز آمار ایران ماه گذشته اعلام کرده بود که متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در تهران در شهریور امسال به ۷۷ میلیون تومان در مترمربع رسیده که ۷۹ درصد نسبت به شهریور پارسال، افزایش از خود نشان می‌دهد. این در حالیست که طبق گزارش همین مرکز، نرخ تورم سایر کالاها عددی حدود ۴۶ درصد است.

بر اساس آمارها مقایسه قیمت زمین با سایر دارایی‌ها و بازارهای مالی طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد طی ۳۰ سال اخیر قیمت زمین درحالی در ۲۰ شهر منتخب بطور میانگین ۳۰۰ برابر شده که این میزان در شهر تهران بیش از ۱۱۰۰ برابر شده است. رشد ۱۱۰۰ برابری قیمت زمین در تهران درحالی است که در همین مدت دلار در بازار آزاد ۱۴۳ برابر و سکه نیز ۷۲۷ برابر شده است.

از سوی دیگر گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد متوسط قیمت مسکن شهر تهران در پاییز سال ۱۳۸۹، یک میلیون و ۱۸۳ هزار تومان بوده است؛ این میانگین قیمتی، ۱۲ سال بعد یعنی پاییز ۱۴۰۱ در اتفاقی بی‌سابقه تا ۴۸ میلیون و ۲۸۸ هزار تومان رشد کرده است. به بیان دیگر متوسط قیمت مسکن شهر تهران در بازه زمانی پاییز ۱۳۸۹ تا فصل مشابه آن در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۶ برابر شده و حدود دو هزار و ۵۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

این ارقام تکانه‌دهنده در کنار درآمدهایی که در نهایت حدود ۳۰ درصد افزایش سالانه داشته مشخص می‌کند که افشار حقوق‌بگیر و به ویژه حداقل‌بگیرانی مانند کارگران نه تنها امکان خرید خانه را ندارند بلکه حتی در پرداخت اجاره‌بها نیز با بحران‌های جدی روبرو هستند.

در همین رابطه فعالان کارگری از حاشیه‌نشینی کارگران و حتی زندگی بسیاری از خانوارهای کارگری در چادر خبر می‌دهند. داوود کشوری رئیس انجمن صنفی کارگران گچکار قم به تازگی اعلام کرده که «مسئله مسکن چنان حاد شده که برخی از کارگران بویژه کارگران ساختمانی که به صورت فصلی مشغول کارند به دلیل ناتوان بودن در پرداخت اجاره، در چادر زندگی می‌کنند.»

تشدید خشم و نارضایتی اصناف؛ افزایش تجمعات اعتراضی در ایران



تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات - ۱۵ آبان ۱۴۰۲

در یکی دیگر از تجمعات اعتراضی روز یکشنبه، جمعی از پرستاران، کارکنان درمانی و دانشجویان پزشکی بیمارستان «امام خمینی» در ارومیه، برای دومین روز متوالی در محوطه این بیمارستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع در اعتراض به نحوه پرداخت تعرفه، که از اردیبهشت ماه سال جاری تغییراتی در آن صورت گرفته و سبب کاهش رقم دستمزد پرستاران شده، برگزار شد.

همچنین روز یکشنبه ۱۴ آبان تعداد زیادی از تاکسی‌داران پایتخت در اعتراض به عدم تحقق مطالباتشان، مقابل سازمان تاکسیرانی در تهران تجمع برگزار کردند.

بخشی از اعتراضات صنفی نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای شغلی برگزار می‌شود. کارگران شرکت «ارمه نو» شاغل در پتروشیمی مکران روز دوشنبه پانزدهم آبان ماه به دلیل عدم پرداخت معوقات پنج ماهه خود با حضور در برابر ضلع غربی ورودی شرکت دست به اعتصاب زده و از ورود مسئولین شرکت به محل کارگاه جلوگیری کردند.

به گزارش منابع صنفی ۱۵۰ کارگر این شرکت ساختمانی مهندسی زیر شعبه پتروشیمی از خرداد امسال حقوق و معوقات دریافت نکرده و صبح دوشنبه پس از ماه‌ها درخواست و عدم رسیدگی دست به اعتصاب زده‌اند، و خواستار پرداخت حقوق ۵ ماه خود شده‌اند.

کارگران مجموعه شهرداری ایران‌شهر، کارگران شهرداری ایلام، کارگران شهرداری گنبدکاوس و کارکنان مخابرات روستایی کردستان و کارکنان شرکت‌های «خدمات اول» و «شسکام» در تهران نیز در هفته گذشته با برگزاری تجمعاتی از چند ماه حقوق عقب افتاده خود خبر دادند.

بازنشستگان فولاد نیز یکشنبه ۱۴ آبان در چند شهر ایران تجمعی سراسری با درخواست افزایش دستمزدها برگزار کردند. این بازنشستگان در پایان تجمع روز یکشنبه با صدور بیانیه‌ای با تأکید بر اینکه «تا رسیدن به مطالباتشان خیابان را رها نمی‌کنند» اعلام کردند ۲۱ آبان در تهران مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع می‌کنند. بازنشستگان کشوری و لشکری استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل در بیانیه مشترکی اعلام کردند تجمع هفتگی خود را از سه‌شنبه ۱۶ آبان از سر می‌گیرند و همزمان با بازنشستگان سایر استان‌ها تجمع کرده و تا رسیدن به خواست‌هایشان به اعتراض ادامه خواهند داد.

جهالت، مدیران خجالت خجالت»، «عزت بازنشسته، احیا باید گردد»، و «شرکت پردرآمد، چه بر سر تو آمد» از نمونه شعارهای بازنشستگان در این اعتراضات بود.

در استان خوزستان، روز یکشنبه چهاردهم آبان، شماری از کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در شرکت مناطق نفت خیز جنوب در اهواز، با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

همزمان جمعی از کارکنان رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در محل کار خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. این تجمع از چند روز پیش آغاز شده و روز دوشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۲ نیز ادامه داشته است.

«حذف کامل سقف حقوق»، «حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی»، «عودت کسورات مازاد مالیات»، «اجرای کامل ماده ۱۰»، «پرداخت بکپی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت» از جمله مطالبات این کارکنان اعلام شده است.

همچنین به گزارش «اتحادیه آزاد کارگران ایران» روز یکشنبه چهاردهم آبان، جمعی از کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در منطقه عملیاتی جزیره سیری و جزیره خارک در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به تجمع زدند. مطالبات این کارکنان نیز مشابه با کارکنان رسمی صنعت نفت در اهواز، «حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و عودت کسورات مازاد مالیات» بوده است.

صدها نفر از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی نیز روز یکشنبه ۱۴ آبان بار دیگر اعتراضات هفتگی خود معروف به «بکشنبه‌های اعتراض» را در چند شهر کشور برگزار کردند. بر اساس گزارش منابع صنفی بازنشستگان در چند شهر از جمله اهواز، کرمانشاه، دزفول، شوش، کرخه و هفت تپه در برابر ساختمان تأمین اجتماعی یا فرمانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان معترض خواستار ترمیم مستمری ماهانه، برخورداری از درمان رایگان و خدمات رفاهی مکفی و اجرای باقیمانده همسان سازی حقوق و پرداخت معوقه‌ی آن از سال ۹۹ تاکنون هستند. اجرای باقیمانده همسان سازی حقوق و پرداخت معوقه‌ی آن از سال ۹۹ تاکنون، از دیگر مطالبات بازنشستگان معترض بوده است.

● تشدید بحران‌های معیشتی، ناامیدی نسبت به بهبود عملکرد جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد، و نارضایتی عمومی از حکومت، همگی سبب افزایش تجمعات اعتراضی در روزهای گذشته شده است.

● بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان مخابرات، بازنشستگان فولاد، پرستاران، کارگران، کارکنان رسمی صنعت نفت و تاکسی‌داران از جمله اصنافی هستند که تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● بازنشستگان کشوری و لشکری استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل در بیانیه مشترکی اعلام کردند تجمع هفتگی خود را از سه‌شنبه ۱۶ آبان از سر می‌گیرند.

در روزهای گذشته تجمعات صنفی مختلفی از سوی کارگران، کارمندان و بازنشستگان برگزار شده است. تجمع کارکنان رسمی نفت در استان خوزستان، جزیره سیری و جزیره خارک از جمله تجمعات مهم صنفی در روزهای گذشته بوده است.

تشدید بحران‌های معیشتی، ناامیدی نسبت به بهبود عملکرد جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد، و نارضایتی عمومی از حکومت، همگی سبب افزایش تجمعات اعتراضی از سوی اصناف مختلف طی روزهای گذشته شده است. اصناف مختلف از بازنشستگان تا پرستاران و کارکنان صنعت نفت در تجمعاتی جداگانه در شهرهای مختلف کشور خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات صنفی و معیشتی خود شدند.

بازنشستگان شرکت مخابرات نیز روز دوشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۲ در شهرهای مختلف در اعتراض به بی‌تفاوتی مقامات جمهوری اسلامی به خواسته‌هایشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع سراسری در دستکم ۲۰ شهر از جمله شیراز، زنجان، تهران، بندر عباس، قزوین، زاهدان، ساری، تبریز، خرم‌آباد، اراک، یاسوج، رشت، مریوان، ایلام، اردبیل، کرمانشاه، سنندج، اصفهان، ارومیه، و اهواز برگزار شد.

«نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت»، «بازنشسته داد بزن، حقت رو فریاد بزن»، «معیشت خواربار، به‌روز باید گردد»، «وعده زیاد شنیدیم، نتیجه‌ای ندیدیم»، «وای از این

ایست قلبی یک متهم امنیتی در دادگاه انقلاب اسلامی؛ پنج جلد پرونده به خاطر «سهاجا یوگا»!



● سعید خادمی در جلسه دادگاه به دلیل فشار روانی و استرس ناشی از جو دادگاه، پس از آنکه چشمش به «پنج جلد پرونده» علیه خودش افتاد دچار ایست قلبی شد و چشم از جهان فرو بست.

● وکیل سعید خادمی گفته این شهروند به دلیل اینکه «سهاجا یوگا» کار می‌کرد تحت تعقیب قرار گرفته و به «اقدام علیه اسلام» متهم شده بود!

● سعید خادمی شهروند ۶۱ ساله ساکن تهران و کارمند یک موسسه پژوهشی وابسته به محمدجواد لاریجانی بود.

یک متهم امنیتی در ایران که به دلیل کار کردن «سهاجا یوگا» به «اقدام علیه اسلام» متهم شده بود، در جلسه محاکمه در دادگاه انقلاب اسلامی به دلیل فشار ناشی از جو دادگاه دچار ایست قلبی شد و جان باخت.

سعید خادمی شهروند ۶۱ ساله ساکن تهران و کارمند یک موسسه پژوهشی وابسته به محمدجواد لاریجانی، روز شنبه ۱۳ آبان در جلسه دادگاه به دلیل فشار روانی و استرس ناشی از جو دادگاه، پس از آنکه چشمش به «پنج جلد پرونده» علیه خودش افتاد دچار ایست قلبی شد و چشم از جهان فرو بست. به گفته حسین عسکری‌راد وکیل سعید خادمی، این شهروند به دلیل اینکه «سهاجا یوگا» کار می‌کرد تحت تعقیب قرار گرفته و به «اقدام علیه اسلام» متهم شده بود.

این وکیل دادگستری درباره چگونگی جان باختن موکلش در گفتگو با «شبکه شرق» گفته در جلسه دادگاه «پس از طرح سؤال دوم از سوی قاضی، آقای خادمی دست به پشتش گذاشت و آخ کشید و به سمت من افتاد. من بغلش کردم، پس از اینکه متوجه حال بدش شدم، او را کف دادگاه خواباندم و بلافاصله با پزشک مستقر دادگاه انقلاب تماس گرفتیم ولی متأسفانه این پزشک پس از ۸ دقیقه به جلسه رسید با اینکه فقط یک طبقه فاصله بود. پزشک گفت او فشارش افتاده و باید او را به پایین بیاورید که سرم وصل کنم، در همین فاصله، اورژانس رسید و حدود ۴۰ دقیقه برای احیای او تلاش کردند ولی متأسفانه نتیجه نداد و آقای خادمی حین جلسه جان خود را از دست داد.»

حسین عسکری‌راد توضیح داده که «آقای سعید خادمی در سال ۱۴۰۱ بیشتر از یک ماه بازداشت شده بود ولی آزاد شد. او از خانه به جلسه دادگاه آمد. دادگاه او دو مرتبه عقب افتاد و پریروز، بالاخره جلسه دادگاه در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. می‌ترسید که محکوم شود و این محکومیت در پرونده استخدای او اثر بگذارد. آقای خادمی بسیار مضطرب بود و توضیحات ما هم نتوانست به او کمک کند.»

این وکیل دادگستری درباره جزئیات عنوان اتهامی سعید خادمی نیز بیان کرد: «سعید خادمی یوگا کار می‌کرد، نوعی از یوگا که با عنوان «سهاجا یوگا» مشهور است ضابط، اقدامات آنان را تبلیغ علیه اسلام شناسایی کرده در حالی که کتابی تحت این عنوان در ایران منتشر شده و از قرار معلوم به چاپ سوم رسیده است. با این حال، این نهاد، اقدامات آنان را تبلیغ علیه اسلام در نظر گرفته بود و به همین واسطه هم مرحوم تحت فشار و استرس روانی بسیار زیادی قرار داشت.»

وکیل سعید خادمی گفته اتهام موکلش «مستند به ماده

و درمانی انجام شد.»

در ادامه گزارش خبرگزاری «میزان» آمده که «در حین انجام اقدامات درمانی و با تماسی که با مرکز اورژانس گرفته شده بود عوامل اورژانس نیز بر بالین فرد حاضر شدند که با وجود تلاش‌های گسترده قلب متهم از کار ایستاد.»

این «مقام دادگاه انقلاب تهران» به خبرگزاری «میزان» گفته که «مطابق نظر اولیه عوامل اورژانس علت مرگ ایست قلبی نوشته شد، اما با این وجود جسد برای بررسی کارشناسی و انجام آزمایش‌های تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شد.»

وبسایت «ایران اینترنشنال» نیز درباره درگذشت سعید خادمی به نقل از یک منبع آگاه نوشته که «آقای خادمی از زمان بازداشت تا زمانی تشکیل دادگاه و به خصوص در روز جلسه دادگاه استرس و فشار بسیار زیادی را تحمل کرد و می‌گفت الان بالای ۶۰ سال سن دارد و در صورتی در دادگاه محکوم شود و به زندان بیفتد توان تحمل حبس را ندارد. از اینکه آبرو و حیثیت‌اش خدشه‌دار شود و اینکه این دادگاه برایش سوء سابقه خواهد شد، بسیار نگران بود.»

این منبع آگاه در ادامه گفت: «در جریان جلسه دادگاه قاضی سوالاتی از آقای خادمی پرسید و او مشغول به دفاع از خود و پاسخ دادن به سوالات بود که به یکباره از حال رفت و نقش بر زمین شد. پس از دقایقی اعلام کردند که ایست قلبی کرده و از دنیا رفته است.»

قابل توجه اینکه در ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی که اتهام شهید خادمی بر اساس آن تعیین شده بود، آمده که «تامین مالی یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج یعنی حبس بیش از دو تا پنج سال می‌شود و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت‌المال مصادره می‌گردد.»

۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی بود که این ماده از سال ۱۴۰۰ به بعد، لازم‌الاجرا شده در حالی که فعالیت یوگایی او مربوط به قبل از سال ۱۴۰۰ است ولی متأسفانه دادرسی برای او کیفرخواست صادر کرده و برای او ۵ جلد پرونده تشکیل داده بودند. آقای خادمی چشمش که به پرونده‌ها افتاد، استرسش دو چندان شد و در نهایت، تمام کرد!

او افزوده که «آقای خادمی تخصص‌اش، کاربرد ریاضی در کامپیوتر بود. او کارمند یک موسسه پژوهشی وابسته به آقای محمدجواد لاریجانی بود. دیروز هم با انتشار خبر فوت، آقای لاریجانی هم بسیار ناراحت شد و تماس گرفت و گفت که تصور می‌کرده پرونده در دادرسی تمام شده است ولی خب متأسفانه اینطور نبود. آقای خادمی فردی بسیار ماخوذ به حیا بود بطوری که حتی به خانواده‌اش هم نگفته بود که جلسه رسیدگی به اتهاماتش قرار است برگزار شود و من خودم، خبر فوت را به خانواده‌اش دادم.»

خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه قوه قضاییه، نیز در خبری جان باختن سعید خادمی در جلسه دادگاه در پی ایست قلبی را تأیید کرده و بدون نام بردن از وی و توضیح اتهام‌اش نوشته بود که «در پی روند رسیدگی به یک پرونده با اتهامات امنیتی علیه دو متهم که به همراه وکلای خود در دادگاه انقلاب تهران حضور داشتند یکی از متهمان که زندانی نبوده و از منزل خود به مقصد دادگاه آمده بود، در صحن دادگاه حالش به هم خورد و متأسفانه با وجود تلاش‌های صورت گرفته فوت کرد.»

خبرگزاری قوه قضاییه به نقل از «یکی از افراد حاضر در صحن دادگاه» که مقام دادگاه انقلاب تهران نوشته که «متهم که با اتهام امنیتی در دادگاه حاضر شده بود در حال انجام دفاع از خود بود که حالش بد شد. در حضور وکلای حاضر در دادگاه که ۴ نفر بودند، پزشک مستقر در دادگاه انقلاب بر بالین متهم حاضر شد و بلافاصله اقدامات پزشکی

آمارهای تکان دهنده از وضعیت منابع آب کشور؛ چهار حوضه آبریز کشور دچار تنش آبی هستند

● ۱۱۰ میلیارد مترمکعب مجموع آب تولیدشده در کشور است که بر اساس شاخص‌های بین‌المللی باید برای ۴۰ درصد آن برنامه‌ریزی شود اما اکنون بیش از ۹۰ میلیارد مترمکعب آب در کشور مصرف می‌شود.

● نرخ مجاز فرونشست در جهان پنج میلی‌متر در سال است که در ایران به صورت نقطه‌ای حتی ۲۰ سانتی‌متر بوده است. در جنوب تهران تا سالانه ۱۸ سانتی‌متر فرونشست گزارش شده است.

● معاون وزیر نیرو از وجود ۲۰۰ نقطه دارای تنش آبی در فصول مختلف کشور خبر داده و گفته که در طس، زنجان و چاه‌نیمه‌های سیستان، آب‌های زیرزمینی دچار مخاطره هستند.

سخت‌گویی صنعت آب گفته بر اساس بررسی‌های صورت گرفته ایران در ۱۵ سال اخیر بدترین وضعیت را در سه سال اخیر داشته است. او همچنین گفته از شش حوضه آبریز کشور چهار مورد در شرایط تنش آبی قرار دارند و فقط دو حوضه در شرایط بدون تنش هستند.

فیروز قاسم‌زاده سخت‌گویی صنعت آب با ارائه آمارهای تکان‌دهنده‌ای از وضعیت منابع آب در ایران، گفته که میزان بارش‌ها در ایران طی یک قرن اخیر کاهش شدیدی یافته و این در حالیست که کشور با افزایش دما نیز روبروست. او گفته میزان تبخیر آب در نیم قرن اخیر ۲۱ درصد افزایش، و میزان بارندگی‌ها نیز طی این مدت ۱۴ درصد کاهش داشته است.

سخت‌گویی صنعت آب با بیان اینکه در سال‌های اخیر شاهد کاهش بارندگی‌ها در فصل زمستان نیز هستیم، گفته که هر نیم درجه افزایش دمای کشور بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب آب تجدیدپذیر را از دسترس خارج می‌کند.

فیروز قاسم‌زاده در ادامه آمارهای نگران‌کننده از وضعیت آبی کشور گفته که «۱۱۰ میلیارد مترمکعب مجموع آب تولیدشده در کشور است که بر اساس شاخص‌های بین‌المللی باید برای ۴۰ درصد آن برنامه‌ریزی شود اما اکنون بیش از ۹۰ میلیارد مترمکعب آب در کشور مصرف می‌شود.»

فرونشست زمین در ایران که در پی از بین رفتن منابع آب زیرزمینی طی سال‌های گذشته تشدید شده، از دیگر مواردی است که در آمارهای سخت‌گویی صنعت آب به آن اشاره شده است. او گفته که «نرخ مجاز فرونشست پنج میلی‌متر در سال است که در ایران به صورت نقطه‌ای حتی ۲۰ سانتی‌متر را تجربه کرده‌ایم. در جنوب تهران تا ۱۸ سانتی‌متر در سال به صورت موضعی گزارش فرونشست داشته‌ایم.»

این مقام صنعت آب همچنین گفته از میان ۳۱ استان ایران، ۱۸ استان میزان بارندگی زیرنرمال، شش استان بارندگی نرمال و هفت استان بارندگی بالای نرمال را تا روز ۱۲ ←



قاسم آvestه

ملاقات، به کام مرگ فرستاده شدند.

همچنین بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو»، سحرگاه چهارشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۲، حکم اعدام مجید ارتفاع زندانی اهل تهران در زندان قزلحصار کرج به اجرا در آمد.

به گفته یک منبع مطلع، مجید ارتفاع از سیزده سال پیش به اتهام قتل عمد بازداشت و بعدها توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شده بود.

در همین حال بنا به اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، روز چهارشنبه ۱۰ آبان حکم اعدام هفت زندانی دیگر که عمدتاً با اتهام «قتل عمد» به قصاص نفس (اعدام) محکوم شده بودند، در زندان قزلحصار کرج به اجرا درآمد.

پیشتر خبر اعدام دو زندانی، از جمله یک تبعه کشور افغانستان در همان روز در زندان قزلحصار اعلام شده بود. با اعدام‌های روز چهارشنبه، برای اولین بار در هفت سال گذشته تعداد اعدام‌های سالانه در ایران از مرز ۶۰۰ تن عبور کرد. این در حالیست که هنوز دو ماه به پایان سال میلادی ۲۰۲۳ مانده است.

به گفته محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران «جامعه جهانی باید به بیش از ششصد اعدام در ۱۰ ماه، یعنی دو قتل حکومتی در روز، توسط یک دولت عضو سازمان ملل که ریاست مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر این سازمان را هم بر عهده دارد، واکنش نشان دهد. سکوت به معنای تایید ضمنی این جنایات است.»

در همین حال، روز پنجشنبه یازدهم آبان نیز گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران منتشر شد.

وی در این گزارش ضمن انتقاد از «اعدام‌های گسترده، بازداشت‌های خودسرانه، محدودیت‌های آزادی بیان و اقدامات تبعیض‌آمیز علیه زنان و دختران در ایران»، نسبت به مواردی همچون «طرح‌های پیشنهادی دولت برای تشدید مجازات‌ها علیه زنان بی‌حجاب و محدودیت‌های فزاینده علیه آزادی بیان در فضای مجازی» ابراز نگرانی کرد.

دبیرکل سازمان ملل همچنین از مقامات جمهوری اسلامی ایران خواستار آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی شد. آمار سازمان حقوق بشر ایران که گزارش آن در شهریورماه منتشر شد نشان می‌دهد که پس از آغاز اعتراضات سراسری ایرانیان و جنبش «زن، زندگی، آزادی»، طی یکسال اخیر، مقامات جمهوری اسلامی به طرز کم‌سابقه‌ای از مجازات اعدام برای هراس‌افکنی در جامعه استفاده کرده‌اند.

در یکسال بعد از سپتامبر ۲۰۲۲ (ماه آغاز اعتراضات)، دست‌کم ۶۹۷ تن در ایران اعدام شدند. این آمار افزایش ۳۶ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال پیش از آن را نشان می‌دهد. هفت معترض در میان اعدام‌شدگان بودند.

در کنار اعدام‌های دیگر، حکم اعدام قاسم آvestه نیز پس از نزدیک به ۱۴ سال حبس اجرا شد

● بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو»، سحرگاه یکشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۲ حکم اعدام قاسم آvestه، زندانی مذهبی‌گردد اهل مهاباد پس از سپری کردن ۱۳ سال و ۹ ماه حبس، در زندان قزلحصار کرج اجرا شد.

● همچنین سحرگاه شنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۲ حکم اعدام سعید علی‌زهی، ۲۵ ساله و اسماعیل علی‌زهی، ۲۹ ساله و پدر دو فرزند، برادران بلوچ ساکن زابل در زندان مرکزی زاهدان به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر به اجرا درآمد. روز چهارشنبه ۱۰ آبان نیز حکم اعدام هفت زندانی که عمدتاً با اتهام «قتل عمد» به قصاص نفس (اعدام) محکوم شده بودند، در زندان قزلحصار کرج به اجرا درآمد.

حکم اعدام قاسم آvestه زندانی مذهبی‌گردد محبوس در زندان قزلحصار کرج پس از نزدیک به ۱۴ سال به اجرا درآمد. بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو»، سحرگاه یکشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۲ (۵ نوامبر ۲۰۲۳)، حکم اعدام قاسم آvestه، زندانی مذهبی‌گردد اهل مهاباد پس از سپری کردن ۱۳ سال و ۹ ماه حبس، در زندان قزلحصار کرج اجرا شد.

قاسم آvestه در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه منتقل شده بود.

وی به عنوان متهم ردیف آخر پرونده قتل «عبدالرحیم تینا» همراه با شش فعال مذهبی دیگر گرد به نام داوود عبداللهی، فرهاد سلیمی، انور خضری، خسرو بشارت، کامران شیخه و ایوب کریمی توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی مقیسه به اتهامات نظیر «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «عضویت در گروه‌های سلفی» و «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شده بودند.

همچنین بر اساس گزارش رسیده به این سازمان حقوق بشری، سحرگاه شنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۲ (۴ نوامبر ۲۰۲۳)، حکم اعدام سعید علی‌زهی، ۲۵ ساله و اسماعیل علی‌زهی، ۲۹ ساله و پدر دو فرزند، برادران بلوچ ساکن زابل در زندان مرکزی زاهدان اجرا شد. این دو زندانی پیشتر با اتهامات مرتبط با جرائم مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند.

به نوشته «حال و‌ش» که خبرهای استان سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد، سعید و اسماعیل علی‌زهی از دو سال پیش به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر بازداشت و سپس توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به اعدام محکوم شدند.

حکم اعدام این دو برادر در حالی اجرا شده که خانواده آنها مطلع نبوده و این زندانیان بدون حق استفاده از آخرین

→ آبان ماه تجربه کرده‌اند.

محمد جوانبخت معاون وزیر نیرو نیز روز یکشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۲ از وجود ۲۰۰ نقطه دارای تنش آبی در فصول مختلف کشور خبر داده و گفته بود که «در طبرستان، زنجان و چاه‌نیمه‌های سیستان، آب‌های زیرزمینی دچار مخاطره هستند و برای آنها پروژه تعریف شده؛ در مجموع ۸۴ طرح اضطراری رفع تنش آبی در ۳۱ استان کشور تعریف شده که ۱۹ هزار میلیارد تومان برای این بخش تخصیص یافته است.» محمد جوانبخت گفته بود که این طرح‌ها به دو دسته تأمین منابع آب و توزیع منابع آب تقسیم شده و بطور سالانه و برای عبور از هر سال آبی تدوین و تصویب و اجرایی می‌شوند.

این سخنان معاون وزیر نیرو نشان می‌دهد جمهوری اسلامی بیش از آنکه بر طرح‌های زیربنایی برای حل بحران

به منابع آبی و محیط‌زیست کشور وارد کرد. از یکسو همه استان‌های ایران درگیر خشکسالی شده و از سوی دیگر طرح‌هایی که با هدف مدیریت آب اجرایی شدند، یکی پس از دیگری با شکست روبرو و خسارت‌های بیشتری به بار آوردند.

یکی از آخرین اقدامات که در سفر دوم ابراهیم رئیسی به استان کردستان در آبان امسال رخ داد، افتتاح پروژه‌های «سد مخزنی سیازخ» در دیواندره و «سد مخزنی چراغ ویس» در سقز بود؛ پروژه‌هایی که نتیجه آن خسارت‌های گسترده محیط‌زیستی خواهد بود.

در همین رابطه محسن موسوی خوانساری کارشناس ارشد تأسیسات آب در مطلبی در روزنامه «پیام ما» نوشته که موقعیت این دو سد و حجم آب قابل تنظیم آنها به گونه‌ای است که حتما بعد از آبیگری و شروع بهره‌برداری کامل این

است که در مقیاس‌های مکانی کوچک‌تر از کل کشور (مثلاً مقیاس حوضه‌های آبریز درجه دو یا استان‌ها)، در برخی موارد وضعیت «شکست» حاصل شده و تحت این شرایط مصارف آب از منابع تجدیدپذیر مربوطه پیشی گرفته است. در ادامه هشدار داده شده که مصارف از منابع استاتیک زیرزمینی که طی سالیان متمادی ذخیره شده است، تأمین می‌شود که این موضوع به کسری مخزن می‌انجامد. نتیجه چنین روندی اختلال در امنیت غذایی و در نتیجه ناپایداری محیط زیست، ناامنی اجتماعی و سیاسی خواهد بود.

فیروز قاسم‌زاده سخنگوی صنعت آب پیش‌تر در نیمه‌ی مهرماه با بیان اینکه ۵ استان در سال آبی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱ بالای ۳۰ درصد کاهش بارش داشته‌اند و در وضعیت قرمز آبی هستند گفته بود که «استان‌های تهران، قزوین، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و خراسان رضوی ۵ استانی هستند که



دو سد، روان‌آب در رودخانه‌های قزل اوزن و زرینه رود کاهش می‌یابد و در نهایت عدم توجه به رهاسازی سهمیه حقایق محیط زیستی در این دو سد که غالباً رخ می‌دهد می‌تواند تأثیر منفی و مخربی روی خشک شدن دریاچه ارومیه و کاهش آب سد سفید رود و تالاب بوجاق در سواحل خزر داشته باشد.

در این مطلب با اشاره به اینکه «استان کردستان به علت موقعیت خاص خود که اغلب در بالادست رودخانه‌های اصلی کشور قرار گرفته می‌تواند نقش مهمی در ارسال آب به پایین دست داشته باشد» آمده که نگاه مسئولان به مسئله آب، نگاه فراگیر و در سطح ملی نیست بلکه نگاهی «نقطه‌ای» است.

این کارشناس تأسیسات آب به دولت هشدار داده که به یاد داشته باشند پس از این سفر به کردستان و افتتاح این دوسد، سفری به ارومیه و آذربایجان غربی خواهند داشت و قطعا در آن استان باید پاسخگوی خشک شدن دریاچه ارومیه، کمبود آب شرب تبریز و مسایلی از این قبیل در حوضه آبریز دریاچه ارومیه باشند و اگر سفری هم به گیلان داشته باشند، خواهند دید که مشکلات کمبود آب در سد سفید رود هم شرایط دشواری را برای کشاورزان شالیکار گیلانی فراهم آورده است.

به لحاظ کاهش بارش‌ها و تداوم سال‌های خشک، ورودی سدها و آبخوان‌های آنها نیز پایین بوده است.»

در روزهای نخست مهرماه نیز احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و خشکسالی سازمان هواشناسی نیز در همین ارتباط گفته بود: «کم بارشی‌های سه سال گذشته در کشور به حدی بوده است که اگر میزان کمبود بارش نسبت به شرایط نرمال را در برخی مناطق کشور جمع بزنیم، گویی عملاً یک سال هیچ بارانی در کشورمان نباریده است.»

به گفته احد وظیفه تداوم کم‌بارشی‌ها در سه سال متوالی نیز باعث شده است که در بسیاری از مناطق کشور، رطوبت خاک از بین برود و این در حالی است که در این مدت، مصرف بالای آب به خصوص در بخش کشاورزی ادامه داشته و به ویژه برداشت‌های فراوانی از سفره‌های آب زیرزمینی صورت گرفته است.

احد وظیفه تأکید کرده بود: «حتی اگر در پاییز و زمستان امسال شاهد فصل‌های بسیار پربارشی باشیم، باز هم معضل کم‌آبی در کشورمان برطرف نخواهد شد، زیرا سه سال آبی متوالی است که اغلب نقاط کشورمان با کم‌بارشی محسوسی مواجه است.»

جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته با سوءمدیریت در زمینه منابع آبی، خسارت گسترده و حتی جبران‌ناپذیری

کمبود آب و عوارض ناشی از آن مانند گسترش پرسرعت پدیده فرونشست تمرکز کند، با چنان بحرانی در تأمین و توزیع منابع آب روبروست که طرح‌های سالانه را در دست اجرا دارد. آمارهای ارائه شده درباره وضعیت ذخایر آب پشت سدها، منابع آب زیرزمینی و اثرات کاهش این منابع، از جمله فرونشست‌ها و خشکی دشت‌ها، و همچنین تنش‌های آبی در شهرها و استان‌های مختلف نیز نشان از آینده‌ای تکانه‌دهنده در کشور در صورت ادامه رویه کنونی است.

محمد سرگزی نماینده سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی نیز روز یکشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۲ از کمبود ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب در سیستان و بلوچستان خبر داد و گفت: «اکنون منابع چاه‌نیمه‌ها که مهم‌ترین منبع تأمین آب در سطح استان بوده به واسطه عدم ورودی از سمت هیرمند در حال اتمام است و با توجه به مدیریت و قطعی‌های چندگانه از حجم مرده مخزن هم استفاده می‌شود.» مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز به تازگی در گزارشی از کسری مخازن زیرزمینی به میزان بیش از ۱۴۳ میلیارد مترمکعب در چهار دهه اخیر خبر داده و تأکید کرده امنیت آبی منتج از امنیت غذایی کشور در سال‌های آینده با مخاطرات جدی‌تر روبرو می‌شود. مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید کرده که شرایط به گونه‌ای

بحران در صنعت فرش ایران و مهاجرت تولیدکنندگان فرش ایرانی به افغانستان و پاکستان

افسارگسیخته، یا کار نمی‌کند یا درخواست می‌کند که حقوقش را بیشتر کنند ولی این مطابق با قرارداد بسته شده نیست و این یکی از مشکلاتی است که با آن دست به گریبانیم.» این فعال صنفی تأکید کرده که در چنین شرایطی دیگر تولید برای تولیدکننده نمی‌صرفد. برای همین است که برخی از تولیدکننده‌ها به کشورهای دیگر از جمله افغانستان، پاکستان و... می‌روند.

مدت‌هاست تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش ایرانی درباره از دست رفتن جایگاه فرش ایرانی در جهان هشدار داده و معتقدند این صنعت با مشکلات پیچیده‌ای روبرو است. در حالی که یک دهه پیش ایران بیش از ۲۵ درصد تجارت جهانی فرش را در اختیار داشته، فضای اقتصادی و کسب و کارهای حوزه فرش دستباف به سمتی رفته که حالا این رقم به کمی بیش از ۷ درصد رسیده است. برخی از فعالان صنفی تأکید دارند که صادرات فرش ایرانی نیز به صفر رسیده است. احد عظیم‌زاده عضو اتاق بازرگانی ایران و رئیس اتحادیه فرش‌فروشان تبریز هفته گذشته با بیان اینکه «دولت صادرات را فلج کرده و برای فرش تعهد ارزی در نظر گرفته» اعلام کرده که صادرات فرش ایران قبل از انقلاب ۶۷ درصد بود که بعد از آن به ۴۲، ۳۵، ۲۸ درصد، دو سال پیش به ۱۷ درصد و اکنون به نیم درصد رسیده است.

احد عظیم‌زاده با اشاره به تعهد ارزی در نظر گرفته شده برای صادرکنندگان فرش افزوده که «برای فرش نباید برای پیمان ارزی در نظر بگیرند صادرات فرش باید آزاد باشد و این در حالی است که بعد از یک سال که یک‌دهم فرش هم فروخته نمی‌شود که ما بخواهیم ارز را در اختیار نیما قرار دهیم، با این کار صادرات را از بین برده‌اند.»

او گفته «اجازه نمی‌دهند که فرش‌های مرجوعی به ایران عودت داده شود و به این ترتیب بزرگترین ضربه را به صادرات فرش وارد کرده‌اند، بنده نفر اول فرش ایران هستم اما اگر پاره‌ای مسائل نبود، این شغل را رها می‌کردم، زیرا دولت به این شغل بها نمی‌دهد در حالی که فرش شناسنامه دوم کشور است و ایران را با فرش می‌شناسند اما دولت این صنعت را رها کرده است.»

این فعال صنفی همچنین نسبت به بیکاری شاغلان در صنعت فرش کشور هشدار داده و گفته ۲ میلیون و ۵۷ هزار نفر بافنده فرش داریم و در واقع سرجمع ۱۰ میلیون نفر از مسیر این صنعت امرار معاش می‌کنند که حدود ۱۲ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شود، هیچ صنعتی نمی‌تواند تا به این حد بدون سرمایه‌گذاری اشتغال‌زایی داشته باشد.

به گفته رئیس اتحادیه فرش‌فروشان تبریز، زمان دولت نهم ابتدا ۱۰ درصد و بعد ۵ درصد برای صادرکننده سوبسید در نظر گرفتند اکنون این قضیه برعکس شده و گفته شده که از هر دلار ۵۰ هزار تومانی ۴۰ هزار تومان به صادرکننده و مابقی در اختیار دولت قرار گیرد و این صادرات فرش را فلج می‌کند و اگر بافندگان بیکار شوند بزرگترین خیانت به این صنعت خواهد بود.

اتاق بازرگانی تهران موانع و مشکلاتی که در تولید و صادرات فرش دستباف وجود دارد را اینطور ارزیابی کرده که موضوع مهم و تاثیرگذار در روند کاهش سهم جهانی فرش دستباف ایران، نه رکود اقتصادی، بلکه به وجود آمدن رقبای جدید تولیدکننده و تبلیغات جهانی و



می‌شوند و با رفوگرهای ایرانی، این فرش‌ها ترمیم می‌شوند. ارز و هویت این مهم را ترکیه بهره‌بردار می‌کند. قائم مقام اتحادیه کشوری فرش دستباف افزوده که «وقتی این روزها می‌خواهیم با بافنده قراردادی ببندیم، می‌بینیم بعد از ۶ ماه قرارداد تمام نشده، بافنده به دلیل تورم

بخش زیادی از بافنده‌ها و تولیدکنندگان فرش دستباف ایرانی به دلیل مشکلاتی چون درآمد ناچیز و عدم برخورداری از بیمه مهاجرت کرده‌اند.

قائم مقام اتحادیه کشوری فرش دستباف: «فرش‌های ایرانی که باید به ایرانی بیاوند و در داخل کشور ترمیم شوند، به ترکیه فرستاده می‌شوند و با رفوگرهای ایرانی، این فرش‌ها ترمیم می‌شوند. ارز و هویت این مهم را ترکیه بهره‌بردار می‌کند.»

صادرات فرش ایران قبل از انقلاب ۶۷ درصد بود که دو سال پیش به ۱۷ درصد و اکنون به نیم درصد رسیده است.

قائم مقام اتحادیه کشوری فرش دستباف از مهاجرت تولیدکننده‌های فرش دستباف ایرانی به دیگر کشورها از جمله افغانستان، پاکستان خبر داده و گفته فرش‌های ایرانی در ترکیه و توسط رفوگران ایرانی ترمیم می‌شوند.

محمدعلی زرینه کفش قائم مقام اتحادیه کشوری فرش دستباف با بیان اینکه «صنعت فرش دستباف هیچوقت مهندسی نشده و خلاءهای بزرگی در آن دیده می‌شود» گفته بخش زیادی از بافندگان و تولیدکنندگان فرش دستباف ایرانی به دلیل مشکلاتی چون درآمد ناچیز و عدم برخورداری از بیمه مهاجرت کرده‌اند.

به گفته محمدعلی زرینه کفش، رفوگرهای ایرانی دارند جذب ترکیه می‌شوند و فرش‌های ایرانی که باید به ایرانی بیاوند و در داخل کشور ترمیم شوند، به ترکیه فرستاده

نابودی فرش ایرانی در جمهوری اسلامی!



۲۸، ۳۵ درصد سقوط کرد و دو سال پیش به ۱۷ درصد رسید و حالا به نیم درصد رسیده است!

فرش ایران که سالیان سال یک‌ه‌تاز بازار فرش جهان بود و در رتبه اول قرار داشت، اکنون به جایگاه ششم سقوط کرده و هند و پاکستان و نپال بازارها را اشغال کرده‌اند. از دست رفتن بازار فرش ایرانی در جهان تنها آسیب وارده به این صنعت قدیمی ایرانی نیست. در بازار داخلی نیز فرش دستباف ایرانی جای خود را به فرش ترک و افغان داده است.

زنوفون فیلسوف و مورخ یونانی بیش از سیصد سال پیش از میلاد در کتاب «سیرت کوروش کبیر» می‌نویسد: ایرانیان برای اینکه بسترشان نرم باشد، قالیچه زیر بستر خود می‌گسترند. قدمت و شهرت هنر فرش ایرانی در جهان به هزاران سال پیش بازمی‌گردد. در دوره ساسانی فرش ایرانی کالای صادراتی به چین بوده است.

اما سهم صادرات فرش ایران که در دوره پادشاهی پهلوی ۶۷ درصد بود، با روی کار آمدن جمهوری اسلامی به ۴۲،

طالبان سه ایرانی را به اتهام «همکاری با موساد» تحويل جمهوری اسلامی می‌دهد



تصویری از سه متهم به جاسوسی برای موساد که منابع طالبان منتشر کردند

وبسایت خبری «تحولات جهان اسلام» در اینبار می‌نویسد: «تدارک و اجرای چنین دست‌اندازی‌هایی در شرایط بحرانی فعلی اسرائیل قابل انتظار بود. تأسیسات هسته‌ای، اماکن نظامی و مناطق مرزی ایران می‌تواند مورد دست‌اندازی‌ها واقع شود. کما اینکه از ابتدای جنگ فلسطین تا کنون دستگاه‌های رسانه‌ای فارسی‌زبان اسرائیل بارها تلاش کرده‌اند تا تحولات تروریستی در استان‌های مرزی سیستان و بلوچستان و کردستان و همچنین مسائل سیاسی و اجتماعی را فعال کنند اما به دلایل متعددی در این امر ناموفق بوده‌اند.»

در سال‌های اخیر به ویژه پس از خیزش سراسری ۱۴۰۱ نهادهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی بارها گزارش دادند تیم‌هایی وابسته به اسرائیل و آمریکا را که جاسوسی می‌کردند یا قصد ورود محموله اسلحه و چاشنی‌های انفجاری به ایران داشتند بازداشت کرده‌اند.

در بعضی موارد افرادی که اغلب از شهروندان بلوچ یا گُرد بودند تحت شکنجه و تهدید مجبور به اعترافات اجباری شدند. پس از پخش این اعترافات گزارش شد که این افراد اعدام شدند. در مواردی هم ابتدا حکم اجرا شده اما تحت فشار افکار عمومی ویدیویی یا بازجویی و اعترافات اجباری از این متهمان در صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شده است.

اکنون برای نخستین بار است که گزارش شده وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با عوامل اطلاعاتی طالبان همکاری کرده‌اند.

● اعلام شده است که «طالبان به زودی افراد دستگیر شده را جهت بازجویی و مجازات به ایران منتقل خواهد کرد».

● همچنین ادعا شده که «این سه مأمور موساد» قصد داشتند پهنادهای انتحاری از سوی مرز افغانستان به سمت اهدافی در ایران پرتاب کنند.

● وبسایت خبری «تحولات جهان اسلام» در اینبار می‌نویسد: «تدارک و اجرای چنین دست‌اندازی‌هایی در شرایط بحرانی فعلی اسرائیل قابل انتظار بود. تأسیسات هسته‌ای، اماکن نظامی و مناطق مرزی ایران می‌تواند مورد دست‌اندازی‌ها واقع شود.»

همزمان با ادامه عملیات زمینی اسرائیل علیه حماس در غزه منابع داخلی در ایران روز شنبه ۱۳ آبان‌ماه گزارش دادند در «همکاری مشترک» وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعات طالبان، سه نفر از «عوامل موساد» در مناطق مرزی افغانستان بازداشت شدند.

از سوی رسانه‌های مختلف اطلاعات پراکنده‌ای در اینبار منتشر شده است. برخی نوشته‌اند این افراد «در مناطق کوهستانی بین دو کشور دستگیر شدند».

تأیید یا رد این ادعا بطور مستقل ممکن نیست اما ادعا شده این افراد ملیت ایرانی داشتند و قصد اجرای حملاتی با استفاده از پهنادهای انتحاری به خاک ایران و اختلاف‌افکنی بین جمهوری اسلامی و طالبان را داشته‌اند.

در این گزارش آمده «طالبان به زودی افراد دستگیر شده را جهت بازجویی و مجازات به ایران منتقل خواهد کرد».

گاهی توانمندی‌های تولیدی با داشتن هزینه تولید پایین برخی کشورهای رقیب است. اکنون هند، پاکستان، نپال و چین از این مزیت نسبی برای تولید در مقابل ایران برخوردارند.

این گزارش اصلی‌ترین چالش‌های موجود در صنعت فرش را در سه محور تامین مواد اولیه، تولید فرش و توزیع بازاریابی و فروش طبقه‌بندی کرده است. بر این اساس در محور تامین مواد اولیه؛ خام‌فروشی مواد اولیه به دلالت خارج کشور، استفاده از مواد اولیه نامرغوب و باکیفیت پایین، عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته در تولید مواد اولیه از جمله رنگ و نخ، بخشی از چالش‌های صنعت فرش است. همچنین از جمله مشکلات این صنعت در محور تولید فرش به بهره‌گیری از محیط غیراستاندارد برای تولید فرش، کم توجهی به حقوق و مزایا و بیمه کارگران شاغل در این صنعت، عدم بهره‌گیری از کارگاه‌های متمرکز، عدم توجه به سلیق و نیازهای مصرف‌کنندگان، عدم دسترسی به اطلاعات و نیازهای بازار، عدم حمایت مادی و معنوی دولت از بافندگان فرش دستباف برمی‌گردد.

اتاق بازرگانی تهران افزوده بود که در محور توزیع هم بازاریابی و فروش و نیز قانون تعهد ارزی، رویکردهای سنتی بازاریابی، تبلیغات سنتی و عدم انطباق با شیوه‌های تبلیغاتی بازارهای مقصد، عدم رعایت استانداردهای بسته‌بندی و ارسال فرش، مسائل سیاسی و تحریم‌ها را می‌توان نام برد.

فیصل مرداسی رئیس پیشین سازمان ملی فرش نیز به تازگی در گفتگو با «تجارت‌نیوز» با انتقاد از سیاست‌های ارزی بانک مرکزی گفته بود که «یکی از مشکلات حوزه صادرات فرش، نحوه محاسبه قیمت پایه صادراتی است. بطور مثال قیمت واقعی یک محصول یک دلار است، در حالی که قیمت آن توسط دولت دو دلار محاسبه شده است. این یعنی صادرکننده دو برابر ارزش واقعی کالا باید متعهد شود.»

رئیس پیشین سازمان ملی فرش با اشاره به اهمیت صادرات فرش دستباف و جایگاه آن در فرهنگ کشور گفت: فرش دستباف فقط یک محصول صادراتی نیست، بلکه یک محصول هنری و صنعتی است که هویت ملی یک ملت را نشان می‌دهد، پس سیاست‌ها و ابزارهای حمایتی نباید فقط از سوی سازمان ملی فرش یا وزارت صمت باشد، بلکه همه دستگاه‌ها باید از این صنعت حمایت کنند. اما متأسفانه شاهد هستیم که برخی از این نهادها در مسیر صادرات سنگ اندازی می‌کنند.

فیصل مرداسی نیز نسبت به تعهد ارزی در نظر گرفته شده برای صادرات فرش انتقاد کرده و گفته که «فلسفه تعهد ارزی برای کالاهایی است که در پروسه تولید آن از پارانه‌های مختلف استفاده می‌شود، مانند صنایع فولاد و پتروشیمی که صادرکنندگان آن باید تعهد بدهند در قبال استفاده از انرژی و مواد اولیه ارزان‌تر از سایر کشورها و رقبا ضمانت می‌دهیم که ارزش حاصل از صادرات را به کشور برمی‌گردانیم، اما کالایی مانند فرش دستباف حتی یک ریال هم از پارانه‌های معمول دیگر تولیدکنندگان استفاده نکرده است، اما باید تعهد ارزی بدهد.»

او همچنین درباره نتایج منفی و زیانبار تصمیمات دولت گفته که «این قبیل رفتارها زمینه را برای تخلف ایجاد می‌کند که یک نمونه آن کم‌اظهاری است. بطور مثال اگر قیمت یک تخت فرش دستباف ۵۰ هزار دلار باشد صادرکننده آن را ۲۵ هزار دلار اظهار می‌کند، یا استفاده از کارت‌های بازرگانی یکبار مصرف و اجاره‌ای و در نهایت قاچاق معکوس رخ خواهد داد. در مجموع تمام این اتفاقات به نفع دولت نخواهد بود، نه از آن درآمدی کسب خواهد کرد و نه در بحث حمایت از تولید عملکرد مثبتی خواهد داشت.»

هشدار درباره آینده‌ی شاخص توسعه انسانی در ایران



برآوردها همچنین نشان می‌دهد سرمایه خارج کشور رقمی برابر با فروش یک دهه نفت است.

خروج منابع انسانی از کشور زبانی هنگامت به ساختار اقتصادی وارد کرده و هشدار جدی درباره خالی شدن اقتصاد از نیروی کار حرفه‌ای در آینده نزدیک را به همراه دارد. کارشناسان اقتصادی معتقدند با مهاجرت نیروی کار حرفه‌ای و تحصیلکرده، سهم نیروی کار با کیفیت در بازار کار کاسته شده و بازار کار با کمبود نیروی کار و یا اشتغال افراد نابلد و غیرمتخصص مواجه می‌شود که این مسئله خود تبعات منفی بیشماری را به دنبال خواهد داشت.

از سوی دیگر اما مهاجرت گسترده نیروی متخصص و تحصیلکرده، عدم تمایل دانش‌آموزان و دانشجویان به تحصیل در کشور، در کنار آمارهای ارائه شده از ترک تحصیل دانش‌آموزان به دلائل مختلفی از جمله فقر و بیکاری، همگی هشدارهایی درباره توسعه انسانی در ایران را به همراه دارد.

آخرین گزارش آمار شاخص توسعه انسانی که توسط برنامه توسعه و پیشرفت سازمان ملل (UNDP) ارائه می‌شود نشان می‌دهد رتبه ایران در شاخص توسعه انسانی طی دو سال هفت پله سقوط کرده و در رتبه‌ی ۷۶ جهان قرار گرفته است.

بر اساس این آمار سوئیس با عدد شاخص ۹۶۲/۰ بیشترین شاخص توسعه انسانی در جهان را داشته است و در صدر جدول این شاخص قرار گرفته است. امید به زندگی در این کشور ۸۴ سال، سال‌های مورد انتظار تحصیل ۵/۱۶ سال و میانگین سال‌های تحصیل ۹/۱۳ سال بوده است.

از سوی دیگر کمترین میزان شاخص توسعه انسانی در میان کشورهای جهان با عدد ۳۸۵/۰ مربوط به سودان جنوبی بوده است. مردم این کشور بطور میانگین ۵۵ سال امید به زندگی داشته‌اند و انتظار می‌رفته که ۵/۵ سال را صرف آموزش کنند. میانگین سال‌های تحصیل نیز در

مهاجرت سالانه بیش از ۱۰ هزار نفر از کادر درمان از کشور است.

روزنامه «هم‌میهن» در شماره چهارم مهرماه در گزارشی به کشیده شدن موج مهاجرت از کشور که به استادان دانشگاه و مدیران حوزه بهداشت رسیده پرداخته است.

بر اساس این گزارش در موج برکناری اساتید با سابقه دانشگاه، استادان دانشگاه‌های علوم پزشکی هم در امان نمانده و برخی از آنها با وجود داشتن سابقه علمی قابل توجه در کشور یا با بازنشستگی‌های اجباری مواجه‌اند یا فضا برای ماندن‌شان مهیا نیست. از سوی دیگر مدیران برخی حوزه‌های پزشکی هم ماندن را به رفتن ترجیح داده‌اند.

اندیشکده «هاتف» در شهریور ماه سال جاری اطلاعاتی را در خصوص مهاجرت نخبگان از کشور منتشر کرده است. بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط این اندیشکده، ۸۰ درصد رتبه‌های برتر ایران در رشته‌های ریاضی و فیزیک در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ از کشور مهاجرت کرده‌اند و از این تعداد، بطور متوسط ۷۸ درصد نخبگان، دیگر به کشور بازنگشته‌اند.

اندیشکده «هاتف» در بخش دیگری از این گزارش تأکید کرده که بین چهار گروه فعالان استارت‌آپی، پزشکان و پرستاران، اساتید، محققان و پژوهشگران و دانشجویان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بین ۶۳ تا ۷۱ درصد از افراد تمایل زیاد یا بسیار زیاد برای مهاجرت دارند.

بر اساس پژوهش صورت گرفته در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیش از ۷۰ درصد دانشجویان مقطع دکتری این دانشگاه که موفق به دریافت مدرک دکتری خود شده‌اند در فکر مهاجرت هستند. آمار دیگری نشان می‌دهد ۱۶۰ نخبه و متخصص قلب در سال ۱۴۰۱ از ایران مهاجرت کردند.

آمارها همچنین از خروج ۴۵ میلیارد دلار سرمایه انسانی با مهاجرت نخبگان در چهار سال گذشته حکایت می‌کنند.

● خروج منابع انسانی از کشور زبانی هنگامت به ساختار اقتصادی وارد کرده و هشدار جدی درباره خالی شدن اقتصاد از نیروی کار حرفه‌ای در آینده نزدیک به همراه دارد.

● «امید به زندگی»، «تحصیلات» و «استاندارد زندگی مناسب» سه عاملی هستند که برای استخراج شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

● دو شاخص توسعه منابع انسانی و رقابت‌پذیری برای استعدادها، در کنار عوامل منفی اثرگذار بر نظام آموزشی و مهاجرت، ایران را در آینده‌ای نه چندان دور با بحران کمبود نیروی انسانی ماهر روبرو می‌سازد.

گزارش‌ها درباره مهاجرت و عدم تمایل جوانان ایرانی به تحصیل در کشور در حالی آمارهای تکانه‌ای را ثبت کرده که در آنسو مرتب درباره توسعه انسانی در ایران هشدارهای جدی از سوی کارشناسان داده می‌شود.

بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران با اعلام افزایش ۳۵ درصدی نرخ مهاجرت ایرانیان در سال ۲۰۲۱ گفته این نرخ از میانگین نرخ جهانی مهاجرت بالاتر بوده است.

به گفته بهرام صلواتی در طول سال ۲۰۲۱، میزان درخواست پناهجویی جدید ایران به ۲۰ هزار و ۵۰۰ نفر رسیده است و ایرانیان در رتبه نخست پناهجویی کشور بریتانیا قرار گرفتند. مدیر رصدخانه مهاجرت ایرانیان همچنین گفته که ایران پس از ۷ تا ۸ سال در تراز ۵۰ هزار دانشجوی مهاجر قرار گرفته و در حال حاضر وارد تراز بالاتر از ۶۶ هزار نفر دانشجوی مهاجر رسیده است؛ این عدد نشان می‌دهد پدیده افزایش جمعیت دانشجویی خارج از کشور با سرعت در حال گسترش است.

آمارهای دیگر از افزایش نرخ مهاجرت نیروی متخصص در کشور حکایت دارد؛ آمارهایی تنها در یک نمونه بیانگر

«طالبان گردن کلفتی می‌کند»، نظام باج می‌دهد



دیدار عبدالغنی برادر معاون نخست وزیر طالبان با احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی

انتقادی با عنوان «طالبان گردن کلفتی می‌کند، دولت ایران امتیاز می‌دهد» نوشت: «تردیدی وجود ندارد که سفر هیات ۳۰ نفره تجاری و اقتصادی حکومت طالبان به تهران، فقط امتیاز مضاعف دادن به این گروه خواهد بود و هیچ تأثیری در وادار کردن آن به انجام وظایف قانونی در قبال ایران نخواهد داشت. بسیار عجیب و مایه تأسف است که تا قبل از استنکاف حکومت خودخوانده طالبان از دادن حقه‌ها هیرمند، تعاملات این گروه با دولت جمهوری اسلامی ایران به صورت غیررسمی انجام می‌شد.» در بخشی از این گزارش آمده بجای اینکه نظام از طریق دیپلماتیک به طالبان فشار بیاورد، هر روز باج‌های بیشتری به آنها می‌دهد. ورود ده‌ها پناهجوی افغان به ایران به نگرانی عمومی در کشور دامن زده است به ویژه آنکه برخی منابع داخلی نیز نسبت به «صدور عوامل طالبان» به ایران در پوشش پناهجو هشدار داده‌اند.

معین‌الدین سعیدی نماینده چهارم در مجلس شورای اسلامی می‌گوید «ما به دلیل حُسن همسایگی پذیرای جمعیت قابل توجهی از همسایگان افغانستانی هستیم اما واقعیت این است چالش‌های متعددی در این مسیر ایجاد شده و حمایت‌های لازم از طرف نهادهای بین‌المللی اتفاق نمی‌افتد و الان که کشور پاکستان نسبت به اخراج گسترده مهاجران افغانستانی اقدام می‌کند، اگر بخواهند بخشی از آنها به ایران بیایند به نظر من نگران‌کننده است.»

وی هشدار داده «شاهد هستیم گروه طالبان معتقد به هیچکدام اصول حقوق بین‌الملل نیست که بارزترین مصداق آن عدم تحقق حقه‌ها هیرمند است که مشکلاتی را برای مردم سیستان ایجاد کرده است... به نظر من در چنین شرایطی باید بسیار با خویشتن‌داری اقدام کنیم زیرا احتمال مهاجرت این حجم عظیم از افغانستانی‌ها به سمت ایران در ساماندهی‌شان چالش ایجاد خواهد کرد.»

سفر هیات طالبان به ایران یک روز پس از آن انجام شد که رسانه‌های جمهوری اسلامی گزارش دادند در «همکاری مشترک» وزارت اطلاعات با سازمان اطلاعات طالبان، سه نفر از «عوامل موساد» با تابعیت ایرانی در مناطق مرزی افغانستان بازداشت شدند. آنها متهم به توطئه برای خرابکاری هستند.

به نظر می‌رسد دستگاه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و طالبان تحركات جدیدی را علیه اپوزیسیون در داخل و بیرون از ایران آغاز کرده‌اند. به ویژه آنکه یکی از منابع دولتی طالبان در یک حساب کاربری رسمی در اقدامی بی‌سابقه به شاهزاده رضا پهلوی و هواداران وی حمله کرده است.

● رحیمی جهان‌آبادی نماینده مجلس شورای اسلامی ضمن «ارزشمند» خواندن سفر طالبان به ایران گفته «نباید توقع داشته باشیم همه چالش‌های ما با افغانستان با این سفر حل شود.» این نماینده تأکید کرد: «باید تلاش کنیم روابط خوب با طالبان را حفظ کنیم و آن را گسترش دهیم.»

● عبدالغنی برادر در دیدار با علی‌اکبر محرابیان وزیر انرژی جمهوری اسلامی گفته «هیأت ایرانی هنگام بازدید از رودخانه هلمند پذیرفت که آب این رودخانه چند برابر کاهش یافته است.»

عبدالغنی برادر معاون نخست‌وزیر گروه تروریستی طالبان که از ۱۳ آبان‌ماه با یک هیأت ۳۰ نفره به تهران سفر کرده، پس از دیدار با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی با وزیر کشور و وزیر نیرو و همچنین دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی نیز دیدار کرد. دفتر معاونت اقتصادی حکومت طالبان می‌گوید، این سفر به دعوت جمهوری اسلامی صورت گرفت.

رحیمی جهان‌آبادی نماینده مجلس شورای اسلامی ضمن «ارزشمند» خواندن سفر طالبان به ایران گفته «نباید توقع داشته باشیم همه چالش‌های ما با افغانستان با این سفر حل شود.» این نماینده تأکید کرد: «باید تلاش کنیم روابط خوب با طالبان را حفظ کنیم و آن را گسترش دهیم.»

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور در جلسه با نمایندگان طالبان که دوشنبه ۱۵ آبان برگزار شد از طالبان خواست که برای تأمین حقه‌ها هیرمند، مبارزه با تروریسم و امنیت مرزهای دو کشور اقدام کنند اما عبدالغنی برادر در دیدار با علی‌اکبر محرابیان وزیر انرژی جمهوری اسلامی گفته «هیأت ایرانی هنگام بازدید از رودخانه هلمند پذیرفت که آب این رودخانه چند برابر کاهش یافته است.»

وبسایت «طلوع نیوز» گزارش داده ملا برادر در دیدار با وحیدی روی «مبارزه با مواد مخدر، انتقال زندانیان افغان به کشور، بیشتر شدن روابط تجاری در بخش کالاهای افغانی به ایران و همچنان روی ایجاد یک کمیته مشترک برای رفع چالش‌های مهاجران» گفتگو کرده است.

سخی احمد پیمان معاون اول اتاق صنایع و معادن طالبان می‌گوید: «امیدوار هستیم که هیات عالی رتبه افغانستان با جانب ایرانی برای توسعه سرمایه‌گذاری در افغانستان به توافقاتی برسد.»

«طالبان گردن کلفتی می‌کند»؛ نظام باج می‌دهد روزنامه «جمهوری اسلامی» روز دوشنبه ۱۵ آبان در گزارشی

این کشور ۷/۵ سال بوده است.

شاخص توسعه‌ی انسانی (HDI) توسعه‌یافتگی اقتصادی-اجتماعی ملت‌ها را بر اساس ابعاد کلیدی توسعه‌ی انسانی اندازه می‌گیرد. بررسی این شاخص می‌تواند مشخص کند که چگونه دو کشور با سطح درآمد ناخالص ملی برابر وضعیت اجتماعی-اقتصادی و رفاه متفاوتی دارند.

«امید به زندگی»، «تحصیلات» و «استاندارد زندگی مناسب» سه عاملی هستند که برای استخراج شاخص توسعه انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

امید به زندگی بُد سلامت و بهداشت و درمان جامعه را می‌سنجد و برابر با تعداد سال‌هایی است که در بدو تولد یک فرد انتظار می‌رود که عمر کند. این شاخص با توجه به مکان جغرافیایی، جنسیت، نژاد متفاوت است و معمولاً برای گروه‌های جمعیتی مختلف به صورت جداگانه محاسبه می‌شود.

تحصیلات، وضعیت آموزش در جامعه را ارزیابی می‌کند و توسط دو متغیر بررسی می‌شود: اولین متغیر سال‌های مورد انتظار تحصیل بر اساس سن ورود به مدرسه است و دومین متغیر میانگین سال‌های تحصیل برای بزرگسالان ۲۵ ساله و بیشتر است. استاندارد زندگی نیز توسط درآمد سرانه‌ی ناخالص ملی اندازه‌گیری می‌شود.

گزارش شاخص توسعه‌ی انسانی در سال ۲۰۲۱ حاکی از این است که در این سال، ایران با مقدار شاخص برابر با ۷۷۴/۰ در رتبه‌ی ۷۶ جهان قرار گرفته است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۹ کشور با رقم شاخص ۷۸۳/۰ در رتبه‌ی ۷۰ قرار داشت و بنابراین ایران در این دو سال در رتبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی ۶ پله سقوط کرده است. همچنین امید به زندگی مردم ایران بطور میانگین در سال ۲۰۲۱ برابر با ۷۳/۹ سال بود. این مقدار نسبت به سال ۲۰۱۹ که برابر با ۷۶/۷ سال بود، ۸/۲ سال کم شده است.

ایران در رتبه‌بندی شاخص منابع انسانی در سال ۲۰۲۱ پایین‌تر از آلمان، ایالات متحده، عربستان سعودی و ترکیه و بالاتر از چین و عراق ایستاده است.

همچنین امید به زندگی مردم ایران نیز در سال ۲۰۲۱ از آلمان، چین، آمریکا، عربستان و ترکیه کمتر و از عراق و روسیه بیشتر بوده است. ایرانیان بطور میانگین نسبت به مردم ترکیه، عراق و چین سال‌های بیشتری را صرف آموزش کرده‌اند؛ با این وجود میانگین سال‌های تحصیل آن‌ها کمتر از مردم آلمان، آمریکا، روسیه و عربستان سعودی بوده است. «رصدخانه مهاجرت ایران» امرداد سال گذشته در مطلبی

به «تهدید کیفیت آتی نیروی انسانی کشور» پرداخته و نوشته بود که «بررسی وضعیت ایران به لحاظ دو شاخص توسعه منابع انسانی و رقابت‌پذیری برای استعدادها نشان می‌دهد که کشور ایران به لحاظ پرورش نیروی انسانی با رتبه ۷۰ در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارد اما در شاخص رقابت‌پذیری برای استعدادها با رتبه ۱۰۰ از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. تحلیل جایگاه ایران در این دو شاخص، در کنار عوامل منفی اثرگذار کنونی که دارای تأثیرات آتی بر نظام آموزشی و سیستم مهاجرتی کشور هستند، می‌توانند ایران را در آینده‌ای نه چندان دور با بحران کمبود نیروی انسانی ماهر روبرو سازند.»

افزایش میل به مهاجرت، افزایش نابرابری و دسترسی به کیفیت آموزشی، قدیمی بودن محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی، کاهش میل به تحصیل و ناامیدی از تحصیلات دانشگاهی، و تقلب و دسترسی بی‌دردسر افراد رانتی به کرسی‌های پر رقابت دانشگاه از جمله عواملی بودند که در این مطلب به عنوان عوامل موثر در تضعیف روند توسعه توسعه انسانی برشمرده شده بود.

۱۳ استان ایران دچار سیل و آبگرفتگی



فرامرز مرجانی فرماندار شهر فومن در استان گیلان نیز اعلام کرده که «در سیل اخیر ۳۰ کیلومتر راه، ۲۳ دهنه پل ارتباطی، ۵۰ واحد مسکونی، ۷۷ هکتار اراضی زراعی و باغی، ۸ کیلومتر کانال آبرسان، ۳ پهنه استخر ذخیره آب و تعدادی انبار کشاورزی در سیل شنبه ۱۳ آبان در شهرستان فومن تخریب شده است.»

فرماندار شهر فومن میزان خسارت سیل در این شهرستان را ۲۸۰ میلیارد تومان اعلام کرده و افزوده که ۱۴۷ میلیارد تومان خسارت به تأسیسات زیر بنایی و ۱۱۶ میلیارد تومان خسارت به اراضی کشاورزی این شهرستان وارد شده است.

سرپرست فرمانداری چالوس نیز با بیان اینکه در سیل روز گذشته ۶ ساختمان کاملا تخریب و ۴۰ واحد مسکونی نیز دچار آبگرفتگی شد، گفت: میزان خسارت سیل هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

رمضان غلامی اوتی فرماندار شهرستان سوادکوه در استان مازندران هم گفته که در چند روستا در دهستان ولویی، یک روستا در دهستان راستویی و دو روستا در دهستان کسلیان دچار سیل و بارندگی شدید داشتیم و بررسی‌ها در مناطق سیل‌زده انجام شده است.

به گفته فرماندار سوادکوه بیشترین خسارت سیل مربوط به منطقه ولویی است و روستاهای «مومیخ‌خیل»، «لله‌بند»، «کارمزد»، «شیرکلا»، «شیردره» و «ممشی» از روستاهایی هستند که بیشترین خسارت ناشی از سیل شامگاه سه‌شنبه شانزدهم آبان را داشته‌اند.

فرماندار سوادکوه افزوده که در دهستان راستویی نیز روستای «خرج» و دو روستا نیز در دهستان کسلیان دچار آسیب ناشی از بارندگی شدند.

هواشناسی استان سمنان برای روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه به ویژه در نواحی شمالی، شمال شرق و مناطق کوهستانی بارش باران نقطه ای و سیل‌آسا پیش‌بینی و هشدار سطح نازنجی اعلام کرده بود. بر اساس گزارش‌ها بیشترین میزان بارندگی شب گذشته در شرق استان سمنان و در شهرستان میامی ثبت شد. در رضوان از توابع این شهرستان ۱۱۸ و در حسین آباد کالپوش ۱۱۲ میلی متر باران بارید.

کشور «نیاز به امدادسانی» پیدا کردند. بابک محمودی همچنین گفته طی روزهای گذشته در این مدت زمان، ۹۳ تیم امدادی، شامل ۳۹۲ امدادگر، به ۷۹۷ نفر امدادسانی کردند، ۵۷ نفر را به مناطق امن منتقل و به ۷۱ نفر اسکان اضطراری دادند.

استان گلستان یکی از مراکز سیل روزهای گذشته بوده و خسارت زیادی به این استان وارد شده است. بر اساس گزارش‌ها جاده پارک ملی گلستان تخریب شده و یک راننده پراید هم در سیلاب دیشب در پارک ملی گلستان بر اثر سقوط اتومبیل در کانال آب جان باخت.

همچنین سیل روز و شب گذشته سبب تخریب پل ورودی شهرستان گالیکش در استان گلستان شده است.

بر اثر بارش شدید باران و جاری شدن سیلاب طی شب گذشته، ۵۳ جاده چمن‌بید-جنگل گلستان تخریب شد و در حال حاضر در آن مسیر سیل جاری است. فرهاد شیبک فرماندار کلاله در شرق استان گلستان گفته که بر اثر بارش شدید باران عصر و شامگاه دیروز سه‌شنبه و آبگرفتگی بیشتر نقاط شهری و روستایی، تمامی مدارس این شهرستان در ۲ نوبت صبح و عصر امروز تعطیل است.

هواشناسی خراسان شمالی نیز با اعلام هشدار نازنجی هواشناسی برای امروز و فردا در استان شرایط بارندگی و آبگرفتگی معابر را پیش‌بینی کرده است.

هم چنین پیش‌بینی وزش باد لحظه ای شدید، بارش باران و احتمال رگبار باران و رعد و برق و آبگرفتگی معابر در اغلب مناطق استان همراه با کاهش محسوس دمای هوا برای چهارشنبه تا پنج‌شنبه اعلام شده است.

همچنین بر اثر سیل یک زن در کالپوش استان سمنان مفقود شده بود که ساعاتی پیش پیکر بیجان او توسط مأموران امداد «هلال احمر» و از میان گل و لای به جا مانده از سیل پیدا شد. سازمان مدیریت بحران استانداری سمنان پیشتر اعلام کرده بود که به دنبال بارش‌های شدید شبانه روز گذشته و وقوع سیلاب در شهرستان میامی بخش کالپوش علاوه بر تخریب برخی خانه‌ها و آسیب رسیدن به زیر ساخت‌ها، یک زن حدود ۴۰ ساله مفقود شده است. امدادگران «هلال احمر» و نیروهای مدیریت در منطقه به دنبال فرد مفقودشده هستند.

● رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت «هلال احمر» گفته در روزهای گذشته ۲۳ شهرستان، ۴۹ منطقه شامل ۴۰ روستا، ۸ شهر و یک منطقه عشایری از ۱۳ استان کشور «نیاز به امدادسانی» پیدا کردند.

● جاده پارک ملی گلستان تخریب شده و یک راننده پراید هم در سیلاب دیشب در پارک ملی گلستان بر اثر سقوط اتومبیل در کانال آب جان باخت.

● بر اثر سیل یک زن در کالپوش استان سمنان مفقود شده بود که ساعاتی پیش پیکر بیجان او توسط مأموران امداد «هلال احمر» و از میان گل و لای بجا مانده از سیل پیدا شد.

جاری شدن سیل در ۱۳ استان ایران با خسارت مالی گسترده، تخریب زیرساخت‌ها و مرگ دست‌کم دو شهروند همراه بوده است.

سیل و آبگرفتگی از روزهای گذشته استان‌های شمالی ایران را گرفتار کرده است. امروز چهارشنبه ۱۷ آبان بارش باران در سواحل دریای مازندران، شمال شرق و نوار شرقی استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و ارتفاعات کرمان ادامه دارد؛ شدت بارش‌ها امروز در نیمه شرقی مازندران، گلستان و شمال خراسان شمالی در حد هشدار نازنجی است و بارش‌های شدید در نوار جنوبی و غربی گلستان و شرق مازندران موجب جاری شدن سیل و آب‌گرفتگی و طغیان رودخانه‌ها می‌شود.

از سوی دیگر بر اساس گزارش سازمان هواشناسی، امروز در هرمزگان، ارتفاعات کرمان و شمال و جنوب سیستان و بلوچستان بارش‌های پراکنده، رعدوبرق و وزش باد پیش‌بینی می‌شود؛ امروز با شمالی شدن جریان‌ات روی دریای خزر به تدریج از ساعات بعدازظهر تا اوایل شب در گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی و بخش‌های غربی اردبیل رگبار باران، گاهی رعدوبرق و وزش باد رخ می‌دهد.

بابک محمودی رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت «هلال احمر» جمهوری اسلامی با بیان اینکه سیل و آبگرفتگی از ۱۱ آبان‌ماه تا امروز، چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۲، ادامه داشته گفته در این مدت ۲۳ شهرستان، ۴۹ منطقه شامل ۴۰ روستا، ۸ شهر و یک منطقه عشایری از ۱۳ استان

افزایش ۲۰ برابری حملات سایبری به وبسایت‌ها و زیرساخت‌های پیام‌رسان‌ها در ایران



● عیسی زارع‌پور در همایش بزرگداشت هفته پدافند غیرعامل در مورد بروز هرگونه اختلال در ارتباطات هشدار داد و با اعلام خبر افزایش حملات سایبری افزود: «اینگونه اختلال‌ها می‌تواند مشکلات جدی برای مردم ایجاد کند.»

● یکم مهرماه روابط عمومی وزارت علوم در اطلاعیه‌ای از قطع دسترسی به وبسایت این وزارتخانه به دلیل حمله سایبری خبر داده و نوشته بود: «با هوشیاری کارشناسان فنی این حملات دفع شده و سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تا زمان اطمینان کارشناسان فنی، بطور موقت از دسترس خارج است.»

● در ۲۸ تیرماه رئیس «بنیاد» شهید» نیز از حک شدن سامانه‌های این دستگاه حکومتی خبر داده بود.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی از افزایش ۲۰ برابری حملات سایبری در ایران طی یک سال گذشته خبر داد.

عیسی زارع‌پور در همایش بزرگداشت هفته پدافند غیرعامل در مورد بروز هرگونه اختلال در ارتباطات هشدار داد و با اعلام خبر افزایش حملات سایبری افزود: «اینگونه اختلال‌ها می‌تواند مشکلات جدی برای مردم ایجاد کند.» به گفته او، «جامعه‌کندی یا قطعی ارتباطات را برمی‌تابد و باید به موضوع پدافند غیرعامل و آمادگی در برابر تهدیدات توجه ویژه داشت.»

چندی پیش غلامرضا جلالی فرمانده پدافند غیرعامل کشور نیز از کشف و خنثی‌سازی ۱۰ حمله سایبری اساسی در همین بازه زمانی گفته بود.

در همین رابطه، یکم مهرماه روابط عمومی وزارت علوم در اطلاعیه‌ای از قطع دسترسی به وبسایت این وزارتخانه به دلیل حمله سایبری خبر داد و نوشت: «با هوشیاری کارشناسان فنی این حملات دفع شده و سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تا زمان اطمینان کارشناسان فنی، بطور موقت از دسترس خارج شده است.»

رئیس شرکت ارتباطات زیرساخت نیز در ۲۱ فروردین ماه اعلام کرده بود که در سال ۱۴۰۱ بیش از ۸ هزار حمله سایبری به شبکه زیرساختی کشور دفع شده است.

در ۲۸ تیرماه رئیس «بنیاد» شهید» نیز از حک شدن سامانه‌های این دستگاه دولتی خبر داده و گفته بود: «ما اطلاعات حساس و راهبردی نداشتیم زیرا ما اساساً یک سازمان خدماتی هستیم.»

به گفته امیرحسین قاضی زاده هاشمی با حمله سایبری که به سامانه‌های «بنیاد شهید» شد، فرایندهای الکترونیک این بنیاد مختل شده و استفاده از مراودات کاغذی دوباره برقرار شده است.

در همین ارتباط محمدیاسر طیب نیا مدیر عامل فولاد مبارکه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در یک نشست خبری اعلام کرده بود: «حمله سایبری به فولاد مبارکه در سال گذشته بنا بر اعلام سازمان افتا از پیچیده‌ترین حملات سایبری سال‌های اخیر دنیا بوده است که می‌توانست ماه‌ها تولید فولاد مبارکه را مختل کند و از ۱۴ ماه قبل از حمله، برنامه‌ریزی و طراحی شده بود تا این صنعت را از حرکت

اتفاق افتاد.»

باز دارد.»

پس از آن شبکه‌های دولتی و خصوصی دیگر از جمله، دوربین‌های کنترل ترافیک، وبسایت اطلاع‌رسانی وزارت خارجه، درگاه ملی دولت هوشمند، وزارت ارشاد، سرور وبسایت و روزنامه «همشهری»، پلتفرم تپسی و چند وبسایت دیگر مورد حملات سایبری یا حک قرار گرفت. پیش از آنها نیز موارد متعددی از این حملات از جمله به وبسایت‌های صداوسیما حکومت، سیستم راه‌آهن، شبکه کارت‌های هوشمند سوخت وجود داشت. این حملات اکنون آنقدر زیاد شده که به زیرساخت‌های استانی رسیده است.

وبسایت «یورو ریپورتر» در گزارشی می‌نویسد تحقیقات گروه امنیت سایبری «TreadstoneV1» نشان می‌دهد عملیات علیه وبسایت‌های دولتی ایران، با توجه به ساختار اینترنت ایران و جدایی آن از اینترنت جهانی، با نفوذ داخلی انجام شده و نمی‌تواند نتیجه نفوذ خارج از ایران باشد.

در همین ارتباط هکرها اعلام کرده‌اند که به ده‌ها هزار سند دست یافتند که بیش از چند ماه از عمر آنها می‌گذشته است. همین نیز نشان می‌دهد که خودی‌ها از داخل این حمله را انجام داده‌اند. این اسناد در کامپیوترهایی با دسترسی محدود به اینترنت ذخیره می‌شد و کار دشواری است که یک فرد از خارج به آنها دسترسی داشته باشد.

در پایان این گزارش آمده دولت جمهوری اسلامی در ابتدا، هک شدن‌ها را به دشمنان خارجی نسبت داد. با این حال، نظرات کارشناسان امنیت سایبری و وجود برخی شواهد، حاکی از دخالت نفوذی‌ها در داخل ایران و دستگاه حکومت است.

حملات سایبری سال‌هاست که در همه جهان روزانه بطور فله‌ای با اهداف مختلف سیاسی و اقتصادی انجام می‌شوند و دولت‌ها و شرکت‌ها و مراکز مختلف برای مقابله با این حملات، تدابیر مختلف تکنولوژیک به کار می‌گیرند اما اگر هک از داخل خود آنها انجام شود در اینصورت هک‌شوندگان می‌بایست فکر دیگری برای آن بکنند.

دانشگاه «امام صادق» نیز در ۲ بهمن ماه ۱۴۰۱ از هک شدن وبسایت این دانشگاه خبر داد و اعلام کرد: «با توجه به سابقه اخیر گروه حمله‌کننده در جهت تخریب وجهه مجموعه‌های موثر از طریق ایجاد شایعات، اطلاعات منتشره از سوی آن، به ویژه در زمینه‌هایی غیر از مطالب مرسوم و موجود در مراکز علمی، مخدوش خواهد بود.»

در همین ارتباط مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت نیز در دی‌ماه سال گذشته از حملات شدید سایبری جهت جلوگیری از سرویس‌دهی مناسب پیام‌رسان‌ها خبر داد گفت: «۳۰ درصد حملات سایبری اخیر به زیرساخت پیام‌رسان‌های داخلی از میدا کشورهای آمریکا و ۲۶ درصد آن از آلمان بوده است.»

وبسایت «تجارت نیوز» با انتشار گزارشی در این زمینه نوشت: «این موارد در حالی مطرح می‌شود که کارشناسان فناوری اطلاعات، مدت‌هاست هشدار می‌دهند گسترش فیلترینگ و افزایش استفاده از انواع فیلترشکن‌ها و همچنین عدم نظارت کافی بر انتشار بدافزارها در برخی اپ‌های داخلی داندلود برنامه، امنیت سایبری را در شبکه اینترنت کشور کاهش داده است.»

پس از آغاز اعتراضات سراسری در ایران در پی قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» از اواخر پاییز ۱۴۰۱ حملات سایبری به زیرساخت‌های مهم داخل ایران به شدت افزایش یافت. تحقیقات یک گروه سایبری نشان می‌دهد بخش عمده این حملات از داخل ایران توسط عوامل نفوذی انجام شده است.

مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند به قابلیت‌های پیشرفته‌ای برای مقابله با حملات سایبری و انواع هک دست یافته‌اند. غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل اواسط تیرماه ۱۴۰۲ گفته بود ایران در یک سال گذشته «بزرگترین آوردگاه جنگ سایبری در دنیا بود و مدل‌های مختلفی از جنگ سایبری در قالب جنگ ترکیبی علیه ما

اردوی «محرم‌سازی شده»؟! اقدام ایدئولوژیک جدید آموزش و پرورش



فرهنگ اقامه نماز» به عنوان اولویت فعالیت‌های پرورشی مدارس در نظر گرفته می‌شود.

رضا مرادصحرائی پیشتر و در اردیبهشت گذشته نیز از «جذب ۲۷ هزار نیروی پرورشی» در آموزش و پرورش خبر داده بود؛ این در حالی بود که همزمان گزارش‌ها از کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار در این وزارتخانه خبر می‌داد. کمبود آموزگار در سال تحصیلی جدید به حدی رسیده که هزاران کلاس درس بی‌آموزگار مانده و مدیران مدارس از اولیاء دانش‌آموزان برای تدریس و سرپرستی کلاس‌های درس کمک خواسته‌اند.

تغییرات همراه با فشار ایدئولوژیک در دانشگاه‌ها و مدارس کشور از سال گذشته و پس از نقش‌آفرینی جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی در اعتراضات جنبش ملی شدت پیدا کرد.

اصغر باقرزاده معاون وزیر آموزش و پرورش هفته نخست مهرماه امسال به خیرگزاری «ایلنا» گفته است که در کنار «محرم‌سازی» مدارس دخترانه باید فضایی ایجاد شود که در بیرون از مدرسه نیز حجاب را رعایت کنند.

معاون وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه «معلمان و خانواده‌ها کلید درونی‌سازی عفاف و حجاب هستند» گفته که «هم اکنون مدارس برای محرم‌سازی تلاش‌هایی می‌کنند. برخی مدارس بودجه‌ای دارند و خودشان این کار را انجام می‌دهند، ولی ما نیز از سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور خواسته‌ایم نقشه مدارس جدید را به صورتی طراحی کند که قابل محرم‌سازی باشد.»

همزمان با تغییرات در برنامه‌های دانش‌آموزان، شمار زیادی از آموزگاران و مدیران مدارس نیز با اخراج، تعلیق و یا بازنشستگی زودتر از موعد روبرو شدند. اقداماتی که با عناویتی چون «پاکسازی»، «خالص‌سازی» و «یکدست‌سازی» در مدارس کشور توصیف می‌شوند.

رضا مراد صحرائی وزیر آموزش و پرورش اول مهرماه در سخنانی موج «پاکسازی» در مدارس را تأیید کرده و گفته بود «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار

عقیفانه شوند. همچنین طرح تقدیر از دانش‌آموزان دختر محجبه با هدف الگوسازی نیز از دیگر اقدامات است که در بحث توسعه فرهنگ عفاف و حجاب اجرا می‌شود.»

طرح «جت» نام طرح دیگری برای تحمیل فشارهای ایدئولوژیک بر دانش‌آموزان ایران است که به گفته محمدحسین پورثانی این طرح «با عنوان جهاد تبیین و با موضوع دختران اجرا می‌شود» و «دانش‌آموزان در این طرح کتاب بی‌پرده با حجاب را در مدرسه مطالعه می‌کنند تا با یکدیگر به یک اثر هنری برسند و یک هسته و گروه ویژه در مدارس ایجاد شود تا نسبت به مسئله حجاب در مدارس اقدام شود.»

برگزاری این اردوها و تغییرات در «فضای پرورشی» مدارس که بخشی از آن توسط محمدحسین پورثانی توضیح داده شده به صورت بخشنامه «ترویج فرهنگ عفاف و حجاب ویژه کارمندان، مراجعین، معلمان، دانش‌آموزان و اولیاء» در اوایل مهرماه امسال و در ۱۰ صفحه به آموزش و پرورش تمام استان‌ها ابلاغ شده است.

در ماه‌های گذشته برنامه‌های جدیدی برای شستشوی مغزی دانش‌آموزان در دستور کار حکومت قرار گرفته است. یکی از این برنامه‌ها داشتن «زنگ نماز» در برنامه آموزشی مدارس است. میکائیل باقری مدیرکل قرآن آموزش و پرورش به تازگی از برگزاری اجباری نماز جماعت در مدارس ابتدایی خبر داده و گفته بود مدیران مدارس باید برای نماز جماعت آموزش ببینند.

میکائیل باقری افزوده مدیران مدارس باید «مصحح نماز» تعیین کنند تا دانش‌آموزان برای تصحیح نمازشان فایل صوتی آن را در وبسایت «نورینو» بارگذاری کنند.

رضا مراد صحرائی وزیر آموزش و پرورش در بخشنامه‌ای که به تازگی در همین رابطه ابلاغ کرده نوشته که زنگ نماز با هدف «تقویت و توسعه فرهنگ اقامه نماز» در متن برنامه رسمی روزانه مدارس در همه دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی قرار گرفته و در نظر گرفتن زمان ۳۰ دقیقه‌ای برای این امر از سوی مدارس الزامی است.

در این بخشنامه آمده که با توجه به «منویات علی خامنه‌ای» در بیانیه گام دوم انقلاب، «تقویت و توسعه

● بر اساس طرح اردویی «مهر و ماه» که با الگوی عفاف و حجاب تدوین شده دانش‌آموزان در اردوهای ۲۴ ساعته «محرم‌سازی شده» شرکت می‌کنند.

● طرح «جت» نام طرح دیگری برای تحمیل فشارهای ایدئولوژیک بر دانش‌آموزان ایران است که با عنوان جهاد تبیین و با موضوع دختران اجرا می‌شود.

● در طرح «تربیت مربی زیست عقیفانه» از هر استان ۴ نفر انتخاب و با شرکت در دوره‌ای در تهران، به عنوان «مدرس طرح زیست عقیفانه» در استان‌های محل اقامت فعال می‌شوند.

یک مقام وزارت آموزش و پرورش از اجرای طرحی برای برگزاری اردوهای «محرم‌سازی شده» در ارتباط با توسعه و ترویج فرهنگ «عفاف و حجاب» خبر داده و گفته در این طرح دانش‌آموزان در یک اردوی ۲۴ ساعته شرکت خواهند کرد.

محمدحسین پورثانی مدیرکل فرهنگی هنری، اردوها و فضای پرورشی وزارت آموزش و پرورش از اجرای طرح‌هایی در ارتباط با توسعه و ترویج فرهنگ «عفاف و حجاب» خبر داد و گفت: «طرح اردویی «مهر و ماه» با الگوی عفاف و حجاب آماده شده که تا ۲۴ ساعت بچه‌ها در یک اردوی محرم‌سازی شده شرکت می‌کنند.»

این مقام وزرات آموزش و پرورش در جلسه «ستاد عفاف و حجاب آموزش و پرورش» از طرح‌های جدیدی برای ترویج الگوی «حجاب و عفاف» خبر داده و در توضیح این طرح‌ها گفته که «طرح اردویی «مهر و ماه» نیز با الگوی عفاف و حجاب آماده شده است که تا ۲۴ ساعت بچه‌ها در یک اردوی محرم‌سازی شده شرکت می‌کنند. سه چهارم این اردو بازی و یک چهارم جلسه پرسش و پاسخ با محوریت سؤالاتی است که خود دانش‌آموزان انتخاب می‌کنند.»

او از طرح دیگری با عنوان طرح «تربیت مربی زیست عقیفانه» به عنوان یکی دیگر از برنامه‌های آموزش و پرورش خبر داده و گفته که «در این طرح از هر استان ۴ نفر متناسب با شاخص‌های اعلام شده به تهران می‌آیند و دوره‌ای برگزار می‌شود تا این افراد مدرس طرح زیست

درگذشت اکبر گلبایگانی «گلیا» از خوانندگان محبوب و پرتعداد ایران



گلیا در گفتگو با کیهان لندن / شهریور ۱۳۹۸

رادیو ایران، گلیا را که در آن زمان به استخدام سازمان برنامه درآمده بود، برای اجرای برنامه دعوت کرد. نخستین آواز وی با ساز در فروردین ۱۳۳۸ در «مثنوی شور» با شعری از بیژن ترقی و آهنگ مرتضی محجوبی و پرویز یاحقی با نام «مست مستم سابقا، دستم بگیر» از رادیو پخش شد. او ۲۹۸ اجرای رسمی در این برنامه و بیش از ۷۰۰ اجرای خصوصی داشت. گلیا ضبط صفحه‌های خود را با کمپانی «ایران گرام» از سال ۱۳۳۹ آغاز نمود و در سال ۱۳۴۰ به همراه فرهنگ شریف استاد و نوازنده تار و ویگن خواننده سرشناس پاپ برای کنسرت به آمریکا سفر کرد تا گوش ایرانیان مقیم آن دیار را با موسیقی سنتی بنوازد.

وی سپس کنسرت‌هایی در افغانستان، پاکستان، هندوستان، انگلستان و اجراهای سراسری در ایالات متحده داشت. دانشکده موسیقی دانشگاه «یوسی‌ال» کالیفرنیا در سال ۱۳۴۰ از اکبر گلبایگانی برای تدریس موسیقی ایرانی و آواز دعوت به عمل آورد. او دکترای افتخاری هنر در رشته آواز از دانشگاه کلمبیای نیورک، اقتصاد و هنر (یونسکو)، دکترای اسکار هنر موسیقی از دانشگاه بوداپست مجارستان، دکترای افتخاری و مدال هنر از سازمان ملل متحد و نمایندگی آن سازمان، دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه‌های شیراز و تهران را در کارنامه خود داشت.

وی در سن ۳۴ سالگی در سال ۱۳۴۶ با گلرخ گلرایی ازدواج کرد که فرزند آن دو دختر به نام‌های ساقی و ساغر است.

اکبر گلبایگانی در فایشنامه‌های رادیویی «آتش بر دل» و فیلم سینمایی «مرد حنجره طلایی» به کارگردانی مهدی میثاقیه در نقش اول خوش درخشید. از آلبوم‌های او می‌توان از «موی سپید»، «مست عشق»، «دل ای دل»، «روی برگی بنویس عشق»، «چرا عاشق نباشم»، «قدر محبت»، «عقیق» و کار مشترک با ایرج، «بزم عاشقان»، نام برد.

او که حدود یک سال پس از شورش بهمن‌ماه ۱۳۵۷ از کار در رادیو و تلویزیون ممنوع شد، در کنسرت‌هایش در آمریکا در سال ۱۳۷۳ و رویال فستیوال‌ها در سال ۱۳۷۸ مورد استقبال بی‌نظیر ایرانیان مقیم این کشورها قرار گرفت.

● گلیا در سال ۱۳۱۸ وارد دبستان فرهنگ شد و در سال ۱۳۲۰ بطور جدی و منظم تعلیم موسیقی و دستگاه‌ها را نزد پدرش فرا گرفت. در سال ۱۳۲۶ نخستین تجربه حضور در یک ارکستر و گروه گر به رهبری ایرج گلرخی را کسب کرد. ● اکبر گلبایگانی در فایشنامه‌های رادیویی «آتش بر دل» و فیلم سینمایی «مرد حنجره طلایی» به کارگردانی مهدی میثاقیه در نقش اول خوش درخشید.

● او که حدود یک سال پس از شورش بهمن‌ماه ۱۳۵۷ از کار در رادیو و تلویزیون ممنوع شد، در کنسرت‌هایش در آمریکا در سال ۱۳۷۳ و رویال فستیوال‌ها در سال ۱۳۷۸ مورد استقبال بی‌نظیر ایرانیان مقیم این کشورها قرار گرفت. اکبر گلبایگانی معروف به گلیا خواننده سرشناس موسیقی اصیل ایرانی، متولد دهم بهمن ماه ۱۳۱۲ روز شنبه سیزدهم آبان ماه در زادگاهش تهران درگذشت.

گلیا در سال ۱۳۱۸ وارد دبستان فرهنگ شد و در سال ۱۳۲۰ بطور جدی و منظم تعلیم موسیقی و دستگاه‌ها را نزد پدرش فرا گرفت. در سال ۱۳۲۶ نخستین تجربه حضور در یک ارکستر و گروه گر به رهبری ایرج گلرخی را کسب کرد. او در سال ۱۳۲۷ وارد دبیرستان نظام شد و به عضویت انجمن موسیقی آن درآمد. همانجا بود که آشنایی و دوستی با حسین خواجه امیری معروف به ایرج خواننده مشهور آغاز شد. در سال ۱۳۳۲ وارد دانشکده افسری و سپس برای ادامه تحصیل به دانشکده نقشه‌برداری رفت.

او از سال ۱۳۲۸ به بعد با هنرمندان سرشناس موسیقی آشنا شد و آموزش حرفه‌ای را زیر نظر آنان آغاز کرد. از جمله استادان وی می‌توان از هنرمندانی چون حسن یکرنگی، اقبال آذر، نورعلی برومند، اسماعیل قهرمانی، ابوالحسن صبا، یوسف فروتن، محمد ایرانی مجرد، عبدالله دوامی، ادیب خوانساری، حسین طاهرزاده و سلیمان امیرقاسمی نام برد. گفتنی است در سال ۱۳۳۵، سازمان یونسکو از اکبر گلبایگانی، نورعلی برومند و علی اصغر بهاری برای اجرای آواز و موسیقی ایرانی دعوت به عمل آورد.

در سال ۱۳۳۷، داود پیرنیا، مبتکر و مدیر برنامه «گلیا»ی

→ «مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد». وزیر آموزش و پرورش همچنین گفته بود که «تمامی مدارس شناسایی شده در مسیر تحول مدارس عادی و دولتی هستند، انشالله روحیه تحولی به این مدارس برده می‌شود و شاهد الگوسازی برای تمامی مدارس کشور خواهیم بود.» منظور وزیر آموزش و پرورش از تحول، سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش است» که هدفش اسلامی کردن بیش از پیش مدارس است.

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی حکومت، در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام گرفتن از اسناد بالادستی و بهره گرفتن از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ طراحی شده است.

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است.»

رضا مراد صحرایی در بخش دیگری از سخنانش افزوده بود که «در جنگ سخت دشمن می‌داند که قوی هستیم و جرات عرض اندام در آن حوزه را ندارد، اما جنگ امروز دیگر در مرزها نیست، بلکه در مغزها است. چنین جنگی به مراتب سخت‌تر خواهد بود چرا که میدان نامرئی است، اما کار تشکیلاتی از این جهت مهم است که حقیقت را روشن می‌کند و با گفتگو هر موضوع نامرئی را آشکار می‌سازد.»

وزیر آموزش و پرورش همچنین «دانش‌آموزان هسته سخت انقلابی» را مخاطب قرار داده و گفته بود توقع از این دانش‌آموزان این است که همواره با هم کار کنند، زیرا به گفته او، همراهی عوامل جمهوری اسلامی در دوره‌های بعد از انقلاب آنان را شکست‌ناپذیر کرده است.

در اواخر شهریورماه هم احمد محمودزاده رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی اعلام کرد که «از این پس معلمانی که وارد مدارس غیردولتی آموزش و پرورش می‌شوند باید حتماً گزینش شده و صلاحیت عمومی آنها مورد بررسی قرار گیرد.»

به گفته احمد محمودزاده آموزش و پرورش اجازه نخواهد داد کسی که این صلاحیت را نداشته باشد، وارد مدرسه شود. جلال محمود زاده نماینده مجلس یازدهم در هفتم آبان از اخراج، تعلیق و برکناری گسترده مدیران مدارس خبر داده و به وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته بود: «بر اساس آماری که به دست‌مان رسیده است از زمان روی کار آمدن آقای صحرایی، وزیر آموزش پرورش حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از مدیران مدارس را تغییر داده‌اند.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی، «در این دوره دیدیم که از دانشگاه‌ها گرفته تا آموزش و پرورش و دستگاه‌های اجرایی، به شدت خالص‌سازی دارد انجام می‌شود. از آنطرف هم دستگاه‌های اجرایی اصلاً از جناح‌های مقابل استفاده نمی‌کنند تا حدی که اگر بو بپرند مدیری به لحاظ اعتقادی و یا سیاسی با جریان حاکم یا دولت همسو نیست فوراً او را عزل می‌کنند.»

وزیر آموزش و پرورش اما روز یکشنبه ۱۴ آبان با این ادعا که تغییر ۲۰ هزار مدیر مدرسه اصلاً در راستای «خالص‌سازی» نیست به خبرگزاری ایلنا گفت: «این حرف‌ها هم یکجور توطئه است. جایجایی‌ها همیشه فرایندی طبیعی در دستگاه اداری و آموزشی بوده است.»

عکاسان و خبرنگاران آسوشیتدپرس، نیویورک تایمز، سی‌ان‌ان و رویترز صبح زود «هفتم اکتبر» کنار تروریست‌های حماس چه می‌کردند؟!



عکاسانی که در حال ضبط تصاویر آدم‌ربایی تروریست‌های حماس هستند

منطقه مرزی اسرائیل و غزه در «هفتم اکتبر» دیده می‌شود: حسن اسلایه، یوسف مسعود، علی محمود و حاتم علی. اسلایه به عنوان شغل آزاد برای سی‌ان‌ان نیز کار می‌کند. وی در روز حمله وارد خاک اسرائیل شد، از یک تانک

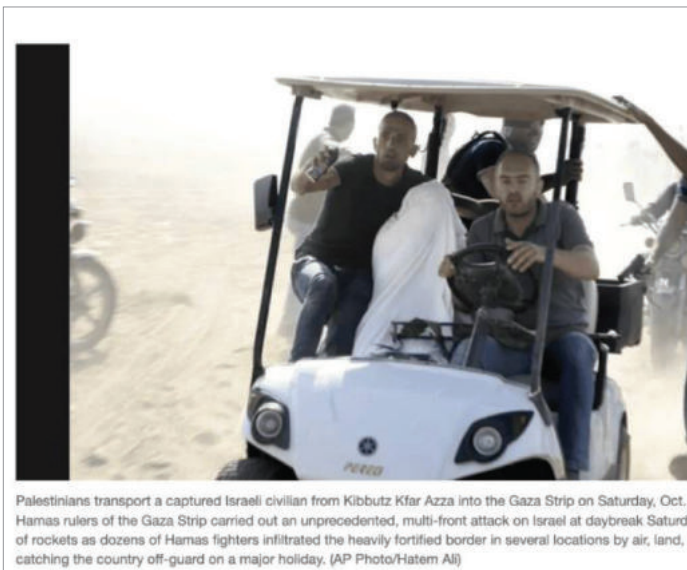
معمولاً صبح‌های شنبه در آن مناطق اوضاع آرام است این خبرنگاران به آن زودی در آنجا چه می‌کردند؟ آیا با حماس هماهنگی شده بود؟ آیا عکس‌هایی که آنها در سرویس‌های خبری خود منتشر کرده‌اند، حضور آنها را در خاک اسرائیل به

● مؤسسه غیردولتی «هانس‌ت ریپورتینگ» که محتواهای ضدیهودی در شبکه‌های اجتماعی را رصد می‌کند، می‌نویسد تروریست‌های حماس در روز «هفتم اکتبر» تنها کسانی نبودند که جنایات جنگی این گروه را در جریان تجاوز مرگبار به جنوب اسرائیل مستند می‌کردند. بخشی از جنایات توسط عکاسان و خبرنگاران خبرگزاری‌های «رویترز» و «آسوشیتدپرس» مستقر در غزه ضبط شده است.

● این مؤسسه در گزارش خود پرسیده است: در شرایطی که معمولاً صبح‌های شنبه در آن مناطق اوضاع آرام است این خبرنگاران به آن زودی در آنجا چه می‌کردند؟ آیا با حماس هماهنگی شده بود؟ با نگاهی به تصاویر مربوط به آدم‌ربایی و هجوم حماس به کیبوتص اسرائیل، به نظر می‌رسد که نه تنها مرزهای فیزیکی، بلکه مرزهای اخلاقی در روزنامه‌نگاری نیز زیر پا گذاشته شده است.

● تصویری از حسن اسلایه خبرنگار سی‌ان‌ان کنار یحیی سنوار از رهبران حماس منتشر شده که گفته می‌شود طراح اصلی عملیات مرگبار «هفتم اکتبر» است. سنوار در حال بوسیدن حسن اسلایه است.

● مؤسسه غیردولتی «هانس‌ت ریپورتینگ» که محتواهای ضدیهودی در شبکه‌های اجتماعی را رصد می‌کند، در گزارشی به نقل از سازمان «عکاسان بدون مرز» می‌نویسد که حضور عکاسان خبرگزاری‌های رویترز و آسوشیتدپرس



Palestinians transport a captured Israeli civilian from Kibbutz Kfar Azza into the Gaza Strip on Saturday, Oct. 7, 2023. The Hamas rulers of the Gaza Strip carried out an unprecedented, multi-front attack on Israel at daybreak Saturday, Oct. 7, 2023, firing thousands of rockets as dozens of Hamas fighters infiltrated the heavily fortified border in several locations by air, land, and sea, catching the country off-guard on a major holiday. (AP Photo/Hatem Ali)

عکس از حاتم علی



7 of 20
Hamas fighters drive back to the Gaza Strip with the body of an Israeli soldier on Saturday, Oct. 7, 2023. The militant Hamas rulers of the Gaza Strip carried out an unprecedented, multi-front attack on Israel at daybreak Saturday, firing thousands of rockets as dozens of Hamas fighters infiltrated the heavily fortified border in several locations by air, land, and sea and catching the country off-guard on a major holiday. (AP Photo/Ali Mahmud)

عکس از علی محمود

اسرائیلی در حال سوختن عکس گرفت و سپس تصاویر مربوط به گروگانگیری شهروندان اسرائیل را ضبط کرد. مدتی بعد اسکرین‌شات‌هایی از توییت‌های حذف شده اسلایه در ایکس به دست آمد که نشان می‌داد بدون اینکه جلیقه ویژه خبرنگاران یا کلاه ایمنی به سر داشته باشد مقابل تانک اسرائیلی ایستاده است. وی در توییتی به زبان عربی نوشته بود: «لایو (زنده) از داخل شهرک‌های مجاور غزه.» علاوه بر اینها، تصویری از این عکاس کنار یحیی سنوار از رهبران حماس منتشر شده که گفته می‌شود طراح اصلی

همراه تروریست‌هایی که به غیرنظامیان حمله کردند تأیید نمی‌کند؟ آیا عکاس- خبرنگارانی که برای رسانه‌های دیگر مانند «سی‌ان‌ان» و «نیویورک تایمز» کار می‌کنند، به این رسانه‌ها اطلاع داده بودند که در آنجا هستند؟ با نگاهی به تصاویر مربوط به آدم‌ربایی و هجوم حماس به کیبوتص اسرائیل، به نظر می‌رسد که نه تنها مرزهای فیزیکی، بلکه مرزهای اخلاقی در روزنامه‌نگاری نیز زیر پا گذاشته شده است.

چهار نام در زیر تصاویر عکس‌های آسوشیتدپرس از

هنگام جنایات تروریست‌های حماس در اسرائیل پرسش‌های اخلاقی بسیاری برانگیخته است.

«هانس‌ت ریپورتینگ» می‌نویسد تروریست‌های حماس در روز «هفتم اکتبر» تنها کسانی نبودند که جنایات جنگی این گروه را در جریان تجاوز مرگبار به جنوب اسرائیل مستند می‌کردند. بخشی از جنایات توسط عکاسان و خبرنگاران خبرگزاری‌های «رویترز» و «آسوشیتدپرس» مستقر در غزه ضبط شده است.

این مؤسسه در گزارش خود پرسیده است: در شرایطی که

حملات جداگانه آمریکا و اسرائیل به تأسیسات گروه‌های وابسته به سپاه پاسداران در سوریه



تصویر آرشو از «الحدث»

انجام داده است. آمریکا ۹۰۰ سرباز در سوریه و حدود ۲۵۰۰ سرباز دیگر در عراق دارد که مأموریت آنها مشاوره و کمک به نیروهای محلی در اقدام علیه داعش است.

در این میان، بر این نگرانی که درگیری اسرائیل و حماس ممکن است در خاورمیانه گسترش یابد و نیروهای آمریکایی بیشتر هدف قرار گرفته شوند، افزوده می‌شود.

یک پهباد آمریکایی MQ-۹ روز چهارشنبه در نزدیکی یمن توسط نیروهای حوثی‌های بر فراز دریای سرخ سرنگون شد. مقامات گفتند که این پهباد در زمان سرنگونی در آب‌های بین‌المللی بوده است.

از زمان آغاز درگیری اسرائیل و حماس در «هفتم اکتبر»، ایالات متحده ناوهای جنگی و هواپیماهای جنگنده شامل دو ناو هواپیمابر را برای جلوگیری از تهدیدات احتمالی رژیم ایران و گروه‌های نیابتی وابسته به آن به منطقه اعزام کرده است.

رویتز گزارش داده است که ارتش ایالات متحده در حال اتخاذ تدابیر جدیدی برای محافظت از نیروهای خود در خاورمیانه در جریان تشدید حملات گروه‌های مشکوک تحت حمایت جمهوری اسلامی است و امکان تخلیه خانواده‌های نظامی در صورت نیاز را باز گذاشته است. مقامات می‌گویند که این اقدامات شامل افزایش گشت‌زنی‌های نظامی ایالات متحده، محدود کردن دسترسی به تأسیسات پایگاه و افزایش جمع‌آوری اطلاعات از جمله از طریق پهباد و سایر عملیات نظارتی است. همزمان ارتش اسرائیل نیز اعلام کرد اهدافی مرتبط با حزب‌الله و شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی را در سوریه و مرز لبنان هدف قرار داده است.

روزنامه «تایمز اسرائیل» گزارش داد در این حملات دست‌کم ۱۲ نفر کشته شدند. اگرچه حزب‌الله لبنان برخلاف انتظار حامیان جمهوری اسلامی وارد جنگ تمام‌عیار با اسرائیل نشده اما درگیری‌های پراکنده آنها با اسرائیل در یک ماه گذشته ادامه داشته است. خبرگزاری فرانسه گزارش داد که دست‌کم ۸۱ نفر از نیروهای لبنان در این درگیری‌ها کشته شدند. این تلفات شامل حداقل ۶۰ عضو حزب‌الله، هشت تروریست فلسطینی، تعدادی غیرنظامی و یک خبرنگار «رویتز» است.

● به گزارش رویتز، با افزایش تنش‌ها بر سر درگیری اسرائیل و حماس، نیروهای آمریکایی و ائتلاف دست‌کم ۴۰ بار در عراق و سوریه توسط نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی از ابتدای اکتبر مورد حمله قرار گرفته‌اند. براساس گزارش منابع آمریکایی، ۴۵ سرباز در این مدت دچار آسیب یا جراحات جزئی شدند.

● لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد «اگر حملات نیروهای نیابتی [رژیم] ایران علیه نیروهای آمریکایی ادامه پیدا کند، ما در انجام اقدامات لازم بیشتر برای محافظت از شهروندان خود تردید نخواهیم کرد».

ایالات متحده برای دومین بار در هفته‌های اخیر، روز چهارشنبه نهم نوامبر (۱۷ آبان‌ماه) حملاتی را علیه تأسیسات نظامی و انبار تسلیحاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شرق سوریه انجام داد.

به گزارش رویتز، با افزایش تنش‌ها بر سر درگیری اسرائیل و حماس، نیروهای آمریکایی و ائتلاف دست‌کم ۴۰ بار در عراق و سوریه توسط نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی از ابتدای اکتبر مورد حمله قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش منابع آمریکایی، ۴۵ سرباز در این مدت دچار آسیب یا جراحات جزئی شدند. لوید اوستین وزیر دفاع آمریکا در بیانیه‌ای گفت: «این حملات توسط دو جنگنده اف-۱۵ آمریکایی انجام شد و در پاسخ به حملات اخیر علیه نیروهای آمریکایی بود». وی برای چندمین بار تأکید کرد حملات علیه نیروهای آمریکایی باید متوقف شود.

اوستین گفت: «اگر حملات نیروهای نیابتی [رژیم] ایران علیه نیروهای آمریکایی ادامه پیدا کند، ما در انجام اقدامات لازم بیشتر برای محافظت از شهروندان خود تردید نخواهیم کرد». یک مقام ارشد نظامی ایالات متحده که نخواست نامش فاش شود، گفت که ارتش مدتی است که مناطقی در استان دیرالزور (در شرق سوریه مرز عراق) را زیر نظر داشته و مطمئن است در بین غیرنظامیان تلفاتی وجود نداشته است. ایالات متحده گاهی علیه شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی پس از حملات ایذایی آنها اقدامات تلافی‌جویانه

عملیات مرگبار «هفتم اکتبر» است. سنوار در حال بوسیدن حسن اسلایه است.

مسعود خبرنگار دیگریست که برای «نیویورک تایمز» کار می‌کند. او نیز درست همان زمان که تانک در حال سوختن بود در خاک اسرائیل حضور داشت.

علی محمود و حاتم علی نیز تصاویری از ربوده شدن هولناک اسرائیلی‌ها در غزه توسط تروریست‌های حماس ضبط کرده‌اند.

محمود از وانت حامل پیکر شانی لوک شهروند آلمانی-اسرائیلی عکس گرفته و علی نیز تصاویر زیادی از ربوده شدن شهروندان اسرائیلی و انتقال آنها به غزه ضبط کرده است.

قابل توجه اینکه اسامی عکاسان که در منابع دیگر آمده، از برخی عکس‌های آسوشیتدپرس حذف شده است! شاید کسی در آن خبرگزاری متوجه شد که انتشار این تصاویر پرسش‌های جدی در مورد اخلاق روزنامه‌نگاری و همچنین دلایل حضور آنها در محل حمله ایجاد می‌کند.

رویتز نیز تصاویری از دو عکاس خبری منتشر کرده که آنها نیز دقیقاً در زمان حمله تروریستی حماس در مرز حضور داشتند: محمد فایق ابومصطفی و یاسر قدیه.

هر دو نفر از تانک در حال سوختن اسرائیلی در خاک اسرائیل عکس گرفته‌اند. اما ابومصطفی پا را از اینهم فراتر گذاشت: او از اوپاش حماس که پیکر یک سرباز اسرائیلی را از تانک بیرون کشیده‌اند نیز عکس گرفته است.

البته رویتز تا حدی مهربانی نشان داده و یک «هشدار گرافیکی» به عنوان عکس اضافه کرده! اما این مانع از آن نشد که سردبیران رویتز با بی‌شرمی عکس را به عنوان یکی از «تصاویر روز» در وبسایت این خبرگزاری منتشر نکنند.

بیا باید روراست باشیم: خبرگزاری‌ها ممکن است ادعا کنند که این افراد فقط کارشان را انجام دادند که مستند کردن جنایات جنگی است و البته این ممکن است متأسفانه بخشی از کار آنها باشد. اما قضیه به این سادگی نیست.

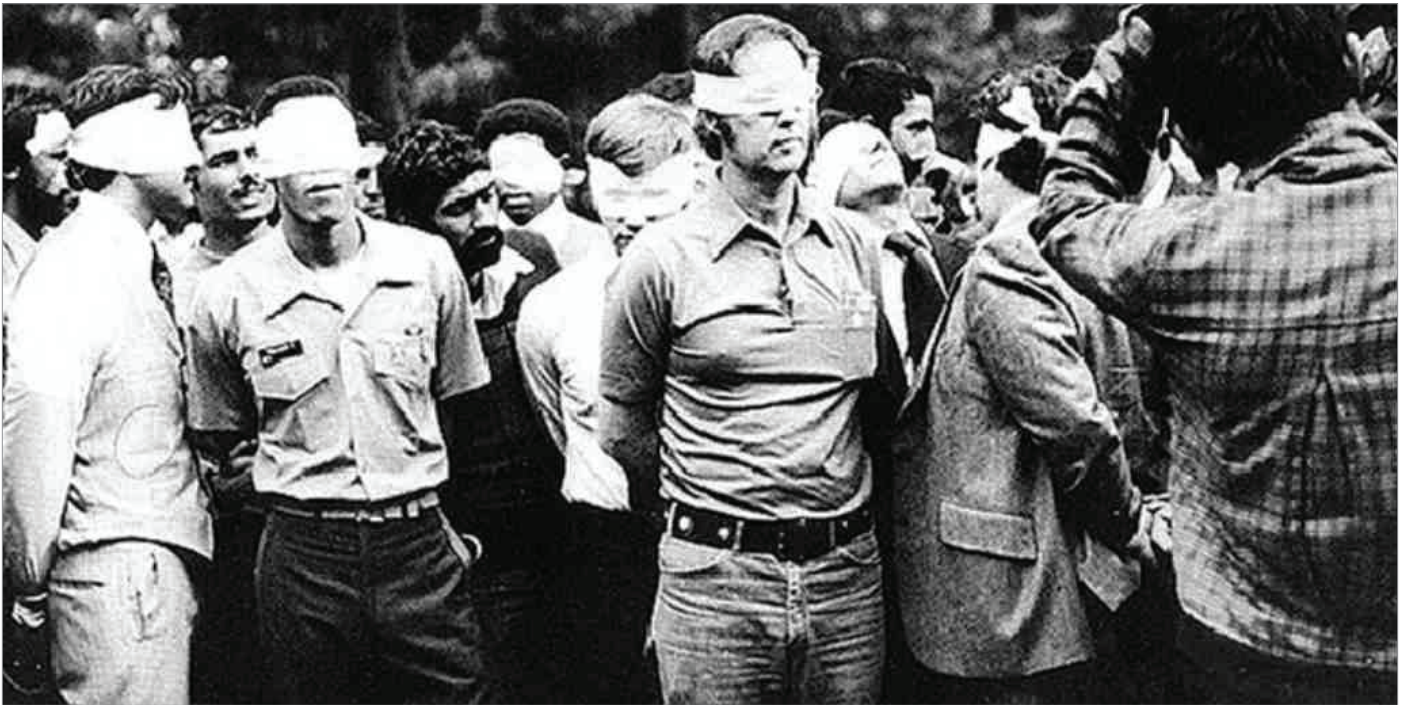
اکنون روشن شده که حماس برای حمله «هفتم اکتبر» به اسرائیل از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی کرده بود: مقیاس، اهداف وحشیانه و اسناد عظیم آن برای ماه‌ها و شاید سال‌ها قابل بررسی باشد. همه چیز در این برنامه‌ریزی در نظر گرفته شد؛ از استقرار و زمان‌بندی تا استفاده از دوربین‌هایی که بر بدن نیروها نصب شد و فیلم‌های تلفن همراه برای به اشتراک گذاشتن این جنایات.

آیا می‌توان تصور کرد که این «روزنامه‌نگاران» صبح زود بدون هماهنگی قبلی با تروریست‌ها در مرز ظاهر شدند؟! یا اینکه حضور آنها نیز بخشی از این برنامه‌ریزی بود؟

حتا اگر آنها از جزئیات دقیق اتفاقی که قرار است بیفتد خبر نداشتند، آیا پس از آشکار شدن آن و در همان لحظاتی که مشغول ضبط تصاویر بودند، متوجه نشدند که در حال زیرپا گذاشتن مرزهای اخلاقی هستند؟ و اگر متوجه شدند آیا به خبرگزاری‌های خود اطلاع دادند؟ بدون شک برقراری ارتباط قبل، بعد و یا در حین حمله با خبرگزاری‌های مربوطه برای انتشار عکس‌ها ضروری بوده است.

در هر صورت، وقتی خبرگزاری‌های بین‌المللی تصمیم می‌گیرند برای مطالبی که تحت چنین شرایط مشکل‌ساز ضبط شده‌اند، پول بپردازند، می‌بایست استانداردهای آنها به پرسش کشیده شود و مخاطبان آنها حق دارند از آن خبردار شوند. اگر همکاران آنها بطور فعال یا منفعلانه با حماس برای به دست آوردن عکس‌های جنایات «هفتم اکتبر» همکاری کرده‌اند، باید از آنها خواست تا مرز بین روزنامه‌نگاری و بربریت را دوباره تعریف کنند.

توصیه‌هایی برای ایالات متحده آمریکا در واکنش به ارتکاب گروگانگیری جمهوری اسلامی



گروگانگیری دیپلمات‌ها و کارمندان سفارت آمریکا در تهران / ۱۳ آبان ۱۳۵۸

● ایالات متحده و متحدانش می‌توانند گام‌های متعددی برای بهبود عملکرد خود در راستای مقابله با ارتکاب گروگانگیری توسط رژیم حاکم بر ایران بردارند. توصیه‌هایی که در یک کار تحقیقاتی توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) تنظیم شده است، ابزارهای جدید و پیشنهادات جامعی را برای مقابله با مشکل گروگانگیری جمهوری اسلامی به ایالات متحده ارائه می‌دهد.

همزمان با چهل و چهارمین سالگرد اشغال سفارت آمریکا و به گروگان گرفتن دیپلمات‌های آمریکایی و کارمندان این سفارتخانه توسط دانشجویان اسلامگرای موسوم به «پیرو خط امام»، اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) یک پژوهش درباره بحران گروگانگیری منتشر کرده است. در پایان این تحقیق که توسط اندرو قلبلی پژوهشگر ارشد «نوفدی» تهیه شده، هفت راهکار برای مقابله با ارتکاب گروگانگیری توسط جمهوری اسلامی ارائه می‌شود. متن فارسی این پیشنهادات توسط نوید محبی مدیر این پژوهش تنظیم شده و برای انتشار در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است.

ایالات متحده و متحدانش می‌توانند گام‌های متعددی برای بهبود عملکرد خود در راستای مقابله با ارتکاب گروگانگیری توسط رژیم حاکم بر ایران بردارند. توصیه‌های زیر ابزارهای جدید و پیشنهادات جامعی را برای مقابله با مشکل گروگانگیری جمهوری اسلامی به ایالات متحده ارائه می‌دهد.

۱. تحریم‌های قابل سنجش و برگشت‌ناپذیر علیه جمهوری اسلامی به دلیل گروگانگیری آن اعمال کنید

نماید. سابقه چنین اقدام غیرقابل برگشتی اخیراً توسط خود دولت بایدن انجام شد، زمانی که سلاح‌های مصادره شده از حوثی‌ها، یک نیروی نیابتی جمهوری اسلامی، برای نیروهای دفاعی اوکراین ارسال شدند. حتی برای فشار بیشتر به رژیم، نوفدی پیشنهاد می‌دهد که دارایی‌های مسدود شده را برای تحمیل حداکثر مجازات به جمهوری اسلامی صرف مواردی مانند عرصه‌های زیر کرد:

۱. دسترسی به اینترنت آزاد برای مردم ایران
 ۲. تلاش برای ترویج دموکراسی در ایران
 ۳. صندوق اعتصابات کارگری برای کارگران ایران
 ۴. کمک به خانواده‌های گروگان‌های سابق و سایر قربانیان جمهوری اسلامی
۲. پیامدهای دیپلماتیک قابل سنجش بر جمهوری اسلامی برای ارتکاب گروگانگیری اعمال کنید
- بازداشت غیرقانونی اتباع خارجی یکی از مهم‌ترین موارد نقض دیپلماسی بین‌المللی است. بنابراین همانطور که اجرای پیامدهای مالی برای جمهوری اسلامی برای گروگانگیری آن مهم است، تبعات دیپلماتیک نیز باید برای نقض مداوم پروتکل‌های دیپلماتیک بر آن تحمیل شود.
- ایالات متحده باید از اهرم دیپلماتیک خود در در نهادهای بین‌المللی برای پاسخگویی جمهوری اسلامی استفاده کند. موارد پیشنهادی شامل:

الف) لابی برای حذف جمهوری اسلامی از کمیته‌ها و مناصب رهبری سازمان ملل متحد. رژیم جمهوری اسلامی به عنوان ناقض هنجارهای بین‌المللی، شایسته هیچ سمت مدیریت و ریاست در برجسته‌ترین مجمع بین‌المللی جهان و نهادهای آن را ندارد.

ب) ممنوعیت سفر مقامات جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی برای هر گروگانی که می‌گیرد قیمت بالاتری تعیین می‌کند. ایالات متحده و متحدان اروپایی آن باید به رژیم یادآور شوند که بهای بیشتری برای هر گروگان گرفته شده خواهند پرداخت. هر بار که جمهوری اسلامی یک آمریکایی یا اروپایی را به گروگان می‌گیرد، واکنشی که به شکل تحریم‌های اقتصادی با آن روبرو می‌شود باید بر شدت‌اش افزوده شود.

هنگام تحریم جمهوری اسلامی در پاسخ به گروگانگیری، بسیار مهم است که رژیم درک کند که چنین اقدامی بطور خاص به دلیل گروگانگیری انجام می‌شود. ایالات متحده باید بطور فزاینده محدودیت‌هایی را بر مقامات رژیم و دارایی‌های آن اعمال کند و در عین حال بطور خاص در بیانیه تنبیهات اعلام کند که این کار را در پاسخ مستقیم به گروگانگیری انجام می‌دهد. این پیامی روشن به رژیم می‌فرستد که رویه‌اش در بازداشت غیرقانونی اتباع خارجی به منظور گرفتن امتیازاتی مانند لغو تحریم‌ها تحمل نخواهد شد و در عوض با پیامدهای واقعی مواجه خواهد شد.

تحریم‌های اعمال شده علیه جمهوری اسلامی باید قابل سنجش و اندازه‌گیری و در صورت امکان برگشت‌ناپذیر باشد. برای مثال، دارایی‌های جمهوری اسلامی که در نتیجه گروگانگیری رژیم مسدود یا مصادره شده‌اند، نباید در امان نگه داشته شوند. این خطر آزاد شدن چنین دارایی‌هایی را در آینده به همراه دارد. همانطور که اخیراً توسط دولت بایدن در معامله گروگانگیری در سال ۲۰۲۳ انجام شد. در عوض، ایالات متحده باید این دارایی‌ها را هرطور که صلاح می‌داند در ارتباط با مسائل ایران مصرف کند و بدین ترتیب مجازات تحمیل‌شده علیه جمهوری اسلامی را غیرقابل برگشت

زیرا به تعیین استراتژی رژیم و گروگان گرفتن شهروندان، نحوه رفتار با گروگان‌ها در حین بازداشت، و میزان فشاری که رژیم برای آزادی گروگان‌ها احساس می‌کند کمک می‌کند. بنابراین دولت‌های ایالات متحده و کشورهای غربی باید عمل گروگانگیری را بطور دقیق با همان چیزی که واقعاً هست، اعلام کنند: «گروگان». بنابراین باید از اطلاق عنوان

چه برای تحقیقات آکادمیک یا روزنامه‌نگاری، چه برای تجارت و چه برای دیدار با خانواده. سفر به ایران از یک کشور غربی می‌تواند بسیار وسوسه‌انگیز باشد، به ویژه برای ایرانیان دیاسپورا که مشتاق بازگشت به خانه هستند. با اینهمه این اشتیاق نمی‌تواند بر خطرات و پیامدهای رفتن به ایران در حالی که جمهوری اسلامی بر مصدر امور سوار

→ به آمریکا. همانطور که ایالات متحده سفر رهبران جنایتکار کشورهای دیگر را که قصد شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را داشتند - مانند یاسر عرفات - ممنوع کرده بود، برای جمهوری اسلامی نیز باید دست به اقدام مشابه بزند. حداقل باید با محدودیت صدور ویزا برای همراهان و خانواده‌های مقامات جمهوری اسلامی مانند رئیس جمهوری اسلامی یا وزیر امور خارجه را که قصد سفر به آمریکا دارند اعمال کند. این همراهان سابقه آزار و اذیت روزنامه‌نگاران و فعالان ایرانی را نیز در کارنامه خود دارند. (پ) جلب بین‌المللی از طریق پلیس اینترپل و پیگیری اجرای آن. ایالات متحده باید پیگیر صدور اعلامیه‌های قرمز برای مقامات رژیم که در عمل شنیع گروگانگیری دست دارند باشد. همچنین باید از روابط دیپلماتیک خود برای تحت فشار گذاشتن متحدان خود استفاده کند تا آندسته از مقامات رژیم را که در حال حاضر تحت اعلامیه قرمز هستند، هنگام سفر به کشورهای خود تحویل دهند، همانطور که در مورد سفر محسن رضایی به نیکاراگوئه چنین اقدامی انجام شد.

هنگام انجام چنین اقداماتی برای فشار دیپلماتیک رژیم در پاسخ به گروگانگیری، پیام دولت ایالات متحده باید روشن باشد که چنین اقداماتی به عنوان پیامدهای مستقیم گروگانگیری رژیم انجام می‌شود.

۳. اقدامات تلافی‌جویانه علیه نیروهای نیابتی رژیم در نظر گرفته شود

همانطور که در سراسر این گزارش توضیح داده شد، جمهوری اسلامی شهروندان بی‌گناه از جمله روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان، بازرگانان و اتباع عادی خارجی را که از ایران بازدید می‌کنند، هدف قرار می‌دهد. ایالات متحده و متحدان غربی آن هرگز نمی‌توانند و نباید چنین رویه غیرانسانی را تکرار کنند. با این حال، کاری که آنها می‌توانند انجام دهند، هدف قرار دادن و بازداشت بیشتر جنایتکاران واقعی وابسته به رژیم است، مانند وابستگان رژیم و شبکه گسترده تروریستی نیابتی‌اش.

اهداف مشروعی در سرتاسر جهان به ویژه در میان نیروهای نیابتی رژیم وجود دارد که بسیاری از آنها در فعالیت‌های تروریستی دست دارند. اگر همه راه‌های دیگر بطور کامل بررسی شده و ناکارآمدی آنها ثابت شده باشد، توجه به هدف قرار دادن این افراد ضروری است. اجرای این رویکرد می‌تواند نتایج امیدوارکننده‌ای به همراه داشته باشد زیرا رژیم را در موقعیتی مشابه با وضعیتی که بر سایر کشورها تحمیل می‌کند، قرار می‌دهد.

۴. یک فهرست جامع از گروگانگیران رژیم تهیه کنید

ایالات متحده باید فهرست جامعی از افراد دخیل در بازداشت و بدرفتاری با گروگان‌های آمریکایی داشته باشد. این فهرست باید شامل افراد مختلف از جمله قضا، دادستان، ماموران، نگهبانان زندان و هر کس دیگری باشد که در چنین اعمالی دخیل هستند. این افراد نه تنها باید با مجازات مصادره اموال مواجه شوند و از اخذ ویزا و مسافرت منع شوند، بلکه باید تحت پیگرد کیفری نیز قرار گیرند. با تأکید بر اهمیت پاسخگویی، ایالات متحده می‌تواند این پیام قاطع را منتقل کند که در برابر گروگانگیری علیه شهروندان خود ساکت نخواهند ماند. علاوه بر این، این اقدام به عنوان یک هشدار جدی برای عوامل رژیم خواهد بود و آنها را از مشارکت بیشتر در چنین جنایاتی منصرف می‌کند.

۵. استفاده از گذرنامه‌های آمریکایی برای سفر به ایران یا از طریق ایران را ممنوع کنید

دلایل زیادی برای سفر به کشور زیبای ایران وجود دارد؛



گروگانگیری دیپلمات‌ها و کارمندان سفارت آمریکا در تهران / ۱۳ آبان ۱۳۵۸

«زندانی» پرهیز کنند.

علاوه بر این، ضروری است که کشورهای غربی جمهوری اسلامی را به عنوان رژیمی که درگیر گروگانگیری است، به رسمیت بشناسند و اعلام کنند. این به رسمیت شناختن باید در بحث‌ها و گفتگوهای پارلمانی صورت گیرد و عملاً فشار سیاسی بر رژیم ایران را تشدید کند. کشورهای غربی با استفاده از اصطلاحات دقیق و به رسمیت شناختن این موضوع می‌توانند وخامت اوضاع را برجسته کرده و موضع خود را در برابر این عمل غیرقابل قبول بیشتر تقویت کنند.

۷. حمایت مالی و لجستیک بیشتری برای خانواده‌های گروگان‌ها ارائه شود

همانطور که در دستورالعمل سیاست ریاست جمهوری مورخ ۲۰۱۵ ذکر شده، «دولت ایالات متحده آمریکا باید به منظور برقراری ارتباط بهتر و شفاف‌تر بین سازمان‌های دولتی ایالات متحده و خانواده‌های گروگان‌های آمریکایی، و ارائه اطلاعات به‌روز به آنان میزان مراددهی خود را با آنها بطور قابل توجه افزایش دهد.» با این حال، بسیاری از خانواده‌های ایرانی-آمریکایی که در ایران به گروگان گرفته شده‌اند، نسبت به سطح حمایت دولت ایالات متحده از آنها ابراز نگرانی و ناراحتی می‌کنند. برای مثال، خانواده‌های جمشید شارمهد و شهاب دلیلی پس از چندین سال بی‌توجهی از سوی دولت آمریکا مجبور به تحصن در مقابل وزارت امور خارجه در واشنگتن دی‌سی شدند تا امکان جلسه‌ای ساده با مقامات دولتی برقرار کنند. همانطور که در گزارش مجلس عوام بریتانیا تأکید شده است «خانواده‌ها هرگز نباید احساس کنند که تنها راهی که دولت پرونده آنها را در اولویت قرار می‌دهد این است که متوسل به رسانه‌ها و پارلمان شوند.»

است و به استراتژی ثابت بازداشت غیرقانونی اتباع خارجی ادامه می‌دهد، غلبه کند. خطر بازداشت غیرقانونی و عواقب آن از جمله شکنجه فیزیکی و دادن اهرم فشار به رژیم برای گرفتن امتیازاتی مانند رفع تحریم‌ها و میلیاردها دلار از کشور افراد زندانی، بهای زیادی برای پرداختن است. از آنجا که ایالات متحده و متحدانش همواره بهای کسانی را که در سفر به ایران بازداشت شده‌اند می‌پردازند، چنین اقداماتی برای حفاظت از جان بی‌گناهان و هزینه‌های سیاسی نالازم بسیار ضروری است.

در حالی که بیشتر گروگان‌های جمهوری اسلامی مرتبط با افراد دوتابعیتی است که با گذرنامه ایرانی سفر می‌کنند، ایالات متحده همچنین می‌تواند با غیرقانونی کردن استفاده از گذرنامه‌های آمریکایی برای سفر به ایران یا از طریق ایران، از سفر آمریکایی‌های غیرایرانی به ایران جلوگیری کند. این امر از موارد مشابه بازداشت آمریکایی‌ها مانند ژبو وانگ و مایکل وایت جلوگیری می‌کند. ایالات متحده پس از بازداشت و مرگ دلخراش اتو وارمبیر توسط کره شمالی، اقدام مشابهی انجام داد و استفاده از گذرنامه‌های آمریکایی به کره شمالی را ممنوع کرد؛ سیاستی که در اوت ۲۰۲۳ برای یک سال دیگر تمدید شد. این اقدام علاوه بر پیامدهای عملی و در معرض آسیب قرار دادن کمتر شهروندان آمریکایی توسط رژیم، ضربه بیشتری به اعتبار جمهوری اسلامی وارد می‌کند و آنها را در ردیف رژیم‌های سرکش همچون کره شمالی قرار می‌دهد.

۶. جمهوری اسلامی را بطور رسمی به عنوان حکومت گروگانگیر اعلام کنید

توجه رسانه‌های عمومی و افکار عمومی نقش مهمی در معادلات گروگانگیری توسط جمهوری اسلامی ایفا می‌کند



عکس هفته | زندگی بی‌گناهان در دست بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی

در ۱۲ آبان ۱۴۰۱ در پی سرکوب اعتراضات مردمی، روح‌الله عجمیان از نیروهای سرکوبگر توسط افراد ناشناس به قتل رسید. از میان ۱۵ نفر افراد دستگیر شده، محمد (کیان) حسینی و محمدمهدی کرمی به عنوان متهمان ردیف اول و دوم در ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۱ اعدام شدند. برادر روح‌الله عجمیان در سالگرد قتل او اعلام کرده است که این دو نفر نقشی در قتل برادرش نداشتند!